



نام کتاب: فصلنامه تدابیر ولایت شماره ۲ (تربیتی و معنوی ، جلد اول)
تنظيم و نشر: نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها
ویراستار: محمدرضا شاهسون ، مهدی پور ساعی
طراحی و صفحه آرایی: اکبر یگانه ، میثم ابراهیمی
ناشر: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۸

فصلنامه ندابپر ولاپت

شماره ۲:

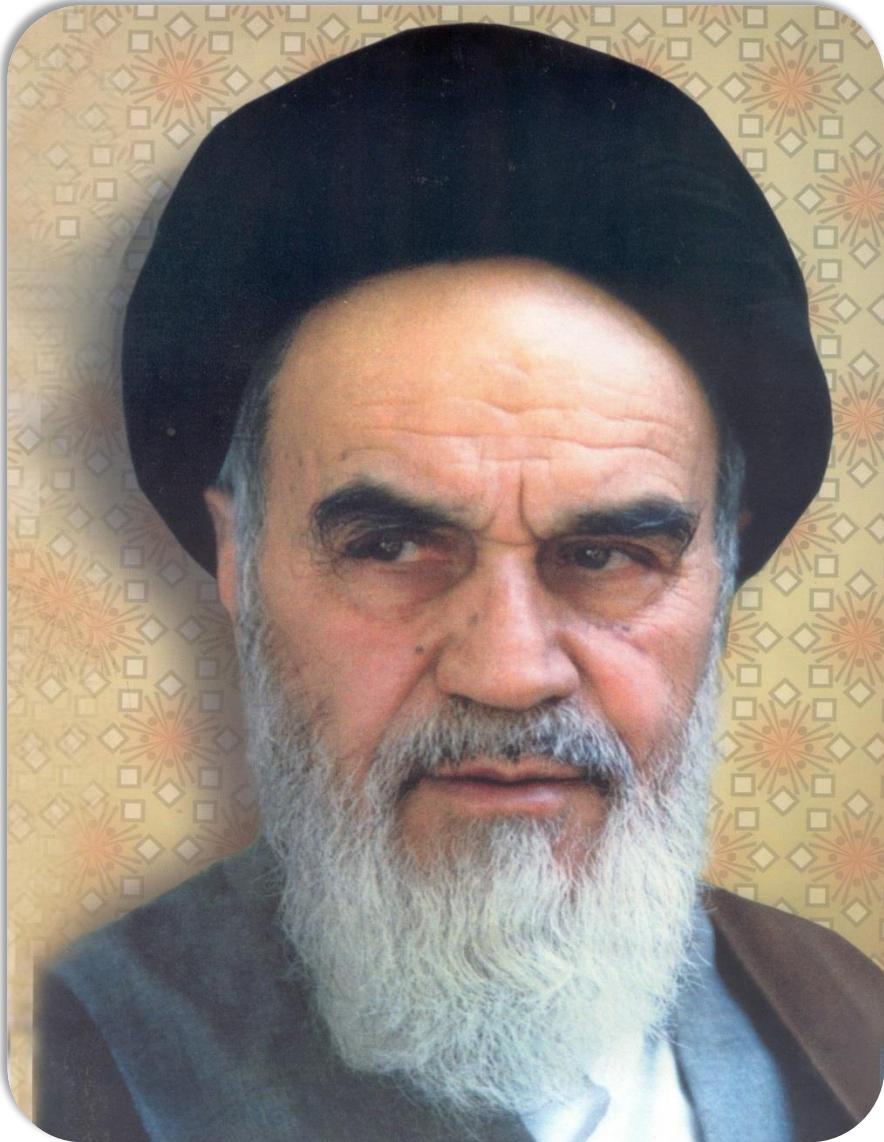
تدابیر تربیتی و معنوی، جلد اول



مانندگی ولی فقہه در ساه
پ

دفتر تأیید شرعی صوابط و برنامه ها

تبرستان سال ۱۳۹۸



با کمال وقت، در تطبیق قوانین و تسمیات شورایی سپاه پاسداران

با احکام اسلام کوشش نمایید. (۱۳۶۰/۹/۳)



کلیه مقررات و صوابطی که در داخل سپاه تهیی و تدوین می‌شود

باید از نظر احلاق با موافقین شرعی، به تأیید نمایندگی برسد. (۱۳۶۹/۴/۵)

فهرست مطالب

۱	مقدمه :
۲	فصل اول :
۳	نقش آفرینی حوزه های علمیه و روحانیت.
۱۷	فصل دوم :
۱۸	حرکت حول محور ولایت فقیه.
۱۹	فصل سوم :
۱۹	تعویت روحیه شکیبایی ، ایثار و شهادت طلبی
۳۹	فصل چهارم :
۳۹	تعمیق تفکر بسیجی
۵۱	فصل پنجم :
۵۲	اعتالی فرهنگ قرانی
۶۶	فصل ششم
۶۶	اندیشه و تفکر معنوی امام خمینی(قدس سرہ)
۹۲	فصل هفتم :
۹۲	تحول دینی و انقلابی (در نیروهای مسلح)
۱۱۵	فصل هشتم :
۱۱۵	ویژگی های پاسداری
۱۲۵	فصل نهم :
۱۲۵	استحکام خانواده و تربیت فرزندان
۱۳۷	فصل دهم :
۱۳۷	وظیفه معنویت افزایی روحانیون
۱۴۸	فصل یازدهم :
۱۴۸	اهتمام به نقش تربیتی قرآن

مقدمه :

فصل اول:

نقش آفرینی حوزه های علمیه و روحانیت

مهمنترین ویژگی عالمان روحانی در جامعه

جایگاه و شأن روحانی و عالم دینی، ادامه شأن انبیاء و افتخار بزرگی برای روحانیت است. مسئولیت چنین جایگاهی قطعاً همطراز مسئولیت انبیاء است و علمای دین و روحانیت باید همان وظایف را که درجهٔ اقامه قسط و عدل در جامعه بوده است، با قبول سختی‌های آن انجام دهند ... طرفداری همیشگی روحانیت از محروم‌مان و مستضعفان و ملجم‌مان بودن، یکی از ویژگیهای مهم روحانیت است ... پدیده مهم دیگری که در طول دو قرن اخیر در روحانیت مشهود است، حضور علمای دین در رهبری و اتاق فکر تحرکات ضد استعماری و ضد بیگانه است که از فتوای میرزا شیرازی در تحریم تباکو آغاز می‌شود ... پیروزی انقلاب اسلامی در واقع نتیجهٔ مجاهدت روحانیت و عمل به مسئولیت سنگین خود در طول تاریخ بود که امام خمینی رضوان الله تعالیٰ علیه توансست با استفاده از این ذخیره ارزشمند و پشتونه مردمی، بزرگترین تحول تاریخی را در ایران به وجود آورد ... و یکی دیگر از ویژگی‌های بارز روحانیت، پاسخگویی به نیازهای زمان است که در هر دوره‌ای با شناخت صحیح نیازهای جامعه، پاسخ مناسب به آن را داده‌اند. (گزارش خبری) ۸۶/۲۶

روحانیت باید با حفظ استقلال خود ضمن تعامل با حکومت، به نقد مشقانه همت گمارد

لازم‌هه حفظ جایگاه و شأن روحانیت، حفظ استقلال آن می‌باشد اگر چه در دوره کنونی همسو بودن روحانیت با حکومت یک نعمت است، اما روحانیت و حوزه‌ها باید استقلال و نقش خود را بعنوان یک راهنمای مرشد حفظ کنند و هر جا که لازم بود، یک متقدِ دلسوز و غیرمدعی باشند، امروز روحانیت با حکومت همسو است و این یک نعمت بزرگ است و نباید آنرا به نقمت تبدیل کنیم. اگر استقلال حوزه‌ها سلب شود و

حوزه‌ها دولتی شوند، و اگر روحانیت جزء تشکیلات حکومتی شد، این نعمت به نقمت تبدیل می‌شود. ما نمی‌گوییم روحانیت نباید با حکومت تعامل داشته باشد، بلکه معتقد‌دیم آنجا که لازم است روحانیت متقدد باشد، باید به عنوان متقددی دلسوز نقش ایفا کند. (گزارش خبری) ۸۶/۲/۲۶

ایجاد تعامل میان نحله‌های فکری توسط حوزه‌های علمیه

حوزه علمیه مشهد بعد از حوزه علمیه قم، دومین حوزه و یکی از مراکز عمده حوزه‌های شرق کشور است و باید نحله‌های فکری و معروف این حوزه تعامل خوبی با یکدیگر داشته باشند. (گزارش خبری) ۸۶/۲/۲۶

توفیقات روحانیت، در گرو تحصیل توأمان علم و پارسایی است

عقیده راسخ دارم که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برخاسته از وجهه مردمی و عمیق علماء در طول تاریخ بود و این وجهه را علما به خاطر علم و پارسایی پیدا کردند و ما هم باید علم خودمان را تأمین کنیم و هم پارسا باشیم که این دو، لازمه توفیقات آینده روحانیت است. (گزارش خبری) ۸۶/۲/۲۶

ایجاد تحول آموزشی و تجهیز حوزه‌های علمیه به سلاح‌های نرم افزاری

جمع علم، دین و پارسایی در حوزه‌های علمیه، منشأ یک هویت بی نظیر در حوزه‌های محور اصلی در حوزه، طلبه است. از جمله ویژگی‌های بارز حوزه‌های علمیه، عشق، احترام و خضوع شاگرد به استاد و در عین حال جسارت علمی شاگرد در مباحث علمی در مقابل استاد است، باید برای تحول صحیح در مسائل آموزشی و متون درسی حوزه‌ها برنامه ریزی شود. برخورد با بدعت‌ها، خرافه‌ها، ضلالت‌ها و بعضی بساطه‌های مرید پروارانه و دغل پردازانه از وظایف روحانیت است، روحانیت باید به سلاح روز مجهز شود. سلاح‌های نرم افزاری بسیار مهم‌تر از سلاح‌های سخت افزاری است. ذهنیت امروز بشر در دنیا ذهنیت عقل‌گرایی تجربی است که روحانیت باید با استدلال و برهان ثابت کند که این مسئله درست نیست. مگر عقل تجربی چقدر ظرفیت دارد که بتواند همه مسائل بشری را درک کند. در مسائل دینی نیز مدام نگوییم تعبد، تعبد، بلکه باید فرد را با استدلال قانع کنید.

(گزارش خبری) ۸۶/۲/۲۶

در زمینه منبر و اهمیت تربیت مبلغ برنامه ریزی کنید

در زمینه‌ی منبر هم که آقایان گفتند، این از آن حرف‌های همیشگی بندۀ است، جزو

ترجیع بندهای همیشگی حرف ما، همین مسئله‌ی تجلیل و تعظیم منبر است و اهمیت منبر و تربیت مبلغ خیلی خوب، این گوی و این میدان. بروید مشغول بشوید، برنامه‌ریزی کنید، کار را شروع کنید، برنامه‌ی محکم و متقنی برایش درست کنید، شروع کنید. البته مشکلات خیلی زیاد دارد، حالا وارد کار که شدید، با مشکلات یواش یواش آفایان آشنا می‌شوند. ولیکن من معتقدم از همه‌ی این مشکلات، شما می‌توانید با نیروی جوانی و با نیروی عزم و اراده و با ایمانی که دارید، عبور کنید. ۸۶/۹/۸

رویش خجسته‌ی حوزه علمیه باید گسترش یابد

رشد و تقویت استخوان بندی و بنیه علمی حوزه‌ها امری ضروری است رویش مبارکی که در حوزه علمیه مشاهده می‌شود، این رویش خجسته، باید گسترش و توسعه یابد به گونه‌ای که پس از مدت زمانی مشخص، در همه شهرهای کشور، مجتهدینی با تراز بالا برای گسترش دانش دین حضور داشته باشند که این کار نیاز به تقویت توان علمی حوزه‌ها دارد. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۲

ضرورت وسیع نگری روحانیان

وسیع نگری، از دیگر نیازهای روحانیان و حوزه‌های علمیه است، اگر روحانی از وسیع نگری برخوردار نباشد مصاديق واقعی احکام و اوامر الهی را نمی‌شناسد و این آیات سعادت بخش را در ابعادی محدود و کوچک، منحصر می‌سازد، مصادق کامل و تمام امر به معروف، ایجاد جامعه و حکومت اسلامی و مصادق کامل نهی از منکر، نهی از یک جامعه طاغوتی است اما در صورت فقدان وسیع نگری، این حکم عظیم خداوند، در مسائل جزیی خلاصه خواهد شد. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۲

ضرورت آگاهی طبله از مسائل داخلی و جهانی

روحانی مفید، یعنی روحانی بصیر چرا که اگر بصیرت نباشد، شخص در تشخیص جایگاه خود و موقعیت دشمن، اشتباه می‌کند و همانگونه که متأسفانه در مسائل سیاسی، دینی و اجتماعی بارها اتفاق افتاده است، جبهه خودی را مورد حمله قرار می‌دهد، طبله نمی‌تواند و نباید فقط به مطالعه در حجره بستنده کند بلکه بسیار مهم و ضروری است که از مسائل داخلی و جهانی، جریان‌های سیاسی، منفذهای احتمالی نفوذ دشمن و دیگر

مسائل مهم، به خوبی آگاه باشد. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۲

روحانیان باید برای سطوح مختلف فکری حرشهای نو و جذاب داشته باشند

نماید فقط با اکتفا به ظاهر افراد، آنها را بسیار نیاز و بسیار اعتنا به دین فرض کرد بلکه باید آحاد مردم را مخاطبان روحانیت دانست و برای تبلیغ دین در میان آنان آمادگی های لازم را کسب کرد. مردم امروز نیز به «قرآن و دین و روحانیت» علاقه مندند و روحانیان باید با اتکا نکردن به حرشهای تکراری برای همه قشرها و سطوح مختلف فکری، حرشهای نو و جذاب داشته باشند، بازخوانی مکرر و تفکر در آثار و افکار استاد شهید مرتضی مطهری برای مبلغان و طلاب، لازم و واجب است. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۲

روحانیت باید به گونه ای عمل کند که مردم حرص نزدن درباره دنیا را در رفتار او کاملاً مشاهده کنند.

روحانیت باید به گونه ای عمل کند که مردم حرص نزدن درباره دنیا را در رفتار او کاملاً مشاهده کنند و دستیابی به این خصوصیت نیازمند تهذیب و افزایش معنویت است. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۲

طلاب باید سطح علمی را به نقطه درخشانی برسانند

استان یزد، دارالعِباده و دارالعلم است؛ یزد خاستگاه علم دین بوده است و روحانیت و طلاب باید سطح علمی آن را به نقطه درخشانی برسانند که از گذشته تا امروز ما به آن افتخار می کنیم. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۲

فقه استخوان‌بندی و در واقع ستون فقرات زندگی اجتماعی است

[صحبت شد از] تخصص‌گرایی؛ چند نفر از آقایان -بخصوص یکی دو نفر از آقایان به تفصیل - راجع به تخصص‌گرایی بحث کردند. خوشبختانه این کار -[یعنی] فقه‌های تخصصی - در قم شروع شده؛ البته در مورد فقه حرف خیلی زیاد است، فقه‌خیلی اهمیت دارد؛ یک عده‌ای خیال می کنند فقه، چون اسمش فروع دین است یعنی کارهای فرعی؛ نخیر، فقه استخوان‌بندی و در واقع ستون فقرات زندگی اجتماعی است؛ فقه این است، متکفل این است. حالا اگر ما به خیلی از بخش‌هایش توجه نمی کنیم، نقص از ما است و الا فقه یعنی اداره‌ی زندگی، یعنی تبیین نظام زندگی اجتماعی و سیاسی. بالاخره اینکه ما در این زمینه تخصص‌گرایی کنیم و تخصص‌ها را هر چه ریزتر کنیم، البته فکر خیلی خوبی است، دارد هم می شود، متها غفلت نشود از برخی از عیوب تخصص. سال‌ها است عده‌ای از متفکرین

در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که تخصصی شدن در کنار منافعی که دارد، مضاری هم دارد. برخی از علوم بین‌رشته‌ای و مانند اینها برای این است که این نقص‌ها را جبران کند؛ شما هم اگر چنانچه دنبال تخصص می‌روید، باید به این نکته توجه کنید که تخصص خوب است اما در کنارش ممکن است عیوبی هم داشته باشد که باید به آن برسید. اشاره شد به تشکیل یک قرارگاه برای شناسایی؛ خب قرارگاه نمی‌خواهد تشکیل بدھیم، همین حوزه قرارگاه است، همین مجموعه‌ی مدیریت حوزه، خودش قرارگاه است دیگر؛ دائم تشکیلات درست کردن در کنار هم، طبق تجربه‌ی ما خیلی کارآمد نیست.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه ۱۸/۰۲/۹۸

حضور خانم‌های طلبه، در اجتماعات زنان خیلی مغتنم است

یک مطلب دیگری که به نظرم مهم است، سؤال یکی از این خانم‌های فاضل بود که جایگاه اجتماعی طلاب خواهر کجا است؟ بله، واقعاً سؤال بجایی است؛ البته به طور اجمال می‌دانیم. این خانم‌های طلبه وقتی درس طلبگی می‌خوانند و ما این همه فاضل زن داریم، حضور اینها در بین خانواده‌ها، در اجتماعات زنان خیلی مغتنم است. یک روز یک بانوی اصفهانی بود، ملای خوبی بود و در علوم عقلی و مانند اینها بیشتر تخصص داشتند، خانم محترمی بود؛ مرحوم آقای طباطبائی دیدن ایشان رفته بودند، با ایشان ملاقات کرده بودند، مباحثه کرده بودند و مانند اینها؛ و خب افتخار می‌کردیم که یک بانوی فاضله‌ی عالم‌های داریم؛ حالا چند ده هزار طلبه‌ی فاضل [داریم] که بینشان تعداد زیادی فضلاًی برجسته هستند- چه در زمینه‌ی علوم عقلی، چه در زمینه‌ی فقه و بقیه‌ی دانش‌های رایج حوزه- [این] خیلی چیز مهمی است؛ [باید] جایگاه اینها معلوم بشود.

و این آخر هم یکی دیگر از خانم‌ها پیشنهادهایی در همین زمینه داشتند که آنها هم مهم است، [از جمله اینکه] ظرفیت‌هایی که در طلاب خواهر هست، به رسمیت شناخته بشود و در مراکز گوناگون فرهنگی و فکری و مانند اینها، در این کمیسیون‌ها، کمیته‌ها، شوراهای در مراکز رسمی از اینها استفاده بشود؛ این به نظر من جزو کارهای مهمی است که در حوزه باید انجام بگیرد. ما هم اگر از لحاظ اجرائی کمکی لازم باشد بکنیم، حرفی نداریم؛ این کار، کار ما نیست، کار حوزه است؛ متها ما می‌توانیم از لحاظ اجرائی سفارش کنیم، کمک

کنیم، که می کنیم اگر مطلبی برسد.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

امروز وظیفه‌ی حوزه‌های علمیه از گذشته سنگین‌تر است

یکی دیگر از مطالبی که آقایان گفتند «فاصله بین ادراک حوزویان» [بود؛ نه، الحمد لله] مظہر ادراک حوزویان همین شماها هستید؛ همین شما، حوزه‌ی مشهد، حوزه‌ی اصفهان، حوزه‌ی تهران، بعد مرکز هم حوزه‌ی قم؛ سطح ادراکی حوزه همین هایی است که شماها دارید بیان می کنید. البته همه جا اختلاف نظرهایی وجود دارد، اختلاف سطوحی وجود دارد؛ آن به جای خود، علاج خودش را دارد، لکن به نظر من خیلی خوب است. به هر حال، دوستان مطالب خوبی را بیان کردند. من خواهش می کنم این نوشته‌هایی که آقایان دارند، همه را به ما بدهند؛ یعنی چون دیدم همه از روی نوشته می خوانند- این کار خوبی هم هست- همین نوشته‌هایی که آقایان نوشته‌اند، اینها را به ما بدهند؛ آقایان حوزه هم روی اینها فکر کنند، کار کنند و ما هم مطلع باشیم و در جریان باشیم که این کارها چیست. مطلبی که بنده می خواهم عرض بکنم و یادداشت کرده‌ام که بگوییم، نکته‌ی اوّلش این است که عزیزان! بداین امروز وظیفه‌ی حوزه‌های علمیه از گذشته سنگین‌تر است. علّت هم این است که امروز نیاز و قبول بیشتر از گذشته است؛ هم نیاز بیشتر است، هم قبول بیشتر است. امروز اقبال به مفاهیم پر جسته و عالی دینی در بین جوانان- نه فقط جوانان ما، جوانان دنیا اسلام و بلکه جوانان خارج از دنیا اسلام- وجود دارد. حالا مبالغه نمی خواهیم بکنیم، [اما] در کشورهای اسلامی، در بعضی از جاها واقعاً اقبال فراوان است، در بعضی جاها کمتر است لکن وجود دارد؛ در غیر کشورهای اسلامی هم همین جور؛ مثلاً ما یک نامه‌ای نوشتم به جوانان کشورهای غربی؛ خب اقبال شد یعنی در یک مواردی بازخورده شد. [البته] بعضی‌ها مبالغه کردند که این پخش شد، چنان شد؛ نه، آن جوری نبود، اما به آن توجه شد، پاسخ داده شد؛ به ما پیغام دادند، نامه دادند، نوشته دادند. این نشان‌دهنده‌ی این است که این حرف‌ها مستمع دارد، طالب دارد. لذا نیاز به مفاهیم عالی حوزه امروز زیاد است، قبول هم زیاد است.

شاید [در میان] کسانی که مثلاً صد سال پیش زندگی می کردند، ایمان‌های قرصی در بین مردم متدين وجود داشت لکن جلوه‌ی عملی نداشت. شما ملاحظه کنید شیخ فضل الله رضوان الله تعالى عليه با آن عظمت را، ملائی به آن بزرگی را، اینجا وسط تهران به دار کشیدند، نوری

آن کسی هم که او را به دار کشید یک ارمنی بود - یک افسر ارمنی ایرانی؛ یعنی غیر مسلمان بود - عاده‌ای هم گوشه کنار یک اشکی ریختند، اما هیچ حرکتی انجام نگرفت؛ با اینکه آن وقت رضاخانی هم سر کار نبود که حالا بگوییم مثلاً حکومت دیکتاتوری آنچنانی ای بود؛ یعنی تحرک وجود نداشت. حالا این را مقایسه کنید با این شهید طلبه‌ی همدانی ما؛ یک طلبه‌ی همدانی، در خیابان با مظلومیت به شهادت رسید؛ شما دیدید همدان چه غوغایی شد برای تشییع او! چه انعکاسی در ایران پیدا کرد؟ همه احساس همدردی کردند، همه احساس علاقه کردند؛ اگر آن جنازه‌ی مطهر در تهران یا در مشهد یا در اصفهان یا در تبریز تشییع می‌شد، همین جور اجتماع عظیمی به وجود می‌آمد؛ امروز مردم این جوری هستند. حالا یک عاده‌ای تبلیغ می‌کنند که مردم از دین فاصله گرفته‌اند؛ نخیر، به هیچ وجه این جوری نیست. ما آن زمان را هم دیده‌ایم، آن زمان هم طلبه بودیم.

بعضی آقایان تبلیغ می‌کنند که روحانیت بعد از تشکیل جمهوری اسلامی سقوط کرد؛ ابداً، این حرف‌ها چیست؟ [آن دوران] روحانی را در کوچه و خیابان مسخره می‌کردند. بنده در ایستگاه راه آهن مشهد [ایستاده بودم که] چند نفر جوان رد می‌شدند، به طور علنی و صریح - آن وقت بنده یک طلبه‌ای بودم، مدرّس رسائل و مکاسب بودم در حوزه‌ی مشهد - بنا کردند اهانت کردن به ما، مسخره کردن، هر هر خندیدن؛ چه کار می‌توانستیم بکنیم؛ با خودم گفتم که این ممکن است سواد خواندن و نوشتن درست هم نداشته باشد [اما] من مدرّس حوزه‌ام؛ این وضعیت نظم اجتماعی آن روز [بود]. امروز با این همه حمله‌ای که علیه روحانیت دارد می‌شود در دستگاه‌های تبلیغاتی و مانند اینها، بینید [استقبال] مردم را، بینید نمازهای جماعت را، بینید پای منبرها را؛ هیچ وقت، هیچ وقت در هیچ شهری، در هیچ جلسه‌ی منبری، اجتماعاتی که امروز پای این منبرها شما مشاهده می‌کنید وجود نداشت - نه اینکه [اصلاً] وجود نداشت؛ یک‌دهم این هم وجود نداشت - در مشهد، اصفهان، تهران، و جاهای دیگر؛ ما خب در مجالس بودیم؛ هم خود ما منبر می‌رفتیم، هم منبرهای بزرگ را می‌دیدیم؛ این اجتماعاتی که امروز پای منبرها تشکیل می‌شود، که غالباً هم جوانند، وجود نداشت؛ نمازهای جماعت همین جور، وجوهات [همین جور]؛ پول ملاک خوبی است دیگر! امروز وضع مردم هم از لحاظ مالی خوب نیست اما می‌آیند وجوهات می‌دهند؛ به ما، به

مراجع دیگر و جوهرات می دهند؛ یعنی مردم متدينند، در میدان دینند؛ این حرف ها چیست؟ روحانیت محترم است، روحانیت مورد اعتماد است. اينها واقعیاتی است که وجود دارد. خب سیاهنامی و حرف های بی ربط هم علیه همه ای این حرف ها گاهی زده می شود؛ بدون تحقیق میدانی، بدون ملاحظه، بدون هیچ معیار و ملاک علمی، یک چیزهایی گفته می شود که حرف های غلطی است، یک عده هم باور می کنند؛ لکن واقعیت این است که بنده عرض کردم و این، آن وقت وظیفه حوزه ها را سنگین می کند.

بیانات در دیدار طلاب حوزه های علمیه ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

حوزه عبارت است از مرکزی که عالم دین پرورش می دهد

پس بینید! ما یک مسئله داریم [با عنوان] هویت حوزه، چیستی حوزه، حوزه چیست؟ حوزه عبارت است از مرکزی که عالم دین پرورش می دهد، که عالم دین آن کسی است که معارف دین را فرامی گیرد و برای تحقق آن وارد میدان می شود. فرق هم نمی کند که این عالم دین در رشته‌ی فقه تخصص پیدا کرده باشد یا در رشته‌ی فلسفه تخصص پیدا کرده باشد یا در رشته‌ی کلام تخصص پیدا کرده باشد؛ تفاوتی نمی کند. امام بزرگوار ما فقیه بزرگی بود؛ انصافاً ایشان فقیه برجسته‌ای بود اما در عرفان نظری [هم] ایشان یک مجتهد به تمام معنا و صاحب نظر [بود]. یا استاد ایشان مرحوم شاه‌آبادی؛ امام یک وقتی به خود بنده فرمودند «شما خیال نکنید که آقای شاه‌آبادی در کار مبارزات نبود؛ چرا، ایشان مبارزه می کرد». حالا تعبیر ایشان یاد نیست؛ به نظرم یک جایی یادداشت کردم که مرحوم شاه‌آبادی، عارف آنچنانی، به امام گفته بود که «اگر من یاوری داشتم، خروج می کردم»؛ قریب به این الفاظ، به این مضمون. خب، پس هویت حوزه‌ی قم و حوزه‌های دیگر این است؛ این شاکله‌ی اصلی حوزه است؛ همه‌ی کارهایی که در حوزه انجام می گیرد باید با این نگاه انجام بگیرد. این تخصصی که شما می گویید، این نظاماتی که شماها مطالبه می کنید، این پیشنهادهایی که در مورد ظرفیت‌شناسی و امثال اینها گفتید، [این] حرف های بسیار خوب همه باید در این چهارچوب و با این نگاه انجام بگیرد.

بیانات در دیدار طلاب حوزه های علمیه ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

زمینه فعالیت حوزه فقط دین نیست

در زمینه‌ی مسائلی که ارتباط مستقیمی با دین ندارد، مثل علوم طبیعی و مانند آن که مستقیماً ارتباطی با زیربنای فکری دینی ندارد، جهت‌گیری اینها را هم حوزه بایستی معین

کند؛ یعنی جهت‌گیری حرکت علمی را حوزه‌ها باید معین کنند، چون این کارِ دین است؛ دین است که به علم جهت می‌دهد. علم می‌تواند در خدمت بشر باشد، می‌تواند علیه بشر باشد؛ می‌تواند در خدمت عدالت باشد، می‌تواند در خدمت ظالمین و مستکبران طواغیتِ عالم باشد؛ کما اینکه الان هست. این جهت دادن به علم هم به عهده‌ی حوزه است.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

درس فقه را جدی بگیرید

یک نکته راجع به «درس خواندن» عرض می‌کنم: درس را جدی بگیرید؛ درس فقه را جدی بگیرید. ببینید! عالمِ دین می‌خواهد معارف اسلامی را به دست بیاورد؛ از کجا؟ از کتاب و سنت و عقل؛ این است دیگر؛ بخشی اش مربوط به عقل است، بخشی اش هم مربوط به کتاب و سنت و نقل است؛ خب باید بداند که چه جوری باید به دست بیاورد؛ این همان اجتهاد است. اجتهاد یعنی چگونگی استفاده‌ی این معارف از منابعش؛ یعنی مُثُل به تعبیر فرنگی که بنده اصرار دارم [استفاده] نکنم اما اینجا ناچارم- استفاده‌ی حقایق و معارف از منابعش؛ این اجتهاد است. خب این اجتهاد را اگر بخواهد انسان دارا بشود، باید تمرین کند، باید کار کند. این درس فقهی که شما می‌خوانید و لو طهارت باشد -حالا بعضی از طلبه‌ها می‌گویند: «آقا، چرا همیشه طهارت و صلات و مانند اینها؟»- فرقی نمی‌کند؛ آن چیزی که به شما این شیوه‌ی استنباط را یاد بدهد، مورد نیاز شما است. [این] گاهی در یک مسئله‌ی مربوط به طهارت است، گاهی در مسئله‌ی مربوط به صلات است، گاهی مسئله‌ی مربوط به بحث معاملات و اجاره و مانند اینها است؛ شما باید بدانید چه جوری استنباط کنید. اگر این طریقه‌ی استنباط را یاد گرفتید، آن وقت ارزش‌های اخلاقی را هم درست از کتاب و سنت استنباط می‌کنید؛ [نه] مثل بعضی از نیمه‌سوادها -حالا احترامشان کنیم، نگوییم بی‌سواد؛ نیمه‌سواد- که یک چیزی یا چهار کلمه‌ای یاد گرفته‌اند، راجع به مسائل دینی اظهار نظر می‌کنند، به یک آیه هم گاهی استناد می‌کنند؛ خب معنای این آیه این نیست؛ این به خاطر ضعف در فهم آیه و استنباط از آیه است، و به خاطر همین است که اجتهاد وجود ندارد. پس درس خواندن برای مجتهد شدن لازم است؛ البته من نمی‌گویم همه باید مجتهد بشوند -در واقع یک واجب کفایی است- یک عده هم ممکن است نیاز به مجتهد شدن نداشته باشند، اما

برای فراغیری معارف اسلامی اجتهاد لازم است. این یک نکته که درس را باید خوب خواند. طلبه‌ی روش‌فکر امروزی حق ندارد بگوید که «آقا، ول کن این حرف ها را، [این] درس ها را»؛ نه، باید درس خواند؛ بی‌مایه [فطیر است]. زمان مبارزات که ما مثلاً مکاسب می‌گفتیم، کفاشه می‌گفتیم، بعضی از طلبه‌های پُرشور داغ دُور و بَر ما بودند در مشهد که واقعاً هم مبارزه می‌کردند، [اما] گاهی می‌شتفتم می‌گویند «آقا، این چیست؟»؛ من به آنها می‌گفتم اگر [این بحث ها را] نکنید، بعد نمی‌توانید به درد نظام اسلامی بخورید، نمی‌توانید استفاده کنید، نمی‌توانید به مردم چیزی یاد بدهید. این است که درس خواندن، یک مسئله است.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

در جهت‌گیری‌های فکری اختلافات را باید مدیریت کرد

یک مسئله این است که در حوزه ممکن است در مسائل گوناگون اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ در مسائل علمی که اختلاف نظر هست، در جهت‌گیری‌های فکری که اختلاف نظر هست، در زمینه‌های سیاسی هم اختلاف نظر ممکن است باشد؛ این اشکال ندارد؛ اختلافات را باید مدیریت کرد. مواضع باشید اختلاف نظرها به درگیری و تشنج و ناخن زدن به چهره‌ی یکدیگر نینجامد! ما در گذشته در سنت حوزه‌های خودمان داشته‌ایم که حالاً من آخرین موردش را که بخواهم عرض بکنم، مرحوم حاج شیخ مجتبی^۱ قزوینی (رضوان الله علیه) است که ملای بر جسته‌ی بزرگی در مشهد بود، ضد فلسفه و عرفان. بنده خودم جزو ارادمندان ایشان بودم و هستم؛ مرد واقعاً بزرگی بود اما سلیقه‌ی علمی ایشان این بود: درست ضد فلسفه و ضد عرفان که کتاب هم در این زمینه نوشته بود، تدریس هم می‌کرد؛ جزو بر جسته‌ترین شاگردان مرحوم آمیرزا مهدی اصفهانی بود؛ و امام بزرگوار، مغز فلسفه و عرفان بود، لب فلسفه و عرفان بود؛ خب اینها خیلی با هم فاصله دارند، یعنی درست بکلی در دو قطب یک طیف قرار دارند. وقتی که مبارزات شروع شد و امام نشان داد که رهبر این مبارزه است -امام از روزهای اوی مبارزه این را اثبات کرد- این آقای حاج شیخ مجتبی^۱ قزوینی با همه‌ی این اختلافاتی که داشت، بلند شد از مشهد و یک جماعتی را هم با خودش برداشت، آمدند دیدن امام در قم؛ آمدند اظهار ارادت به امام کردند. تا وقتی هم ایشان زنده بود سال ۱۳۴۶ ایشان از دنیارفت-پای انقلاب بود، یعنی واقعاً امید ما طلبه‌های مبارز آن روز در مشهد به مرحوم حاج شیخ مجتبی^۱ رضوان الله تعالی علیه بود، با اینکه اختلاف سلیقه‌اش با امام این جوری بود.

مرحوم آمیرزا جواد آقای تهرانی ملای دیگری بود در رتبه‌های بعدی از همان جماعت مخالفین فلسفه و عرفان که ما خدمت ایشان درس هم خوانده بودیم. ایشان خوب نقطه‌ی مقابل بودند دیگر. ایشان قبل از انقلاب اظهار ارادت به امام می‌کرد. من خودم قبل از پیروزی انقلاب از ایشان شنیده بودم اظهار ارادت و علاقه‌ی به امام را؛ بعد از پیروزی انقلاب هم این آدم بلند شد رفت جنگ؛ پیرمرد هفتاد هشتاد ساله بلند شد، رفت لباس بسیجی پوشید و پای خمپاره [ایستاد] و مشغول جنگ شد؛ یعنی ما آدم‌های این جوری داشتیم. [یعنی] اختلاف فکری، در عین حال اتحاد به معنای واقعی کلمه؛ الله، فی الله، فی سبیل الله. در قدیم هم داشتیم؛ مرحوم صاحب حدائق اخباری -البته اخباری واقعاً ملأ؛ صاحب حدائق واقعاً ملأ است - و مرحوم آقا باقر بهبهانی، اصولی متخصص، فتح اصول و در واقع زنده‌کننده‌ی اصول در یک برده‌ای از تاریخ حوزه‌های علمیه‌ی ما؛ این دو نفر هر دو کربلا بودند، با هم مباحثات تند و زیادی داشتند. مرحوم صاحب حدائق وصیت کرد که [وقتی] از دنیا رفت، نماز من را آقا باقر بهبهانی بخواند و همین کار هم شد؛ ایشان از دنیا رفت، مرحوم آقا باقر بهبهانی نماز ایشان را [خواند]. یعنی این چیزها در حوزه وجود داشته. البته ضدش و خلافش هم بوده؛ تراحمات بیخودی، تعارض‌های بیجا، از اینها هم داشته‌ایم؛ اما برجستگان ما این جور بودند.

در حوزه از یک طرف طلبه‌های جوان باید ادب را، اطاعت را نسبت به بزرگان حوزه، نسبت به مراجع تقلید حفظ کنند، همین طور که در همین منشور روحانیت امام همین ها هست. آن بزرگان حوزه هم باید حلم را و تحمل را نسبت به جوان‌ها در نظر داشته باشند. از یک طرف حلم و تحمل لازم است، از یک طرف هم ادب و اطاعت لازم است.

فصل دوم :

حرکت حول محور ولایت فقیه

بیعتی که با امام و انقلاب کردیم ، این بیعت را باید پاس بداریم

معتقدیم این نسل کنونی کشور ما، توانایی های بی پایانی دارد. این نسل خیلی کارها می تواند بکند. ما هنوز نفس گرم امام را پشت سر کارهایمان داریم. آن اراده‌ی قوی، آن عزم راستخ، آن نگاه خدایی و حکمت‌آمیز به مسایل کشور و مسایل جامعه، هنوز در بین ما زنده است؛ به یک معنا امام زنده است. بیعتی که با امام کردیم، با انقلاب کردیم، این بیعت را باید پاس بداریم. آن کسانی که بیعت با امام را، بیعت با انقلاب را، بیعت با جمهوری اسلامی را می شکنند، به خودشان ضرر می زنند: «فمن نکث فانماً ینکث علی نفسة و من اوپنی بما عاهد عليه اللہ فسیؤتیه اجرًا عظیماً». این بیعت را ما باید حفظ کنیم، نگه داریم. ۸۷/۲/۱۲

بهره گیری از وصیت نامه و راهنمایی های امام

جوان ها و مسئولین باید به مستله‌ی توصیه‌های امام و صیت‌نامه‌ی امام به چشم یک دستورالعمل نگاه کنند. امروز قوای ثالثه و مسئولان گوناگون کشور اعم از نظامی و غیر نظامی و سیاسی و اجتماعی و خدماتی باید دستورالعمل کار خود را همین وصیت‌نامه‌ی امام و راهنمایی‌های امام قرار گیرد. عزت ملت ایران، امنیت پایدار ملت ایران، رشد و توسعه‌ی مادی ملت، اعتلای معنوی و اخلاقی ملت ایران در گرو عمل کردن

به این توصیه‌هاست. ۸۷/۳/۱۴

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۱

در زمینه‌های اجرائی، رهبری نباید وارد میدان بشود

یک مطلب دیگر [اینکه] به این حقیر نسبت داده‌اند مقابله‌ی با جوان‌های انقلابی را؛ این را شما باور نکنید. من با جوان‌های انقلابی هیچ وقت مقابله نمی کنم. جوان‌های جریان انقلاب، بخصوص جریان جوان انقلابی را بنده همیشه تأیید کرده‌ام، باز هم تأیید می کنم؛ البته معنایش این نیست که فرض کنید اگر یک تعدادی از جوان‌های انقلابی، یک وقتی یک عمل خلافی انجام دادند، یک عمل غلطی انجام دادند، آن را هم ما تأیید کنیم؛ نه. بنده هم یک روزی در این کشور جوان انقلابی بوده‌ام، عمری را در این زمینه گذرانده‌ام؛ من به خودم نگاه می کنم می بینم چقدر در کار من خطأ وجود داشته؛ خب جوان انقلابی هم ممکن است یک جا خطأ کند؛ آن خطأ را من تأیید نمی کنم اما جوان انقلابی را من حتماً تأیید می کنم.

اگر چنانچه چیزی در این زمینه نقل بشود، حتماً قبول نکنید و باور نکنید. یکی از دوستان گفتند تصویب بر جام را به رهبری نسبت داده‌اند؛ خب بله، اما شما که چشم دارید، ماشاءالله هوش دارید، همه چیز را می‌فهمید! آن نامه‌ای را که من نوشتم نگاه کنید، ببینید تصویب چه جوری است؛ شرایطی ذکر شده که در این صورت این [توافق] تصویب می‌شود. البته اگر چنانچه این شرایط و این خصوصیات اجرا نشد، اعمال نشد، وظیفه رهبری این نیست که بباید وسط و بگوید بر جام نباید اجرا بشود. [البته] خود این، یک مقوله‌ای است که وظیفه‌ی رهبری در این جور موقع اجرائی چیست؟ عقیده‌ی ما این است که در زمینه‌های اجرائی، رهبری نباید وارد میدان بشود و یک کاری را اجرا کند یا جلوی اجرای یک کاری را بگیرد، مگر آنجایی که به حرکت کلی انقلاب ارتباط پیدا می‌کند؛ آنجا چرا، وارد می‌شویم، اما در موارد دیگر نه. بنابراین نه، بر جام را به آن صورتی که عمل شد و محقق شد، بنده خیلی اعتقادی نداشتم و بارها هم به خود مسئولین این کار به آقای رئیس جمهور، به وزیر محترم خارجه، به دیگران- همین را گفته‌ایم و موارد زیادی را به آنها تذکر داده‌ایم.

فصل سوم :

تقویت روحیه شکیایی ، ایثار و شهادت طلبی

تقویت صبر و شکیایی در مقابل مصائب و سختی‌ها

یادگاران ایثار و شهادت؛ آن کسانی که شربت صبر در راه خدا را چشیدند؛ «وَبَشِّرِ

الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (بقره ۱۵۶-۱۵۴) در قرآن یکی از کم‌نظیرترین تعبیرات، این تعبیر است. صلوات و رحمت خدا بر آن صابران که مصیبت و حادثه‌ی گزنه را تحمل می‌کنند و با روی باز با آن مواجه می‌شوند. مادری که دسته‌گل عزیز خود را در طول سالیان دراز بزرگ کرده و به برگ و بار رسانده؛ پدری که آرزوی جوانی فرزند را در طول سالیان دشوار تربیت همواره در دل پرورانده، ناگهان خبر می‌شود که این جوان در جبهه‌ی جنگ به شهادت رسید؛ صبر می‌کند. خبر شهادت به همسر محبوب او می‌رسد؛ یار دوران‌های تلخ و شیرین زندگی و دل پیوند خورده‌ی با دل این زن، خیلی اینها سخت است؛ خیلی سخت است؛ اما مردم ما با بازترین چهره و شیرین‌ترین برخورد، این سختی‌ها را تحمل کردن. این گزافه نیست اگر بگوییم در هیچ ملتی و در هیچ جنگی، آزمایشی که ملت ما دادند، پیش نیامده است. خود جنگ یک داستان است، دنباله‌های جنگ - یعنی خانه‌های رزمندگان، خانه‌های شهیدان، خانه‌های جانبازان، خود آن جانبازان - یک داستان دیگری است؛ این داستان دوم گاهی از آن داستان اول گزندتر است. صبر پدر و مادر و همسر و فرزند در فقدان عزیزان در جبهه، گاهی دشوارتر از صبر خود آن رزمنده است در زیر گلوله‌های آتش‌بار دشمن.

۸۵/۸/۱۸

مراقبت از افق و چشم انداز نسل جوان به سوی رحمت و رضوان الله

«إِنَّ اللَّهَ اشترى من المؤمنين أنفسهم وَأَموالهم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه ۱۱۱)؛ این جان را خدای متعال با بهشت معامله می‌کند. «هی فلا تبعوها بغيرها»، مبادا این جان با ارزش انسانی را به غیر بهشت بفروشید. ارزش جان شما بهشت است. جان شما ارزشی به قدر بهشت دارد. آنچه که برای یک انسان اهمیت دارد...، موفقیت در این دنیا، چشم‌انداز خوب و در نهایت چشم‌انداز رضوان الله و بهشت الله است. این با مجاهدت به دست می‌آید، با صبر به دست می‌آید، با پرهیزگاری و پاکدامنی به دست می‌آید و با تلاش خستگی‌ناپذیر به دست می‌آید. در مقابل چالش‌هایی که دشمن آفریده، انسان سختی‌هایی را تحمل می‌کند؛ اما قرآن به ما می‌گوید از این سختی‌ها نترسید: «إِن تكُونُوا تَأْلِمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلِمُونَ كَمَا تَأْلِمُونَ» (نساء ۱۰۴)؛ اگر شما از ناحیه‌ی آسیب دشمن رنجی را تحمل می‌کنید، دشمن هم از ناحیه‌ی مقاومت، صبر و رشادت شمارنچ هایی را تحمل می‌کند؛ اما با این

فرق: «و ترجون من الله ما لا يرجون» (نساء ۱۰۴); چشم‌انداز برای شما چشم‌انداز روش است، اما برای دشمن نه. مسئله‌ی شهادت و مسئله‌ی جهاد در اسلام این است: تلاش از همه سو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه‌ای که به زندگی انسان معنا می‌دهد؛ جهت حرکت انسان را معین می‌کند؛ چشم‌انداز آینده‌ی زندگی را به عنوان یک ملت، چشم‌انداز روش و تابناکی می‌کند و چشم‌انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان یک فرد، رضوان الهی قرار می‌دهد.

۸۵/۸/۱۸

همه ثروت و قدرت این ملت در «ایمان»، «مجاهدت» و «استعداد انسانی» آن است

ملت عزیز ایران! شما مسلح و مجهز به ایمان و همت و استعداد و قابلیت انسانی هستید؛ این اساس ثروت این ملت با همت، با ایمان و با استعداد است. جوان ایرانی دارای قابلیت‌هایی است که از متوسط قابلیت‌های جوانان دنیا بالاتر است. متخصصان و کارشناس‌های ما به من می‌گویند در هر کاری از کارهای فنی و علمی که ما نیرو گذاشتمیم و مرکز شدیم، توانستیم آن کار را به بهترین وجه انجام دهیم؛ به توفیق و حوال و قوه‌ی الهی هم در مسائل فنی این‌طور است، هم در مسائل انسانی و اجتماعی، و هم در مسائل سیاسی. پشتوانه‌اش هم همین ایمان، وحدت و همبستگی شماست.

این ارتباط گرم و صمیمانه‌ی شما با مسئولان کشور است؛ این را نباید از دست داد. همت کار، همت تلاش و ایمان جوشنده‌ی شما مردم، شما را مثل کوه استوار کرده است. باید همین همت باقی بماند. ان شاء الله تمام آرمان‌های انقلاب به نتیجه برسد.

۸۵/۸/۱۹

عمل به تکلیف و به اهتزاز نگاه داشتن پرچم «لا اله الا الله»

آنچه همه‌ی ملت ایران و شما مردم عزیز باید بدانید، این است که در رویارویی میان اسلام، حرکت اسلامی و اردوگاو کفر و استکبار، سهم پیروزی‌های جبهه‌ی اسلام و ایمان، چندین برابر بیشتر از سهم پیروزی‌های جبهه‌ی مقابله است. مسئله، تنها مسئله‌ی ایران نیست؛ مسئله‌ی نهضت اسلامی است و ملت ایران پرچمدار این نهضت است. آن روزی که ما مردم ایران نهضت اسلامی را در این کشور آغاز کردیم، به قصد ایجاد یک نهضت جهانی نبود. دلسوزان، علاقه‌مندان و آگاهان، آنچه را که برای امر به معروف و نهی از

منکر و دفاع از حق و قیام در مقابل ظلم تشخیص می‌دادند، انجام دادند. و امام بزرگوار ما با رها گفته است، در هر موقعیتی آنچه را که احساس وظیفه می‌کرد، آن را انجام می‌داد و در راه آن قدم بر می‌داشت؛ و مشکلات او را به عقب نمی‌راند. نیت مبارزان، نهضت‌کنندگان و ملت ایران، اصلاح در مسائل جاری کشور خودشان بود. اما خاصیت سخن و دعوی حق، همین است که دلهای مشتاق را در همه‌ی نقاط عالم به خود جذب می‌کند. قیام ملت ایران توانست مسلمانان نقاط مختلف دنیای اسلام و کشورهای اسلامی را متوجه خود کند و به آنها تکانِ سختی بدهد؛ خیلی‌ها را از خواب بیدار کرد و جوان‌ها را هم متوجهِ آرمان‌های دست‌یافتنی کرد. لذا حرکت، حرکت اسلامی شد، (در قضیه پیروزی حزب الله بر ارتشِ مجهز اسرائیل) در صحنه، ملت لبنان و حزب الله بودند؛ اما در دنیا قضاوت همه‌ی اهل نظر این است که ملت ایران در این قضیه پیروز شد. امروز در دنیای اسلام، هر گروه مسلمانی و هر شعار اسلامی و ارزشی‌ای که به پیروزی می‌رسد، قضاوت دنیا و سیاستمداران در سطح بین‌المللی، این است که ملت ایران در این قضیه پیروز شد؛ در حالی که ملت ایران کاری به کارِ فلان کشور و فلان مجموعه‌ی سیاسی یا انقلابی ندارد. این به خاطر این است که پرچم پُرافتخار استقلال ملت‌ها در زیر سایه‌ی «لَا إِلَهَ مِثْقَلَ رَسُولَ اللَّهِ»، در دستان شماست. و شما ملت توانستید این پرچم را با همه‌ی سختی‌هاش در دست خود نگهداشید. نگذارید سرنگون بشود. این توانایی را ملت ایران نشان داده است. برای ملت ما این یک افتخار بزرگ است. ۸۵/۸/۲۰

ایستادگی مردم و مسئولین، شرط خدا برای دستیابی به سعادت جامعه‌ی انسانی

خدای متعال و عده‌ی قطعی کرده است که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنَزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزُنُوا» (فصلت ۳۰)؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آنها می‌کند. ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. راه خدا فقط به معنای عبادت کردن و در کنج نشستن نیست؛ راه خدا یعنی به سعادت رساندن جامعه‌ی انسانی. ملت ما این راه را انتخاب کرد؛ یعنی راه عدالت، راه انصاف، راه عبودیت الهی، راه برابری انسان‌ها، راه برادری انسانها با یکدیگر و راه اخلاق نیکو و پسندیده و فضیلت های انسانی؛ و در این راه پاشاری هم کرده است؛ با سختی‌هایی که در این راه هست،

مقابله کرده و از آنها نهر اسیده است. ان شاء الله میوه های شیرین و دلنشیں این ایستادگی را خدای تعالی به او خواهد چشاند. ۸۵/۸/۲۱

ضرورت قدرشناسی از خانواده های شهیدان و ایثارگران

پدیده عظیم و تاریخی حیات دوباره اسلام و بیداری امت اسلامی به برکت نهضت مردم ایران و فدایکاری خانواده های شهدا شکل گرفته و در همین سه دهه به اندازه صدها سال به پیش رفته است... شهیدان نه فقط افتخار ملت ایران بلکه حقیقتاً افتخاری برای نسل امروز بشر هستند... جانبازان، شهیدان زنده هستند هر لحظه ای که این عزیزان درد و دشواری جانبازی را با یاد خداوند تحمل و شکر می کنند، اجر مجاهدت دارند و اگر با همین روحیه، خدا را ملاقات کنند اجر شهید نصیب آنان خواهد شد. خانواده های شهیدان و ایثارگران، ستونها و پایه های عظیم نظام اسلامی هستند و قدرشناسی از این عزیزان وظیفه ای همگانی است. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۳

شرح حال سرداران شهید را بخوانید

در دوران دفاع مقدس، اوایل کار، بخصوص بچه های سپاه و بسیج واقعاً چیزی نداشتند؛ سلاح لازم را نداشتند؛ عمدتی سلاحشان همین کلاشینکف بود؛ یک تنفس انفرادی. نمی شد با این سلاح جنگید؛ لذا به فکر افتادند. خود این به فکر افتادن، باهایی را به روی آنها باز کرد. من توصیه ام به جوان های عزیز این است که شرح حال سرداران شهید را بخوانید. در لابه لای حرف های اینها، حالا یک بخش هایی عاطفی و معنوی و اینهاست - که آنها هم به نوبه ای خود منافعی دارد - اما بخش هایی هم بخش های تجربی کارهای اینهاست که در میدان جنگ چگونه عمل می کردند. من بارها گفته ام که در دوران جنگ، ما بایستی آر پی. جی هفت را به صورت قاچاقی با پول چند برابر از کشورهای دیگر می آوردیم و نهایت سختی را متحمل می شدیم؛ پول چند برابر هم می دادیم تا یک تعداد سلاح های ابتدایی اینطوری را به دست بیاوریم. ما احساس کردیم که باید به خودمان تکیه کنیم. جوان های ما به خودشان تکیه کردند. این تکیه ای به خود، استعدادها را جوشاند. این جوشش استعدادها فرآورده دارد؛

فرآورده‌ها هر یکی چندین دنباره دارد. ۸۶/۱۰/۱۳

فداکاری، لازمه هر پیشرفت و تحول

فداکاری لازمه هر پیشرفت و تحول است، به برکت انقلاب ملت ایران، گرایش به «دین و معنویت» در جهان سراسر مادیت امروز، احیا شد و ملت ایران در چشم جهانیان عزیز و مقتدر گردید و این افتخار در درجه اول متعلق به شهدا، ایثارگران و خانواده‌های آنان است، جوانان امروز نیز پرچمداران ایشار و فداکاری در راه اعتلای اسلام و ایران اسلامی هستند و این ملت با توکل به خدا همچنان به پیمودن راه پرافتخار شهیدان ادامه می‌دهد. (گزارش خبری) ۸۶/۱۰/۱۳

روزبه روز بر حجم مجاهدت‌ها و کیفیت آن بیفزاید

برای ملت ما بسیار مایه مباهات است که نیروهای مسلح در فصلی بسیار دشوار امتحان درخشنانی را تقدیم کردند، دوران هشت سال پر ماجراهی دفاع مقدس یک عرصه آزمایش بود، علاوه بر اینکه خود نیروها و استعدادها و جوانان پر نشاط را برای فعالیت‌های بزرگ و بزرگ‌تر آماده کرد و استعدادهای آنها را شکوفا کرد، میدان ارائه یک مجاهدت صادقانه به ملت ایران بود. این ذخیره بسیار پر ارزشی است.

آنچه که من به سپاه و ارتیش و نیروی انتظامی و مجموعه‌های عزیز بسیج اصرار دارم دائمًا یادآوری کنم این است که این ارزش‌ها را باید روز به روز در خود عمق بیخشید. ما باید به مجاهدتی که خداوند توفیق آنرا در گذشته به ما داده است اکتفا کنیم. ملت ما، آرمان‌های ما، انقلاب ما، شهدای ما و امام بزرگوار ما شایسته هستند که روز به روز بر حجم این مجاهدت‌ها و کیفیت آن بیفزاید. ۱۳۸۶/۱۱/۱۴

هر چه به شهید نزدیکترید، افتخارتان بیشتر و مستولیتان سنگین‌تر است

عزیزان! اگر شهیدان عزیزند-که عزیزترینند- اگر برای ما گرامی‌اند - که گرامی‌ترینند- گرامیداشت آنها به معنای این است که ما راهشان را ادامه بدھیم و اهدافشان را دنبال کنیم. دنبال کردن راه آنها یعنی بایستی اهداف جمهوری اسلامی و ارزش‌های اسلامی - این پایه‌های مستحکم و این شاخص‌های نمایان که می‌تواند این ملت را به اوج افتخار دنیوی و اخروی برساند - در نظر داشته باشیم و دنبال کنیم. هر چه به شهید نزدیکترید، افتخارتان بیشتر و مسؤولیت‌تان سنگین‌تر است. آنها بی‌که رفتند،

رفتند و راه ها را گشودند؛ من و شما که ماندیم باید از این راه های گشوده حرکت کنیم و پیش برویم. و آلا اگر آنها راه را باز کنند و ما بنشینیم و دستتروی دست بگذاریم و تماسا کنیم، این قدرنشناسی و نمکشناسی است. نمکشناسی در قبال شهدا این است که وقتی آنها را باز کردند، ما از این راه حرکت کنیم و پیش برویم. این امروز وظیفه‌ی ماست.

۸۷/۲/۱۳

به برکت شهیدان، مفاهیم انقلاب اسلامی روز به روز رسوخ بیشتری پیدا می‌کند

اگر حادثه‌ی کربلا نبود، ما امروز از مبانی و اصول اسلام هم چندان خبری نمی‌داشتمیم و شاید فقط نامی از اسلام به گوش ما می‌خورد. این خون مقدس و این حادثه‌ی بزرگ، نه فقط کوچک نشد، کمرنگ نشد، ضعیف نشد، بلکه روزبه روز قویتر و برجسته‌تر و اثرگذارتر شد؛ این یک نمونه‌ی برجسته است. انقلاب شما و شهادت شهیدان شما هم از همین قبیل است. در اول حادثه‌ای زلزله‌گون بود؛ خیلی‌هاتحلیل کردند؛ یک زلزله است، می‌گذرد و فراموش می‌شود! اما این جور نشد؛ عکس شد. امروز در اعماق دل ملت‌های مسلمان، مفاهیم انقلاب اسلامی روز به روز رسوخ بیشتری پیدا می‌کند؛ این نه حرف من، بلکه محصول تحلیل‌های کسانی است که دشمن ترین دشمنانشان، ملت ایران و انقلاب اسلامی است! آنها می‌گویند؛ آنها شهادت می‌دهند. اینی که می‌بینید تهدید می‌کنند و علیه ملت ایران عربده می‌کشند، به خاطر همین تحلیل است؛ می‌ترسند! می‌بینند این حادثه خاموش نشد؛ می‌بینند این موج کمرنگ‌نشد و مرتب برجسته‌تر و گسترده‌تر و عمق آن بیشتر می‌شود؛ لذا می‌ترسند.

جانبازان هم شهدا زنده‌اند

جانبازان هم شهدا زنده‌اند؛ شما جانبازان عزیز هم مثل شهدا هستید؛ شهید هم همین ضریب‌های را که جانباز تحمل کرده است، او هم تحمل کرده؛ سرنوشت او پر رواز و رفتن بود، سرنوشت این فعلاً ماندن. خانواده‌ی شهدا، پدر و مادر شهید، همسر شهید، فرزندان شهید، برادران و خواهران و خویشاوندان شهید، پدران و خواهران و همسران جانبازان باید افتخار کنند.

۸۷/۲/۱۳

زن و مرد و جوان باید تکیه کنند روی استقامت

مجاهدت، صفا، پاییندی به عقیده‌ی حقی که آسان به دست نیامده است، اینها شرافت‌های حقیقی است. در مشخص کردن سلسله‌ی ارزش‌های اسلامی، ما روی این ارزش‌ها تکیه می‌کنیم. زن و مرد جوان برای اینکه در منطق اسلام جزو اشراف به حساب بیاند و شریف محسوب بشوند، روی این چیزها باید تکیه کنند: روی استقامت و ایستادگی و ثبات قدم بر آن سخن حقی که آن را شناخته‌اند و از آن پیروی کرده‌اند و به آن دل بسته‌اند. این مایه‌ی شرافت است؛ «اشراف امتی حمله القرآن و اصحاب اللیل». دیگران صاحبان ثروت را، صاحبان مقام را، اشراف می‌دانند. اسلام معیارش برای تعیین شریف، معیار دیگری است. هر که بیشتر در راه خدا مجاهدت می‌کند، هر که بیشتر و عمیق‌تر به مبانی الهی دل می‌بندد، هر که صادقانه‌تر در این راه قدم می‌گذارد، شرافتش پیش پروردگار بیشتر است.

۸۷/۲/۱۶

شهدا مایه‌ی روتق حیات معنوی‌اند در کشور

شهدا مایه‌ی روتق حیات معنوی‌اند در کشور؛ حیات معنوی یعنی روحیه، یعنی احساس هویت، یعنی هدفداری، یعنی به سمت آرمان‌ها حرکت کردن، عدم توقف؛ این کار شهدا است؛ این را هم قرآن به ما یاد می‌دهد. شهدا تا هستند، با تن خودشان دفاع می‌کنند، وقتی می‌روند، با جان خودشان: وَيَسْتَبِّشُونَ بِالذِّينَ لَمْ يَلْحِقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ بیینید این استبشار، مال بعد از رفتن است، تا هستند، جانشان و تنشان و حرکت مادی‌شان در خدمت اسلام و در خدمت جامعه‌ی اسلامی است، وقتی می‌روند، معنویت‌شان، صدایشان تازه بعد از رفتن بلند می‌شود. نقط شهدا بعد از شهید شدن باز می‌شود، با مردم حرف می‌زنند بِالذِّينَ لَمْ يَلْحِقُوا بِهِمْ - با ماهما دارند می‌گویند؛ باید ما گوشمان سنگین نباشد تا بشنویم این صدا را؛ کاری که شماها می‌کنید، خانواده‌ی معظم شهدا می‌کنند یا بزرگداشت‌داران در شهرهای مختلف؛ مثل قزوین، بیرجند و جاهای دیگر انجام می‌دهند، این است که این صدا را به گوش سنگین ماهما برسانید؛ مهم این است که ما بشنویم این صدا را و خدای متعال در این صدا هم اثر گذاشته؛ واقعاً اثر گذاشته؛ جوری شده است که وقتی از شهیدی یک چیزی نقل می‌شود، یک حرف دقیق و متینی نقل می‌شود، اثر می‌گذارد بر روی دل‌ها، دل‌ها را

منقلب می کند. و همین شهداي جوانی که می روند اين روزها برای دفاع از حرم یا رفته‌اند شهید شده‌اند؛ از جمله همان شهید عزيز قزوینی شما، حرف اينها، اقدامشان، حرکتشان، خاطره‌شان، سخنانی که راجع به اينها گفته می شود، همه‌ی اينها بيدارکننده است، همه‌ی اينها هوشيارکننده است. ما گوشمان سنگين است، اين پيام ها را درست نمی‌شنويم؛ اگر به ما بشنواند اين پيام ها را، ديگر اين گرايش به شرق و به غرب و به دشمن و به كفر و العاد و مانند اينها، از بين ما رخت بر خواهد بست.

بيانات در ديدار اعضای کنگره‌ی بزرگداشت شهداي استان قزوين ۱۳۹۷/۸/۱۹

ضعف هايي که شما مشاهده مي کنيد در ما، به خاطر اين است که پيام شهدا را نمي‌شنويم
اين ضعف هايي که شما مشاهده مي کنيد در ما، به خاطر اين است که اين پيام را نمی‌شنويم؛ اگر اين پيام را بشنويم، روحيه‌ها قوي خواهد شد، حرکت، حرکت جلدی‌اي خواهد شد. به‌حال کار بسيار بالارزشي است کاري که شماها داريد می کنيد؛ بزرگداشت شهيدان، و عرض كردیم، سی سال می گذرد از پایان دفاع مقدس اما اگر سیصد سال هم بگذرد، اين شهداي عزيز ما فراموش نخواهند شد؛ روزبه‌روز اينها زنده‌تر می شوند؛ بحمدالله در جامعه‌ی ما روزبه‌روز اينها زنده‌تر دارند می شوند، [البته بعضی‌ها] سعی می کردنده که شهدا را به دست فراموشی بسپرند، سعی می کردنده در عظمت کار اينها خدشه ايجاد کنند، مناقشه درست کنند، نتوانستند؛ بعکس شد و امروز بحمدالله اينها الگوي ما هستند، اسوه‌ی ما هستند، خداوند انشاء‌الله شهداي عزيز ما را با پيغمبر محشور کند

و خداوند انشاء‌الله شماها را که بزرگداشت اين عزيزان را وظيفه‌ی خودتان دانستيد و وارد شدید، توفيق بددهد، انشاء‌الله اجر به شماها بددهد که اين کار را هرچه بهتر انشاء‌الله بتوانيد انجام بدھيد.

بيانات در ديدار اعضای کنگره‌ی بزرگداشت شهداي استان قزوين ۱۳۹۷/۸/۱۹

هرچه می توانيد راجع به شهيدان بنويسيد، ثبت کنيد، ضبط کنيد

همين طور که اشاره كردیم قبلًا به مناسبت شهداي بيرجنده، هرچه می توانيد از ياد اين

شهیدان استفاده کنید، هرچه می توانید راجع به اینها بنویسید، بشنوید، ثبت کنید، ضبط کنید، کار هنری انجام بدھید. هیچ لزومی هم ندارد که مبالغه و اغراق‌گویی درباره اینها بشود. من می بینم گاهی اوقات بعضی‌ها اغراق‌گویی می کنند؛ هیچ لزومی ندارد. نفس عمل اینها این‌قدر عظمت دارد که هیچ احتیاج به آرایش و بزک کردن و اغراق‌گویی و مانند اینها ندارد؛ کارشان کار مهمی است، چه کسی از جان خودش می گذرد؟ ما مردم معمولی دنیا برای یک نفع کوچک، حاضریم کار خلاف هم انجام بدھیم، آنوقت اینها آمدند از عزیزترین شیئی که برای یک انسان وجود دارد؛ یعنی از عمرش، جانش، گذشتند برای خدا؛ در سنین جوانی، در وقته که شهوت در انسان قوی است، در وقته که آرزوها در انسان قوی است، پا روی این آرزوها گذاشتند، پا روی راحتی و آسایش جسمی گذاشتند و حرکت کردند در راه خدای متعال و جان خودشان را دادند. خود این حرکت، این‌قدر عظیم است، این‌قدر باشکوه است که هیچ احتیاج به اغراق‌گویی ندارد. کار را ان شاء الله با همین دقت و با همین اتقان دنبال کنید و انجام بدھید. خداوند ان شاء الله به شما خیر بدھد و کمک کند.

بیانات در دیدار اعضای کنگره‌ی بزرگداشت شهدای استان قزوین ۱۳۹۷/۸/۱۹

صیر در مصیبیتِ فقدان فرزند دارای ارزش والا و مهمی است

سلام خدای متعال و بندگان صالحش و ملائکه‌اش بر ارواح طیبیه شهیدان؛ مهمی شهیدان تاریخ، شهیدان اسلام، شهیدان انقلاب اسلامی و شهیدان دفاع؛ از انقلاب، از اسلام، از حریم اهل‌بیت، و از امنیت کشور تا امروز. خیلی خوش‌آمدید خانواده‌های محترم شهدا، پدرها، مادرها، همسران، فرزندها. قدر خانواده‌ی شهدا و پدرها و مادرها و همسران و فرزندان و برادران و خواهران شهدا و داغداران شهدا را بندگان صالح خدا می دانند؛ علت هم این است که خدای متعال بر شما سلام و درود فرستاده است؛ اولئکَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ؛ [اینکه] خدا صلوات بفرستد، خدا درود بفرستد، خیلی رتبه‌ی والا و مهمی است؛ چون صیر کردید، چون مصیبیتِ فقدان فرزند را که برای اغلب مردم دنیا یک عزا است، شما تبدیل کردید به یک عید، به یک تبریک؛ از اینکه خدای متعال جوان شما را در جوار خود «أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» قرار داده است، شما تسلی پیدا کردید؛ این صیر خانواده‌ی شهدا یک چنین ارزشی دارد.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهداء ۱۳۹۷/۰۹/۲۱

هیچ نیرویی در دنیا نیست که بتواند در مقابل شهادت طلبی ایستادگی کند

پیام شهیدان حقیقتاً پیام بشارت است؛ ما باید گوشمان را اصلاح کنیم که این پیام را بشنویم؛ بعضی نمی‌شنوند پیام شهدا را، لکن این [آیه‌ی] قرآن کریم است: وَ يَسْتَبِّشُونَ بِالْأَذْيَنَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، پیام شهیدان، پیام نفی ترس و اندوه است. البته این [نفی] ترس و اندوه، مصدق اتمش برای خود آنها است؛ در آن نشهی پُر از ترس و پُر از اندوه که همه‌ی انسان‌ها گرفتار خود هستند، پیام کسانی که در راه خدا به شهادت رسیدند -یعنی همین جوان‌های شما؛ چه آنهایی که در دفاع مقدس به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از مرز به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از امنیت به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از حرم و از حریم اهل‌بیت به شهادت رسیدند- بشارت است برای خودشان و همچنین برای مخاطبانشان؛ اینکه امام بزرگوار فرمود ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد، به این خاطر است. وقتی شما به فدا شدن در راه خدا به صورت یک موقفیت بزرگ نگاه کردید، به سمت خطر - به‌خاطر شهادت- بی‌محابا حرکت کردید، هیچ نیرویی در دنیا نیست که بتواند در مقابل شما ایستادگی کند.

غلبه و قدرت متعلق به آن ملتی و آن مردمی است که معتقدند اگر در این راه برایشان خطری پیش بباید، ضرری پیش بباید، شهادت و از دنیا رفتن پیش بباید، آنها برندۀ هستند، بازندۀ نیستند؛ آن ملتی که این روحیه را، این اعتقاد را دارد، شکست برای آن ملت وجود ندارد؛ این ملت پیش خواهد رفت، همچنان‌که ملت ایران در راه بسیار پُرخطر و پُرزمت خود، تا امروز پیش رفته است. شوخی است؟ همه‌ی قدرتمندان فاسد ظالم خبیث عالم دست به دست هم بدهند، در مقابل ملت ایران بایستند، هیچ غلطی هم در طول چهل سال نتوانند بکنند و این نهال تازه‌پا تبدیل بشود به این درخت مستحکم، شجره‌ی طیبه و غیر قابل تکان دادن! این را چه کسی کرد؟ اعتقاد به شهادت، این سرنوشت افتخارآمیز را برای کشور به وجود آورد؛ یعنی همین جوان‌های شما.

اگر این شهادت‌ها نبود؛ معلوم نبود وضع کشور چگونه می‌شد

گریه می‌کند، آرزو می‌کند که در راه خدا شهید بشود؛ به پدرش، به مادرش، التماس می‌کند می‌گوید من رفتم در عملیات شهید نشدم، چون شما راضی نبودید؛ شما راضی بشوید تا من شهید بشوم. در شرح حال یکی از همین شهدای [مداعع] حرم خواندم که به همسرش می‌گوید شما راضی نبودی من شهید بشوم، شما نمی‌گذاری من شهید بشوم؛ التماس می‌کند به همسرش که تو راضی بشو تا من شهید بشوم. دنیای مادی معنای این حرف‌ها را نمی‌فهمد، درک نمی‌کند. این روحیه و این اعتقاد است که جوانِ مؤمنِ انقلابی ما را در مقابل حوادث، مثل کوه استوار نگه می‌دارد. بله، بارها گفته‌ایم بعضی از عناصر انقلابی از راه برگشتند؛ انقلاب ریزش داشته است، دلِ کسانی بسته‌ی به دنیا شد. صدر اسلام هم همین جور بود؛ در صدر اسلام هم یک عدهٔ انقلابیون اوّل کار، بعد شدن دنیادارانِ اواسط و اوآخر عمر. بله، این هست؛ اما در کنار این ریزش، چند برابر، ما رویش داریم؛ رویش انقلاب؛ معجزه‌ی انقلاب این است. بعد از چهل سال شما می‌بینید جوانِ مؤمن مسلمان که نه امام را دیده است، نه انقلاب را دیده است، نه دوران دفاع مقدس را دیده است، نه آن حماسه‌ها را از نزدیک دیده، اما امروز با روحیه‌ی انقلابی، مثل همان جوانِ اوّل انقلاب -مثل همت و خرآزی و بزرگانی از این قبیل- می‌رود و سط میدان و با علاقه، با احساس مسئولیت، با شجاعت تمام در مقابل دشمن می‌ایستد. اینکه من می‌گویم جوان‌های مؤمن امروز، از لحظه انگیزه از جوانِ اوّل انقلاب اگر جلوتر نباشند عقب‌تر نیستند، یعنی این. اینها رویش‌های انقلابند. این معجزه‌ی انقلاب است، این معجزه‌ی نظام جمهوری اسلامی است که می‌تواند همین شهدای امروز شما؛ اینها مایه‌ی افتخارند، اینها ستون‌های بازآفرینی کند به شکل همان شهدای امروز شما؛ اینها مایه‌ی داشته‌اند، جوان‌های شما؛ این خون‌های پاکِ بزمین‌ریخته هستند که مانع شده‌اند که مستکبرین عالم، آمریکای جنایت‌کار، مثل دوران طاغوت بر این کشور مسلط بشود؛ اینها نگذاشتند، جوان‌های شما نگذاشتند. اگر این شهادت‌ها نبود، اگر این شجاعت‌ها نبود، اگر این صبرهای پدر و مادرها و همسرها نبود، معلوم نبود وضع کشور چگونه می‌شد، معلوم نبود این

کشور بتواند در مقابل این جبهه‌ی مستکبر ایستادگی کند. ایستادگی کردیم چون این کشور جوان‌هایی مثل شما داشت؛ و همچنان جوان‌ها هستند؛ ملت هم قدر اینها را می‌داند.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۹۷/۰۹/۲۱

کشور را شهدا و جوان‌هایی که ادامه دهنده راه آنها هستند نگه داشته‌اند

شما بینید در تشییع جنازه‌ی این پیکرهای پاک - همین شهدای این روزها؛ شهدای مرز، شهدای دفاع از حرم، شهدای گوناگون امنیت و امثال اینها - مردم چه می‌کنند! دیروز در کهکیلویه و بویراحمد دیدید این جمعیت عظیم، تشییع جنازه کردند پیکر مطهر یک سرباز شهید را؛ قضیه این‌جوری است، این مردم قادر می‌دانند. چهار نفر آدم کج فهم کج فکر دلسته‌ی به دنیای مادی غرب حرف می‌زنند، تحلیل‌های بی‌ربط و بی‌معنا می‌کنند؛ بکنند، [اما] واقعیت قضیه غیر از آن چیزی است که آنها می‌گویند. جمهوری اسلامی نیرومند است با معنویت‌ش، با فکرش، با انسان‌های فدکارش، با ایمانش، با پدر و مادرهای مؤمن، با همسرهای مؤمن و با جوانان مؤمن. جوانی که از خانواده‌اش صرف نظر می‌کند، از همسر محبوش صرف نظر می‌کند، از کودک‌شیرین‌زبانش صرف نظر می‌کند، می‌رود در راه خدا مبارزه می‌کند و جان خودش را به خطر می‌اندازد؛ کشور را اینها نگه داشته‌اند؛ نیرومندی انقلاب به وجود یک چنین انسان‌هایی و یک چنین ایمان‌هایی است؛ دشمن نمی‌فهمد.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۹۷/۰۹/۲۱

پیام شهدا این است: **آلٰا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ**

خب، این مطالبی که آقایان ذکر کردند، این کارهایی که انجام گرفته، کارهای خوب و متنوعی است و خوب انتخاب کرده‌اید؛ کارهای مختلفی است که هم جنبه‌ی هنری، هم جنبه‌ی علمی، هم جنبه‌ی تبلیغی، هم جنبه‌ی خدماتی، همه را مراعات کرده‌اید و کارهای خوبی انجام گرفته و انشاء‌الله که بتوانید به بهترین وجهی این کار را تمام کنید. مهم این است که ما به این توجه کنیم که پیام شهیدان به ما چیست؛ این مهم است. وَيَسْتَبِّشُونَ بالذینَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ آلٰا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ این پیام شهیدان است.

امروز همه‌ی تلاش دشمنان ملت ایران در جنگ نرم چیست؟ این است که ملت ایران را اندوه‌گین و نامید و ترسیده و مانند اینها بکنند، وادار کنند ملت ایران را که از ورود در میدان بترسد، مأیوس باشد؛ پیام شهدا نقطه‌ی مقابل این است: **آلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُون**؛ خوف و حزن برداشته است در میدان شهادت.

این پیام، پیام روز اوّل شهیدان نیست که خیال کنیم مثلاً ۳۰ سال، ۳۵ سال است شهید شده؛ نه، این پیام، پیام همیشگی شهیدان است؛ یعنی آنها در جوار قدس الهی و نعمت الهی هم که هستند، مرتب دارند به ما پیام می‌دهند، بشارت می‌دهند: **وَيَسْتَبِّشُونَ بِالذِّينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ آلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُون**؛ این پیام شهدا است. اگر وارد میدان مبارزه بشویم - یعنی همان چیزی که دشمنان ما از آن می‌ترسند و واهمه دارند - باید بدانیم که خدای متعال بیم و ترس و اندوه را از ما دور می‌کند؛ کما اینکه در دوره‌ی دفاع مقدس هم همین‌جور بود. آن کسانی که می‌رفتند جبهه و یک مدتی آنجاها بودند، وقتی که می‌خواستند به محیط خانواده و شهر برگردند، محیط شهر برایشان سنگین بود یعنی واقعاً برایشان فشار داشت؛ [در صورتی که **[آن]جا برایشان مثل بهشت بود**؛ یک معنویتی بود، یک روحانیتی بود، خوش بودند - خوش به معنای روحی و معنوی و غرق در ذکر الهی بودن - این‌جوری بودند . جوان‌ها آنجا واقعاً در زیر رگبار، زیر خمپاره، زیر ترکش لذت می‌بردند که این هم خاصیت فدایکاری است، خاصیت حضور در میدان مبارزه‌ی الله و جهاد فی‌سیل الله است. وقتی می‌آمدند داخل شهر و این ارتباطات و انتظامات شهری و مناسبات گوناگونی را که در محیط‌ها هست می‌دیدند، غالباً دلشان می‌گرفت، به ما هم می‌گفتند، واقعش هم همین بود؛ این به خاطر این است که آنجا صفا هست، آنجا معنویت هست، آنجا بهشت است؛ مصدق کامل **لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُون** آنجا است.

بيانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت شهدای استان کرمان ۱۴۰۷/۱۲/۰۹

پرهیز از شتاب زدگی و بهانه گیری

در آن دوگانه‌ی امیدواری و نومیدی، دچار نومیدی هم نباید بشویم: **لَا تَأْيَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكُفَّارُونَ**-که در سوره‌ی یوسف است- این مربوط به مسائل دنیاگی است؛ **لَا تَأْيَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ** مربوط به مسائل معنوی نیست،

مربوط به پیدا کردن یوسف است: یائینَ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَآخِيهِ وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ «لَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» در پیدا کردن یوسف، که یک امر دنیایی است. پس بنابراین، این «لَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» یک امر کلی است در امور دنیایی. البته در امور اخروی هم همین جور است اما آیه در مورد امور دنیایی است. لَا تَأْيِسُوا! چرا انسان مأیوس باشد؟ نخیر، ما امیدواریم که بتوانیم بینی این قدرت‌های مستکبر را به خاک بمالیم و رغم آنفشنان کنیم؛ می‌توانیم این کار را [بکنیم]، امیدواریم؛ [اگر] تلاش کنیم، همت کنیم، بخواهیم، به خدا توکل کنیم، از خدا بخواهیم، می‌شود. دچار شتاب‌زدگی و بهانه‌گیری هم نباید بشویم. یکی از چیزهایی که واقعاً مها همه- من، شما آقایان- در شهرها، در خطب نماز جمعه، در بین طلاب، فضلا، حوزه‌های علمیه باید به آن توجه بدهیم، این است که یکی از عیوب کار، این بی‌صبری و شتاب‌زدگی است؛ مرتب آدم پا به زمین بزند که «آقا چرا نشد؟ چرا نشد؟» خب هر چیزی قدری دارد، هر چیزی آجل و آمدی دارد، همه چیز با سرعت انجام نمی‌گیرد. یک وقتی یک نفری آمد خدمت امام و به ایشان از وضع دولت شکایت کرد- آن وقت بنده رئیس جمهور بودم- یک چیزی گفت؛ امام به او یک جمله‌ای گفتند که من یادم نمی‌رود، گفتند «آقا! اداره‌ی کشور سخت است»؛ بنده که خودم رئیس جمهور بودم، وقتی امام این را گفتند واقعاً از ته دل این را تصدیق کردم. خیلی از کارها حتماً باید بشود و باید برای آن آماده شد و باید کمر همت بست، متنها تا رسیدن به آنجا یک مقداری فرصت لازم است. این شتاب‌زدگی و پا به زمین کوییدن و احساس اینکه دیر شد، احساس خوبی نیست.

بنده اینجا این آیه‌ی شریفه را یادداشت کرده‌ام که قضیه‌ی حضرت موسی^۱ است وقتی که برگشت و الواح را آورد و دید که آن قضایای گوساله اتفاق افتاده. قالَ يَقُومُ اللَّمَ يَعِدُكُمْ رَبَّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا، خب خدا که به شما وعده داده که زندگی شما را درست خواهد کرد؛ افَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ، آیا طول کشیده؟ مگر از زمانی که بایستی وعده‌ی الهی انجام بگیرد گذشته که شما این جور بی‌صبری می‌کنید؟ خب صبر کنید، خدای متعال وعده‌ی خودش را عملی خواهد کرد. حُسْنٌ ظُنْ به خدای متعال -که من یک بار دیگر در همین جلسه

عرض کرده‌ام- یک چیز لازمی است و سوء ظن به وعده‌ی الهی که «چرا نشد، چرا نشد؟» جدأً مذموم است در آیات؛ اَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ. من احتمال میدهم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءادُوا مُوسَىٰ فَبَرَأَ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا» اشاره‌ای به این باشد: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ! يَقُولُ لَمْ تُؤْذُنْنَى وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ» احتمالاً اشاره‌ای به این است که مرتب فشار می‌آوردند که «آقا، چرا نشد، چرا نشد؟» که البته اینها مال بعد از نجات از دست فرعون است، اما قبل از نجات از دست فرعون هم همین جور بود؛ قالوَا اوذينا مِنْ قَبْلٍ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْنَا، به حضرت موسیٰ اعتراض می‌کردند که حالا هم که تو آمده‌ای، باز [برای] ما همان اذیت ها وجود دارد؛ یعنی ایرادهای بنی اسرائیلی که می‌گویند، واقعاً همین جور است؛ باید مواظب باشیم که اینها دامن ما را نگیرد.

بيانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

حرکت در امداد به سیل زدگان خوزستان و دیگر مناطق، آموزش شهدای ما است

الآن همین حرکتی که شما در امداد به سیل زدگان خوزستان و دیگر مناطق می‌بینید، آموزش شهدای ما است؛ امروز حرکت عظیم مردم از سرتاسر کشور به سمت مناطق سیل زده یک پدیده‌ی عجیبی است؛ به این توجه دارید؟ حالا خوزستان یک جور، لرستان یک جور، ایلام یک جور، مازندران یک جور، گلستان یک جور؛ مردم، جوان‌ها می‌رونند آنجا و همراه با جوان‌های خود آن محل ها، با تنشان، با دستشان، با امکاناتشان، بعضی‌ها با پوشان، با جنسیشان، با هدایایشان امداد می‌کنند؛ حرکت عظیمی راه افتاده؛ اینها در دنیا کم نظریer است. حالا در جاهای مختلف دنیا دستگاه‌های موظف مثل هلال‌احمرها یا مثلاً فرض کنید بعضی از بخش‌های دولتی می‌روند و کارهایی می‌کنند اما [اینکه] آحاد مردم این جور سیل‌آسا حرکت کنند بروند، یک پدیده‌ی مهمی است؛ این درس شهدای ما است.

جوان‌های عزیز! اغلب شماها جوانید، آن روزها را ندیده‌اید؛ در دهه‌ی ۶۰، در دوران دفاع مقدس، همین جور جوان‌ها با شوق و ذوق حرکت می‌کردند، فداکارانه می‌رفتند؛ فَمِنْهُمْ مَنْ قُضِيَ تَحْبَةً وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّمَرِّرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبَدِيلًا؛ علّهای شهید شدند، خوشابه حاشان! بعضی‌هم بسلامت برگشتند. آنهایی که بسلامت برگشتند، مراقب باشند

سلامتیان را حفظ کنند؛ اینها آموزه‌ی قرآن است، اینها درس قرآن است که جوان را آن جور در آن میدان وارد کار می کند و انسان مؤمن را حرکت می دهد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

مسئله‌ی شهدا عزیز کردستان از چند جهت حائز اهمیت است

مسئله‌ی شهدا عزیز کردستان از چند جهت حائز اهمیت است و با بقیه‌ی مراکز کشور، یعنی با اغلب مراکز دیگر کشور، تفاوت دارد: یک نقطه‌ی بسیار مهم این است که میدان کار مبارزین کردستان -چه آنهایی که در عرصه‌ی دفاع مقدس و جنگ و عمل نظامی فعالیت کردند، مثل پیش مرگان کُرد و سرداران و مانند اینها، چه آنهایی که در عرصه‌ی فرهنگی کارکردن مثل شهید شیخ‌الاسلام و امثال ایشان- یک میدان هموار و آسوده و راحتی مثل بقیه‌ی شهرستان‌ها نبود؛ ضدانقلاب در خود شهرهایشان، در خود مراکزشان حضور داشت. مثلاً فرض بفرمایید مرحوم شیخ‌الاسلام من یادم نمی رود آن سخنرانی بسیار قوی و پُرمغز و پُرمطلبی که ایشان در مسجد جامع سنتدج وقتی ما آنجا رفتیم، در حضور چند هزار نفر ایجاد کرد. خب همان وقتی که ایشان این سخنرانی را ایجاد می کرد، قطعاً می دانست که کسانی هستند در خود سنتدج یا بیرون سنتدج یا شاید در خود آن مجلس که با این بیانات و ابراز این بیانات مخالفند، اما در عین حال این شجاعت را، این قدرت روحی را نشان داد و آن سخنرانی قوی را در آنجا ایجاد کرد. یا جوان‌های پیشمرگِ کُرد که من سال ۵۸ و ۵۹ چند بار در کردستان از نزدیک با اینها مواجه شدم؛ اینها کسانی بودند که با عناصر بیرون مرز مواجه نبودند، [بلکه] با عناصر داخل خانه‌ی خودشان مواجه بودند، [با عناصر] داخل شهرهای خودشان مواجه بودند. مثلاً فرض کنید در یک محیطی مثل مشهد، خب مبارزان زیادی بودند که اینها حرکت می کردند به جبهه می آمدند، خیلی‌شان شهید می شدند، یا جانباز می شدند بر می گشتند؛ اینها این جور نبودند؛ همان‌جا و در محیط زندگی‌شان کسانی بودند که با اینها معارض بودند، مبارز بودند و علیه اینها توطئه می کردند؛ و اینها ایستادند، با آنها جنگیدند؛ این به نظر من یک نقطه‌ی بسیار مهم است.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهداي استان كرستان ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

طراحی دشمنان از اختلافات مذهبی، برای شکست جمهوری اسلامی

یک نقطه‌ی دیگر این است که طراحی دشمنان انقلاب اسلامی و دشمنان جمهوری اسلامی این بود که از اختلافات مذهبی، جدا، و اختلافات قومی [هم] جدا، برای شکست جمهوری اسلامی استفاده کنند؛ چون کشور ما از لحاظ تنوع قومی یکی از کشورهای کم‌نظیر است؛ اقوام مختلفی در این کشور تحت نام بزرگ ایران و نام بزرگ ملت ایران در کنار هم زندگی می‌کنند. در کمتر جایی به این شکل وجود دارد؛ آن جایایی هم که وجود دارد، سرشار از تعارض است. در بعضی از کشورهای همسایه‌ی ما، شما ببینید اختلافات بین مردم خودشان و اقوام دیگری که در آنجا هستند، چه اختلافات سنگینی است -که حالا من نمی‌خواهم اسم از آن کشورها بیاورم- چشم امید دشمنان به این بود که بتوانند در محیط اجتماعی ایران از اختلاف قومی و اختلاف مذهبی -مسئله‌ی شیعه و سنتی- استفاده کنند. حالا من کرستان را مثال می‌زنم، بعضی از مناطق دیگر هم شیعه کرستان است، اما کرستان مثال واضح‌تر است. آنچه در کرستان اتفاق افتاد، این بود که عناصر مؤمن و علاقه‌مند و هوشمند در کرستان این توطئه‌ی دشمن را ختنی کردند؛ یعنی نگذاشتند که دعوای کُرد و فارس یا کُرد و ترک در آنجا زنده بشود. یک عده اقلیتی که تحت تأثیر دشمنان خارجی بودند یک حرف‌هایی می‌زدند؛ من رفتم مهاباد، همه‌ی شهر مهاباد تقریباً تعطیل شده بود، آمده بودند برای سخنرانی؛ به نظرم در خیابان که ما آمدیم، همه‌ی این دکان‌ها تعطیل بود، همه‌ی این جمعیت مردم شهر آمده بودند در آن محلی که محل سخنرانی ما بود جمع شده بودند تا سخنرانی ما را گوش کنند؛ و شعار می‌دادند، ابراز احساسات می‌کردند. من آنچا در سخنرانی خطاب به ضدانقلاب گفتم که کسانی که از قول قوم کُرد حرف می‌زنند، ببینند اینجا را ببینند؛ این قوم کُرد است. قوم کُرد اینها هستند، نه آن مزدوری که رفته در بیرون کشور یا در یک نقطه‌ای نشسته و به نام یک قوم حرف می‌زنند؛ قوم کُرد این جمعیت است. سندج همین جور، جاهای دیگر همین جور. بنابراین کاری که هم در کرستان، هم در آذربایجان غربی به وسیله‌ی مردم کُرد انجام گرفته، کار بسیار بزرگی بوده. اینها حقیقتاً توانسته‌اند به انقلاب خدمت کنند و دشمن را مأیوس کنند؛ که خیلی با ارزش است. و در این راه شهدايی دادند؛ هم در جنگ تحملی

شهید دادند، هم در مبارزه‌ی با ضدانقلاب شهید دادند، هم شهادی دادند به خاطر حمایتشان از جمهوری اسلامی؛ مثل همین شهید شیخ‌الاسلام که اسم آوردیم، یا شهید عالی که جزو علمای آنچا بود و شهید ذیبی که اینها ماموستاها و علمای معروف منطقه‌ی کردستان هستند. شهادت اینها به خاطر حمایت از جمهوری اسلامی بود؛ سخنرانی کردند، اقدام کردند، فعالیت کردند، همکاری کردند با جمهوری اسلامی و به شهادت رسیدند. در روستاهای کردستان و آذربایجان غربی کسان زیادی در همراهی با مأموران جمهوری اسلامی فعالیت‌هایی کردند که مورد انتقام ضدانقلاب قرار گرفتند و به شهادت رسیدند؛ یعنی شهادت در این منطقه یک شهادتی است که با فداکاری بیشتر، با تلاش و مجاهدت صادقانه‌ی واضحی همراه بوده. خداوند ان شاء‌الله درجات این شهدا را عالی کنند.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان کردستان ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

آنچه ما امروز احتیاج داریم، این است که مردم ما قدر شهدا را بدانند

حالا این گزارشی که سردار محترم سپاه دادند، خب گزارش خوبی است لکن اینها عدد و رقم است؛ آنچه ما توصیه می‌کنیم، آنچه بنده روی آن تکیه می‌کنم، خروجی کارهایی است که انجام می‌دهیم. بایستی معلوم باشد این ارقام و اعدادی که ذکر کردید برای تشکیل مجتمع، یا نشر بعضی از آثار، یا [کارهایی] مانند اینها، چقدر توانسته است در فضای فکری مردم، بخصوص جوان‌ها، نسبت به تکریم مقام شهیدان اثر بگذارد؛ این مهم است. آنچه ما امروز احتیاج داریم، این است که مردم ما قدر شهدای ما را بدانند و بدانند که این جوانی که رفت به شهادت رسید، این عالمی که به شهادت رسید، این فرد کاسب زحمت‌کش یا زارع زحمت‌کشی که به شهادت رسید، چه خدمتی به کشور و به اسلام و به نظام جمهوری اسلامی کرده.

ما در کردستان خانواده‌ای را داشتیم که شش شهید داده‌اند؛ اینها جزو چیزهای کمنظیر است، یعنی ما در کشور شبیه این را کم داریم؛ یک خانواده‌ای شش پسرشان را در راه خدا داده‌اند؛ هم در راه‌پیمایی‌هایی که شرکت کردند شهید شده‌اند، هم در مبارزه‌ی با

ضد انقلاب یا در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده‌اند؛ از این قبیل هست؛ این را بایستی نسل امروز بداند. جوان امروز باید بداند که اینکه ما به این وضعیت رسیده‌ایم، بحمدالله شجره‌ی طبیعی انقلاب رشد کرده و به ثمر نشسته و کارهای زیادی انجام گرفته، چه تلاش‌هایی در این راه صورت گرفته؛ مهم ترینش همین تلاش شهدای ما است؛ این را باید نسل جوان بداند. پس بنابراین یک حرف این است که این کارهایی که انجام گرفته است به نحوی انجام بگیرد که خروجی مطلوبی داشته باشد؛ [یعنی] تأثیرگذاری بر روی افکار جوان‌ها و برداشت جوان و تلقی جوان‌ها از مسائل کشور و مسائل گذشته خودشان [داشته] باشد. چهل سال از انقلاب دارد می‌گذرد؛ ما باید بدانیم که در پایه‌گذاری این انقلاب و محکم کردن پایه‌های این انقلاب چه تلاش‌هایی انجام گرفته؛ این را جوان امروز بداند؛ حالا آن که از نزدیک دیده، می‌داند؛ اگر چه بعضی از آنها هم دچار فراموشی می‌شوند و راه را کج می‌روند و حرکت را عوض می‌کنند، اما عمدۀ نگاه بنده به جوان‌ها است. جوان امروز بداند که چه کارهایی انجام گرفته که این پایه این جور مستحکم شده و می‌تواند نظام جمهوری اسلامی با سربلندی احساس افتخار بکند.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان کردستان ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

کارهای وظیفه‌ی ما تکریم شهدا و خانواده‌های شهدا است

وظیفه‌ی ما تکریم شهدا است، این را فراموش نباید بکنیم؛ وظیفه‌ی ما تکریم خانواده‌های شهدا است؛ خانواده‌های شهدا هم از لحاظ اهمیّت صبرشان و کارشان در ردیف اول قرار دارند؛ باید از اینها تکریم کنیم و به اینها احترام کنیم. و این تکریم هم صرفاً تکریم زبانی نباشد، اگر چه تکریم زبانی هم مهم است. اینکه بعضی‌ها می‌گویند تعارف زبانی [خوب نیست]؛ نه، اینکه ما در زبان و در اظهاراتمان بزرگداشت برای شهید و مقام شهید قائل بشویم، چیز مهمی است؛ کسانی هستند که همین را برnmی تابند و ما بایستی در این جهت حرکت کنیم لکن در کنار این اقدامات عملی، تسهیلات و کمک‌های گوناگونی که وجود دارد، باید نسبت به خانواده‌های شهدا و خانواده‌های جانبازان و خانواده‌های ایثارگران و مانند اینها انشاء الله انجام بگیرد.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان کردستان ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

فصل چهارم :

تعمیق تفکر بسیجی

بسیج بستر ساز امنیت فرهنگی

مردم به جوانان و به فرزندان خود علاقه مندند و از این که آنها دچار اعتیاد بشوند، دچار فساد اخلاقی بشوند، دچار وسوسه هایی بشوند که آنها را از مسیر درست زندگی دور بیندازد، نگرانند. این نگرانی و دغدغه را چه کسی برطرف می کند؟ چه چیزی برطرف می کند؟ امنیت فرهنگی را هم در بخش عظیمی، نیروهای بسیج، نیروهای مؤمن، جان بر کف، تأمین می کنند. ۸۴/۲/۱۵

حضور بسیج در میدان چالش های حیاتی و اساسی

بسیج یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن. چه میدانی؟ میدان چالش های حیاتی و اساسی. آن وقتی هم که هویت ملی و سیاسی یک ملت مورد مناقشه قرار می گیرد، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که به فرهنگ و اعتقادات و باورهای ریشه دار یک ملت اهانت می شود و آن را تحقیر می کنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که نسل برگزیده هی یک ملت احساس می کنند از غافله دانش عقب مانده اند و باید علاجی بکنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که احساس بشود پایه های یک زندگی مطلوب و عادلانه در کشور احتیاج به تلاش دارد تا ترمیم و یا استوار شود، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که جبهه های فکری و فرهنگی دنیا برای تسخیر ملت ها با ابزارهای فوق مدرن می آیند تا ملتی را از سابقه و فرهنگ و ریشه ای خود جدا کنند و براحتی آن را زیر دامن خودشان بگیرند، جای به میدان آمدن است. همه ای اینها انسان هایی را می طلبد که نیاز را احساس کنند. ۸۴/۳/۵

بسیجی پیشو ایست

بسیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم،

باید بگوییم پیش رو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی. ۸۴/۳/۵

ترسیم چهره جوان بسیجی

اول، احساس نیاز است. بعد از احساس نیاز، آمادگی است ... انسانی با همت و با اراده می‌خواهد. پس عزم درون و عمق جان و از عشقمنان انگیزه می‌گیریم، از چه کسی می‌خواهیم مزد بگیریم؟ مزد دادن، تحقیر ماست؛ تحقیر انسانی است و اراده‌ی کار کردن و گذشت از راحتی و آسایش هم یک شرط است. شرط دیگر این است که در مقابل این حرکت و کار، از کسی مزد نخواهد. مزد، مربوط به جایی است که کسی از بیرون به ما انگیزه می‌دهد. وقتی ما از که از درون دارد می‌جوشیم. اینها خصوصیات یک انسان بسیجی است، علاوه‌ی بر همه‌ی اینها، باید توان هم داشته باشد، نشاط و قدرت نور دیدن این راه‌های دشوار، غالباً مخصوص جوانان است. بنابر این مجموعه بسیجی یک مجموعه‌ی جوان و یک چهره جوانی است. ۸۴/۳/۵

رسیدن به بسیج تراز اسلام و انقلاب

تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان‌های تازه‌ی زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلًاً اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه‌ی میدان‌ها، و همت‌ها بلند کردن به دست می‌آید. این کارها مربوط به کیست؟ مربوط به بسیج است. بسیج همچنین یعنی انسان باهمتی که غیرت دینی و دانایی فکری و نیازشناسی و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می‌شود. ۸۴/۳/۵

به تفکر بسیجی عمق دهید

کسی که ریشه‌ی اعتقادی دارد، براساس اعتقادش حرکت می‌کند و در میدان‌های گوناگون می‌ایستد ... ایمان خود را در میان تنباده‌های گوناگون حفظ می‌کند؛ این آدم عمیق است، بنابر این باید به تفکر اسلامی و تفکر بسیجی عمق داد ۱۳۸۴/۰۳/۰۵

خواهران بسیجی مظہر جمع بین شئون مختلف

اسلام اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات

و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. هم باید مادرِ خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهراء^{علیها السلام} مظہر چنین جمعی است. جمع بین شئون مختلف زینب کبری^{علیها السلام} نمونه دیگری است، بنابراین حقیقتاً باید در زمینه‌ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد. ۸۴/۵/۵

اوقات فراغت بسیجی را پر کنید

واقعاً برای مسئله اوقات فراغت که برای کشور ما خیلی مهم است، فکری بکنید. اگر این کار را نکنید، چون کشور ما کشور جوانی است و دارای انرژی متراکمی است، در آن اختلالات و ناهنجاری‌های فراوانی بوجود می‌آید. ۸۴/۶/۲

تامین ظرفیت بسیج برای حضور همگانی مردم

اگر ما ۲۰ میلیون بسیجی داشته باشیم یعنی همه‌ی ملت ما در میدان است (یعنی ۷۰ میلیون نفر در میدان اند). باید شما کاری بکنید که این حضور همگانی تأمین شود. ۸۴/۶/۲

سرمایه گذاری تربیت بسیجی برای تیم‌های ملی

شما باید کاری کنید که از این طرف تیم‌های ملی با عنصر بسیحجه تقویت شوند. البته بسیجی نباید رنگ آنها را بگیرد بلکه باید آنها را همنگ خودش کند ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

آمادگی بسیج با دو راهبرد فکری و حرکتی

ما باید خودمان را از دو جهت آماده کنیم: اول از جهت قاعده فکری و دوم از لحاظ حرکت در شعبه‌های مختلف این راه عریض و روشن علمی، هنری، معنوی و اخلاقی. و من بسیج را مجموعه‌ای می‌دانم که همه‌این کارهارا در جمع خودش انجام می‌دهد. ۸۴/۶/۲

سرمایه گذاری تربیت بسیجی برای تیم‌های ملی

شما باید کاری کنید که از این طرف تیم‌های ملی با عنصر بسیحجه تقویت شوند. البته بسیجی نباید رنگ آنها را بگیرد بلکه باید آنها را همنگ خودش کند ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

بسیج را نماد همه افتخارات ملی بسازید

بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است؛ آن هم آگاهی همراه با تحرک، همراه با معنویت و همراه با اخلاق. بسیج، حقیقت است؛ اما شبهه

افسانه‌هاست. بسیج برای جوانان، شورآفرین است؛ برای دوستان، امیدآفرین است؛ برای دشمنان، بیمآفرین است، بسیج یعنی حرکت عظیم ملت ایران، همراه با آگاهی؛ احساس آمیخته‌ی با عقلانیت؛ حرکت و عمل آمیخته‌ی با مبنای فکری؛ عمل‌گرایی همراه با آرمان‌گرایی و دیدن افق‌های دوردست؛ اینها مجموعه‌یی است که ذهنیت و هویت بسیج را تشکیل می‌دهد.

۸۴/۶/۲

نسل جوان بسیجی را با ذخایر عظیم دوران دفاع مقدس آشنا کنید

ملتی که می‌تواند حقیقتاً با دست خالی در مقابل آن تهاجم بین‌المللی آن‌گونه ایستادگی کند و با ابتکار، با تکیه‌ی به خود، با توسل به پروردگار و استعانت از خدای متعال، خودش را این طور از منجلابی که قدرتمندان دنیا برایش درست کردند، موفق و پیروز بیرون بکشد، خیلی درخور ستایش است. این ملت اگر این توانایی را در خودش ببیند و وجود این ظرفیت را در خودش احساس کند، در ادامه‌ی این راه و در حرکت عظیمی که در پیش دارد، هیچ مانع نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. این را می‌دانند؛ لذا نمی‌خواهند این خودآگاهی در مردم ما به وجود بیاخد. ما بعکس، باید تلاش کنیم این خودآگاهی به وجود بیاخد باید کاری کرد که نسل جدید و نسلهای بعد، از این ظرفیت، از این ذخیره‌ی عظیم و از این گنج تمام نشدنی استفاده‌ی روحی کنند؛ امید پیدا کنند و خودشان را بشناسند.

۸۴/۶/۳۱

جایگاه دانشجوی بسیجی، به چالش کشیدن زشتی‌ها ای حاصل از زر و زور است

ذهن جوان دانشجو آرمان‌ها را جستجو می‌کند. در نگاه آرمانی جایگاه ما از لحاظ دید تاریخی و جغرافیایی و جغرافیای سیاسی کجاست؟ در یک جمله‌ی کوتاه، جای ما به چالش کشیدن زشتی‌ها و سختی‌ها و دردمندی‌هایی است که از سلطه‌ی زر و زور و حاکمیت فساد مالی و قدرت، در دنیا و در سطح بین‌المللی به وجود آمده؛ این را دست کم نگیرید. پول و قدرت پولی امروز توانسته طریف‌ترین، لطیفترین و شیوازترین حقایق عالم ماده را هم در خدمت بگیرد؛ ... کی می‌خواهد با اینها مواجه شود؟ یک انسان، یک حزب و یک مجموعه نمی‌تواند. آن چیزی که می‌تواند در مقابل این امواج گُشنده و کوبنده بایستد، یک هویت عظیم جمعی بین‌المللی است، روی اینها تأمل کنید؛ اینها چیزهای قابل عبور و آسان نیست، باید اینها را به چالش کشید. کی می‌تواند؟ یک هویت

جمعی بین‌المللی زنده‌ی خسته‌نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی؛ این است که نمی‌گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته شدن است، جز ایمان با طراوت دینی. این می‌تواند آن قدرت‌ها را به چالش بکشد و تعديل کند و در نهایت آنها را از بین ببرد.

۸۴/۷/۲۴

مبازه بسیج دانشجوئی با توطئه تعطیلی کلاس درس و کارگاه‌های تحقیق

کسانی تلاش و توطئه می‌کنند تا اصلاً در کلاس‌های درس و کارگاه‌های تحقیق را بینند و دانشجو را به علم و فرآگیری بی‌رغبت کنند. با این توطئه باید مبارزه کرد. این مبارزه، هم به عهده‌ی دولت و مسؤولان است، هم به عهده‌ی شما تشکل‌هast، هم به عهده‌ی عناصر صاحب نفوذ و صاحب اقتدار است.

۸۴/۷/۲۴

بسیج صرفاً نظامی نیست بلکه مجموعه‌ی انسانی برای یک جهاد عمومی در کشور است

وقتی می‌گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه‌ی نظامی و مُلبس به لباس نظامی و آموزش‌های نظامی نیست، بلکه بسیج، یعنی مجموعه‌ی انسان‌هایی که نیروی خودشان را به میدان می‌آورند تا در جهاد عمومی کشور و ملت‌شان، در جهت رسیدن به قله‌ها، فعال باشند و با آنها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند؛ این، معنای بسیج است.

۸۴/۹/۷

راهبرد تفکر بسیجی خلاء جدی امروز جهان اسلام است.

امروز جهان اسلام تقریباً شامل یک میلیارد و نیم جمعیت، با حدود پنجاه کشور و دولت است. اگر در بین این جمعیت عظیم - که در نقاط مهم دنیا ساکنند - تکیه‌ی به ارزش‌های اسلامی وجود می‌داشت، بدون شک، امروز ملت مسلمان و امت بزرگ اسلامی پیشتاز در علم و مدنیت و معرفت و جلوه‌ی دین و دنیا و اخلاق و زندگی بود، چیزی که امروز ما در دنیا نداریم و نظری آنچه را هم که این تصویر را در ذهن زنده می‌کند، در دنیا نیست. ما در طول این قرن‌های متمادی، یک مجموعه‌ی عظیم انسانی را در دنیا نداشتمیم که هم بتواند دنیای خود را از لحاظ بهره‌مندی از موهاب طبیعت و پیشرفت‌های علمی دنیا بی‌آباد بکند، هم توجه به معنویت، توجه به اخلاق، جزء اصلی زندگی آنها باشد و آنها با خدا ارتباط خودشان را قطع نکنند و برای ارتباطات مهم زندگی هم از

تعلیم و هدایت الهی خودشان را محروم نکنند دنیای اسلام می توانست چنین وضعیتی

راداشته باشد، اما متأسفانه پیش نیامد. ۸۴/۹/۷

راهبرد تفکر بسیجی خلأء جدی امروز جهان اسلام است.

امروز جهان اسلام تقریباً شامل یک میلیارد و نیم جمعیت ، با حدود پنجاه کشور و دولت است. اگر در بین این جمعیت عظیم - که در نقاط مهم دنیا ساکنند - تکیه‌ی به ارزش‌های اسلامی وجود می‌داشت ، بدون شک ، امروز ملت مسلمان و امت بزرگ اسلامی پیشتر در علم و مدنیت و معرفت و جلوه‌ی دین و دنیا و اخلاق و زندگی بود ، چیزی که امروز ما در دنیا نداریم و نظری آنچه را هم که این تصویر را در ذهن زنده می‌کند ، در دنیا نیست . ما در طول این قرن‌های متتمدی، یک مجموعه‌ی عظیم انسانی را در دنیا نداشتمیم که هم بتواند دنیای خود را از لحاظ بهره‌مندی از موهاب طبیعت و پیشرفت‌های علمی دنیایی آباد بکند، هم توجه به معنویت، توجه به اخلاق، جزء اصلی زندگی آنها باشد و آنها با خدا ارتباط خودشان را قطع نکنند و برای ارتباطات مهم زندگی هم از تعلیم و هدایت الهی خودشان را محروم نکنند دنیای اسلام می توانست چنین وضعیتی راداشته باشد ، اما متأسفانه پیش نیامد . ۸۴/۹/۷

پیشرفت و سعادت این کشور در گرو تعمیق و توسعه فرهنگ بسیجی است

بسیجی هم شدت و ضعف دارد. بعضی در میدان بسیج ، خلوص و صفائشان مثل خورشید می تابد و انسان را مஜذوب می کند. به هر حال ، بسیج یک فرهنگ است؟ بسیج یک ذهنیت برجسته و والا در جامعه ماست، اگر بتوانید بسیج را هرچه فراگیرتر کنید و دل‌های بیشتر و نشاط‌های تراکم تری را وارد این صحنه‌ی عمل بکنید، آینده‌ی این کشور تضمین شده‌تر است. روحیه‌ی بسیجی یک روحیه‌ی است که اگر در هر نقطه‌ی ای و در هر قشری به وجود بیاید، در آنجا فعالیت و نشاط و حرکت و حیات را مضاعف و چند برابر می‌کنبعضی خیال می کنند بسیج یک سازمان دولتی است ، اما این طور نیست، اگر هر کدام از دستگاه‌های گوناگون کشور روحیه‌ی بسیجی پیداکنند، توفیقات شما بیشتر می‌شود فرهنگ بسیجی است که می تواند برهمه تحولات این کشور فایق بیاید و حرکت این کشور را تعمیق کند. ۸۴/۹/۷

حضور بسیجی در هر عرصه‌ای باید مظهر عزت ملت و کشور اسلامی باشد

یک سیاستمدار بسیجی ، یک نظامی بسیجی ، یک دانشجوی بسیجی ، یک روحانی بسیجی ، یک کشاورز بسیجی ، یک کارگر بسیجی ، یک محقق و دانشمند بسیجی ، یک استاد بسیجی ، از همه قشرها ، یک بسیجی، آن کسی است که مقدورات و امکان خود را در راه هدف‌های عظیم این ملت به میدان می‌آورد؛ خود را سهیم می‌کند؛ خود را مسئول می‌داند و مایل نیست کنار بنشیند، تا دیگران تلاش کنند، او هم نگاه کند؛ یا آنجایی که سودمند است، سودش را ببرد؛ و یا تا یک گوشه‌اش ساییده شد، بنا کند به ایراد گرفتن و اعتراض کردن؛ این جور انسان هم در جامعه داریم؛ بسیجی آن کسی است که این گونه نیست. آنجایی که نیازمند رفتن به عرصه‌ی نظامی است، او پیشاہنگ است؛ جوان و پیر هم نمی‌شناسد؛ دور و نزدیک هم نمی‌شناسد؛ آنجایی که جای حضور در عرصه‌ی سیاسی و میدان سیاست است، او فعال و پُرنشاط است؛ آنجایی که در عرصه‌های بین‌المللی باید حضور پیدا کرد - عرصه‌های گوناگون بین‌المللی؛ عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی ورزشی - او در آنجا، مظهر عزت ملت و کشور خود است. با این روحیه، با این احساس، در آنجا حاضر می‌شود؛ آنجایی که جای علم است، جای تحقیق است، جای صبر کردن بر مشکلاتِ نوآوری علمی است، از جان و ذهن خودش مایه می‌گذارد؛ آنجایی که جای پول خرج کردن است، اگر پولی دارد، پول خرج می‌کند. این، بسیجی است . ۸۴/۹/۷

ایمان مذهبی و مبنای «ما میتوانیم» موتور حرکت و قواره اصلی تفکر بسیجی

انقلاب آمد و یک تکان سخت و یک تغییر نگرش عمیق به این ملت داد، که ملت ما بیدار شد و حرکت کرد ، راه افتاد ، خودش را شناخت و گفت «می توانیم» ، و توانست، موتورِ حرکت ما، ایمان ماست و اتکای ما، به خداست؛ تکیه‌ی ما، به راهنمایی‌ها و هدایت‌های الهی است، که در معارف دینی و در احکام ما وجود دارد، در هر جا که هستید و در هر قسمی که کار می‌کنید ... قدر خود تان را بد ایند ، حرکت کید، نا امید نشوید ، شما ها می توانید. شما آن نسلی هستید که اگر خوب عمل کردید، آینده‌ی این کشور را - صد سال ، دویست سال یا بیشتر - تضمین خواهید کرد. همین بیدار شدن،

همین حساس بودن، همین انگیزه داشتن، همین ایمان، همین امید، همین تکیه به هدایت الهی و اعتماد به کمک الهی، قواره‌ی اصلی بسیج است. این یک فرهنگ است. ۸۴/۹/۷

امروز آمادگی دفاعی، یک افتخار و یک آرمان انسانی است

حضور در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی یک افتخار است، این فقط یک شعار نیست، حقیقتی است که هرکس امروز وضعیت جهان بشریت و نظام جمهوری اسلامی ایران و عظمت آرمان‌های این ملت را بشناسد، به آن اذعان می‌کند، سپاه پاسداران، بسیج، در کشور ما سربازان آرمان‌های بلند انسانی‌اند. نیروهای مسلح ما خود را آماده و مجهز می‌کنند تا دفاع کنند؛ نه تنها دفاع از سرزمین - که خود افتخار بزرگی است - بلکه دفاع از آرمان‌های انسانی؛ دفاع از شرف و کرامت انسانیت. امروز دیو مهیب و نفرت انگیز سلطه، ملت‌ها را تهدید می‌کند، فقط متوجه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی نیست، متوجه همه‌ی دنیا است، متوجه اصل و اساس انسانیت است. شما ببینید امروز مرکز استکبار - یعنی نظام ایالات متحده‌ی امریکا - با ارزش‌های انسانی و با انسان‌ها چه می‌کند، ملت‌ها در مقابل یک چنین مجسمه‌ی خباثت و شرارت چه باید بکنند؟ ملت‌ها هیچ راهی بجز قوی شدن، اعتماد به نفس، توکل به خدا و توکل به نیروی ذاتی خود ندارند؛ ملت‌ها باید خودشان را قوی کنند. این قوی شدن فقط از جنبه‌ی نظامی نیست؛ ملت‌ها باید اراده، اقتصاد، دانش و پیشرفت‌های گوناگون خود را پی‌درپی قوی کنند؛ اما تقویت نیروی دفاع از هویت و مرزهای یک ملت، یکی از مهمترین‌هاست، که امروز نیروهای مسلح ما این وظیفه را به عهده گرفته‌اند. ... ممکن است یک ارتش در طول سال‌های متمادی حتی یک‌بار هم با یک جنگ مواجه نشود؛ اما آمادگی و حضور مقتدرانه‌ی آن در کنار ملت‌ش، مایه‌ی اعتماد ملی است؛ مایه‌ی آرامش دل هاست. شما خودتان را برای ایجاد اعتماد در دل ملت‌تان - که هم اعتماد به خودشان و هم به ارتش‌شان است - آماده کنید. ۸۴/۹/۳۰

تأمین امنیت غذایی برای کشور خیلی مهم است

امروز کشور ما - که مورد سوء‌نیت و کینه‌ورزی قللرهای دنیاست؛ بیش از همیشه به امنیت غذایی احتیاج دارد، تا برای ناش، برای خوراک روزمره‌اش، برای روغنش، برای گوشتش محتاج کشورهای دیگر نباشد؛ محتاج کسانی که می‌توانند در مقابل این عطیه،

شرف او را مطالبه کنند، نباشد؛ امنیت غذایی برای کشور ما خیلی مهم است، ملت ما در گندم به خودکفایی رسید. عین همین قضیه باید در بقیه‌ی محصولات مهم و اساسی غذایی به وجود بیاید؛ در برنج، در روغن، در گوشت، در لبیات، که نیازهای کشور است. باید کشور به دیگران اصلاً محتاج نباشد. ۱۳۸۴/۱۰/۱۴

بسیج سازندگی را در روستاها فعال کنید.

مسئولان، با نگاه «حایز اهمیت»، باید به بخش کشاورزی نگاه کنند. بخش کشاورزی یک محور اصلی در اداره‌ی کشور است؛ و باید با این چشم در تنظیم معلومات دانشگاهی، در تخصیص بودجه، در گماشتن افراد کارآمد و توانا در رأس کارها، به آن نگاه کرد، شریان اصلی زندگی جامعه، در این بخش است و زندگی واقعی و ملموس جامعه - حیات اجتماعی - در این بخش، بیشتر معنا پیدا می‌کند؛ چون این‌جا مسئله‌ی غذا و مسئله‌ی امنیت غذایی و مسئله‌ی استقلال ناشی از امنیت غذایی و خودکفایی مطرح است؛ مسئولان با این چشم به مسئله‌ی کشاورزی نگاه کنند؛ بخش آموزش و ترویج و استفاده از دانش موجود دنیا در دانشگاه‌های ما و فرستادن جوانها برای کمک به روستائی‌ها جزو کارهای بسیار مهم است، باید از شیوه‌های علمی استفاده کرد. ۸۴/۱۰/۱۴

راهبرد دانشجویی بسیجی تولید علم است

ما راجع به مسئولیت‌های آینده‌ی شما، من موافقم که جوان‌های خوب در ارکان تشکیلات اجرایی کشور - چه قضایی و چه قوه‌ی مجریه - حضور داشته باشند؛ اما شما باید در علم، یک حرکتی به وجود آورید؛ باید در دنیای دانش‌آموزی و پیشرفت علم و بنای علمی کشور، یک تحرکی به وجود آورید؛ این است آن رسالت اصلی شما. کاری کنید که دانشمندان مسلمان و مؤمن ما، در رشته‌های مختلف علوم انسانی، صاحب‌نظرانی شوند که دنیا از نظرات اینها استفاده کند. همین نهضت نرم‌افزاری و تولید علم که بnde گفته‌ام، در دانشگاه شما و در رشته‌ی علوم انسانی، همین است که هر چه می‌توانید بیشتر بیاموزید و تحقیق کنید... تحقیق علمی به معنای فقط فraigیری و تقليد نیست؛ تحقیق، ضد تقليد است، اين کار، کار شماست. ۸۴/۱۰/۲۹

دانشجوی بسیجی مظهر انضباط علمی است

شما مأمور به پژوهشید، شما مأمورید به این که فکر و کار کنید، نتیجه به دست آورید و آن نتیجه‌ی شما را رهبری و غیررهبری به عنوان دستاوردهای علمی بگیرند و بر اساس آن، برای کشور برنامه‌ریزی کنند. تحقیق علمی، شأن و خصوصیتش، آزادی است؛ منها عقلایی؛ بی‌انضباط نباشد... تحقیق علمی، شأن و خصوصیتش، آزادی است؛ منها عقلایی؛ بی‌انضباط نباشد. بسیج مظهر ارزش‌های فعال و زنده‌ی یک جوان مؤمن است؛ یکی‌اش هم انضباط است ... این‌طور نیست که بسیجی که عاشق است، مجاز باشد برخلاف امر فرمانده و برخلاف انضباط سازمانی و انضباط عملی در محیط زندگی، یک حرکت بی‌انضباطی انجام بدهد؛ به خصوص که دانشجو و شما دانشجوها. ما برای شماها خیلی قیمت قائلیم... از همه جهت، یک الگوی دانشگاه اسلامی باشد؛ از جهت انگیزه‌های ایمانی، رعایت‌های عملی و رفتاری، و عشق به علم و علم‌آموزی عاشقانه و مؤمنانه.

۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

درس عاشورا ، اقدام به هنگام و از خطر نهراسیدن است

ماجرای عاشورا هم درس است؛ درس اقدام و نهراسیدن از خطرات و وارد شدن در میدان‌های بزرگ. آن تجربه با آن خصوصیات و با آن دشواری، از عهده‌ی حسین بن علی علیه السلام برمی‌آمد؛ از عهده‌ی دیگری برنمی‌آمد و برنمی‌آید؛ لیکن در دامنه‌ی آن قله‌ی بلند و رفیع، کارهای زیاد و نقش‌های گوناگونی هست که من و شما می‌توانیم انجام بدهیم، ما امروز در راه عزت، در راه استقلال، در راه استفاده از استعدادهای طبیعی و انسانی خودمان حرکت می‌کنیم و پیش رفته‌ایم، ما باید این راه را ادامه بدهیم. هیچ ملتی با تبلی و تن آسایی نخواهد توانست به عزت برسد. رسیدن به استقلال، رسیدن به عزت ملی، رسیدن به کرامت انسانی، برای یک ملت هزینه دارد، که باید این هزینه را متحمل شد و باید تلاش کرد؛ باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع‌بینانه نگاه کرد، که یک نگاه واقع‌بینانه، امید به انسان خواهد بخشید. این دشمن است که می‌خواهد شما را مأیوس کند. هر بخشی از بخش‌های کشور وظیفه‌یی دارند؛ نیروهای مسلح، ارتش جمهوری اسلامی، نیروی هوایی، وظایف ویژه‌ی خودشان را دارند؛ باید این وظایف را با دقت و با پیگیری و اهتمام انجام دهند.

۸۴/۱۱/۱۸

در هر عرصه‌ای ، اقدامات شما باید عزتمند باشد.

سه عنصر در حرکت ابی عبد الله علیه السلام وجود دارد؛ عنصر دوم، حماسه (و عزت) است؛ یعنی این مجاهدتی که باید انعام بگیرد، باید با عزت اسلامی انعام بگیرد؛ چون «العزَّلَهُ و لرسوله و للمؤمنين». مسلمان در راه همین حرکت و این مجاهدت هم، بایستی از عزت خود و اسلام حفاظت کند، همان جایی هم که حسین بن علی علیه السلام یک شب را مهلت می‌گیرد، عزتمدانه مهلت می‌گیرد؛ همان جایی هم که می‌گوید: «هل من ناصرٍ - استنصرار می‌کند - از موضع عزت و اقتدار است؛ آن جایی که در بین راه مدینه تا کوفه با آدم‌های گوناگون برخورد می‌کند و با آنها حرف می‌زند و از بعضی از آنها یاری می‌گیرد، از موضع ضعف و ناتوانی نیست؛ این عنصر در همه‌ی مجاهداتی که رهروان عاشورایی در برنامه‌ی خود می‌گنجاند، باید دیده شود. همه‌ی اقدام‌های مجاهدت آمیز - چه سیاسی، چه تبلیغی، چه آن‌جایی که جای فدایکاری جانی است - باید از موضع عزت باشد. ۸۴/۱۱/۵

باید خیل عظیم بسیجیان را به استقامت وادار کنید

در سوره‌ی «هود» خدای متعال به پیغمبر می‌فرماید: «فاستقم كما امرت و من تاب معك و لا تطعوا»؛ همچنانی که به تو دستوردادیم، در این راه ایستادگی کن، استقامت کن و صبر نشان بده. خود این ایستادگی کار دشواری است، این «صراط» است؛ ما الان داریم روی پل صراط حرکت می‌کنیم؛ باید دقت کنیم. اگر انسان بخواهد این دقت را در همه‌ی رفتار خود به کار بگیرد، او را پیش می‌کند. لیکن از این مهمتر به گمان من، آن جمله‌ی بعد است:

«و من تاب معك». پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی کند؛ باید خیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادار کند، مؤمنین را در بین این دو جاذبه‌ی قوی - جاذبه‌ی فشار دشمن و جاذبه‌ی فشار درونی دل هوسران - و این دو مغناطیس، در خط مستقیم نگه داشتن و هدایت کردن، به گمان زیاد، این، آن کاری است که پیغمبر را پیش کرد.

امروز ما احتیاج به استقامت داریم .ما هم از یک طرف، جاذبه‌های زندگی شهوت، قدرت

و مقام، تعریف این و آن، و تهدید دشمن طاقت نیاوردن، به یک طرف لغزیدند و به معارضان و احیاناً معاندان راه خدا تبدیل شدند. بنابراین ایستادگی لازم است. در مقابل دشمن هم ایستادگی لازم است. دشمن تهدید می‌کند، وعید و وعده می‌دهد، دائم عظمت خود را به رخ جامعه‌ی اسلامی و پیشوای می‌کشد، با زبان زور صحبت می‌کند و احیاناً زبان زور را با برخی شیرینی‌های وعده‌های فریبینه در هم می‌آمیزد تا اینکه دلها را گمراه کند. استقامت کردن در مقابل فریبها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد؛ به جایی که دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد یا در مقابل او تسليم شود، شما بسیجی‌ها یکی از نمونه‌های برجسته‌ی این استقامتید، آن ملتی در این میدان کشمکش خواهد توانست عظمت، عزت، هویت و منافع خود را حفظ کند که عقب‌نشینی نکند و بایستد. این استقامت - «فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم»؛ تا وقتی که دشمن در مقابل شماست و علیه شما ابزارهای تهدید و تحویف خود را مطرح می‌کند، باید ایستادگی کنید. ۸۵/۱/۶

رمز پیشرفت را، برنامه ریزی برای احیای سنت‌ها و کسب نصرت الهی قرار دهید

عامل اصلی پیشرفت امام بزرگوار ما و موفقیت او این است که به یک اصل قرآنی، به یک حقیقت قرآنی، با همه‌ی وجود، با همه‌ی دل، ایمان آورد و با همه‌ی توان در راه آن تلاش و کار کرد، «ان تنصروا اللہ ينصركم و يثبت اقدامكم»، اگر خدا را نصرت کنید، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد؛ اگر در راه خدا قدمی بردارید، خداوند متعال هم شما را ده‌ها و صدها قلم جلو خواهد برد این، اصل قرآنی و یک ، قانونی الهی است. نصرت خدا به معنای نصرت دین اوست، دین خدا یعنی برنامه‌ی سعادت بشر در دنیا و آخرت. دین خدا همچنانی که به معنیت نظر دارد، به زندگی دنیابی انسان هم نظر دارد و برای خوشبختی انسان برنامه دارد، نصرت خدای متعال در واقع معناش این است که در جهت احیای سنت‌های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت‌ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه‌ی عوامل بدینختی و تیره‌روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا. امام برای نجات و رهایی کشور و ملت خود، این حقیقت قرآنی را به کار گرفت و خدا را نصرت کرد؛ قیام و اقدام کرد. خدای متعال هم او را نصرت کرد و به حرکت او برکت بخشید؛ به یک قدم او صد قدم پاسخ گفت. ما

نصرتی را که خودمان درباره‌ی دین خدا می‌کنیم - نسبت این را - با نصرتی که خدا می‌کند، اگر بخواهیم بسنجیم، از نسبت یک به صد و یک به هزار هم بیشتر است ... برای نجات یک کشور، میلیون‌ها عامل و فعل و انفعال لازم است: عوامل طبیعی، عوامل انسانی، عوامل بین‌المللی، عوامل سیاسی و اقتصادی. مجموعه‌ی این عوامل باید به کار بیفتند تا یک ملتی بتواند در زندگی خودش تحول ایجاد کند. این عوامل، دست ما انسان‌ها نیست و با اراده‌ی ما ارتباط مستقیمی ندارد؛ اما ما وقتی که «قیام لله» می‌کنیم، خدای متعال با یک حرکت ما هزاران و میلیون‌ها حرکت و فعل و انفعال را در فضای زندگی اجتماعی به وجود می‌آورد و تحول ایجاد می‌شود.

۱۳۸۵/۰۳/۱۴

نسبت به انتقاد و عیب جویی دلسوزانه احساس مسئولیت کنید

انتقادگری «نق نقو» تلقی نشود؛ نه، انتقاد نق نق نیست؛ انتقاد، یعنی عیب‌جویی کردن متنها این عیب‌جویی دو نوع است؛ یک وقت عیب‌جویی جنبه‌ی تحقیر، اهانت، طرف را به خاک سیاه نشاندن، از طرف انتقام گرفتن و چهره‌ی او را در نظر دیگران زشت کردن است و این کار در هیچ عرف نجیبانه‌ای - نمی‌گوییم اسلامی - ممدوح نیست. یک وقت هم نه، هدف از انتقاد، دلسوزی است، تکمیل است، برطرف کردن عیب است و آینه‌وار نمودن عیب شخص یا نظام یا مدیر یا مردم به خود آنهاست و این ممدوح است. ممکن است این هم به نظر شنونده تلح باشد؛ اما این تلحی، تلحی گوارابی است. این هیچ ایرادی ندارد... من به شما صادقانه می‌گوییم، لااقل از نظر شخص من، هیچ ایرادی ندارد. ببینید! این هدف و این جهتگیری در کیفیت کار معلوم می‌شود؛ یعنی اینکه ما توقع داشته باشیم یک جوری انتقاد کنیم که آن جهتگیری اول در آن وجود داشته باشد، اما مردم یا مخاطبین خیال کنند که ما داریم دلسوزی می‌کنیم، این هم نمی‌شود.

فصل پنجم :

اعتلای فرهنگ قرآنی

تلاوت و آرایه های قرآنی را، به همراه فهم و عمل قرآن، جدی بگیرید

لازم است تذکر بدهم ، اگر ما معتقدیم ... که عمل به قرآن، اساس و محور احیاء قرآن است و مسئله به تلاوت و خواندن و اینها ختم نمی شود... باید به قرآن عمل کنیم، باید جامعه مان را قرآنی کنیم، باید فکرمان را قرآنی کنیم، باید عمل مان را قرآنی کنیم، باید قرآن... و وعده قرآن را وعده صدق و حق بدانیم... اینها همه اش درست است و به آن اعتقاد داریم؛ احیاء قرآن، عمل به قرآن و گرامیداشت قرآن... اینها درست - اما اینها معنا یش این نیست که ما تلاوت قرآن را دست کم بگیریم. من می خواهم به شما: «قرآنی» ها - که اهل تلاوت، اهل تجوید و اهل لحن و آهنگ و صوت و خواندن قرآنید - این را تأکید کنم، گاهی شنیده می شود که بعضی می گویند آقا به قرآن باید عمل کرد؛ خوب، این حرف درستی است؛ اما مقصود شان این است که تلاوت قرآن و آرایه های قرآنی را دست کم بگیرند! من با این مخالفم. تلاوت قرآن هم جزو یک مجموعه و منظمه ای است که اینها همه به هم متصل است؛ این هم باستی مورد توجه قرار بگیرد و گرامی داشته شود. هم باید تلاوت بکنید و هم باید معانی قرآن را بفهمید؛ اگر معنای قرآن را فهمیدید، می توانید بهتر تلاوت کنید. الان قراء حالا را با قراء بیست سال قبلمان مقایسه کنیم... بعضی ها خوب هم می خوانند، صداها خوب بود و شیوه های قراء معروف را هم یاد گرفته بودند و می خوانندند؛ اما دلنشیں نبود؛ چرا؟ چون از معانی و مفاهیم آیات هیچ سر در نمی آوردند؛ این معلوم بود. اما امروز آن طور نیست؛ امروز جوان های ما این آیاتی را که می خوانند، خود کیفیت خواندن شان، حکایت از این می کند که اینها معنای آیه را می فهمند و به مفهوم آیه توجه دارند.

۸۵/۷/۴

ارتفاع بیخشیدن مراتب انس به قرآن در میان پاسداران و بسیجیان

اول باید خوب بخوانید؛ تلاوت را خوب، زیبا و جامع و صحیح بخوانید؛ دوم، معانی و مفاهیم قرآنی را بفهمید، و سوم، قرآن را حفظ کنید. حفظ قرآن خیلی مهم است. شما جوان ها به این احتیاج دارید و می توانید. وقتی شما حافظ قرآن هستید، این

تکرار آیات قرآنی و انس دائمی با قرآن، به شما فرصت می‌دهد که در قرآن تدبیر کنید. «تدبیر در قرآن»... با تکرار و انس با آیه‌ای از قرآن و امکان تدبیر در آن به دست می‌آید. و چقدر لطیف در قرآن کریم هست که اینها را جز با تدبیر نمی‌توان فهمید. بنابراین حفظ و فهم معانی قرآن و تلاوت آن لازم است... بندۀ همه‌اش ترسم از این است که شما جوان‌های خوب ما - همین قراء خوبی که الان هستید... - خیال کنید اینجایی که شما رسیده‌اید، این پله‌ی آخر است. نه آقا، این پله‌ی آخر نیست. باید توقف بکنید؛ باید به جلو حرکت کنید؛ باید پیش بروید و روزبه‌روز باید بهتر بخوانید و بهتر بشوید، که این ممکن هم هست. البته این به ترتیباتی از لحاظ تعلیم و کانون‌های قرآنی احتیاج دارد و این دوستانی که دست‌اندرکار این مسائل هستند، بایستی مقدمات را فراهم کنند.

۸۵/۷/۴

سوق دادن قاریان به سمت «تلاوت اثر گذار»

در مورد تلاوت قرآن هم ما هر سال به طور مفصل اینجا نکاتی را عرض کرده‌ایم... هر تلاوتی اثرگذار نیست؛ بعضی از تلاوت‌ها هست که وقتی اجرا می‌شود، معانی قرآن را در گوش و دل و جان مخاطب رسون می‌دهد؛ دست یافتن به چنین تلاوتی، این بالرزش است. ما می‌خواهیم به آنجا برسیم. البته شرط این، صدا هست، موسیقی هست، کیفیت ترکیب‌بندی آیات و تلاوتی که انجام می‌گیرد، هست؛ همه‌ی اینها مؤثر است.

۸۵/۷/۴

برنامه‌ریزی برای همگانی شدن فراگیری صحیح قرآن، به عنوان یک شاخص

اگر ان شاء الله تلاوت قرآن در جامعه‌ی ما همگانی شود، همه بتوانند قرآن را صحیح بخوانند و همه‌ی خانه‌ها موج شوق به تلاوت قرآن را در خود جای بدهند، آن وقت ما امیدمان به اینکه جامعه‌ی اسلامی و قرآنی به معنای واقعی در این کشور تشکیل بشود، بیشتر خواهد شد.

۸۵/۷/۴

مسئولیت اصلی زن « همسری و مادری »

در مسأله‌ی زن آنچه که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، مسأله‌ی «خانواده» است؛ نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه‌ی نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی‌ها اینطور حرف‌ها را در همان نظر اول با شدت رد می‌کنند و می‌گویند آقا شما می‌خواهید زن را تسوی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی که می‌گوید: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» (توبه ۷۱) یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمی‌توانیم زن را استثناء کنیم. مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدامی به نحوی بر حسب توانایی‌های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا می‌تواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه – البته که می‌تواند، شکی در این نیست؛ نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمی‌کند – بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه‌ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه‌می‌کنیم. من می‌گوییم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد – داشته باشد – اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنی‌ها در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تائی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را باید فراموش کنیم. ۱۳۸۶/۰۴/۱۳

قرآن را با فهم معارف و تدبیر در آیات و کلمات آن بخوانید

بندہ به این تلاوت ها خیلی اعتقاد دارم. قبل ها در بعضی از همین جلسات، علت این اعتقاد را هم عرض کردیم که دیگر تکرار نمی خواهم بکنم. و خوانندگان خوبیمان و تلاوتگران مسلط و استاد و وارد را حقیقتاً ارجمند می دانم، لیکن همهی اینها مقدمه است؛ مقدمه برای حاکمیت فضای فرهنگی قرآن در ذهن جامعهی ما. یعنی شما جوان مسلمان، مرد و زن مسلمان، کودکان مسلمان باید با قرآن انس پیدا کنید. قرآن را به معنای حقیقی مخاطب قرار گرفتن در مقابل خدا، بخوانید و در آن تدبیر کنید و از آن بیاموزید. مرحله‌ی بعدش هم عمل است؛ اما من مرحله‌ی قبل از عمل را عرض می‌کند آموختن قرآن، فهم معارف قرآن، تدبیر در آیات قرآن و کلمات قرآنی. این کلماتی که شما ملاحظه می‌کنید، همان چیزهایی است که خداوند متعال به عنوان آخرین ذخیره‌ی معنوی وحی الهی به بشریت عطا کرده است. همین هاست که باید بشر را تا ابدالاًباد، تالتهای این عالم، به راههای سعادت و فلاح و رستگاری هدایت کند؛ پر از معارف است اینها؛ اینها را باید فهمید... قرآن را برای تدبیر کردن و فهمیدن و استفاده کردن بخوانید. یک نوع قرآن خواندن این است که انسان ظاهر قرآن را بگیرد بخواند تا آخر. این نوع نمی‌خواهیم بگوییم هیچ اثری ندارد. البته بندہ سابق ها می‌گفتم هیچ اثر ندارد، بعد تجدید نظر کردم. نمی‌شود گفت هیچ اثر ندارد، ولی اثرش در مقابل آن اثری که متوقع از تلاوت قرآن است، شبیه هیچ است؛ نزدیک هیچ است.

با مراجعه به ترجمه‌های خوب قرآن، زمینه فهم آیات آن را فراهم سازید

متأسفانه ما حجاب زبانی داریم، حجاب لغوی داریم؛ این کمبود ماست. یعنی کمبود ملت های غیر عرب است. کسانی که زبانشان عربی است، همینطور که قاری تلاوت می‌کند، اینها که نشسته‌اند، ولو نه به صورت کامل، آن را می‌فهمند؛ بیان قرآن، بیان فصیح و بلیغ و خیلی والا بی است و هرکسی جزئیات این بیان را نمی‌فهمد. بلاشبیه مثل گلستان سعدی که انسان آن را مثلاً در جمعی بخواند. خوب، گلستان سعدی فارسی بلیغ است، مردم هم می‌فهمند؛ اما دقایق و جزئیاتش را فقط ادب، اهل

ذوق و اهل درک بالا می فهمند. حالا این را هزاران برابر بکنید. قرآن اینجوری است. دقایق و لطائف و جزئیات را ممکن است مستمع عرب‌زبانِ معمولی نفهمد، اما بالاخره مفهوم این کلمات را می‌فهمد؛ لذا دلش رقیق می‌شود؛ لذا در شنیدن تلاوت قرآن اشک می‌ریزد؛ چون موضعه‌ی الهی را درک می‌کند. این حجابی است که ما داریم و قابل حل هم هست. نبادا کسی خیال کند حالا چه کار کنیم، نمی‌شود؛ نخیر، این کاملاً قابل حل است. بسیاری از کلمات و لغات قرآنی در زبان فارسی متداول ما تکرار شده است و ما می‌فهمیم... امروز الحمدلله انسان ترجمه‌های خوب را می‌بیند که متعدد وجود دارد. به این ترجمه‌ها مراجعه کنید؛ مردم مراجعه کنند، آنوقت می‌فهمند. پس این یک اشکال است که بايستی این اشکال برطرف بشود؛ یعنی معنای آیات را بفهمند. ۸۶/۶/۲۲

قرآن را جوری تلاوت کنید که مفاهیم آیات، گویی بر قلب و ذهن او اثر می‌گذارد

قاری ما وقتی قرآن را تلاوت می‌کند، باید آنچنان تلاوت کند که گوئی قرآن را دارد نازل می‌کند به قلب مخاطب؛ اینجوری باید قرآن را بخوانید. البته این قراءء معروف مصری، همه‌شان هم اینجور نیستند؛ بعضی‌هایشان اینجورند؛ بعضی‌هایشان هم نه؛ اما شما به آنها کاری نداشته باشید. شما باید قرآن را جوری تلاوت کنید که این مفاهیم قرآنی و آیات کریمه‌ی قرآن، گویی دارد نازل می‌شود بر قلب مخاطب؛ آهنگ‌ها را با مضامین بجفت کردن، منطبق کردن و از آهنگ برای برجسته کردن معنا و مضمون آیه کمک گرفتن. این آهنگ‌ها و این نغمه‌های قرآنی، مهمترین هررش این است که بتواند کمک کند به اینکه آن مضمون برجسته شود و در ذهن مخاطب بنشینند. پس قرائت‌کننده‌ی ما هم بایست این نکات را توجه کند... این نکته خیلی مهم است که تلاوت کننده‌ی قرآن قصدش اثرگذاری این کلام در ذهن مخاطب باشد؛ یعنی شما بخواهید دل ماراتکان بدھید. هدف این نباشد که ما خواننده را تحسین کنیم، بلکه هدف باید این باشد که خواننده دل مارا از جایکند. ۱۳۸۶/۶/۲۲

دائم باید با قرآن مرتبط و مأнос بوده و هر روز حداقل پنجاه آیه را بخوانید

ماه رمضان که تمام شد، قرآن را بیندیم و ببوسیم و بگذاریم کنار. این نباید اتفاق بیفتد. قرآن را بايستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مأнос باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لااقل پنجاه آیه‌ی قرآن بخوانید. این، یکی از

معیاره است. اگر نتوانستید، روزی ده آیه‌ی قرآن بخوانید؛ نگویید سوره‌ی حمد را می‌خوانم و این چند آیه‌ی سوره‌ی حمد با چند آیه‌ی سوره‌ی قل هوالله - یک رکعت - می‌شود همان ده آیه‌ای که فلاذی می‌گوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز می‌خوانید - چه نماز نافله، چه نماز فریضه - قرآن را باز کنید، بشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید. ۸۶/۶/۲۲

قرآن نامه‌ی خداوند متعال است همت شما این باشد که آن را بفهمید

یک تلاوت این است که انسان مثل یک مستمعی بشینید پای صحبت خدای متعال. خدای متعال دارد با شما حرف می‌زند. مثل اینکه از یک عزیزی، از یک بزرگی، نامه‌ای به شما رسیده باشد. شما نامه را می‌گیرید می‌خوانید. برای چه می‌خوانید؟ برای اینکه بشینید چه برای شما نوشته. قرآن را اینجوری بخوانید. این نامه‌ی خدای متعال است. امین‌ترین زبانها و دلها این قرآن را از خدای متعال گرفته و به شما رسانده است. ما از آن استفاده کنیم؛ بهره ببریم؛ لذا در روایت هست که سوره را وقتی که می‌خوانید، همت شما این نباشد که به آخر سوره برسید، همت شما این باشد که قرآن را بفهمید؛ ولو حالا به آخر سوره، به وسط سوره، وسط جزء، به وسط حزب نرسید و آن را تمام هم نکنید؛ تأمل و تدبیر کنید. قرآن را اینگونه بخوانید. اگر کسی با قرآن مأнос بشود، از قرآن دل نمی‌کند. اگر ما با قرآن مأнос بشویم، حقیقتاً از قرآن دل نمی‌کنیم.

۱۳۸۶/۰۶/۲۲

بر حفظ قرآن در دوره نوجوانی برای ماندگاری و تدبیر بیشتر

حفظ قرآن یک نعمت بزرگ است. این جوان‌ها و نوجوان‌ها سن توانایی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که می‌توانید حفظ کنید و در ذهستان بماند. ما هم می‌توانیم حفظ کنیم؛ در سنین ما هم می‌شود؛ اما خیلی ماندگار نیست؛ زود از ذهن ما می‌رود. اینطور نیست که در سنین امثال بنده نشود حفظ کرد؛ چرا؟ سنین بالاتر از ما - یعنی سنین هفتاد و پنج، هشتاد - می‌شود حفظ کرد. من شنیدم مرحوم آیت‌الله

خوبی در همین سالهای آخر عمر قرآن را حفظ کرده بود. خیلی مهم است؛ پیرمرد مثلاً هشتاد ساله قرآن را حفظ کند! می‌شود حفظ کرد، اما ماندگار نیست؛ از ذهن زائل می‌شود. اگر شما در دوره‌ی جوانی و بخصوص در دوره‌ی نوجوانی؛ یعنی از سن همین نوجوانهایی که اینجا برای ما تلاوت کردند یا بالاتر از اینها، قرآن را حفظ کنید، این یک سرمایه و ذخیره‌ای برای شماست. و امکان تدبیر در قرآنی که در حفظ انسان هست، بمراتب بیشتر از امکان تدبیر برای کسی است که قرآن را حافظ نیست. گاهی انسان یک آیه‌ای را در قرآن نگاه می‌کند، مثل اینکه هرگز این آیه را تلاوت نکرده؛ اما کسی که حافظ هست، چنین چیزی برایش پیش نمی‌آید. ۱۳۸۶/۰۷/۲۲

انس با قرآن از هر درسی برای انسان مفیدتر است

قرآن یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است. انس با قرآن از هر واعظی، از هر رفیق ناصحی، از هر درسی برای انسان مفیدتر است. اگر حقیقتاً انسان با قرآن رابطه برقرار کند و قرآن را بخواند برای استتاره و استفاده و استضایه‌ی قلبی و معنوی خود، این برای او از هر واعظی بالاتر است. اگر انسان این انس را بتواند پیدا بکند، خیلی دستاورده بزرگی است. ۸۶/۸/۲۳

توجه به نکات تعبیرات قرآنی برای ما در چه‌هایی را باز می‌کند

بعثت انبیا برای ایجاد یک جامعه‌ی فاضله است؛ همان طور که اشاره کردند، برای ایجادیک تمدن است. خب، این تمدن همه چیز دارد؛ در تمدن همه چیز هست؛ هم علم هست، هم اخلاق هست، هم سبک زندگی هست، هم جنگ هست. جنگ هم هست، کما اینکه شما ببینید در قرآن چقدر از آیات، مربوط به جنگ است. این جور نیست که ما بتوانیم بگوییم که اسلام آمد برای اینکه جنگ را از بین ببرد؛ نه، جهت جنگ مهم است؛ جنگ با چه کسی؟ جنگ برای چه؟ این مهم است، طوایف عالم می‌جنگند برای هوای نفس، برای قدرت‌طلبی‌های خودشان، برای اشاعه‌ی فساد. الان سال‌ها است صهیونیست‌ها دارند می‌جنگند اما برای مقاصد خبیث می‌جنگند؛ در مقابل آنها مؤمنین هم می‌جنگند -مجاهدین فلسطینی می‌جنگند، مجاهدین حزب الله می‌جنگند، ملت عزیز ما در دفاع مقدس و جنگ هشت‌ساله جنگید- اما این جنگ، مذموم نیست، ممدوح است، جهاد فی سبیل الله است؛ **الَّذِينَ ءامَنُوا يُقاْتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ**؛ این مهم است

که مؤمن قتال می کند اما برای اهداف الهی. وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أُولِياءَ الشَّيْطَانِ. بیینید، توجه به نکات تعبیرات قرآنی برای ما دریچه‌هایی را باز می کند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۸/۰۱/۱۴

خواندن قرآن و درس گرفتن از آن، ادامه‌ی بعثت پیغمبر است

چرا می گویند بعثت، ارسال رسول، فرستادن رسول؟ خب فرض بفرمایید یک فیلسوفی هم یک وقتی در یک جامعه‌ای به وجود می آید، مثلاً فرض کنید افلاطون یا سقراط؛ اینها هم کسانی بودند که به بشریت چیزهایی یاد دادند اما آنها «بعثت» نیست؛ اینها از آن قبیل نیستند؛ اینها بعثت دارند. بعثت پیامبر مکرم و معظم اسلام هم برترین بعثت‌ها، جامع‌ترین بعثت‌ها، کامل‌ترین بعثت‌ها، و ماندگارترین بعثت‌ها است یعنی این بعثت امروز هم هست؛ امروز هم پیغمبر اکرم در حال بعثت است. [یعنی] شما که قرآن را می خوانید، درسی می گیرید، انگیزه‌ای پیدا می کنید و یک حرکت را شروع می کنید، ادامه‌ی بعثت پیغمبر است. ملت ایران که پشت سر یک شخصیت عظیمی مثل امام بزرگوار قرار می گیرد، از موانع عبور می کند، سختی‌ها را تحمل می کند، سختی‌ها را زیر پا له می کند و به جلو حرکت می کند، یک بنای پوسیده‌ی طاغوتی خیث چندهزارساله را در مهم‌ترین نقطه‌ی منطقه یعنی در ایران به هم می ریزد و یک بنای اسلامی درست می کند، همان ادامه‌ی بعثت پیغمبر است. انقلاب، ادامه‌ی بعثت پیغمبر بود، جمهوری اسلامی ادامه‌ی بعثت پیغمبر است؛ حرف ما این است. آن که با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دشمن است، مثل همان دشمنان صدر اسلام، با بعثت اسلامی و با حرکت توحیدی دشمن است؛ حرف ما این است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۸/۰۱/۱۴

قرآن یک اثر هنری بی‌نظیر است

قرآن یک اثر هنری بی‌نظیر است، یعنی یک جنبه‌ی از عظمت قرآن و اهمیت قرآن

عبارت است از زیبایی هنری قرآن؛ اتفاقاً آن چیزی که در درجه‌ی اوّل دل‌ها مثل مغناطیس به سمت اسلام جذب کرد، همین جنبه‌ی هنری قرآن بود. عرب‌ها، هم موسیقی الفاظ را می‌فهمیدند، هم با زبان ادب آشنا بودند -در آن محیط عربی این جوری بود- ناگهان دیدند یک پدیده‌ای وسط آمد که شبیه آن را نشنیده‌اند؛ نه شعر است، نه نثر است اما یک پدیده‌ی هنری فوق‌العاده است. این همان چیزی است که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: ظاهرهُ آنیقُ وَ باطنُهُ عمیق؛ «آنیق» یعنی آن زیبایی شگفت‌آور، آن زیبایی‌ای که وقتی انسان در مقابل آن قرار می‌گیرد، به حیرت می‌افتد؛ زیبایی در قرآن این جوری است. البته ما فارس‌زبان‌ها یعنی غیر عرب‌زبان‌ها و خیلی از عرب‌زبان‌ها این توفیق را ندارند که این زیبایی را درک کنند؛ [ولی] با انس زیاد با قرآن می‌شود درک کرد. وقتی انسان با قرآن انس بگیرد، زیاد تلاوت کند، زیاد بشنود، آن وقت می‌فهمد که غیر از جنبه‌ی معنوی، این زبان، این جملات، چقدر شیوا است، چقدر زیبا است.

خبر، این اثر هنری را باید هنری اجرا کرد. یک وقت هست که من و شما در منزل برای خودمان قرآن می‌خوانیم، خب هر جور خواندیم مانعی ندارد؛ با صوت بخوانیم، بی صوت بخوانیم -البته ظاهراً آنجا هم وارد شده است که صدای قرآن از خانه‌ها بیرون بیاید؛ آن برای جنبه‌ی فضاسازی قرآنی در کل جامعه است که یک فضاسازی قرآنی‌ای بشود، از خانه‌ها صدای قرآن بیرون بیاید، لکن وقتی انسان تنها می‌خواند، برای خودش می‌خواند، فرقی نمی‌کند که یواش بخواند، بلند بخواند، آهسته بخواند، با صوت بخواند -اما وقتی شما مخاطبی دارید، مثلاً [قرائت] مجلسی می‌خوانید، اینجا می‌خواهید مخاطب را تحت تأثیر قرار بدهید؛ اینجا باید هنر باید و سط میدان، اینجا است که هنر بایستی نقش ایفا کند؛ مخاطب را با هنر می‌شود تحت تأثیر قرار داد. این تلاوت‌هایی که ما می‌شنویم و گوش می‌کنیم و تشویق می‌کنیم و تأیید می‌کنیم، معنایش این است؛ یعنی شم این اثر فاخر بی‌نظیر هنری را به شکل هنرمندانه اجرا می‌کنید، به شکل هنرمندانه می‌خوانید؛ آن وقت نتیجه این می‌شود که اثرش می‌شود چند برابر؛ البته به شرط اینکه این جنبه‌ی تلاوت هنری درست انجام بگیرد، با دقّت انجام بگیرد. مثلاً فرض بفرمایید بنده بارها به دوستان سفارش می‌کنم که قرآن را تلاوت از

نوع تفہیم معانی [بخوانید]; جوری بخوانید که می خواهید معانی را تفہیم کنید. ما این را در شعرخوانی فارسی خودمان مشاهده می کنیم؛ مذاّح می آید می ایستد، با صدای خوش شعر می خواند؛ دو جور می تواند بخواند:

هان ای دل عبرت‌بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آئینه‌ی عترت دان
می شود این جوری بخواند، می شود هم پگوید:

هان ای دل عبرت‌بین! از دیده نظر کن هان! ایوان مدائن را، آئینه‌ی عترت دان
این دو جور خواندن مثل هم است؟ این دو جور خواندن مثل هم نیست. دوّمی این جوری است که شما روی جملات، روی کلمات، تکیه‌ی مناسب می کنید. این کاری است که مثلاً فرض کنید شیخ عبدالفتاح شعشعاعی می کند، مصطفی اسماعیل می کند؛ این کار آنها است؛ یعنی در میان خواننده‌های قدیمی مصری هم، همه این جور نیستند، همه این کار را بلد نیستند یا توجه ندارند، اما بعضی هایشان می فهمند که چه کار دارند می کنند؛ وقتی که قرآن را می خواند، آنجایی که باید تکیه بکند، تکیه می کند؛ جوری حرف می زند که گویا شما مخاطب کلام خدا قرار می گیرید، دل شما جذب می شود.

این معنا بایستی در تلاوت های ما، و بخصوص شماها که الحمدللہ خوش صدا هستید؛ می بینم دیگر، الحمدللہ همه شما خوش صدا هستید و صدایهایتان و نفَس هایتان خوب است و مثلاً از جهات گوناگون بدید - در قرآن خواندن ما در محافل و مجالس وجود داشته باشد.

البته آن جنبه‌ی دوّم هم «وَبِاطِنُهُ عَمِيقٌ» با همین کارهتری ارتباط دارد، ارتباط پیدا می کند؛ یعنی این شیوه‌ی خواندن می تواند تا حدود زیادی ما را به آن باطن رهنمون بشود؛ اما بایستی توجه به باطن قرآن پیدا کرد. منظورم از «باطن قرآن» آن بطنونی نیست که فقط اهل الذکر، ائمّه‌ی هدی عليهم السلام آن آگاهند؛ آن کار ما نیست - آن را بایستی برویم یاد بگیریم از روایات، از بیانات ائمّه عليهم السلام و بفهمیم - مراد همین عبارت ظاهر است. [مثلاً] قرآن می گوید: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُنْقَيْنَ؛ خب عاقبت -پایان کار- یعنی چه؟ پایان کار متعلق

است به متّقین؛ هم پایان کار دنیا متعلق به متّقین است، هم پایان کار آخرت متعلق به متّقین است، هم مبارزات اگر بخواهد پیروز بشود متعلق به متّقین است، هم در میدان جنگ اگر بخواهید بر دشمن پیروز بشوید باید متّقی باشید. ببینید! [اگر] دقّت بکنید، [می بینید] عاقبت مال متّقین است؛ این را یک خرد عمق پیدا کنیم، دقّت پیدا کنیم، از جمله نگذریم. [یا مثلاً: وَ لَنْبُلُونَكُمْ شَيْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالجُوعِ وَنَقْصٌ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَفْسُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشَّرَ الصَّابِرِينَ؛ این خوف چیست؟ جوع چیست؟ انسان بایستی تأمل کند بر روی این کلمات، بر روی این مفاهیم؛ معنای این، همان تدبیر در قرآن است؛ تدبیر در قرآن، اینها است.

باطئن عمیق؛ این عمق را هر کسی به اندازه‌ی توانایی خودش، به اندازه‌ی آگاهی‌های خودش، مطالعات خودش، فهم و هوش خودش، می‌تواند پیش برود؛ همه به یک اندازه پیش نمی‌روند. ما هم می‌توانیم بالاخره یک دست و پایی بزنیم؛ این دست و پا را بزنیم یعنی دقّت بکنیم که از قرآن معارف بفهمیم. اینکه گفته می‌شود «از قرآن درس زندگی بیاموزیم»، معناش این نیست که مثلاً فرض کنید که بایستی ما قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را هم در قرآن پیدا کنیم؛ نه، قرآن ذهن ما را به معارف عالی مزین می‌کند. وقتی ذهن انسان با معارف عالی بالا رفت، همه‌ی اسرار عالم را می‌تواند بفهمد؛ حکمت می‌آموزد:

آن که در او جوهر دانایی است بر همه کاریش توانایی است

بيانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

دوره‌های قرآن و جلسات قرآن را زیاد کنیم

وقتی شما فهمیدید که معارف قرآنی اینها است و اینها مثلاً در ذهن جامعه، در ذهن مجموعه‌ی مجتمع در این کشور یا لااقل مجموعه‌ی قرآنی ما تثبیت شد، آن وقت باب‌های معارف گوناگون بشری به روی انسان باز می‌شود.

به نظر من یکی از کارهایی که خیلی مهم است، عبارت است از اینکه ما دوره‌های قرآن را، جلسات قرآن را زیاد کنیم. البته توجه قرآنی در گذشته قابل مقایسه‌ی با امروز نیست؛ نمی‌شود گفت یک‌صدم، [بلکه] یک‌هزارم هم نبود؛ آن زمانی که ماها در عرصه بودیم و می‌دیدیم، واقعاً یک‌هزارم حالا هم نبود؛ اما بعضی از عادت‌های

خوب وجود داشت که حالاها به خاطر تلویزیون قرآن و رادیوی تلاوت و مانند اینها که داریم -که خیلی هم خوب است- این چیزها یک خردگاهی عقب افتاده که بایستی جبران بشود.

یکی همین دوره‌های خانگی قرآن بود، یکی همین قرآن [خواندن] در مساجد یا در حسینیه‌ها بود. مساجد را پایگاه قرآن قرار بدهید. دو جور هم می‌شود جلسه‌ی قرآنی تشکیل داد: یکی همین که دُور هم جمع بشوند و یک استادی بنشینند آنجا، بخوانند، قرآن افراد را تصحیح کند، نکات را بگویید، تذکرات را بگویید؛ این یک جور است. یک جور هم این است که جمع بشوند، یک نفر برود روی منبر، بنا کند قرآن خواندن، و نیم ساعت، یک ساعت قرآن بخواند -مثل منبری‌ای که منبر می‌رود و شما می‌نشینید پای منبرش، قرآن‌خوان، تالی قرآن، تلاوت‌گر برود روی منبر بنشیند و شروع کند به قرآن خواندن -شما هم بنشینید گوش کنید، [قرآن را] باز کنید، از روی قرآن نگاه کنید که این کار البته یواش یواش معمول شده. من وقتی می‌بینم در تلویزیون این کاری که در ماه رمضان ها در مشهد و قم و در خیلی از شهرهای دیگر راه افتاده است که جمع می‌شوند داخل صحن و یک جزء از قرآن را می‌خوانند، همه گوش می‌کنند، واقعاً لذت می‌برم -که از قم هم این کار شروع شد، دیگران هم یاد گرفتند- خیلی کار خوبی است. این بایستی در مساجد مختلف در طول سال -نه فقط در ماه رمضان - تکرار بشود. مساجد گوناگون پایگاه‌های قرآن باشند؛ اعلان کنند مثلًاً فرض کنید که شب پنج شنبه، شب جمعه، شب شنبه -یک شبی در هفته؛ اگر هر شب نمی‌شود- یک نفر خواننده‌ی قرآن بباید آنجا بنشیند، شما هم بروید آنجا بنشینید و قرآن را باز کنید، او بخواند و شما نگاه کنید؛ و به ترجمه هم مراجعه کنید؛ ترجمه‌های خوب. زمان ما، آن وقت هایی که بنده در مشهد تفسیر می‌گفتم -ده‌ها سال پیش- یکی دو ترجمه‌ی قرآن بود، آن هم ناقص؛ الان بحمدالله ترجمه‌های بسیار خوب، متعدد وجود دارد در دسترس مردم، این ترجمه‌ها را بگیرند نگاه کنند؛ این یک کار.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

ضرورت برگزاری جلسات تفسیر قرآن کریم

یک کار دیگر، جلسات تفسیر است؛ تفسیر هم بسیار مهم است. کسانی که می‌توانند، کسانی که بلدند، عمدتاً آفایان روحانیون محترم، فضلاً محترم، کسانی که با قرآن آنس دارند، مطالعه کنند، فکر کنند، مباحث تفسیری را بیان کنند، سطح معارف جامعه را بالا بیاورند. بالاخره اینکه فرمود: إنَّ هذَا الْقُرْءَانَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ این قرآن «اقوَم» را -«آقوَم» یعنی استوارتر، بهتر، قوی‌تر، باقوم‌تر - به شما نشان می‌دهد، شما را به سمت «اقوَم» راهنمایی [می‌کند]؛ «اقوَم» در چه چیزی؟ «اقوَم» در زندگی دنیاپستان، «اقوَم» در کسب عزّتتان، «اقوَم» در ایجاد حکومتتان و «اقوَم» در زندگی حقیقی و حیات اخروی‌تان که آن حیات حقیقی است -لَهُمَّ الْحَيَّوَانُ -معارف قرآنی وقتی همه‌گیر بشود، این جوری می‌شود. البته امروز ما بحمدالله خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما کم است؛ نسبت به آنچه باید باشد کم است، با اینکه نسبت به گذشته بسیار زیاد است؛ لکن بیشتر از این [باید باشد]. باید جوری بشود که جامعه‌ی ما، مرد و زن ما، جوان‌های ما با معارف قرآنی آنس بگیرند؛ اصلاً معارف قرآنی حاکم بر ذهن‌ها باشد. اگر این شد، قدرت استدلال به وجود می‌آید، قوت دفاع به وجود می‌آید، ایمان‌ها کامل می‌شود، حرکت‌ها [به نتیجه می‌رسد]

بیانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

تشویق قاری در جلسات قرآن خوب است اما جا‌هایی که خوب می‌خواند

در مورد جلسات قرآنی هم [نکته‌ای عرض بکنم]: حالا البته شما «الله الله» می‌گویید و خواننده را تشویق هم می‌کنید و بعضی‌ها هم یک خردۀ بالاتر، از روی نوارهای عرب‌ها که می‌آید و آنها یک هیاهو‌هایی انجام می‌دهند -که طبیعت آنها است، این جور نیست که این جزو لوازم قرآن باشد- [باید گرفته‌اند و] سعی می‌کنند همان‌ها را عیناً تقليد کنند که این لزومی ندارد. تشویق هم خوب است، اشکالی ندارد، متنها من می‌بینم گاهی اوقات بعضی از این خواننده‌های خارجی که اینجا می‌آیند می‌خوانند - مال کشورهای عربی که بعضی‌شان هم انصافاً خوبند، همه‌شان یک جور نیستند- این حضّاری که در جلسه نشسته‌اند، کأنه موظفند بعد از هر آیه‌ای یا نصف آیه‌ای که او

می خواند، با صدای بلند تشویق کنند؛ چه لزومی دارد؟ یک عیب بزرگش این است که او می فهمد شما درست نمی فهمید تلاوت را؛ چون او بد می خواند، شما می گویید «الله الله»، او می فهمد که شما ملتغت نیستید؛ نه، شما سعی کنید آنجایی که خوب می خواند [تشویق کنید]. البته بچه های خودمان را هر چه تشویق کنید اشکالی ندارد، من با اینها مخالف نیستم اما وقتی که آن قاری بیرونی اینجا می آید و می خواند، این جور نباشد که [مستمع] موظف باشد که همین طور هر جور [خواند تشویق کند]؛ بخصوص گاهی اوقات با همان آهنگی که او می خواند «الله الله» می گویند؛ اینها لزومی ندارد؛ لکن خب جلسه‌ی گرم قرآنی، بسیار چیز خوبی است که در جامعه [رواج پیدا کند]. پس بنابراین آنچه عرض می کنم این است که قاری خواننده‌ی قرآن وقتی که مخاطبی دارد، به آن نکته‌ی جمله توجه کند و روی آن تکیه کند، برای اینکه این تفہیم مفاهیم قرآنی آسان‌تر و بهتر بشود برای مخاطب.

بيانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

جامعه‌ی بشری، امروز واقعاً به قرآن نیاز دارند

عزیزان من! ما احتیاج داریم به قرآن؛ این قرآن نیاز امروز ما است؛ نه فقط ما ملت ایران، جامعه‌ی اسلامی بلکه جامعه‌ی بشری، امروز واقعاً به قرآن نیاز دارند. قرآن است که با استکبار مخالفت می کند، قرآن است که با ظلم صریحاً مخالفت می کند، قرآن است که با کفر بالله صریحاً مقابله می کند، قرآن است که با طغیان و طاغوت با قدرت مقابله می کند: **الَّذِينَ ءامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أُولِياءَ الشَّيْطَانِ**؛ این لحن قرآن چه قوی است! اینها همین گرفتاری‌های امروز بشر است. اینهایی که می‌بینید عربده می کشند در موضع ریاست جمهوری فلان کشور یا پادشاهی فلان کشور علیه ملت ها، علیه مردم، علیه صلح، علیه آرامش، علیه ثبات حکومت ها و کشورها، همان هایی هستند که قرآن بر سر آنها داد کشیده؛ این را باید مردم بفهمند. اینکه قرآن به ما [می گوید]: **وَلَا تَرَكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ**

النّار؛ اعتماد نکنید به ظالمین، این همین گرفتاری امروز مردم دنیا است. اعتماد می کنند، پدرشان درمی آید. دیدید در بعضی از این کشورهای عربی یک حرکت خوبی انجام گرفت، یک مبارزه خوبی به وجود آمد، یک غوغایی به پا شد، یک بیداری ای به وجود آمد، متنها مثل شعله ای که بیايند روی آن خاکستر بریزند و خاک بریزند، خاموش شد؛ چرا؟ چون «لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَّمُوا» را عمل نکردند. رکون کردند به آمریکا، به رژیم صهیونیستی؛ نفهمیدند چه کار باید بکنند، [لذا] این جوری می شود. اگر چنانچه خدای متعال به یک ملت کمکی کرد و آن ملت قدر آن کمک را ندانستند، کتکش را می خورند، سیلی اش را می خورند؛ باید قدر بدانند. ملت ما بحمدالله از روز اول قدر دانست. این حرکت عظیم ملت ما، این بقای انقلاب، این ایستادگی این ملت و عزّت روزافزون این ملت، این پیشرفت فوق العاده ای کشور به خاطر همین است که این ملت به برکت وجود امام بزرگوار به این چند جمله ای از آیات قرآن عمل کرد؛ او به ما یاد داد. خود او دلش پُر بود از ایمان به الله، سرشار و لبریز بود از ایمان به خدا و معارف قرآنی؛ به ما یاد داد که چه کار بکنیم و حرکت کرдیم؛ و بحمدالله [ملت] ایستاد. امروز هم راه همین است؛ امروز هم جز ایستادگی در مقابل شیاطین و طواغیت و کفار راهی برای این کشور وجود ندارد و انشاء الله که خدای متعال هم توفیقات خود و کمک های خود را به این ملت خواهد داد.

فصل ششم

اندیشه و تفکر معنوی امام خمینی رضوان الله عليه

راه امام و خط امام □ را باید قدر دانست

یاد امام، یاد آور عزت ملت ایران و بیداری ملت ایران است. یادآور اسوه شدن و قدوه شدن ملت ایران برای همه ای اسلامی و برای ملت های مستضعف است. یاد امام نیروبخش است، امید بخش است، این یاد را باید زنده نگه

داشت و راه امام و خط امام و انگشت اشاره امام را ونشانه‌هایی را که برای پیمودن این راه قرار داده است باید قدر دانست. ۸۷/۳/۱۴

گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام □ را استنباط کنند

نظرات امام رضوان الله عليه یک مجموعه است و خوشبختانه بیانات امام ثبت شده است و همین است که هست. مثل همه متونی که از آنها می‌شود تفکر گوینده را استنباط کرد؛ متتها با شیوه‌ی درست استنباط. شیوه‌ی درست استنباط این است که همه حرف‌ها را ببینند، آنها را در کار هم قرار بدهند؛ توی آنها عام هست، خاص هست؛ مطلق هست، مقید هست. حرفها را باید با همدیگر سنجید، تطبیق کرد؛ مجموع این حرف‌ها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست. اما روشی است که باید چه کار کنیم؟ یک کار اجتهادی است؛ اجتهادی است که از عهده‌ی شما جوان‌ها بر می‌آید. بنشینند واقعاً گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استنباط کنند، از گفته‌های امام به دست بیاورند.

دیدار نخبگان و دانشجویان دانشگاه ۸۷/۷/۷

آثار برافراشته شدن پرچم انقلاب اسلامی در دنیای اسلام

در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردن، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتنه‌ی پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته‌ی به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست. پرچم اول که در حقیقت یک بعد از دعوت امام و نهضت امام است، مربوط به امت بزرگ اسلامی است. پرچم دوم هم اگرچه که مربوط به ملت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه‌ی عملی از تحرک حیات‌بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت‌ساز است؛ چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه‌ی عملی بیداری اسلام و تحقق اسلام بود. بنابراین،

اگرچه که به طور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است، اما نتیجه‌ی آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است، در بعد اول که برافراشتن پرچم اسلام بود، این موجب شد که مسلمانان در همه‌ی جای دنیا احساس هویت کردند؛ احساس شخصیت کردند. بعد از آنی که در طول سال‌های متعدد کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته‌ی امام بزرگوارِ ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند که یک هویتی، یک شخصیتی، یک اصالتی پیدا کرده‌اند. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیا اسلام نشانه‌های بیداری مسلمانان پدیدار بشود: ملت فلسطین بعد از ده‌ها سال ناکامی جان گرفت؛ رژیم صهیونیستی که غده‌ی سلطانی در دل کشورهای اسلامی است و تا آن روز یک چهره‌ی شکستناپذیر از خود نشان داده بود و خیلی‌ها در دنیا اسلام باور کرده بودند که رژیم صهیونیستی شکستناپذیر است، از دست جوانان مسلمان سیلی خورد؛ این موجب شد که رژیم صهیونیستی عجالتاً شعار از نیل تا فرات را کنار بگذارد و به دست فراموشی بسپرد. ملت‌های مسلمان - از آفریقا تا شرق آسیا - به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند با فرمول‌های گوناگون؛ نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما؛ اما به فکر حاکمیت اسلام بر کشورشان افتادند. بعضی از کشورها موفق هم شدند؛ بعضی هم آینده‌ی نویدبخشی در انتظارشان هست از حرکت‌های اسلامی روشنفکران در دنیا اسلام با امید تازه‌ای به میدان آمدند؛ همان شاعران و هنرمندان و نویسندهای کانی که با یأس حرف می‌زدند، احساس شکست می‌کردند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از حرکت عظیم امام بزرگوار و ایستادگی‌های این ملت، رویه‌ی شان عوض شد، لحن کلامشان و شعرشان و قلمشان تغییر پیدا کرد؛ رنگ امید به خود گرفت. و این رشتہ سر دراز دارد.

بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

مسئله محاسبات معنوی در خط امام □

یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسئله محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیری‌های خود، در تدبیر خود، محاسبات معنوی را در درجه‌ی اول قرار می‌داد. یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که می‌خواهد بکند،

در درجه اول هدفش، کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، کسب وجاهت پیش زید و عمرو نباشد. هدف اول، رضای الهی باشد. این یک. بعد هم به وعده الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعده الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یأس معنا ندارد، ترس معنا ندارد؛ غفلت معنا ندارد؛ غرور معنا ندارد.

اما، آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلای به یأس نشد؛ آن وقتی هم که همه ملت ایران یکصدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملت‌های دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتی که خرمشهر به وسیله متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مأیوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فدایکاری خود گرفتند، امام مغور نشد؛ فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ یعنی ما هیچکارهایم. در همه حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همین‌جور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خدادست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

به وعده الهی باید اعتماد کرد

به وعده الهی باید اعتماد کرد. خدای متعال در سوره «فتح» می‌فرماید: «وَيَعْذِبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الطَّائِنَينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ»؛ (فتح ۶) خصوصیت منافق و مشرک از جمله این است که: به خدا سوء‌ظن دارند؛ وعده الهی را قبول ندارند، باور ندارند. اینکه خدا می‌گوید: «وَلَئِنْصُرَنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، (حج: ۴۰) این را آدم مؤمن با همه وجود قبول دارد؛ منافق این را قبول ندارد. خداوند می‌فرماید: «عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَخَصِيبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعْدَلَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا». (فتح ۶) کسانی که به خدا سوء‌ظن دارند، وضعیتشان این‌جور است.

امام، به وعده الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاہدت می‌کنیم، قدم برای خدا بر می‌داریم، همه تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال - آنچنان که وعده فرموده است - تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار می‌کنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

نباید مخالفت با کسی ما را وادر کندکه نسبت به او از جاده حق تعدی کنیم

یکی از چیزها، ... رعایت تقوای عجیب امام در همه امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است، خیلی مهم‌تر است، خیلی اثربارگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه می‌گوییم؟ اینجا تقوا اثر می‌گذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده تقواست. آیه شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار می‌کنم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقُولُوا قَوْلًا سَلِيدًا». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ این جوری حرف بزنیم. من می‌خواهم عرض بکنم به جوانان عزیzman، جوان‌های انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف می‌زنند، می‌نویسند، اقدام می‌کنند: کاملاً رعایت کنید! این جور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادر کند که نسبت به آن کس از جاده حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم. نه! ظلم نباید کرد! به هیچ کس نباید ظلم کرد! ... درباره زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور می‌شود حرف زد: یک جور آنچنانی که درست منطبق با حق است، یک جور هم آنچنانی که در آن آمیزه‌ای از ظلم وجود دارد؛ این دومی بد است؛ باید از آن پرهیز کرد. درست همانی که حق است؛ صدق است و شما در دادگاه عدل الهی می‌توانید راجع به آن توضیح دهید، بگویید: نه بیشتر! این، یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خط امام است که ما باید به یاد داشته باشیم.

خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

مشاهده نشانه‌های قدرت و اعانت الهی توسط امام

چشم با بصیرت امام ... نشانه‌های قدرت و اعانت الهی را می‌دید. عیب ماه‌ها این است که گاهی کمک‌های الهی را لمس می‌کنیم، اما آنها را درست نمی‌بینیم؛ تشخیص نمی‌دهیم که این چه کمک بزرگی است که خدا دارد به ما می‌کند؛ اما او می‌دید. در یک قضیه‌ای که من مکرر این را نقل کردم، ایشان به من فرمود که: از اول انقلاب تا امروز - آن روز حدود سال ۱۳۶۵ بود - همه جا دست قدرتی را مشاهده می‌کنیم که دارد ما را کمک می‌کند و جلو می‌برد. او این دست قدرت را می‌دید. نگاه امام به ملت ایران با نگاه دیگران فرق داشت. همان روز اگر می‌خواستیم قضاوت بسیاری از نخبگان علمی دینی و غیر دینی و سیاسی و غیره را درباره ملت ایران مشاهده کنیم، می‌دیدم قضاوت‌ها قضاوت‌های عجیب و غریبی است. بعضی این ملت را با ایمان نمی‌دانستند، بعضی دارای صداقت نمی‌دانستند، بعضی به نیرو و به وفای آنها شک می‌کردند - که ما اینها را شنیدیم، از خیلی‌ها شنیدیم - اما امام در سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم، آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت: اگر ما به مردم فراخوان بدیم، این صحرای قم را از جمعیت پر می‌کنند؛ لبیک می‌گویند. نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود؛ مردم را شناخت. آن عنصر بالرزش اکسیرگونه‌ای که مس‌ها را طلا می‌کند، این را در جان و دل مردم کشف کرد و آن را به کار گرفت. لذا با این موانع بزرگی که در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیلگری باور نمی‌کرد که این اتفاق در اینجا بیقفت. او تکیه به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد.

بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان استان قم ۲۰/۰۸/۸۹

صفای باطن و اشک‌های نیمه شب امام □ عامل بروز آثار شگفت‌آور

یک علت اینکه امام بزرگوار ما یک کلمه‌اش در این فضای عظیم عمومی کشور، در شدت و محنت، در همهٔ حالات اثر شگفت‌آوری می‌گذشت، معنویت او بود،

صفای باطن او بود، ارتباط و اتصال او به خدا بود، اشک‌های نیمه شب او بود. فرزند امام - مرحوم حاج سید احمد - همان وقت در زمان حیات امام به من گفت: نیمه شب که امام بلند می‌شود، از بس گریه می‌کند، این دستمال‌های معمولی برای پاک کردن اشکش کفاف نمی‌دهد؛ مجبور است اشک چشمش را با حوله پاک کند؛ این قدر اشک می‌ریزد. آن مرد پولادین، آن مردی که حوادث و لطماتی به سمت او سرازیر می‌شد که یک ملت را تکان می‌داد و او را تکان نمی‌داد، آن مردی که عظمت و هیمنه قدرت‌های جهانی در نظر او هیچ و پوچ بود، آن مرد در مقابل عظمت الهی، در حال دعا و استغاثه، آن جور اشک می‌ریخت. اینها خیلی قیمت دارد. این فرصت‌ها را قدر بدانید.

بیانات در دیدار طلاب خارجی حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۰۸/۰۳

راز موفقیت امام [[در رهبری انقلاب

کسی مثل امام بزرگوار ما که یک‌تنه وارد شد و توانست به برکت عزم و اراده راسخ و ایمان و توکل، همه ملت را بسیج کند و این حرکت عظیم را راه بیندازد، بیش از هر چیز ممکن بود به همان جوشش قلبی، معنوی، روحی، توکل، معرفت، عبادت. تا آخر عمر هم این بزرگوار با وجود پیری و ناقانی و شکستگی، نیمه شب بر می‌خاست، اشک می‌ریخت. ما خبر داشتیم از نزدیکان ایشان که به همه خصوصیات زندگی ایشان واقف بودند، شنیده بودیم، اطلاع داشتیم؛ ایشان نیمه‌های شب بر می‌خاست، از خدای متعال استمداد می‌کرد: «رُهْبَانُ اللَّيْلِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۸). شب با آن حالت، آن وقت روز مثل شیر غرآنی می‌آمد توی میدان‌ها، قدرت‌ها را شکست می‌داد؛ ضعف‌های ملت را برطرف می‌کرد؛ اراده‌های همه ما مردم را تقویت می‌کرد و راه می‌انداخت؛ به برکت آن پشتونه معنوی.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۹/۰۲/۲۵

اعتماد و اتکال به وعده الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر

یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی، و نقطه مقابل، بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: «وَأَعْنَهُمُ اللَّهُ»، (توبه ۶۸) «وَ

غَضِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»، (مجادله ۱۴) آن کسانی که: «الْفَلَانِينَ بِاللَّهِ ظُنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا». (فتح ۶) اعتقاد به و عده الهی، به صدق و عده الهی که فرموده است: «إِنَّ تَصْرُّرَ اللَّهِ يَنْصُرُكُمْ» (محمد ۷) یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ماست؛ باید به این و عده اعتماد و اتکال کرد. نقطه مقابل، به دل خوش گنک های دشمنان، مستکبران، قدرت های جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به طور کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب می شد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحة صحبت می کرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان می کرد، چون اتکاء به خدا داشت، نه اینکه نمی دانست قدرت ها بدشان می آید، نه اینکه نمی دانست آنها عصیانی می شوند، می دانست. اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودربایستی نشد؛ به یکی از نامه ها امام شاید به دو نامه از نامه های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر، که به او نوشته بودند جواب داد، امام به آن نامه، با صراحة تمام، مطلب را جواب داد که همان وقت در صداوسیمای جمهوری اسلامی پخش شد. البته امام مؤذبانه حرف می زد. اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه ها بیان کرد و این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد. اینکه امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب می شد که به و عده های آنها اعتمانی نکند. رئیس جمهور آمریکا ریگان، که رئیس جمهور مقتدری هم بود به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتمانی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتمانی نکرد و و عده های را که او داده بود، امام به هیچ گرفت.

در یک مورد دیگر، یک و عده ای در مورد پایان جنگ تحملی، یکی از دولت های وابسته به آمریکا داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتمانی

به آن نکردن، اعتماد نکردن. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس می‌کنیم، می‌بینیم که چطور نمی‌شود به وعده مستکبرین اعتماد کرد، به حرف‌هایی که در جلسهٔ خصوصی می‌زنند نمی‌شود اعتماد کرد، این را داریم لمس می‌کنیم. امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی‌اعتمادی به مستکبران. این البته به معنای قطع رابطهٔ با دنیا نبود، [چون] سران کشورها به مناسبت‌های مختلف برای امام پیام تبریک می‌فرستادند، امام هم به پیام تبریک آنها جواب می‌داد. ارتباط این جوری، در حدّ معمول، مؤذبانه و محترمانه وجود داشت اما هیچ‌گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدران و تبعه و دنباله‌روان آنها وجود نداشت.

بيانات در مراسم بيست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خميني
رضوان الله عليه

۱۳۹۴/۰۳/۱۴

ضرورت شناخت شاکله اصلی تفکر امام بزرگوار رضوان الله عليه

امام مظہر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را مت Hollow کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم به معنای شناخت اصول امام این نقشه راه، شناخته نخواهد شد. بدیهی است بحث ما بر مبانی فکری امام است؛ بحث بر سر تصمیم‌های مقطعی و مربوط به زمان یا مکان نیست؛ بحث بر سر آن شاکله اصلی تفکر امام بزرگوار ماست؛ این را می‌خواهیم درست بشناسیم.

امام، البته یک فقیه بزرگ بود؛ هم یک فقیه برجسته و بزرگ بود، هم فیلسوف بود، هم صاحب نظر در عرفان نظری بود، در این مسائل [و] بخش‌های فنی و علمی یک سرآمد به حساب می‌آمد. لکن شخصیت برجسته امام به هیچ‌کدام از اینها وابسته نیست؛ بلکه شخصیت اصلی امام در تحقیق مضمون آیه: «وَجَهِدُوا فِي اللّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج ۷۸) [بود]؛ امام بزرگوار با داشتن آن زمینه‌های برجسته علمی، وارد میدان مجاهدت فی سبیل الله شد و این مجاهدت را تا آخر عمر خود ادامه داد و حرکت عظیمی را به وجود آورد؛ نه فقط در کشور خود، بلکه در همه منطقه‌ها و در همه دنیا اسلام

و به یک اعتبار در همهٔ جهان. محصول این حرکت، یک محصول بی‌نظیر بود. دو کار بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ کشور به‌وسیلهٔ امام تحقق پیدا کرد؛ یکی برانداختن بنای سلطنت موروژی ظالمانه و غیر عاقلانه که چند هزار سال در کشور ما سابقه داشت. این بنای پوسیدهٔ کهنهٔ غلط که حکومت کشور به دست انسان‌هایی باشد و به صورت موروژی از کسی به کسی برسد، یا با شمشیر و زور نظامی حکومت به دست باید و بعد نسل به نسل از یکی به دیگری به ارت برسد، یک سنت غلط و بی‌منطق در طول چند هزار سال در کشور ما بود؛ کار اول امام این بود که این بنای غلط را برانداخت و کار را به دست مردم کشور سپرد.

کار بزرگ دوئی که امام بزرگوار انجام داد، ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام بود که این هم در تاریخ کشور ما بلکه بعد از صدر اسلام در تاریخ کل اسلام بی‌سابقه بود. این جهاد بزرگ امام بزرگوار ما یک چنین محصول ارزشمندی داشت و لذا جا دارد واقعاً گفته بشود که «جاهَدَ فِي الْحَقِّ جَهَادٌ»؛ (بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۸) همچنان که در قرآن هست: «وَجَهَدُوا فِي اللَّهِ حَقِّ جِهَادٍ»؛ (حج ۷۸) و همچنان که دربارهٔ اولیای دین گفته می‌شود، این مرد بزرگ هم مصدق «جاهَدَ فِي اللَّهِ حَقِّ جِهَادٍ» است.

البته در حاشیه این صحبت عرض بکنم که جهاد این مرد بزرگ صرفاً جهاد سیاسی و اجتماعی یا جهاد فکری نبود بلکه همراه با همهٔ این جهادها، جهاد درونی، جهاد با نفس، پایبندی به ارتباط مستمر و دائم با خدای متعال هم بود؛ این هم درس است. این جور نیست که اگر ما در میدان جهاد فکری یا جهاد علمی یا جهاد سیاسی یا جهاد نظامی وارد شدیم، حق داشته باشیم که از این بخش از جهاد صرف نظر کنیم. امام بزرگوار اهل خشوع بود، اهل بکاء بود، اهل دعا بود، اهل توسل و تصرع بود. در همین ماه مبارک شعبان مکرر این فقره مناجات شعبانیه را در سخنرانی خود تکرار می‌کرد: «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْرِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ

أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبٌ النُّورِ فَتَصِيلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ». (اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷) این رفتار او بود، گریه سحرگاهان او، مناجات او، دعای او، ارتباط دائمی او که این حالت، پشتونه معنوی تداوم و استمرار جهاد این مرد بزرگ را تشکیل می‌داد. این را هم در حاشیه جهاد فی سبیل الله امام بزرگوارمان به یاد داشته باشیم.

بيانات در مراسم بيست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خميني رضوان الله عليه

۱۳۹۴/۰۳/۱۴

منظمه فکری حضرت امام خمینی (رضوان الله عليه)

منظمه فکری امام دارای خصوصیات کامل یک مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی است:

۱- اولاً متنکی و مبتنی بر یک جهانبینی است که این جهانبینی عبارت است از توحید. همه فعالیت او، همه منطق او مبتنی بود بر توحید که زیربنای اصلی همه تفکرات اسلامی است.

۲- خصوصیت دیگر این منظمه فکری که آن را به صورت یک مکتب به معنای واقعی کلمه در می‌آورد، این است که منظمه فکری امام به روز بود؛ مسائل مورد ابتلای جامع بشری و جامعه ایرانی را مطرح می‌کرد و مخاطبان، آن را حس می‌کردند. در مکتب فکری امام، ضذیت با استبداد و ضذیت با استکبار حرف اول را می‌زنند؛ این آن چیزی است که ملت ایران هم آن را حس می‌کرد، ملت‌های مسلمان دیگر بلکه ملت‌های غیر مسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین این دعوت گسترش پیدا کرد.

۳- خصوصیت دیگر این مکتب فکری این بود که زنده و پویا و پر تحرک و عملیاتی بود؛ مثل بعضی از اندیشه‌پردازی‌ها و تئوری‌سازی‌های روشنفکرانه نبود که در محفل بحث، حرف‌های زیبا و قشنگی است. اما در میدان عمل کارایی ندارد؛ منطق امام، فکر امام، راه امام، عملیاتی بود؛ قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت؛ این حرکت، مسیر تاریخ کشور ما را عوض کرد. ما ملت ایران، ملتی بودیم زیردست و غرقه در بی‌هدفی و نامیدی؛ ما ملتی بودیم وابسته؛ ملتی بودیم که بعدم ما را عقب نگه داشته بودند؛ هم فکر خود را بر ما تحمیل

می کردند، هم فرهنگ خود را؛ هم منابع اقتصادی ما را می برند و هم کاروان لجنزاری از عادت‌های زشت را به سوی کشور ما سرازیر می کردند؛ ما یک چنین ملتی بودیم. امام ما را تبدیل کرد به یک ملت پرانگیزه، به یک ملت پر امید، به یک ملت پر تحرک، به یک ملت دارای هدف‌های بزرگ. امروز ملت ایران پر تحرک است، پرانگیزه است، امیدوار است و به سمت هدف‌های بزرگ روانه است. البته ما با هدف‌های خودمان هنوز خیلی فاصله داریم. اما مهم این است که در حال حرفکنیم؛ مهم این است که نیرو و همت پیشرفت در ملت ما وجود دارد؛ مهم این است که جوانان ما معتقد‌نند که می‌توانند به این هدف‌ها برسند؛ می‌توانند عدالت اجتماعی را به طور کامل تأمین کنند؛ می‌توانند پیشرفت و ثروت را به این کشور بیاورند؛ می‌توانند ما را به یک کشور پیشرفته و دارای قدرت متناسب با هویت تاریخی خودمان تبدیل کنند؛ این امید، امروز در کشور ما موج می‌زند و جوان‌های ما در این جهت در حرکت‌اند. ما از حال تخدیرشده بیرون آمدیم، از حال خواب‌آلودگی بیرون آمدیم، این کار را نهضت امام بزرگوار ما و این مرد بزرگ انجام داده است.

بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رضوان الله عليه

۱۳۹۴/۰۳/۱۴

تحریف شخصیت حضرت امام خمینی رضوان الله عليه

به مناسبت چهاردهم خرداد ... آنچه امروز به شما عرض می‌کنم تحت عنوان «تحریف شخصیت امام» است. آیا شخصیت‌ها هم قابل تحریف‌اند؟ معمولاً عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره تحریف متون به کار می‌بریم؛ آیا شخصیت‌ها را هم می‌شود تحریف کرد؟ بله! تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه اینها بر می‌گردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگوست، امام و پیشوایست، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنمای و رهنماود

است، اگر تحریف شود زیان بزرگی به وجود خواهد آمد. امام را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این جور می‌خواهند: امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش می‌کنیم، نامش را با تجلیل می‌آوریم، صرفاً همین؛ بعضی می‌خواهند امام را این جور بشناسند و بشناسانند و این جور تلقی کنند؛ این غلط است.

بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رضوان الله عليه

۱۳۹۴/۰۳/۱۴

اندیشه امام خمینی (رضوان الله عليه) در حفظ جریان اصیل ایمانی

امام بزرگوار جریان اصیل انقلاب را با بهره‌گیری بجا و مناسب از این حادثه تعیین کرد، آن مسیر را در مقابل ملت ایران قرار داد، و راه انقلاب را – که همان اوایل داشت منحرف می‌شد و می‌خواستند آن را به شرق و غرب بچسبانند – تعیین کرد، انقلاب را نجات داد؛ این، برکت این حادثه بود. بله، هزینه دادیم، شخصیت‌های برجسته‌ای را از دست دادیم، شکنی نیست، اما باید دید تأثیر این چیست. ملت مسلمان، در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله، هنوز مديون خون شهیدان کریلاست؛ هزینه از دادن حسین بن علی بالاتر؟ جانی از جان یاران حسین عزیزتر؟ اینها را دادند، این هزینه انجام گرفت اما اسلام ماند، قرآن ماند، جریان اصیل ایمانی در جامعه باقی ماند؛ همین قضیه در ماجراهی هفتم تیر هست، در ماجراهی شهدای دیگر ما هست.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و شهدای استان تهران ۱۳۹۴/۰۴/۰۶

یاد انسانهای بزرگ به دلها آرامش و اطمینان می‌بخشد

یاد عظمت‌ها و قله‌های بلند و پروازهای معنوی انسان‌های بزرگ، به دلها آرامش و اطمینان و اعتماد به نفس می‌بخشد. آیه‌ی شریفه، سکینه و آرامش را در دل‌های مسلمانان ناشی از فتح و نصرت الهی میداند و آرامش را و اطمینان را و سکینه‌ی قلبی را مایه‌ی تقویت ایمان و ازدیاد ایمان معرفی می‌کند؛ دشمن عکس این را و ضده این را برای امت اسلامی و برای جامعه‌ی مؤمن و متحرک و پویای ما دنبال می‌کند.

بیانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۹۷/۳/۱۴

امام خمینی رضوان الله عليه نماد انقلاب است

سی سال است از امام بزرگوار، در مثل چنین روزی سخن میگوییم؛ امام یکی از قله‌های بلند است و بعد از این هم ملت ما، امت ما همواره از امام سخن خواهد گفت و شایسته هم همین است؛ زیرا امام، نماد انقلاب است و این کشور بدون موتور پُرقدرت انقلاب به هدفهای خود، به آرزوهای بزرگ خود دست نخواهد یافت.

بیانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۹۷/۳/۱۴

شیاهت های امام خمینی رضوان الله عليه با حضرت علی علیه السلام

امسال این همزمانی با ایام شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، شیاهت هایی را به ذهن می آورد میان این پیرو صادق، این پیرو حقیقی امیرالمؤمنین و آن پیشوای والا و بزرگ؛ شیاهت هایی وجود دارد که مایه ای افتخار ملت ایران و امت اسلامی است؛ توجه به این شیاهت ها مهم و مفید است برای پیدا کردن راه درست و همچنین برای آشنایی بیشتر با امام بزرگوارمان. من سه سرفصل را در مورد این شیاهت ها آماده کرده‌ام که مطرح کنم.

یک سرفصل این است که در امیرالمؤمنین دو خصوصیت ظاهرًا متضاد جمع شده بود؛ یکی صلابت و ایستادگی و شدّت، و یکی لطافت و صفا و رقت؛ این هر دو در امیرالمؤمنین در اوج و در کمال خود وجود داشت. صلابت و شدّت در برابر هر حرکت نابه حق؛ در برابر ظلم، در برابر ظالم، در برابر انحراف از راه خدا، در برابر طغیان گری، در برابر اغواگری؛ در مقابل اینها امیرالمؤمنین با منتهای صلابت و استحکام می‌ایستاد که نظیر آن تا امروز دیده نشده است. در مقام مواجهه‌ی با ذکر الهی و یاد الهی از سویی، و در برخورد با مظلومین و محرومیان و ضعفا و مستضعفان از سوی دیگر، در نهایت لطافت و رقت عمل میکرد. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در برابر معاویه، با آن صلابت برخورد کرد؛ مشورت به امیرالمؤمنین دادند که مدتی صبر کنید و معاویه را از استانداری شام عزل نکنید؛ زیر بار نرفت. صلابت

امیرالمؤمنین در مقابل آن دو صحابی قدیمی و موجّه و بسیار آبرومند که توقعاتی داشتند و چیزهایی می خواستند که به نظر امیرالمؤمنین نا逼حق بود؛ زیر بار توقعات آنها نرفت و با کمال صلابت و ایستادگی، مقاومت کرد. در برابر خوارج که مدعی اسلام بودند و در مقابل امیرالمؤمنین که میزان حقیقی اسلام بود، ایستاده بودند، در مقابل اینها و کچ روی های اینها و کچ فهمی های اینها، امیرالمؤمنین در نهایت استحکام و صلابت ایستاد. از یک طرف، یک چنین صلابتی را انسان از این انسان والا و ولی بزرگ خدا مشاهده می کند. اما از طرفی هم در مقابل ضعفا، در مقابل مستضعفان آن چنان رقتی، آن چنان لطفتی، آن چنان صفائی از امیرالمؤمنین دیده میشود که انسان متحیر میماند. داستان رفتن به خانه‌ی آن همسر شهیدی که یتیمانی دارد به صورت ناشناس- و رفتن کار تنور و نان پختن برای آنها و سرگرم کردن کودکان آنها، داستان معروفی است و شنیده‌اید؛ انسان حیرت میکند از این همه لطافت! یا در ماجراهی حمله‌ی به استان انبار عراق که اشرار سپاهیان شام حمله کردند و استاندار امیرالمؤمنین را به قتل رساندند و به خانه‌های مردم حمله کردند، کودکان را کشتدن، زن‌ها را تهدید کردند، امیرالمؤمنین می فرماید که «فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا ماتَ مِنْ بَعْدِهِ إِذَا أَسْقَى مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا»؛ انسان مسلمان از اینکه بشنويد بیگانگان به خانه‌ی مردم بی دفاع حمله کرده‌اند و زیورها و زینت‌های زنان را از آنها گرفته‌اند، اگر از غصه و از تأسف بمیرد، او را ملامت و سرزنش نباید کرد؛ یعنی شایسته است. ببینید؛ نسبت به دفاع از حقوق ضعفا یک چنین احساس عجیب و شگفت‌آوری را انسان از امیرالمؤمنین مشاهده می کند! این دو خصوصیت متضاد در امیرالمؤمنین.

در امام راحل ما، عیناً همین دو خصوصیت مشاهده می شود. از یکسو صلابت، استحکام، ایستادگی محکم در مقابل ستمگران، در مقابل بدی‌ها. در مقابل رژیم منحط و طاغوتی و فاسد پهلوی مثل صخره‌ی مستحکمی ایستاد؛ در مقابل آمریکا مثل کوه ایستاد؛ در برابر تهدیدها، در برابر صدام متجاوز در جنگ تحمیلی و دفاع هشت‌ساله، در برابر فتنه‌های داخلی، حتی در برابر شاگرد قدیمی و صحابی قدیمی خود به خاطر اینکه رفتار او را برخلاف حق مشاهده می کرد، بدون هیچ ملاحظه‌ای ایستاد؛ این صلابت امام.

از طرف دیگر، رقت و لطافت امام بزرگوار را انسان مشاهده می کند. پیغامی از مادر شهید به آن بزرگوار می رسد، بنده خودم پیامی را از یک مادر شهیدی برای امام بزرگوار بدم، آن مرد با صلابت، چشمانش پُر از اشک شد! تأثیر در مقابل پیغام ارادت و فداکاری و گذشت مادر شهید؛ و دفاععش از مستضعفان، از پابرهنگان که در کلمات امام بزرگوار فراوان است. این یک سرفصل و شباهت عجیب امام بزرگوار به پیشوای متّقیان.

سرفصل دوم. در امیرالمؤمنین یک پدیده‌ی شگفت‌آوری وجود دارد؛ سه خصوصیت بظاهر ناسازگار در امیرالمؤمنین جمع شده است. امیرالمؤمنین، هم انسان قوی و مقتدری است، انسان قدرتمندی است، هم در عین حال مظلوم است، و هم در عین حال در حوادث گوناگون پیروز نهایی است؛ این سه خصوصیت در امیرالمؤمنین و در حالات آن بزرگوار مشهود است.

اقتدار و قوت امیرالمؤمنین را اگر بخواهیم درست بفهمیم، باید نگاه کنیم به گستره‌ی وسیع محل حکومت امیرالمؤمنین؛ آن کشور باعظمتی که تحت مدیریت امیرالمؤمنین اداره میشد؛ از منتهای شرق افغانستان کنونی تا کنار دریای مدیترانه و مصر همه‌ی این منطقه‌ی وسیع تحت مدیریت امیرالمؤمنین اداره میشد؛ با کمال قدرت و استحکام. اراده‌ی پولادین او، شجاعت و هنر نظامی گری او، زبان قوی و منطق جذاب او که کلمات امیرالمؤمنین و خطبه‌های پُرشور و سرشار از حکمت او تا امروز درس های نورانی برای دلهای آحاد بشر است - نشانه‌های اقتدار است؛ بازوی قوی، فکر قوی، اراده‌ی قوی، مدیریت قوی، زبان قوی؛ یک انسان قوی و مقتدر. در عین حال، همین انسان قوی، مظلوم است؛ نشانه‌های مظلومیت او در رفتار دشمنان، در رفتار حسودان، در تهمت های ناجوانمردانه‌ای که عوامل دشمنانش به امیرالمؤمنین در زمان حیات او وارد آوردند، در خواص دل‌به‌دنیا سپرده‌ی او که بعضی از نزدیکانش و خواصش به خاطر دنیاطلبی از او جدا شدند است. اینها نشانه‌ی مظلومیت آن بزرگوار

است. این فشار واردآمده‌ی از جوانب مختلف بر این انسان بزرگ تا حدی است که گاهی این انسان صبور و دریادل و شکیبا، آن طوری که معروف است با چاه درد دل می‌کند، با چاه حرف می‌زند؛ این نشان‌دهنده‌ی مظلومیت امیرالمؤمنین است. بعد از رحلت او و شهادت او هم تا سال‌های متتمادی، دشمنان او که بر اریکه‌ی حکومت، بر سلطنت مسلط شده بودند، در سرتاسر کشور اسلامی وسیع بر سر منابر به او اهانت می‌کردند و [نسبت] به امیرالمؤمنین مجسمه‌ی تقوا و عدالت و دادگری بدگویی می‌کردند.

در عین حال انسان وقتی مجموع قضايا را نگاه می‌کند، می‌بیند در این مصاف طولانی، پیروز نهایی، امیرالمؤمنین است. امروز شما ملاحظه کنید نام امیرالمؤمنین، شخصیت امیرالمؤمنین در آفاق عظیم بشر و تاریخ انسان کجا است؛ در اوج است و از دشمنان او خبری نیست. نهج‌البلاغه‌ی او درس انسان‌های والا است؛ سیره‌ی او بر جسته‌ترین و درخشان‌ترین سیره‌ی یک انسان بعد از نبی مُکرم اسلام است؛ عدالت او، عبادت او و شخصیت عظیم او امروز در دنیا بر جسته است؛ راه او بر راه دشمنانش پیروز شده است و پیروز نهایی، امیرالمؤمنین بود.

همین سه خصوصیت در امام بزرگوار ما، در امام راحل نیز جمع شده بود. امام بزرگوار یک انسان قوی و مقتدر بود؛ انسانی که توانست حکومت طاغوتی دیکتاتوری و راشی را بعد از دو هزار سال، در این کشور وسیع و بزرگ از اریکه‌ی قدرت به زیر بکشد؛ این خیلی قدرت می‌طلبد؛ نشانه‌ی قوّت فوق العاده‌ی امام بزرگوار است. توانست آمریکا را که منافع حیاتی برای خود در اینجا تعریف کرده بود، شکست بدهد و به عقب‌نشینی وادر کند؛ توطئه‌ها را خشی کند؛ و طراحان جنگ تحمیلی را ناکام بگذارد. آن کسانی که جنگ تحمیلی را طرّاحی کرده بودند، غرضشان نابود کردن انقلاب و ریشه‌کن کردن نظام اسلامی بود؛ امام بزرگوار از این تهدید، یک فرصت به وجود آورد؛ اینها نشانه‌ی قوّت و قدرت و اقتدار امام بزرگوار است. در عین حال امام بزرگوار ما مظلوم بود، به خاطر تبلیغات گسترده‌ی دشمنان علیه او؛ تبلیغات اهانت‌بار به طور مداوم در زمان حیاتش و تا مدت‌های بعد از رحلتش ادامه داشت؛ رفتارهایی از کسانی که آن رفتارها از آنها توقع نمی‌رفت، نسبت به امام بزرگوار انجام گرفت که این نشانه‌ی مظلومیت امام بزرگوار بود و دلتنگی‌های امام را انسان می‌تواند

از لایه‌لای سخنان مستحکم و پُرصلاحت او در مجموعه‌ی بیاناتش پیدا کند که نشان میدهد این مرد بزرگ، دلتانگی‌های بسیاری هم داشته است؛ این هم مظلومیت او است.

و پیروزی نهایی امام بزرگوار هم آن نقطه‌ی بعدی است؛ آن اقتدار، آن مظلومیت، آن پیروزی. مثل امیرالمؤمنین، امام بزرگوار هم پیروز شد. پیروزی او، در استحکام نظام اسلامی، در بقای نظام اسلامی و در رشد و توسعه و پیشرفت نظام اسلامی خودش را نشان میدهد؛ بسیاری از آرزوهای امام، بعد از رحلت امام تحقق پیدا کرد؛ خودبادری کشور، خودکفایی کشور، پیشرفت علمی و فناوری کشور، پیشرفت سیاسی کشور، توسعه‌ی صفحه‌ی نفوذ کشور و جمهوری اسلامی در منطقه‌ی وسیع غرب آسیا و شمال آفریقا؛ اینها چیزهایی بود که اتفاق افتاد و این پیروزی گفتمان امام و راه امام و روش امام بود. بسیاری از این آرزوها تحقق پیدا کرده است و بسیاری دیگر از آرزوهای امام باذن الله تحقق پیدا خواهد کرد و جمهوری اسلامی امام بزرگوار ما روزبه روز اعتلاء و عظمت بیشتری خواهد یافت و همین است که دشمنان را دستپاچه و عصی کرده است. عزیزان من، جوانان عزیز، ملت بزرگ ایران! حرکاتی که شما از دشمن مشاهده میکنید، نشانه‌ی دستپاچگی و آشفتگی دشمن است، نشانه‌ی عصی شدن دشمن است، نشانه‌ی اقتدار او نیست. آنچه از دشمن امروز عليه جمهوری اسلامی سر میزند، از سر اقتدار نیست؛ به خاطر این است که از پیشرفت جمهوری اسلامی، از عظمت جمهوری اسلامی، از ایستادگی ملت ایران آشفته است، عصی است، دستپاچه است؛ این حرکات، ناشی از آن است.

سرفصل سوم. نشانه‌شناسی دشمنان امیرالمؤمنین، این هم درس آموز است. جبهه‌ی مقابل امیرالمؤمنین را شما ملاحظه کنید که در تاریخ مشخص شده است: قاسطین، ناکثین، مارقین.

قاسطین یعنی دشمنان بنیانی حکومت امیرالمؤمنین؛ ناکثین یعنی همراهان

سُست نهاد و سُست بنیادی که بیعت را زیر پا گذاشتند به خاطر زخارف دنیوی، به خاطر هوسها و آلدگی‌های دنیایی؛ و مارقین [یعنی] کج فهم‌ها و نادان‌ها و جاهل‌هایی که به خیال اسلام، به خیال تبعیت از قرآن، در مقابل قرآن مجسم که امیرالمؤمنین است ایستادند؛ این جبهه‌ی مقابله امیرالمؤمنین است. قاسطین که دشمنان بنیانی بودند، با اصل حکومت امیرالمؤمنین مخالف بودند و بعدها تاریخ نشان داد که بدیلی که اینها برای حکومت امیرالمؤمنین میتوانستند ارائه کنند چه بود: حاجاج بن یوسف‌ها و عبیدالله زیادها و یوسف بن عمر تقفی‌ها کسانی بودند که از طرف آن قاسطین، از طرف آن دشمنان بنیادین، جایگزین حکومت عدل علوی شدند. سهم خواهان و دنیاطلبان هم به نحو دیگری و کج فهم‌ها هم به نحو دیگری. البته کج فهمی مربوط به توده‌های مارقین بود و رؤسای آنها احتمالاً با دشمنان بی‌ذوبند نبودند کما اینکه در تاریخ چنین چیزی را در مورد خوارج میگویند و ادعای میشود.

در مورد امام بزرگوار هم همین سه جبهه وجود داشتند، یعنی جبهه‌ی مخالفین امام راحل هم از این سه بخش ترکیب شده است. آمریکا، رژیم صهیونیستی و واپستگان آنها در داخل، قاسطین در مقابل امام بزرگوار ما بودند. اینها کسانی بودند که با اصل حکومت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و حاکمیت انسانی مثل امام بزرگوار مخالف بودند؛ آنها هم دنبال جایگزین برای این حکومت بودند و هستند؛ جایگزین های آنها هم حاجاج بن یوسف‌های امروزند؛ آنها هم معلوم است که چه کسانی هستند. در جبهه‌ی مخالفین امام، ناکثین یعنی بیعت‌شکنان، همان همراهان سُست کمربندند. وای از آن همراهان سُست کمربند که در مقابل خواسته‌های دنیایی نتوانستند مقاومت کنند! میدان تسابق‌اللخیرات را تبدیل کردند به میدان جنگ برای قدرت و جنگ برای دستیابی به حطام دنیوی! در بین آنها هم همه‌جور بودند؛ در زمان امیرالمؤمنین، هم امثال طلحه و زبیر بودند، هم افراد کوچکی در این جمع ناکثین وجود داشتند. در زمان امام هم قضیه همین بود و امام بزرگوار در مقابل این جبهه‌ی گسترده‌ی وسیع متنوع ایستاد. مارقین ناآگاه‌ها آن کسانی بودند که در مقابل امام بزرگوار ما، موقعیت کشور را، موقعیت انقلاب را، موقعیت ملت ایران را نفهمیدند، جبهه‌بندی دشمنان را نشناختند، شیوه‌های دشمنی دشمنان را درک نکردند، به چیزهای کوچک سرگرم شدند، عظمت

حرکت امام را نتوانستند تشخیص بدھند. اگر نمونه‌هایی را بخواهیم مشاهده کنیم، در این دوران ما امثال گروه‌های داعش و مانند آنها، و در اویل انقلاب، گروه‌های منافقین و اشیاء آنها بودند که روئیایشان خائن و زیر دست هایشان، طبقات پایین شان جاھل و فریب خورده بودند.

این سه گروه و دشمنی این سه گروه، مخصوص زمان امام هم نبود، بعد از امام هم استمرار پیدا کرده است. امروز هم همین سه گروه در مقابل نظام اسلامی و میراث بزرگ امام که جمهوری اسلامی است، صفات آرایی کرده‌اند و مبارزه و مقاومت و ایستادگی جمهوری اسلامی از تعریض آنها جلوگیری کرده است. البته این جبهه‌ی مختلط، با همه‌ی توانشان سعی میکنند در مقابل جمهوری اسلامی اخلاق‌گری کنند؛ مشکلاتی درست می‌کنند، حرکت ملت ایران را دشوار می‌کنند، کُند می‌کنند، اما نمی‌توانند جلوی پیشرفت ملت ایران را بگیرند.

بيانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۹۷/۳/۱۴

الگوهای رفتاری امام خمینی رضوان الله عليه

خدا را سپاس گزاریم که در دورانی زندگی میکنیم که یک انسان بزرگی را دیدیم که با مولای متّقیان و رهبر آزادگان تاریخ، امیرالمؤمنین، این شباختها را داشت و توانست محصول این عظمت خود را برای ملت ایران باقی بگذارد.

خب، حالا دلها آماده است، ذهن ها آماده است؛ امام رضوان الله عليه چگونه با این وضعیت مواجه میشد؟ الگوی امام چگونه است؟ این را من خیلی کوتاه و مختصر عرض کنم؛ اینها برای ما درس است. من چند خصوصیت را در الگوی رفتاری امام بزرگوار، با این وضعیت ذکر میکنم.

اولاً^ا امام در مواجهه‌ی با این دشمنی‌ها و دشمنان، برخورد شجاعانه و فعال داشت، برخورد از روی ضعف و انفعال نداشت؛ امام هرگز منفعل نشد؛ نه احساس ضعف کرد و نه از خود ضعف نشان داد؛ در مقابل دشمنان، قدرتمندانه و به صورت فعال ایستاد.

دوم: امام از هیجان‌زدگی پرهیز می‌کرد؛ امام در مقابل حوادث، هیجان‌زده نمی‌شد و تکیه به احساسات خالی از عقلانیت نمی‌کرد؛ تصمیم‌های امام، تصمیم‌های شجاعانه و همراه با احساسات محکم بود اماً مبتنی بر محاسبات عقلانی.

سوم: امام اولویت‌ها را رعایت می‌کرد؛ تمرکز بر اولویت‌ها می‌کرد. فرض بفرمایید در دوران مبارزات، اولویت امام مقابله‌ی با رژیم سلطنت بود و مسائل حاشیه‌ای را وارد میدان کار خود نمی‌کرد؛ در دوران جنگ تحملی، اولویت امام مسئله‌ی جنگ بود؛ امام بارها این را فرموده بودند که جنگ در رأس امور است، دفاع مقدس در رأس امور است، و واقع هم همین بود. متمرکز بر یک مسئله‌ی دارای اولویت می‌شد و حواشی را وارد میدان اهتمام خود نمی‌کرد. در اوّل انقلاب در همان روزهای اوّل و هفته‌های اوّل در رفتار امام، انسان با شگفتی مشاهده می‌کند تکیه‌ی امام بر قانون اساسی، بر ایجاد نظام، بر ترتیبات قانونی و بر این‌چیزهای بود؛ یعنی بر روی آن نقطه‌ی اصلی متمرکز می‌شد.

چهارم: اعتماد به توانایی‌های مردم؛ امام، ملت ایران را ملت بزرگ و آگاه و توانایی می‌دانست، به آنها اعتماد می‌کرد، به آنها خوش‌بین بود؛ مخصوصاً به جوانان. مشاهده کنید در فرمایشات امام که چقدر نسبت به ملت خوش‌بین است، نسبت به جوانان خوش‌بین است.

پنجم: بی‌اعتمادی به دشمن؛ امام در طول ده سال حضور بابرکت خود در رأس نظام اسلامی، یک لحظه به دشمن اعتماد نکرد؛ به پیشنهادهای دشمن بدین بود؛ به تظاهرات آنها بی‌اعتنای بود؛ دشمن را به معنای واقعی کلمه، دشمن می‌دانست و به او اعتماد نمی‌کرد.

ششم: اهتمام به همبستگی و اتحاد ملت؛ این هم یکی از خصوصیات الگوی رفتاری امام در مقابل این دشمنی‌ها بود. هر چیزی که ملت را به دو دسته تقسیم کند، به دو قطب تقسیم کند، از نظر امام مردود بود.

هفتم: ایمان و اعتقاد راسخ به نصرت الهی و به وعده‌ی الهی؛ این هم آن نقطه‌ی اصلی. اتکاء امام به نصرت الهی بود؛ همه‌ی تلاش خود را می‌کرد، با همه‌ی وجود در میدان بود، اماً امید او بسته‌ی به نصرت الهی و به قدرت الهی و تکیه‌ی او به قدرت

الهی بود. امام به احدي الحُسنيين اعتقاد واقعی داشت (ما لنا ألا احدي الحُسنيين) و معتقد بود که اگر کار را برای خدا بکنیم، در ضرر بسته است؛ اگر کار برای خدا انجام بگیرد، هیچ گونه ضرری متوجه و عاید نخواهد شد؛ یا پیشرفت می کنیم، یا اگر پیشرفت هم نکردیم، کاری را که وظیفه‌ی ما بوده است انجام داده‌ایم و در مقابل پروردگار سرافرازیم.

بيانات در مراسم بيست و نهمين سالگرد رحلت امام خميني رضوان الله عليه ۱۳۹۷/۳/۱۴

راه امام خميني □ را مو به مو دنبال کرده ايم

من به شما عرض می کنم برادران عزیز، خواهران عزیز و ملت بزرگ ایران! ما بعد از امام، همان راه امام را موبیمه دنبال کرده‌ایم و انشاء الله خواهیم کرد: دچار انفعال و ضعف نمی شویم و به حول و قوّه‌ی الهی در برابر زیاده‌خواهی و زورگویی بیگانگان و دشمنان می ایستیم؛ هیجان‌زده و احساساتی تصمیم نمی گیریم، به جای متن به حاشیه‌هایی که برایمان می سازند اعتمنا نمی کنیم و وارد حواشی نمی شویم، سرگرم نمی شویم؛ اولویت هایمان را به توفیق الهی و به هدایت الهی تشخیص می دهیم؛ و به امید خدا به مردمان و به توانایی‌های آنها و به جوانان عزیzman اعتماد می کنیم؛ و به دشمن مطلقاً اعتماد و اطمینان نمی کنیم؛ مردم عزیzman را از دودستگی و دوقطبی بر حذر میداریم؛ و به نصرت الهی هم اطمینان داریم. شک نداریم که ملت ایران، با این انگیزه، و با این احساسی که امروز دارد حرکت میکند، با این ایمان، با این امید، قطعاً به توفیق الهی و به حول و قوّه‌ی الهی پیروز خواهد شد.

بيانات در مراسم بيست و نهمين سالگرد رحلت امام خميني رضوان الله عليه ۱۳۹۷/۳/۱۴

نحوه مواجهه با حوادث خرسند کننده و مثبت

خب، بيست و دوم بهمن امسال از سال های قبل قوی‌تر و شلوغ‌تر بود، چه کسی کرد این کار را؟ کدام عامل، کدام آدم می تواند ادعای کند که من مؤثر بودم در این قضیه؟ ما هر چه نگاه می کنیم، جز دست قدرت الهی چیز دیگری نبود. همه گفتند که

امسال در جاهای مختلف بهتر از سال های قبل بوده؛ این جز قدرت الهی چیز دیگری نیست، این دست قدرت خدا است. یک وقتی در دوران بیماری امام **ره** که من یک چیزی را گفتم که این کار خدا بود و یک موقعیتی بزرگی بود، ایشان به بنده گفتند که من از اول انقلاب یا از اول کار -یک چنین چیزی- تا حالا می بینم که یک دست قدرتی دارد کارهای ما را پیش می برد. من عین عبارت ایشان را بعد که بیرون آمدم نوشتم حلا الان [عین عبارت] یادم نیست؛ [فرمودند] یک دست قدرتی را می بینم. واقع قضیه همین است؛ دست قدرتی است که دارد این کارها را انجام می دهد. متنهاین دست قدرت خدا برای این است که اگر چنانچه ما رفتارمان را خوب کنیم، رحمت خدای متعال شامل خواهد شد. **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجَبَاتِ رَحْمَتِكَ**؛ موجبات رحمت دست ما است. امام **ره** فرمود خرمشهر را خدا آزاد کرد؛ این همه جوان ها آنجا مجاهدت کردند، شهید شدند، کار کردند، [امام فرمود] خدا آزاد کرد؛ این درست است؛ خدا آزاد کرد. می توانستند همین قدر شهید بدهنند و هیچ اتفاقی هم نیفتند. در عملیات رمضان، در جنگی که همان وقتها انجام گرفت - خدا نخواست ما فتح کنیم اما در خرمشهر اتفاق افتاد؛ این اراده‌ی الهی بود. این در مواجهه‌ی با حوادث خرسندکننده و حوادث مثبت بود.

بيانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴۹۷/۱۲/۲۳

نحوه مواجهه با حوادث سخت

در مواجهه با حوادث سخت مثل همین تحریم که یک حادثه‌ی سخت است، یا فرض بفرمایید مثل حمله‌ی نظامی، حرکت نظامی - اینها حوادث سختی است که از طرف دشمن ممکن است تحمیل بشود - اینجا هم خدای متعال دستور خودش را و روش درست را به ما یاد داده: **وَلَمَّا رَءَا الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادُهُمْ إِلَّا ايمانًا وَتَسْلِيمًا**. ما توقع نداشتیم که حکومت اسلامی در دوران سیطره‌ی مادیت و حکومت های مادی در دنیا به وجود باید و مادیون دنیا که همه‌ی قدرت های مادی را هم دارند، ساكت بنشینند تماشا کنند؛ معلوم بود که معارضه می کنند، معلوم است که اگر بتوانند تحریم می کنند، معلوم است که اگر بتوانند جنگ نظامی می کنند؛ ما باید کاری بکنیم که به فکر نیفتند این کارها را

بکنند و اگر به فکر افتادند و اقدام کردند، سرکوب بشوند؛ وَالَا توقّع اینکه دشمن به ما حمله نکند، توقّع درستی نیست. بنابراین، این هم دستور الهی است. در مواجهه‌ی با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد. لَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُون؛ این [آیه] در سوره‌ی یونس است؛ نگاه کردم، در سوره‌ی بقره [هم] شاید چهار پنج جا؛ «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُون» در مورد مؤمنین آمد. خب این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خدا است، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد. امام (رضوان الله علیه) واقعاً نمی‌ترسید. ما یک وقتی خدمت ایشان نشسته بودیم -همان اول انقلاب؛ همان وقت هایی که با آن بندۀ خدا یک و دو داشتیم سر قضایای نیروهای مسلح و این حرف‌ها- بندۀ به ایشان گفتم «علت اینکه شما مثلاً فلان جمله را درباره‌ی فلان شخص گفتید این است که می‌ترسید»؛ می‌خواستم بگویم «می‌ترسید که نیروهای مسلح مثلاً بدشان بیاید»، تا گفتم «می‌ترسید»، ایشان همین جور بلافصله گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم». ایشان متظر نشدند که متعلق ترس را بگویم؛ تا گفتم «شما می‌ترسید»، ایشان گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم». واقعاً هم همین جور بود؛ ایشان از هیچ چیز نمی‌ترسید. «لَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُون» یعنی این. چرا بترسد؟ انسان بزرگی مثل او واقعاً همین جور بود.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

امام بزرگوار دلش پُر بود از ایمان به الله

اگر چنانچه خدای متعال به یک ملتی کمکی کرد و آن ملت قدر آن کمک را ندانستند، کنکش را می‌خورند، سیلی اش را می‌خورند؛ باید قدر بدانند. ملت ما بحمد الله از روز اول قدر دانست. این حرکت عظیم ملت ما، این بقای انقلاب، این ایستادگی این ملت و عزّت روز افرون این ملت، این پیشرفت فوق العاده‌ی این کشور به خاطر همین است که این ملت به برکت وجود امام بزرگوار به این چند جمله‌ی از

آیات قرآن عمل کرد؛ او به ما یاد داد. خود او دلش پُر بود از ایمان به الله، سرشار و لبریز بود از ایمان به خدا و معارف قرآنی؛ به ما یاد داد که چه کار بکنیم و حرکت کردیم؛ و بحمد الله [ملّت] ایستاد. امروز هم راه همین است؛ امروز هم جز ایستادگی در مقابل شیاطین و طواغیت و کفار راهی برای این کشور وجود ندارد و انشاء الله که خدای متعال هم توفیقات خود و کمک های خود را به این ملت خواهد داد.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

امام به معنای واقعی کلمه حکیم بود

پیغمبر اکرم قبل از اینکه بباید مدینه، از مردم مدینه که آمده بودند، از نمایندگان اوس و خزر جیعت گرفت؛ گفت با جانتان، با مالتان باید همراه من باشید، آنها هم قبول کردند، پیغمبر [هم] تشریف آورد مدینه. وقتی هم وارد مدینه شد، هیچ سؤال نکرد که حالا مثلاً حاکمیت هم به عهده‌ی ما است یا نه؛ نه، معلوم بود، همه می‌دانستند آمده و حاکمیت و حکمرانی و اداره‌ی حکومت به عهده‌ی او است. دین برای این است: ما آرسلنا مِن رَسُولِ إِلَيْطَاعٍ يَا ذِنْ اللَّهِ؛ معنای «لیطاع» فقط این نیست که اگر گفت نماز بخوانید، نماز بخوانید؛ نه، [معنایش] اطاعت در همه امور زندگی [است]، یعنی حکمرانی. خب پس این بخشی از اسلام است، یعنی بخشی از اسلام عبارت است از معارف اسلامی که این معارف شامل عقليات و نقلیات و ارزش‌های اخلاقی و بیان سبک زندگی و شیوه‌ی حکومت است؛ و همه‌ی اینها جزو معارف اسلامی است که دانستن اینها لازم است. این بخشی از اسلام است؛ بخشی از اسلام هم عبارت است از تحقق اینها در خارج؛ یعنی توحید محقق بشود در خارج، نبوت به معنای در رأس جامعه بودن تحقق پیدا کند. خب «الْعَلَمَاءُ وَرَءَةُ الْأَنْبِيَاءِ» را باید شما محقق کنید. نمی‌گوییم حتماً باید شما در رأس جامعه باشید - خب شکل حکومت ممکن است انواع و اقسامی داشته باشد - اما شما به عنوان عالم دین و متخصص دین موظفید که اسلام را در خارج، در محیط زندگی محقق کنید؛ این وظیفه‌ی ما است. این کاری است که امام بزرگوار کرد. یکی از دوستان بدرستی اشاره کردند به منشور روحانیت و آن نامه‌ی مفصل امام .منشور روحانیت را بخوانید، مکرر بخوانید. امام به معنای واقعی کلمه حکیم بود - حکیم فقط آن کسی نیست که فلسفه بلد است - حکمت در رفتار او، در

گفتار او، در نوشتار او موج می‌زد.

پس این کاری که حوزه‌ی علمیه در زمان مبارزات اخیر –یعنی مبارزات متنه‌ی به [تشکیل] جمهوری اسلامی – با رهبری امام انجام داد، این درست همان وظیفه‌ای است که حوزه باقیمانده اینجا می‌داد. این جور نیست که ما بگوییم حوزه کاری خارج از وظایف خود در دوران مبارزات انجام داد؛ نخیر. امام در رأس بود، طلب و فضلا و خیلی از بزرگان حوزه همراهی کردند، پشت سر امام راه افتادند و حرکت کردند. بنده یک وقتی تشییه کردم این حرکت طلب را در آن روز در سطح عظیم کشور به آنچه در این آیه شریفه آمده است: وَأَوْحِيَ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنَّ أَتَّخِذُ ذِي الْجَيْلَ بَيْوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ، ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الْثَّمَرَاتِ فَاسْكُنْكِي سُبْلَ رَبِّكِ ذُلْلَا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ لَوْاْنَهُ فِيهِ؛ گفتم هم عسل داشتند، هم نیش داشتند؛ مثل زنبور عسل. طلبی این روز، هم می‌رفت مردم را هشیار می‌کرد، بیدار می‌کرد و جوان را سیراب می‌کرد از معارف انقلاب و مبارزه‌ی در راه خدا و در راه اسلام، هم نیش خودش را به آن که باید بزند می‌زد؛ این واقعیت قضیه است. این وظیفه‌ی حوزه بود، و کاری بود که انجام داد. آن روز آن کار را باید می‌کرد، امروز هم که بحمدالله نظام اسلامی به وجود آمده، تشکیل شده، ما منتظریم که دولت اسلامی به معنای واقعی و سپس جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی و سپس تملک اسلامی به معنای حقیقی به وجود باید، حوزه‌ی علمیه مسئولیت‌های مناسب با این کار بزرگ را دارد، باید انجام بدهد. چه کار باید بکنید؟ باید بنشینید فکر کنید دیگر؛ اینها جزو آن موضوعات و مباحث فکری شما است.

بيانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

امام حرف که می‌زد، دائم حکمت از دل او جاری می‌شد

تقوا دامنه‌ی وسیعی هم دارد؛ یعنی از خلوت دل شما تقوا وجود دارد که شهوات را در دل راه ندهید، ریب و شک در حق را در دل راه ندهید، هوای نفس را از خودتان

دور کنید؛ [یعنی] این مشکلاتی که مها دچارش هستیم. دیشب تلویزیون یک برنامه‌ای از امام (رضوان الله علیه) پخش می کرد. خب واقعاً امام، حکیم به معنای واقعی کلمه بود، یعنی حرف که می زد، دائم حکمت از دل او جاری می شد -البته ما بودیم در آن جلسه اما خب تذکر خیلی لازم است -یک جمله‌ای ایشان می گفتند که «ماه رمضان موجب می شود که از شهوات، خودمان را دور کنیم، بخصوص شهوات معنوی؛ شهوت معنوی سخت‌تر است؛ قدرت طلبی، جاهطلبی، اینها شهوات معنوی [است]. اینکه انسان سعی کند در همه‌ی میدان‌های زندگی خودش را تحکیم کند، این آن شهوت معنوی است؛ شهوات ظاهری و مادی و اخلاقی و [مانند] اینها هم که به جای خود محفوظ است. تقوا از اینجا شروع می شود تا به عرصه‌ی اجتماع؛ در جنگ، تقوا وجود دارد، در فعالیت‌های سیاسی تقوا معنا می دهد، در فعالیت‌های اقتصادی همین جور. آن وقت من و شما که [جزو] مسئولین هستیم در کشور و مدیریت‌های مختلف به عهده‌ی مها است، حرکتمان، قولمان، فعلمان، ضمیرمان، تصمیمان، به سرنوشت مردم ارتباط پیدا می کند؛ و اینجا است که تقوا اهمیت پیدا می کند. اینکه گفتم تقوا برای من و شما مهم‌تر از مردم عادی است، به خاطر این است؛ باید مراقبت کنیم، تقوا به خرج بدھیم. کارگزار حکومت، مبتلا به ارتباط نزدیک با حقوق مردم است؛ اگر چنانچه بی تقوا باشد، حقوق مردم پامال خواهد شد، آن وقت دیگر قابل جبران نیست؛ حالا فلان کار خلاف شخصی و ظلم به نفس را که انسان انجام می دهد، خب تویه می کند، بعدیک جوری جبران می شود اما وقتی حقوق مردم پامال شد، چه جوری انسان می خواهد این را جبران کند؟

فصل هفتم :

تحول دینی و انقلابی (در نیروهای مسلح)

نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح، اقتدار می آورد

در همه جای عالم، نیروهای مسلح یکی از اجزاء بسیار مهم اقتدار ملی کشورها به

حساب می‌آیند؛ ولی آن وقتی این اقتدار و این مظہر قدرت ملی اهمیت و ارزش مضاعفی پیدا می‌کند که آنچه در او بُروز می‌کند، صرفاً اقتدار به مدد و کمک سلاح نباشد. سلاح مهم است و مرد مسلح، توانای دفاع است؛ اما مهمتر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح است. این آن چیزی است که اقتدار ملی یک کشور را به صورت یک اقتدار معنوی و حقیقی و غیر قابل زوال در می‌آورد. ...در جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح، عظمت و ابهت خود را فقط به قدرت سلاح نشان نمی‌دهند؛ بلکه در کنار آن، اقتدار معنوی آنها وابسته به نیروی ایمانی آنهاست. مراسم فارغ التحصیلان دانشکده افسری امام علی علیه السلام ۸۷/۷/۲۸

نیروهای مسلح برای ثبیت فضائل انسانی و ارزش های الهی مقاومت می‌کنند

برای خدا، برای انسانیت، برای گسترش توحید و برای دفاع از ارزش‌های اصیل است که سرباز ایرانی و نظامی ایرانی و جوان مسلح ایرانی اسلامی، در این کسوت در می‌آید و خود را آماده نگاه می‌دارد. اگر در دنیای مادی امروز و در طول تاریخ، ارتش‌ها برای فرونشاندن آتش حرص و طمع قدرتمدان به وجود آمده‌اند و به کار گرفته شده‌اند و اگر امروز ارتش‌های مسلح عالم وسیله‌ی زورگویی ابرقدرت‌ها به حساب می‌آیند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران جانبدایان فضایلند و برای ثبیت فضائل انسانی و ارزش‌های الهی است که تمرین و مقاومت می‌کنند و در میدان‌ها می‌ایستند؛ این است آن چیزی که در نهایت، پیروزی قطعی و قاطع را به دست خواهد آورد. این را باید حفظ کنید.

مراسم فارغ التحصیلان دانشکده افسری امام علی علیه السلام ۸۷/۷/۲۸

ایمان را قدر بدانید و آن را در خود تقویت کنید

ملت ما، پشتیبان نیروهای مسلح است و نیروهای مسلح را از خود و جزء غیر قابل تفکیکی از خود می‌داند. همچنانی که بزرگان دین فرموده‌اند، شما حصارها و باروهای مستحکم این ملتید؛ در همه‌ی مراحل آموزش و در همه‌ی مراحل خدمت، این را به یاد

داشته باشد و از خاطرتان دور نکنید؛ باروهای مستحکم ملتی که به نام خدا و به نام عدالت قیام کرده است و با ایمان خود و با صلابت خود و با شجاعت خود و با ایشار خود، توانسته است دشمنان مسلح به مدرترين تسليحات را به عقبنشيني وادرار کند. امروز همه‌ی دشمنانی که در آغاز انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، گمان می‌بردند که نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند در مقابل طوفان‌های مخالفت آنها ایستادگی بکند، با تجربه‌ی سی ساله، تشخیص داده‌اند و اعتراف می‌کنند که جمهوری اسلامی قوی‌ترین است. شما قوی‌ترین هستید. این قوت و قدرت به برکت صلابت ایمان در شماست؛ ایمان را قدر بدانید و آن را در خود تقویت کنید.

مراسم فارغ التحصیلان دانشکده افسری امام علی علیه السلام ۸۷/۷/۲۸

آمادگی همیشگی و اخلاص را با هم برای خود گردآوری کنید

وظایف یک فرد مسلح در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، فرا گرفتن خوب، انضباط خوب، آمادگی همیشگی و اخلاص و صفا و نورانیت معنوی است؛ همه‌ی اینها را با هم برای خود گردآوری کنید. فرصت جوانی را برای آراسته شدن به این فضائل بزرگ مغتنم بشمارید. امروز شما در بهترین سال‌های عمرتان قرار دارید و با کسب فضائل معنوی‌ای که برای یک انسان فداکار مؤمن و یک انسان سربلند در مقابل خدا و خلق لازم است، می‌توانید بندگان شایسته‌ی خدا و مردان بزرگ دوران خود باشید. ارتش جمهوری اسلامی ایران به مردان بزرگی که بتوانند وظائف با اهمیت و با عظمت این سازمان را بر دوش بگیرند، همیشه نیازمند بوده است و بحمدالله در طول دوران پس از انقلاب تا امروز، از چنین مردانی بخوردار هم بوده است؛ بعد از این هم شمائید که باید این بارهای سنگین را بر دوش بگیرید.

مراسم فارغ التحصیلان دانشکده افسری امام علی علیه السلام ۱۳۸۷/۷/۲۸

ایمان و معنویت، امتیاز استثنائی در میان همه‌ی نیروهای مسلح

امروز دنیا مشاهده می‌کند که ارتش تا دندان مسلحی که توانسته بود ارتش‌های مشابه خود را در کشورهای عربی، در مقابل ایهت و اقتدار خود وادرار به تسليم بکند، در مقابل ایمان جوانان شجاع و با شهامت «حزب الله»، مجبور شد که ذلت شکست را پذیرد و اعتراف کند که در مقابل این جوانان مؤمن، ضعیف و ناتوان است؛ این به

معنی برتری اقتدار معنوی برقدرت های مادیست. جوانان عزیز ما در ارتش، در سپاه، در بسیج، در نیروی انتظامی و در هر بخشی ازبخش های نیروهای مسلح سرافرازِ جمهوری اسلامی - به عنوان انسان هایی که در کنار آمادگی های رزمی و در لباس سرباز اسلام، از ایمان و معنویت برخوردارند - یک امتیاز استثنائی در میان همه‌ی نیروهای مسلح در سراسر جهان دارا هستند؛ این را قادر بدانید.

مراسم فارغ التحصیلان دانشکده افسری امام علی^{علیه السلام} ۱۳۸۷/۰۷/۲۸

ما باید همت کنیم برای تحول احوال خود

ما در دعای اول سال خواندیم که: «يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ»؛ حالِ ما را به نیکوترين حال‌ها تبدیل کن. این، اراده‌ی الهی است؛ اما تلاش ملت ایران، تلاش خود آحاد ما مردم، یقیناً لازم است و زمینه‌ی ضروری برای توجه لطف خدا و رحمت الهی است. ما باید همت کنیم برای تحول احوال خود، برای نیکوکردن زندگی خود، ذهن خود، دل خود، دنیا و آخرت خود؛ این وظیفه‌ی یکایک ملت ایران است. عرصه‌ی گسترده‌ی عظیمی از معنویات و امور دینی و ذهنیات انسان تا حقایق خارجی و آنچه که مورد ابتلای در زندگی روزمره‌ی ما و زندگی شخصی ما و زندگی اجتماعی ماست، زیر این دستور بزرگ الهی که هر سال در این دعای شریف تکرار می‌شود، قرار گرفته است: «حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ».

پیام نوروزی ۱۰۱/۰۸/۰۸

بی دینی، عامل فضاحت دنیای غرب

دین، ایمان دینی، توجه دینی، ضامن سعادت انسان است. بشر بدون دین، وضع بدی پیدا می‌کند. همه ادوار هم همین جور بوده، الان هم همین جور است. الان هم این کسانی که دنیا را منهای دین و با تخلیه دین خواستند اداره کنند، دچار مشکلات صعب عجیبی هستند. این مشکلات مثل مشکلات جسمانی و روزمره انسان نیست که فوراً خودش را نشان بدهد؛ نه، یک وقتی نشان می‌دهد که دیگر قابل علاج نیست. وقتی که

بنای بی مهار قرار دادن شهوات جنسی گذاشته شد، وقتی سیاست‌ها این شد، فرهنگ این شد، کار به اینجا می‌رسد که امروز شما نگاه می‌کنید یک مقام رسمی، یک وزیر، مراسم ازدواج جنسی می‌گیرد (اشارة به ازدواج همجنس‌گرایانه وزیر مشاور در امور خارجی دولت انگلیس با منشی یک شرکت، در پارلمان این کشور). و از دنیا خجالت نمی‌کشد! این بعد منتهی خواهد شد به اینکه با محارم خودشان هم بتوانند اراضی شهوت جنسی کنند! امروز این عیب است، امروز این را قبول ندارند؛ اما بالاشک به اینجا خواهد رسید؛ یعنی این روند، دنباله‌اش همین است. امروز این فضاحت در دنیای غرب هست. نتیجه دنیای بی‌دینی این است. نتیجه دنیای بی‌دینی، تلاشی خانواده است؛ بیگانه شدن انسان‌ها از همدیگر است، و مشکلات فراوانی که در زندگی بشر وجود دارد.

بشر باید به دین برگردد، و برمی‌گردد و شروع کرده به برگشتن؛ چه بخواهند، چه نخواهند، این خواهد شد. و در این حرکت عظیم، اسلام آن نقطه درخشان است؛ آن نگین اصلی در گردونه و منظمه توجهات معنوی به ادیان است. اسلام می‌درخشد.

بيانات در دیدار مسئولان و شخصیت‌های علمی سیاسی ۸۹/۰۱/۱۷

ضرورت تحول عظیم برای نجات بشریت از انحطاط اخلاقی

دنیا امروز در راه بدی حرکت می‌کند؛ در وضعیت بدی قرار دارد؛ اخلاقیات در دنیا پامال شده است. ملت‌ها دارند چوب این انحطاط اخلاقی را می‌خورند و متغیران ملت‌ها متوجه به این ضایعه بزرگ هستند؛ رنج می‌برند، اظهار می‌کنند؛ در کلمات آنها هست. می‌توان در صراطی حرکت کرد که برای بشریت مایه نجات باشد. این سرنوشت هولناکی که در مقابل بشریت است، این سرنوشت را می‌شود تغییر داد؛ قدم اول این است که ما در خودمان آن حرکت بزرگ را، آن تحول عظیم را به وجود بیاوریم، از تعلیم و تربیت شروع می‌شود. زیرساخت‌ها در طول این سی سال بحمدالله در بخش‌های مختلف به شکل خوبی فراهم شده است. می‌شود بر اساس این زیرساخت‌ها حرکت کرد. وظیفه سنگین است، راه طولانی است، کار دشوار است؛ اما انتهای راه، روشنایی و نورانیت داده شده از طرف پروردگار به چشم می‌خورد؛ انسان این را می‌بیند. انتهای راه، روشن است؛ افق روشن است؛ می‌توان این راه را بخوبی طی کرد.

بیانات در دیدار گروه کثیری از معلمان سراسر کشور ۸۹/۰۲/۱۵

به قدر نعمتی که داده شده، سؤال و مؤاخذه وجوددارد

ملتی که بانشاط باشد، ملتی که بایمان باشد، ملتی که اسلام را از بن دندان قبول داشته باشد، ملتی که خود را باور داشته باشد، به خدای خود اعتماد داشته باشد، هیچ مانعی نمی‌تواند از پیمودن راه کمال در برابر او جلوگیری کند. خوب! اینها خیلی اهمیت دارد. شما نماینده یک چنین ملتی هستید. این در عرصه حضور عاطفی و عقلانی و احساساتی و پیوند معنوی با امام، آن هم حضور در انتخابات چهل میلیونی سال گذشته؛ اینها خیلی ارزش دارد؛ اینها خیلی معنا دارد. من و شما در واقع خدمتگزار یک چنین ملتی هستیم. یک وقت یک ملت بی تفاوتی است، یک ملت بی عار و کم کاری است؛ خوب! یک اقتضائی دارد. یک وقت یک ملتی این جور متحرک، علاقهمند، حماسی، پرشور، عاطفی و فهیم است؛ این اقتضائات دیگری دارد. ما خیلی مسئولیم؛ هم من، هم شما، هم دولت، هم مسئولین گوناگون؛ همه‌مان. همان طور که آن روز هم در مرقد امام عرض کردم، محاسبات معنوی را هم بایست داخل کرد. فقط این نیست که از لحظه عقلانی آدم بگوید که: خوب! باید کار کنیم؛ نه، خدای متعال هم از ما سؤال می‌کند. به قدر امکانی که داده شده، به قدر نعمتی که داده شده، سؤال و مؤاخذه وجود دارد. اگر ان شاء الله بتوانیم کاری کنیم که پیش خدای متعال روسفید باشیم، آن وقت همین آیاتی که این قاری محترم با صدای خوش تلاوت کردند: «لا يَحْرُّنَّهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَنَالَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ» (انبیاء ۱۰۳) شامل حال ما خواهد شد. فزع اکبر! خدای باعظمت، یک چیزی را کبیر، بلکه اکبر بداند؛ خیلی خیلی چهره مهیبی در مقابل اوست. اما خوب! کسانی که کار می‌کنند، تلاش می‌کنند، به وظایف عمل می‌کنند، آنجا دیگر خیالشان راحت است. اینها را باید باور کنیم.

بیانات در دیدار نماینگان مجلس شورای اسلامی ۸۹/۰۳/۱۸

سپاه، نهادی جوشیده از دل مساجد، مدارس و دانشگاهها

سپاه، نهادی جوشیده از «دل مساجد و مدارس و دانشگاه‌ها» و برآمده از خانه‌ها و دل‌های مؤمن مردم است. ... کسی سپاه را خلق نکرد بلکه این نهاد به اقتضای نیاز زمان شکل گرفت و هر جا و هر عرصه‌ای که لازم بود به پاسخگویی به نیازهای انقلاب و کشور پرداخت. ... حفظ هویت و شاکله اصلی و عمل براساس نیاز زمان، ویژگی بارز سپاه است. ... سپاه در سال‌های اولیه انقلاب، در مقابله با ضدانقلاب در خیابان‌های تهران - در مسائل استان‌های مرزی - ۸ سال دفاع مقدس و دیگر عرصه‌های متفاوت و مختلف، هویت خود را حفظ کرد اما با انعطاف لازم، شکل خود را براساس نیاز زمان، تنظیم کرد تا بتواند به وظایفش عمل کند.

بیانات در دیدار نوزدهمین مجمع سراسری فرماندهان سپاه ۱۳۸۹/۰۴/۲۳

ضرورت اصلاح خود برای گرایش همگانی بشریت به اسلام

امروز دنیا در زیر بار سنگین تحملات ناشی از تمدن مادی به سته آمده است و دنبال راه نجاتی می‌گردد. آنچه که شما امروز از بیداری اسلامی در برخی از کشورهای اسلامی مثل مصر و تونس ملاحظه می‌کنید، یک نشانه و نمونه‌ای از به سته آمدگی بشریت است. وقتی شیاطین بر زندگی مردم غالب می‌شوند - که شیاطین انس از شیاطین جن خطرناک‌ترند - مستکبران عالم که در زندگی اجتماعی مردم، زندگی خصوصی مردم، در اقتصاد مردم، در فهم و بیشن مردم دخالت می‌کنند و آنها را به راه‌های بیراهه می‌کشانند، زندگی فضای تاریک پیدا می‌کند و این فضای سنگین و تاریک، با فطرت انسان‌ها ناسازگار است و بالاخره فطرت انسان بیدار می‌شود؛ این آن چیزی است که امروز دارد در دنیا اتفاق می‌افتد. دنیای غرب هم که اسیر چرخ و پر تسلط قدرت مادی است، امروز به سته آمده است. ما مسلمان‌ها اگر می‌توانستیم اسلام را درست معرفی کنیم، اگر می‌توانستیم رفتار خودمان را منطبق با اسلام کنیم، مطمئن باشید دنیا به اسلام یک گرایش همگانی و عمومی پیدا می‌کرد. ضعف در ماست، اشکال در ماست و ما اولین مخاطبان قرآن و پیام پیغمبر هستیم. بایستی خود را اصلاح کنیم، باید خود را درست کنیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر ﷺ ۸۹/۱۲/۰۲

ملاحظات اساسی دینی و سیاسی

حفظ انسجام در وزارت اطلاعات، لزوم نگاه فرا جناحی و فraigووهی، و دققت، حساسیت در قبال نفوذ دشمن و جریان‌های معیوب فکری و سیاسی و استفاده از تجارب نیروهای مجرب ... اُنس با قرآن، نماز، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق متکی بر مبانی الهی [از دیگر نکات مهم است].

بازدید ۶ ساعته رهبر انقلاب از وزارت اطلاعات ۱۲/۸۹ (گزارش خبری)

ضرورت تدوین سندهای بالادستی

در زمینه‌های گوناگون هم، ... واقعاً سندهای مكتوب و مدون لازم است، که اينها سندهای بالادستی قوانین خواهند بود. در زمینه‌های مختلف، اين سندها لازم است؛ در مسئله خانواده، مسئله زن، خود مسئله تعلیم و تربیت، مسئله علم؛ همین نقشہ جامع علمی، یا آن موضوع عام و وسیعی که ما عرض کردیم، که مهندسی فرهنگی است. ... یا همین بحث آموزش و پرورش و تحول نظام آموزشی کشور؛ این هم یک سند بالادستی لازم دارد. تحول، معنای خودش را دارد. تحول، یعنی در بعضی از موارد، زیر و رو شدن. اصلاحات، مورد نظر نیست - که یک بخش‌هایی مثلاً کم شود، زیاد شود - واقعاً یک تحول لازم است. علتش هم واضح است: چون نظام کنونی آموزش و پرورش، یک نظام وارداتی است؛ حالا وارداتی ای که به یک معنا بومی‌سازی هم شده، اما شاکله، شاکله وارداتی است. نه اینکه ما بخواهیم هرچه وارداتی است، رد کنیم؛ نه! ما خیلی چیزها را وارد می‌کنیم، از آن هم استفاده می‌کنیم، خوب هم هست؛ اما آنچه که نامطلوب است، تبعیت است. تبعیت بد است؛ اما گرفتن و پسندیدن و به کار بستن، چیز خوبی است؛ هیچ اشکالی ندارد. ما الان از پیشرفت‌های فناوری غربی‌ها داریم استفاده می‌کنیم. البته با خیلی‌هایش هم آنها راضی نیستند، دندشان هم نرم؛ ولی ما استفاده خودمان را خواهیم کرد، بیشتر هم استفاده می‌کنیم. بنابراین استفاده کردن مهم نیست، متها تبعیت بد است. تبعیت چیز نامطلوبی است. در قرآن و در آیات متعدد، نتیجه تبعیت، ضلال است؛ «يُضْلُوكَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ». (انعام ۱۱۶) نبایستی تبعیت کرد؛

بایستی نگاه کرد، آنچه را که خوب است، پسندید. ما تبعیتاً نظام کنونی آموزش و پرورش را قبول کردیم. یعنی یک چیزی را عمل می کردند، دادند به ما، ما هم قبول کردیم. حال آنها خودشان در همین نظام، تغییرات فراوانی به وجود آوردند. بعضی از تغییرات آنها در جهت آن چیزی است که برای ما از قدیم بومی و سنتی هم بوده. ما نه، چسبیدیم به همان شکل قدیمی‌ای که از آنها گرفتیم؛ و این شده برای ما یک سنت. بنابراین یک تحول لازم است. البته تحول - همین‌طور که اشاره کردند - احتیاج دارد به این که ما فلسفه آموزش و پرورش را بدانیم، وضع کشور را بدانیم، نیازهای آینده را بدانیم. بر اساس اینها باید افراد صاحب فکر و به اصطلاح «راهبرد نگران فرهنگی» - به تعبیر رایج، استراتژیست‌های فرهنگی - بنویسند و راه حل‌های اساسی پیدا کنند.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹۰/۳/۲۳

ضرورت تحقیق رسالت اخلاقی انقلاب در جامعه

امروز به واقعیت که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم نه! حقاً و انصافاً اختلال‌هایی وجود دارد. البته من این را به شما بگویم، بارها هم در اعلان‌های عمومی گفته‌ام - که همان عقیده قلبی و عمیق خود بnde است - من به این نسل جوان خودمان خیلی اعتقاد دارم. من معتقدم با این همه عوامل مخرب، در عین حال نسل جوان ما نمایش‌های دینی و اعتقادی اش به مراتب عمیق‌تر، جذاب‌تر و پرمغزتر و پرمعنا‌تر است. حالا همین روزها، روزهای اعتکاف است؛ ماه رمضان یک‌جور دیگر، ایام توسولات یک‌جور دیگر، نوع ورودشان در میدان‌های مقابله نظام با دستگاه‌های بین‌المللی یک‌جور دیگر است. بنابراین هیچ‌گونه اختلالی در اعتقاد بnde نسبت به این مردم و به این جوان‌ها به وجود نیامده و ان شاء الله به وجود نخواهد آمد؛ لیکن واقعیت‌ها را باید نگاه کرد و دید. ما ظرفیتمان بیش از اینهاست، ما توانایی‌مان بیش از اینهاست. ما بایستی کاری کنیم که اخلاق اسلامی در جامعه رایج شود. وقتی می‌گوییم انقلاب اسلامی، خب! اسلام یک بخشش اخلاق است. پس بایستی رسالت اخلاقی انقلاب در جامعه تحقیق پیدا کند.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹۰/۳/۲۳

ولادت جدید اسلام

تولد انقلاب اسلامی، در واقع یک ولادت جدیدی بود برای اسلام؛ در آن روزی که دنیای مادی و قدرت‌های سلطه‌گر مادی با تلاش‌های ده‌ها ساله تصور می‌کردند که بساط دین و معنویت را و بخصوص اسلام را از عرصه زندگی انسان‌ها جمع کردند، در یک چنین شرایطی این صدای عظیم، این غریبو بزرگ و ماندگار تاریخی در این کشور به وجود آمد، بلند شد؛ هم دشمنان را دهشت‌زده کرد، دشمنان اسلام را، دشمنان استقلال ملت‌ها را، دشمنان بشریت را؛ هم دوستان هوشمند و انسان‌های آگاه و با بصیرت را در همه دنیا امیدوار کرد. آن روزی که انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد، هیچ کس در این دنیای بزرگ گمان نمی‌کرد که پرچم اسلام بتواند این جور، آن هم در یک چنین منطقه‌ای، در یک چنین کشوری که به طور درست در اختیار سلطه‌گران بود، به اهتزاز در بیاید و این حرکت اسلامی بماند، رشد پیدا کند، در مقابل دشمنی‌ها بتواند مقاومت کند؛ هیچ کس در اطراف دنیا فکر نمی‌کرد.

دشمنان نظام جمهوری اسلامی به خودشان و عده‌می‌دادند که در ظرف یک ماه، دو ماه، یک سال حداکثر، نظام جمهوری اسلامی را از پا خواهند انداخت و همه تلاش را برای یک چنین مقصودی به کار برdenد. واقعاً روزبه‌روز تاریخ انقلاب ما عبرت است؛ روزبه‌روز این سال‌های پرتحرک و پرتلاش که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد، می‌تواند به صورت یک نشانه‌ای، یک تابلوی، در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد و مایه عبرت باشد. آن همه توطنه، آن همه فشار به شکل‌های گوناگون و ایستادگی ملت ایران با رهبری آن مرد عظیمی که بلاشک لمعه‌ای و لمجهای از انوار طبیه نبوت‌ها در وجود او خدای متعال قرار داده بود. امام بزرگوار ما، این مرد بزرگ، دنباله همان راه را، همان کیفیت را، همان حرکت را به کار گرفت. ملت ایران هم وفاداری نشان دادند؛ صدق نشان دادند؛ در صحنه ماندن؛ فشارها را تحمل کردند، عزم و اراده خودشان را فائق کردند بر توطئه دشمن. لذا این شجره طبیه ماند، ریشه دواند، رشد کرد و ان شاء الله روزبه‌روز بر رشد و بر استحکام و قوت و قدرت این بنای مستحکم افزوده خواهد

شد. اینها همه از برکت اسلام است، همه از برکت ولادت امروز [میلاد مسعود حضرت
نبی اکرم ﷺ و حضرت امام صادق علیه السلام] است.

بیانات در دیدار مسئولین نظام و میهمانان کشورهای اسلامی ۹۰/۱۱/۲۱

شکرانهٔ حضور در نظام اسلامی

قدر بدانید این امکانی که در اختیار شماست. شما سرباز نظام اسلامی هستید؛ این خیلی مغتنم است. هر تلاشی بکنید، هر زحمتی بشکید، ولو هیچ کس نفهمد، و هیچ کس قدردانی نکند، خدا که می‌داند، کرام الکاتبین که می‌دانند؛ این در راه خدا مصرف شده، این خیلی قیمت دارد. این خیلی فرق می‌کند با اینکه انسان در یک نظامی، در یک تشکیلاتی کار کند که با خدا سر و کار ندارد. شما در نظام اسلامی دارید کار می‌کنید. شکرانهٔ حضور در این نظام، تلاش بیشتر و شکر الهی است.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی ۱۳۹۷/۰۱/۲۷

مقایسه جهت‌گیری‌های افراد در نظام‌های فاسد و الهی

بحمدالله نیروی زمینی ارتش رشد و بالندگی پیدا کرده؛ انسان این را احساس می‌کند. این حرکت، این روند مبارک، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی شروع شد. نه! اینکه کسی تصور کند که در دوران رژیم طاغوت، در بین ارتش، نیروهای مؤمن نبودند یا کم بودند؛ نه، این جور نیست، آن روز هم در بدنه ارتش، انسان‌های مؤمن، علاقه‌مند و صادق کم نبودند؛ متنهای جهت‌گیری‌های افراد یک معنا دارد، جهت‌گیری سازمان و کلیت، یک معنای دیگری دارد. وقتی جهت‌گیری کلیت یک جامعه، یک سازمان، یک مجموعه غلط بود، تلاش‌های فردی هرچه هم در آن جامعه انبوه باشد، نتیجه خودش را نخواهد بخسید. ... از امام صادق علیه السلام نقل شده است - علی‌الظاهر از امام صادق علیه السلام است که ایشان حدیث قدسی را روایت می‌کند - که فرمودند: «لَا عَذَّبَنَ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِنَّمَا جَائِرًا لَّيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ كَانَتِ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً». (بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۰) هضمون حدیث این است: اگر سرنشیت نظام یک جامعه به دست انسان‌های فاسد و ناباب و ستمگر و منحرف باشد، حرکات مؤمنانه افرادی که در این جامعه هستند، به جایی نمی‌رسد؛ و اگر در آنجنان جامعه‌ای کسانی تسليم باشند و از آن ستمگران اطاعت

کنند، خدا آنها را هم عذاب می‌کند. البته در همین حدیث، عکسش هم هست: «وَلَا يَغْفُرُ عَنْ كُلِّ رَعْيَةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطْاعَتْ إِمَامًا هَادِيًّا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتِ الرَّعْيَةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُّسِيَّةً»؛ که حالا اینها شرح دارد، نمی‌شود با همین ظاهر اکتفاء کرد.

خلاصه مطلب و جان مطلب این است که: اگر چنانچه در یک نظامی، در یک مجموعه‌ای، در یک کشوری، در یک جامعه‌ای، حاکمیت و نظام، نظام الهی است، نظام عادلانه است، آن کسانی که اطاعت از این نظام می‌کنند، مورد عفو الهی هستند؛ ولو خطاهایی هم داشته باشند. شما می‌توانید این را در مقیاس یک کشور، در مقیاس یک امت، در مقیاس یک جامعه محاسبه کنید؛ در مقیاس یک سازمان، مثل سازمان ارتش هم می‌توانید این را ملاحظه و محاسبه کنید.

بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش ۱۳۹۱/۰۲/۰۳

تحول ارتش به برکت انقلاب اسلامی و ضرورت استمرار آن

آن روز[دوران طاغوت] ارتش در تصرف نااھلان بود؛ اما وقتی حرکت مردم آغاز شد، این بدنه مؤمن و معدوی از عناصر سطح بالای مؤمن، راه خودشان را شناختند و جای خودشان را پیدا کردند. از همان روزهای اول پیروزی انقلاب، افرادی آمدند به عناصر انقلابی کمک کردند، برای اینکه بتوانند با ارتض زبان مشترکی پیدا کنند و با هم حرف بزنند. خب! همدیگر را نمی‌شناختند؛ نه مسئولین، نه انقلابیون، نه مبارزین، نه روحانیون، نه قشراهای دانشگاهی، با ارتض سر و کاری نداشتند؛ زبان مشترکی نداشتند. به برکت انقلاب، این زبان مشترک ایجاد شد.

امروز، ارتش یکی از مردمی‌ترین نهادهای کشور ماست. بین نهادهای گوناگونی که ساختار کشور و نظام را تشکیل داده‌اند، وقتی ارتش را نگاه می‌کیم، می‌بینیم یکی از نزدیک‌ترین به آحاد مردم، به تمایلات مردم، به احساسات مردم، و یکی از نزدیک‌ترین به کمک به حرکت عمومی مردم است؛ این خیلی چیز قیمت‌دار و بالارزشی است.

درست است که ارتش‌ها در دنیا با شعار حفظ منافع ملی به وجود می‌آیند و به کار گرفته می‌شوند، اما واقعاً همین جور است؟ ... آنچه که ما دیدیدم و شناختیم، غالباً در دنیا همین جور است: ارتش‌ها به اسم منافع ملی تشکیل می‌شوند، اما در خدمت منافع ملی نیستند؛ در خدمت جاه طلبی‌های سیاسی‌اند. در طول تاریخ هم همین جور بوده. ... در طول تاریخ، ارتش‌های دنیا - تا آنجایی که ما اطلاع داریم و تاریخ به ما نشان می‌دهد و من و شما می‌توانیم دسترسی پیدا کنیم و امروز هم در دنیا مشاهده می‌کنیم - غالباً همین جور بوده‌اند؛ یا در خدمت قدرت طلبی‌های شخصی بوده‌اند، یا در خدمت حفظ قدرت‌های طاغوتی. ... اگر ما در دنیا ارتشی را پیدا کنیم که اعتقاداتش مثل اعتقادات مردم، احساساتش مثل احساسات مردم، خودش نه در خدمت اشخاص و افراد، بلکه در خدمت مردم و در خدمت منافع ملی به معنای حقیقی باشد، این ارتش خیلی ارزش دارد؛ این ارتش شمایید. من مورد دیگری را واقعاً سراغ ندارم. حالا در این کشورهایی که تازه انقلاب کرده‌اند، بینیم چه به ثمر خواهد نشست و چه کار خواهند کرد؛ ولی تا الان من واقعاً چنین ارتشی سراغ ندارم؛ ارتشی که نه در خدمت قدرت طلبی‌های شخصی است، نه برای شخص می‌میرد. این را من باید تأکید کنم؛ نه خدا راضی است، نه احکام اسلام اجازه می‌دهد که ما بگوییم ارتش ما، یا نیروهای مسلح ما، یا عناصر ما، برای خاطر فلان آدم بمیرند؛ نه! بله، برای خاطر اسلام، همه بمیرند؛ فلان آدم هم برای خاطر اسلام بمیرد. برای برافراشته نگهداشت‌پرچم استقلال کشور - که کشور اسلامی است - همه آماده باشند برای مردن در این راه؛ که این مردن، اسمش شهادت است. در این صورت، این ارتش می‌شود ارتش الهی و معنوی؛ این ارتش می‌شود ارتش اسلامی؛ این همان شجره طیبه‌ای است که بنده گفتم. از اول انقلاب تا امروز، هدف این بوده. و خوشبختانه ما به این هدف، هی نزدیک و نزدیک‌تر شده‌ایم؛ ... امروز ارتش ما از بیست سال پیش، از پانزده سال پیش جلوتر رفته؛ از اول انقلاب که خیلی جلوتر رفته. این یک حرکتِ خوب است؛ این حرکت را بایستی استمرار بدهیم. این حرکت، حرکتی است که سعادت دنیا و آخرت در آن است.

بيانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش ۱۳۹۱/۰۲/۰۳

آثار عزت در فرد و جامعه

وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می‌شود، مثل یک حصار عمل می‌کند؛ مثل یک باروی مستحکم عمل می‌کند؛ نفوذ در او، محاصره او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار می‌شود؛ انسان را از نفوذ و غلبه دشمن محفوظ نگه می‌دارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه‌های عمیق‌تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر می‌شود. کار به جایی می‌رسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ می‌ماند؛ از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی می‌ماند. آن کسانی که عزت ظاهری دارند، این عزت در دل آنها، در درون آنها، در لایه‌های عمیق وجود آنها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بی‌دفاعند، نفوذناپذیرند. ... بنابراین اگر عزت نفس در درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمی‌گذارد؛ هوای نفس در انسان اثر نمی‌گذارد؛ شهوت و غصب، انسان را بازیچه خود قرار نمی‌دهد.

بيانات در مراسم گرامیداشت بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رضوان الله عليه

۹۱/۰۳/۱۴

اثر کارهای خالصانه و بی‌هیاهو در کل بنای جمهوری اسلامی

مرحوم آقای حاج عبدالله والی یکی از آدمهایی است که قطعاً در تاریخ انقلاب و تاریخ کشور اسمش خواهد ماند و نامش به نیکی یاد خواهد شد؛ خداوند درجاتش را عالی کند.

من با اینکه ایشان را از نزدیک ندیده بودم و هیچ یادم نمی‌آید که با ایشان ملاقاتی داشته باشم، اما دورادر ایشان را می‌شناختم؛ می‌دانستم که در بشاغرد مشغول خدمات با ارزشی هستند. ... قبل از انقلاب مثل اینکه اینجا به کل وجود خارجی نداشت، یعنی دستگاه‌های حکومتی اصلاً به آنجا اعتنایی نداشتند.

آن وقت بعد از انقلاب، یک مرد جوانِ مؤمنِ انقلابی پا می‌شود می‌رود

آنجا، همه دلستگی‌هایش را، از شهر و خانه و زندگی، به مرکز مأموریت منتقل می‌کند و برادرهاش را هم می‌کشاند، دنبال خودش می‌برد. شما هم انصافاً ایستادید.... شما زندگی و خانواده و زن و بچه و مادر و پدر و همه اینها را گذاشتید اینجا، رفته‌ید آنجا بی سرو صدا مشغول خدمت شدید، نه جایی ثبت کردید، نه جایی تابلو زدید.

بعضی‌ها هستند، هر کاری می‌خواهند بکنند، قبل از اینکه کار انجام بگیرد، تابلویش را می‌زنند! مدت‌ها این تابلو آنجاست، هیچ کاری هم انجام نگرفته. بعضی‌ها هم نه، کار را انجام می‌دهند، هیچ تابلویی هم ندارد. کار مرحوم حاج عبدالله والی و شما از این نوع دوم است؛ یعنی بی تابلو رفید و برای خدا کار واقعی کردید، اینها خیلی با ارزش است. شما بدانید! این جور کارهای بی سرو صدا و خاموش و خالصانه، نه فقط برای شما پیش خدای متعال درجه و مرتبه درست می‌کند، بلکه در کل بنای جمهوری اسلامی مستحکم می‌شود بدون اینکه کسی بفهمد. یعنی وقتی در گوشه و کنار کشور، در بین مردم، کسانی هستند که کار را برای خدا می‌کنند، کار را مخلصانه انجام می‌دهند، دنبال هیاهو و جلب نظر این و تحسین آن نیستند، یکی از خواصش این است که اصلاً خود این بنا را مستحکم می‌کند؛ مثل روحی که در یک کالبدی بدمند. بنابراین، این کارهای شما این جور ارزش دارد.

بیانات در دیدار خانواده مرحوم حاج عبدالله والی (۹۱/۰۳/۲۶) (گزارش خبری)

ضرورت حفظ روحیه جهادی

کسانی امیدوار بودند جوان‌های ما را از دین جدا کنند؛ طمع داشتند جوان‌های ما را سرگرم شهوات زندگی، مادیگری و امثال اینها کنند؛ اشتباه کردند. امروز عرصهٔ جوانی ما، طبقهٔ جوانان ما، از لحاظ کمیت و کیفیت، نسبتشان از مسن ترها اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. جوان‌های مؤمن امروز ما و کسانی که دل در گرو انقلاب دارند، که نه امام را دیدند، نه انقلاب را درک کردند، نه دوران دفاع مقدس را دیدند، انگیزه‌شان، همتشان از جوان‌های دوره دفاع مقدس بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ این را بنده از روی علم و اطلاع عرض می‌کنم؛ تحلیل نیست، حدس نیست. کارهای بزرگی که امروز

جوان‌های ما در عرصهٔ ملی و در بخش‌های گوناگون دارند انجام می‌دهند، گاهی زحمتش، فشارش، حتی خطرش، بیشتر از آن کاری است که در دوران دفاع مقدس انجام می‌دادند، یا باید انجام می‌دادند. این روحیه را باید حفظ کرد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۰۲/۲۵

راه‌های تحقق اهداف والای جامعهٔ اسلامی

قطعاً ذهن محدود بشری نمی‌تواند ابعاد شخصیت‌های آسمانی و افلکی از قبیل فاطمه زهرا^{علیها السلام} را محاسبه و اندازه‌گیری کند؛ ... عقل‌ها توان این را ندارند که این ابعاد معنوی را تقویم کنند، تقدیر کنند، اندازه‌گیری کنند؛ لکن می‌شود از رفتارها الگو گرفت. مقامات معنوی، یک مسئله است؛ رفتارهایی که جلوی چشم ماست، یک مسئله [دیگر] است. نه به این معنا که ما قادر باشیم نسخهٔ دوم آن رفتارها را از خودمان بروز بدھیم، این نیست؛ اما می‌توان دنباله را بود. امیرالمؤمنین فرمود: «آلا و إنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَعْيُنَنِي بُورَاعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سُدَادٍ»؛ (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵) بعد از آنکه شیوهٔ زندگی خود را - که در آن مقام والا، با آن همه امکانات، با آن چنان زهدی زندگی می‌کند - بیان کرد، فرمود: شما نمی‌توانید مثل من رفتار کنید؛ اما می‌توانید به من کمک کنید؛ با چه چیزی؟ «بُورَاعٍ»، با ورع خودتان، با پرهیز خودتان از گناه، با اجتهاد و کوشش و تلاش خودتان؛ اینها وظیفهٔ من و شمامت. هدف‌ها را برای ما ترسیم کردند، هم هدف‌های فردی و شخصی را، هم هدف‌های اجتماعی و سیاسی و کلی را. در هدف شخصی، رسیدن به اوج مقام کرامت انسانی هدف والای ماست؛ همه هم و عده داده شده‌اند که بتوانند این پرواز بلند و بی‌حد را انجام بدهند؛ توانایی شما جوان‌ها از ما هم بیشتر است. این اهداف شخصی است. اهداف بزرگ اجتماعی، ایجاد حیات طبیعی اسلامی و جامعهٔ اسلامی [است]؛ جامعه‌ای که افراد خود را فرصت بدهد که بتوانند به سوی این هدف حرکت کنند؛ جامعهٔ آباد، جامعهٔ آزاد، جامعهٔ مستقل، جامعهٔ دارای اخلاق و الا، جامعهٔ متّحد، یکپارچه، جامعهٔ

مُتَقَى و پرهیزگار؛ اینها اهداف جامعه اسلامی است. دنیایی که مقدمه آخرت است، دنیایی که انسان را ناگزیر به بهشت می‌رساند، ایجاد یک چنین دنیایی هدف کلان اجتماعی و سیاسی اسلام است؛ اینها را در مقابل ما ترسیم کردند. راه آن چیست؟ چه جور می‌شود به این هدف‌ها رسید؟ همین‌طور که فرمود: «اعینونی» - فرمایش، فرمایش امیرالمؤمنین است - به من کمک کنید؛ یعنی آنچه را که امیرالمؤمنین در زندگی خود و تلاش و جهاد خود، همه را در این راه مصرف کرد، و آن عبارت است از ایجاد چنین دنیایی برای بشریت در طول تاریخ؛ کمک کنید به من که این هدف انجام بگیرد. چه جور «بورع»، با ورع؛ «واجتهاد»، با کوشش، با تلاش، تنبی ممنوع است، بیکارگی ممنوع است، خسته شدن ممنوع است، مأیوس شدن ممنوع است. این حرکت عظیم وقتی انجام بگیرد، آنوقت شما دل مبارک فاطمه زهرا^{علیها السلام} را شاد می‌کنید، دل امیرالمؤمنین را شاد می‌کنند؛ چون آنها برای همین هدف آن همه تلاش کردند، آن همه مجاهدت بهخرج دادند.

بیانات در دیدار مدارhan اهل بیت^{علیهم السلام} در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} ۳۱/۰۱/۹۳

استفاده از فضای معنوی رمضان در ارتباطات با خود و دیگران

فضای رمضان، فضای صفا و معنویت و صدق و اخلاص است. از این فضا سعی کنیم حداًکثر استفاده را بکنیم؛ هم در آنچه ارتباط قلبی ما با خداست، این رابطه معنوی را، رابطه شخصی را با خدای متعال در این ایام تقویت کنیم - که برترین و بزرگ‌ترین فایده و نفع برای هر انسانی، تقویت این رابطه است - هم برای زندگی جاوید ما و حیات اخروی ما، که زندگی واقعی آنجا است؛ هم برای آن مفید است، هم برای همین زندگی نقد حاضر ما مفید و اثربخش. علاوه بر این، سعی کنیم از این فضای معنویت و صفا که در ماه رمضان در سطح جامعه عمومیت دارد، برای ارتباطات صحیح و معنوی میان خودمان و دیگران استفاده کنیم و تصمیم‌های درست بگیریم، اقدام‌های درست بکنیم؛ خوشبینی را، اعتماد را، ایجاد محبت را، خیرخواهی نسبت به یکدیگر را در ارتباطات خودمان دخالت بدیم، و این بهره را از ماه رمضان ببریم که در روابط اجتماعی و روابط انسانی، یک تلطیفی به وجود بیاوریم؛ و فضای زندگی را، فضای کشور را، یک فضای نورانی تری بکنیم؛ این هم از عهده یکایک ما برمی‌آید؛ شما که

استاد هستید و دارای جایگاه علمی برتری هستید و طبعاً بر روی محیط پیرامون خودتان - چه دانشجو و چه غیر دانشجو - می‌توانید در این زمینه تأثیر بیشتری بگذارید.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

افتخارات دانشگاه امام علی^{علیه السلام}

این دانشگاه که به نام مبارک امیرالمؤمنین^{علیه السلام} مزین است، افتخارات زیادی دارد. این شهادایی که در اینجا تصویر نورانی آنها را مشاهده می‌کنیم، اینها همه از این دانشگاه برخاستند، در اینجا تربیت شدند و توانستند نقش ایفا کنند. در میان رزمندگان ما و شهدای عزیز ما تعدادی از جوانان دانشجوی این دانشگاه هم حضور داشتند؛ این دانشگاه جای بابرکتی است، جای مبارکی است؛ این دانشگاه محل پرورش و رشد انسان‌هایی است که امروز ملت ایران به وجود آنها می‌بالد و آنها را مایه اقتدار معنوی خود به حساب می‌آورند؛ این را قادر بدانید و به اینکه در یک چنین مرکزی مشغول آماده‌سازی خودتان هستید افتخار کنید.

بیانات در مراسم دانشآموختگی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی^{علیه السلام} ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

ابتکارات زیرکانه اسلامی

ایرانی زیرک مسلمان، نوروز باستانی را با عقیده خود و به شکل دلخواه خود، تغییر داد؛ قالب نوروز و صورت نوروز را نگه داشت، محتوای آن را عوض کرد. نوروز باستانی، نوروز پادشاهان بود؛ فرستی برای سلاطین و حکام مستبد بود؛ برای اینکه شکوه خود و عظمت ظاهری خود را به رخ ملت‌ها بکشانند و بنشینند از آنها هدیه پیذیرند. حتی در زمان بنی امیه و بنی عباس که نوروز به دربارهای خلافت اموی و عباسی وارد شد، همان رفتار و سیره پادشاهان و کسرایان فارسی باستان در دربار آنها عمل می‌شد. اما ایرانی مسلمان، این نظم را، این قالب را به نفع خود تغییر داد؛ اگرچه این تغییر به صورت دفعی انجام نگرفته است اما شما امروز بعد از گذشتן قرن‌ها،

مشاهده می‌کنید که نوروز بهانه‌ای و وسیله‌ای است برای ارتباط قلبی میان مردم و میان مبدأ عظمت و عزّت، یعنی ذات مقدس باری تعالی. در نوروز ایرانی، حقیقت نوروز یک حقیقت مردمی است؛ مردم به مناسبت نوروز با یکدگر با صفا و محبت رفتار می‌کنند؛ به یکدیگر تبریک می‌گویند و هدیه می‌دهند. رسم و سنت باستانی و پادشاهی، امروز بعد از گذشت سال‌ها و قرن‌ها، در نوروز وجود ندارد. در ایام نوروز و تحويل سال نو، شلوغ‌ترین و پرازدحام‌ترین مراکز در کشور پهناور ما عبارت است از بارگاه‌های مقدس ائمه و امامزادگان علیهم السلام. دیشب - در نیمه شب - در این آستان مقدس، صدها هزار مؤمن با دل‌های پاکیزه، متوجه مرکز عظمت و قدرت شدند، با خدای خود سخن گفتند، از گرداننده حال‌ها گردش نیکوی حالت خود را طلب کردند و مراسم دینی به جا آوردند؛ بنابراین، این نوروزی که امروز ما داریم، نوروز باستانی نیست، نوروز ایرانی است؛ نوروز ملت مسلمانی است که از قالب این مراسم کهن، توانسته است برای خود سرمایه‌ای فراهم کند و به سمت هدف‌های خود پیش برود. امیدواریم خداوند متعال به ملت عزیز ایران کمک کند تا این ابتکارات زیرکانه اسلامی را در همه مسائل و در همه موارد به کار بینند. لذا امسال که ایام نوروز با شهادت بانوی بزرگ جهان اسلام، حضرت فاطمه زهراء عليها السلام مصادف است، یقیناً مراسم نوروز باید هیچ‌گونه منافاتی با تکریم و احترام به نام آن بزرگوار و یاد آن بزرگوار داشته باشد؛ و یقیناً منافاتی پیدا نخواهد کرد.

بيانات در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

بصیرت انقلابی و پاییندی دینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

یکی از خصوصیات ارتش جمهوری اسلامی ایران، بصیرت انقلابی و دینی است. پاییندی دینی است، تعهد دینی است. این خیلی حرف بزرگی است. معنای تعهد دینی این است که ارتش به همه موازینی که اسلام برای نیروهای مسلح و برای فعالیت‌های نظامی مقرر کرده است، پاییند است. ارتش‌های دنیا آنوقتی که در یک عرصه‌ای احساس پیروزی می‌کنند، مهارگسیخته وارد میدان می‌شوند، کارهایی از آنها سر می‌زند که شرم‌آور است و نمونه‌هایش را در جاهای مختلف دیده‌ایم. این مال آنوقتی است که احساس پیروزی می‌کنند - که به صغیر و کیفر رحم نمی‌کنند -

آن وقتی هم که احساس خطر می‌کنند، باز به نوعی دیگر دست به کارهایی می‌زنند و اقداماتی می‌کنند که از نظر شرع مقدس اسلام جرم است و از نظر قوانین بین‌المللی هم امروز جرم است. البته قدر تمدنان، نه به قوانین بین‌المللی اعتنا می‌کنند، نه به قوانین انسانی اعتنا می‌کنند؛ سلاح‌های ممنوعه را به کار می‌برند و غیر نظامیان را هدف قرار می‌دهند که در جنگ‌هایی که آمریکا مستقیم یا غیر مستقیم در آنها وارد بود، از این جنایت‌ها به فور اتفاق افتاد. این وضع ارتش‌های دنیا است.

ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، پاییند به تعهدات اسلامی‌اند؛ نه در پیروزی طغیان می‌کنند، نه در هنگام خطر دست به کارهای ممنوع و ابزارهای ممنوع می‌زنند. مذکورهای طولانی شهرهای ما - چه شهرهای مرزی و چه بعداً حتی تهران و اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر - زیر تهاجم وحشیانه و کور موشک‌های صدایی قرار داشت؛ در محلات مختلف همین شهر تهران، موشک‌های صدایی می‌آمد؛ موشک‌هایی که به وسیله کشورهای اروپایی تجهیز شده بود و فروخته شده بود، به وسیله آمریکایی‌ها هدایت می‌شد؛ اهداف به آنها نشان داده می‌شد؛ اهداف نظامی با عکس‌برداری‌های هوایی در اختیار دشمن قرار می‌گرفت، این موشک‌ها می‌آمدند به شهرهای ما می‌خوردند و مردم بی دفاع را، مردم غیر نظامی را تارومار می‌کردند؛ خانه‌ها را ویران می‌کردند. ما بعد از گذشت مدتی توانایی پیدا کردیم که مقابله به مثل کنیم؛ ما هم توانستیم موشک به دست بیاوریم، ما هم توانستیم مقابله به مثل کنیم؛ می‌توانستیم شهرهایی را که در بُرد موشک ما بود - که از جمله اش خود بغداد بود - بزنیم؛ امام به ما گفتند که اگر خواستید به یک نقطه غیر نظامی - غیر پادگان و امثال اینها - بزنید، حتماً باید قبلاً به وسیله رادیو اعلام بکنید که ما می‌خواهیم فلان جا را بزنیم تا مردم کنار بروند. شما ملاحظه کنید؛ یک چنین تقییداتی در دنیا معمول نیست.

نیروهای مسلح بسیاری از کشورها - یا تا آنجایی که می‌شناسیم تقریباً همه کشورها

- این تقدیمات را ندارند؛ امروز نمونه‌اش را شما در یمن ملاحظه می‌کنید؛ چندی قبل در فلسطین دیدید؛ در غزه دیدید؛ در لبنان دیدید؛ در نقاط دیگر مشاهده کردید؛ این ملاحظات را نمی‌کنند، اما نیروی مسلح متعبد به قوانین اسلامی، این رعایت‌ها را می‌کند. ما اگر گفته‌ایم - که از سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌کنیم، به خاطر همین تقدیمات است، به خاطر همین پاییندی به تعبد اسلامی و مقررات اسلامی و قوانین اسلامی است. این یکی از برترین خصوصیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است.

۱۳۹۴/۰۱/۳۰ کارکنان ارتش و فرماندهان جمعی در دیدار بیانات

اندیشه امام خمینی(ره) در حفظ جریان اصیل ایمانی

امام بزرگوار جریان اصیل انقلاب را با بهره‌گیری بجا و مناسب از این حادثه تعیین کرد، آن مسیر را در مقابل ملت ایران قرار داد، و راه انقلاب را - که همان اوایل داشت منحرف می‌شد و می‌خواستند آن را به شرق و غرب بچسبانند - تعیین کرد، انقلاب را نجات داد؛ این، برکت این حادثه بود. بله، هزینه دادیم، شخصیت‌های برجسته‌ای را از دست دادیم، شکنی نیست، اما باید دید تأثیر این چیست. ملت مسلمان، در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله، هنوز مدیون خون شهیدان کربلاست؛ هزینه از دادن حسین بن علی بالاتر؟ جانی از جان یاران حسین عزیزتر؟ اینها را دادند، این هزینه انجام گرفت اما اسلام ماند، قرآن ماند، جریان اصیل ایمانی در جامعه باقی ماند؛ همین قضیه در ماجراهی هفتم تیر هست، در ماجراهی شهدای دیگر ما هست.

۹۴/۰۴/۰۶ تهران استان شهداي هفتم تیر و شهداي خانواده‌های شهداي در ديدار بیانات

شکست دشمن و عده الهی است

ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم. هر کسی که با معارف اسلامی آشنا باشد میداند که «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ»، و «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» یا همین آیه‌ای که تلاوت کردند که «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»، اینها مسلم است و در این تردیدی نیست. می‌دانیم که شکست می‌خورند؛ میدانیم که سرنوشت رئیس جمهور کنونی هم بهتر از سرنوشت آسلافش بوش و نئوکانها و دوروبری‌های ریگان و بقیه نخواهد بود؛ این هم مثل همانها در تاریخ گم خواهد شد و جمهوری اسلامی سربلند باقی خواهد ماند؛ در این هیچ تردیدی نداریم. ولیکن طبق سنت الهی، یک وظایفی بر

عهده‌ی ما است؛ هرگز این نتیجه‌ی قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جمهوری اسلامی است، نباید ما را از وظایفمان غافل کند. یک وظایفی بر عهده‌ی ما است که اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمی‌توانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم. خب، ما می‌خواهیم درباره‌ی این وظایفِ کنونی خودمان یک مقداری امروز اینجا بحث کنیم و این بحث به ما کمک کند تا در بخش‌های مختلف، در رده‌های مختلف -الحمد لله همه‌ی مسئولین هم تشریف دارید- یک همفکری‌ای در این زمینه‌ها به وجود باید. موضوع را در دو بخش ملاحظه مسی کنیم: یکی رفتاری که در قبال آمریکا و برجام و مدعیان مقابل خودمان بایستی داشته باشیم (این یک بحث است) یک بحث دیگر این است که در داخل کشور چگونه حرکت کنیم و چه کار کنیم که بتوانیم قدم‌ها را محکم برداریم و به نتایج مورد نظر بررسیم؛ دو بخش بحث اینها است. بنده سعی می‌کنم با استفاده از فرصت و وقت، تا آن مقداری که می‌توانیم انشاء‌الله این دو بخش را تبیین کنم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲

انقلابی ماندن و انقلابی حرکت کردن

در مجموعه‌ی انقلاب، از اوّل انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقتِ تشكیل نظام است؛ وقتی که نظام تشكیل شد و نهادها و مقررات و دیوان سalarی و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سروصدما و کارهای غیر قانونی و از این حرف‌ها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اوّل پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است.

انقلاب مراحلی دارد؛ آنچه در اوّل انقلاب در سال ۵۷ آتفاق افتاد، مرحله‌ی اوّل انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و بالغت نو، با تعابیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی

اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزش‌ها را محقق کند؛ این ارزش‌ها و آرمان‌هایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گوییم، باید در جامعه تحقیق بیخشد. به این ارزش‌ها اگر بخواهد تحقیق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی بنابراین مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن‌دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آنوقت بایستی به‌وسیله‌ی اجرائیات درست (قانون درست، اجرای درست) این آرمان‌ها و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی‌یکی در جامعه تحقیق پیدا کنند؛ آنوقت نتیجه می‌شود جامعه‌ی انقلابی؛ یک جامعه‌ی انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله‌ی چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه‌ی انقلابی؛ این چهارم است. بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آنوقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعییر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه‌ی «انقلابی» می‌توانید کلمه‌ی «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مراحلی است که وجود دارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

انقلابی گری در بستر نظام

البته انقلابی گری هم فقط در بستر نظام امکان‌پذیر است؛ این طرف قضیه را هم توجه داشته باشید. این جور نباشد که بعضی نظام را نفی کنند به عنوان اینکه ما انقلابی هستیم؛ ارزش‌های نظام، ارکان نظام، بنیان‌های نظام را زیر سؤال ببرند به عنوان اینکه ما انقلابی هستیم. انقلابی گری به معنای ویران گری نیست. انقلابی گری یک مشی صحیح و عاقلانه و پُرانگیزه و پُرآمید و شجاعانه به سمت اهداف والا است؛ این تعریف و معنای انقلابی گری است؛ و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان‌پذیر است؛ خارج از این امکان‌پذیر نیست. انقلابی گری، ساختارشکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست. این هم این مطلب.

بیانات در دیداری جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

صبر انقلابی مانند حضرت موسی علیه السلام

همان طور که عرض کردم، حوصله‌ی انقلابی و صبر انقلابی، مثل خشم انقلابی است. وقتی که حضرت موسی علیه السلام بعد از پیغمبری آمدند به مصر و آن معجزه را نشان دادند و دعوت و این حرف‌ها سخن، بنی اسرائیل متظر بودند دیگر؛ از گذشته خبر داده شده بود که یک منجی‌ای خواهد آمد و آن منجی هم موسی علیه السلام است؛ حالاً موسی علیه السلام آمده، متظر بودند بمجردی که موسی علیه السلام آمد، دستگاه فرعون کن فیکون بشود؛ نشده بود - قرآن می‌گوید آمدنند پیش حضرت موسی علیه السلام و گفتند که «اوذينا من قبلِ آن تأتينا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جَئْنَا»؛ تو که آمدی چه فرقی کرد؟ چه تفاوتی کرد؟ قبل از اینکه بیایی هم ما را آزار می‌کردند، زیر فشار بودیم، حالاً هم که آمدی باز زیر فشاریم. ببینید! این آن حالت بی‌صبری بنی اسرائیل است؛ بسی صبری. حضرت موسی علیه السلام گفت خب صبر کنید: إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَايِقَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ تقوا اگر داشته باشید، عاقبت مال شما است؛ صبر لازم است. این حالت را نباید داشته باشید؛ اینکه ما بگوییم چرا نشد، چه جوری شد، پا به زمین بزنیم، درست نیست. این مطلبی بود که حالا در این زمینه خواستیم عرض کنیم.

بيانات در دیداری جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

فصل هشتم :

ویژگی‌های پاسداری

از هیبت ابرقدرت‌ها نترسید

امروز شما در عرصه‌ی دیگری هستید؛ در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی پیشرفت از لحاظ روحیه، سازندگی خود و کشور و آمادگی برای دفاع. دشمنان، قدرت‌های بزرگ مستکبر جهانی... غالباً با تشریف زندگی می‌کنند، با نشان دادن ابهت کارشان را به پیش

می‌برند؛ هیبت خودشان را بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند، با هیبت خودشان آنها را از میدان در می‌برند. از هیبت ابرقدرت‌ها نترسید. هیبت معنوی شما در دل آنها، بیشتر از هیبت مادی آنها در دل ملت‌های است. شما وقتی به ایمان خود، به آمادگی‌های خود، به دانش خود، به تدبیر خود، به حساب و کتاب مدبرانه و مدیرانه خود تکیه می‌کنید، آن وقتی که ارزش‌های عظیم برآمده‌ی از دل انقلاب را اجر می‌nehید و به آنها اعتماد می‌کنید، ایمان خودتان را با آنها حفظ می‌کنید، آنچنان ابهتی در دل همه‌ی ملت‌ها از شما حاصل می‌شود که از ابهت آنها در دل ملت‌های بی خبر بیشتر است

بیانات در مراسم مشترک دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام ۸۸/۰۱/۲۶

در کسوت با شکوه و شریف پاسداری، خودتان را از لحاظ معنوی بسازید

امروز دشمنان می‌دانند با ملت ایران، با این جوانان مؤمن، با این مردان مصمم، با این مسئولان و دولتمردانی که به پاییندی به ارزش‌ها افتخار می‌کنند، ملت ایران با چنین سرمایه‌های ارزش‌هایی، از هیچ تشری، از هیچ هیبتی واهمه نمی‌کند. این را می‌دانند. شما در کسوت با شکوه و شریف پاسداری، این باور را در دل دشمن هر چه بیشتر کنید. خودتان را از لحاظ معنوی بسازید. بندگی خدا، خشوع در مقابل خدا موجب می‌شود که انسان در مقابل هیچ زورگویی خضوع نکند.

دلی که مهابت الهی را، عزت الهی را درک کرده است، در خود احساس عزتی می‌کند که بزرگ‌ترین قدرت‌ها در مقابل آن عزت، تاب مقاومت نمی‌آورند. عبودیت خودتان را روز به روز بیشتر کنید.

بیانات در مراسم مشترک دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام ۸۸/۰۱/۲۶

عناصر اصلی شاکله و هویت حقیقی سپاه

دل‌های مشتاق به مجاهدت فی سبیل الله در هر عرصه و میدان، زبان‌های صادق و نگاه‌های حق بین و حق شناس، سه عنصر اصلی شاکله و هویت حقیقی سپاه پاسداران را تشکیل می‌دهند. در شاکله معنوی سپاه، آتش اشتیاق، دل‌های پاسداران را به خدا نزدیک می‌کند و صداقت و وفاداری آنان در نیت و گفتار و عمل، همچون کلمه طبیه رفعت می‌گیرد و به سوی پروردگار تعالی می‌یابد، این نگاه حق بین، در هر شرایطی حتی اوضاع غبارآلود و پراهم، واقعیات صحنه را تشخیص می‌دهد و وظیفه

و راه عمل به وظیفه را درک می‌کند

بیانات دردیدار نوزدهمین مجمع سراسری فرماندهان سپاه ۸۹/۰۴/۲۳ (گزارش خبری)

ضرورت مراقبت روزافزون پاسداران

تبليغات شدید دشمنان و دنباله‌های داخلی آنان بر ضد سپاه پاسداران، نشانه مؤثر بودن سپاه در تداوم حرکت عزتمند و مقدارانه ملت ایران است و پاسداران پرافتخار [نياز] به مراقبت روزافزون درونی، و احساس مسئولیت مداوم در قبال وظایف عظیم اين مجموعه دارند.

بیانات دردیدار نوزدهمین مجمع سراسری فرماندهان سپاه ۸۹/۰۴/۲۳ (گزارش خبری)

ایستادگی سپاه در پاسداری از انقلاب اسلامی پیروی از امام حسین علیه السلام

این ابتکار جالب که روزی به نام پاسدار را ارتباط بدنهند با میلاد مسعود سید الشهداء علیه السلام، یک ابتکار پرمغز و جهت‌دهی است. باید از کسانی که اول این فکر به ذهن آنها رسیده است و ما را متوجه به این معنا کردند، تشکر کرد؛ زیرا داعیه سپاه پاسداران، داعیه بزرگی است: پاسداری از انقلاب اسلامی، که حالا مختصری عرض خواهیم کرد.

این معنا – معنای پاسداری – با همه ابعاد آن، با همه ابزارها و وسائل ممکن، در وجود مقدس سید الشهداء علیه السلام متجسد است؛ نه اینکه دیگران نکردند یا نخواستند بکنند، بلکه به این معنا که خانه پر این حرکت در رفتار دوران ده‌ساله امامت سید الشهداء علیه السلام قق پیدا کرده است. تمام راههایی که می‌شود فرزند پیغمبر از آن راهها استفاده کند برای حفظ میراث عظیم اسلام – که میراث جد او و پدر او و پیروان راستین آنهاست – در زندگی سید الشهداء محسوس است؛ ... بیانات امام را که انسان نگاه می‌کند، می‌بیند حضرت عازم و جازم بوده است برای اینکه این کار را به پایان ببرد. این که در مقابل با حرکت انحرافی فوق العاده خطرناک آن روز، امام حسین علیه الصلاة والسلام می‌ایستد، این می‌شود یک درس، که خود آن بزرگوار هم همین را تکرار

کردن؛ یعنی کار خودشان را به دستور اسلام مستند کردن: «انَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَاهِرًا مُسْتَحْلِلًا لِجَرْمَاتِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْأَثْمِ وَالْعَدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِفَعْلِهِ وَلَا قَوْلِهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلَهُ»^(۱) (مقتل ابی مخنف، ص ۸۵) حضرت این را بیان کردن. یعنی من وظیفه ام این است، کاری که دارم انجام می دهم، بایستی ابراز مخالفت کنم؛ باید در جاده مخالفت و ایستادگی قدم بگذارم؛ سرنوشت هرچه شد، بشود؛ اگر سرنوشت پیروزی بود، چه بهتر؛ اگر شهادت بود، باز هم چه بهتر. یعنی این جوری امام حسین علیه السلام حرکت کردن. این شد ایثار کامل و اسلام را هم حفظ کرد. همین حرکت، اسلام را حفظ کرد. همین حرکت موجب شد که ارزش‌ها در جامعه پایدار بشوند؛ بمانند. اگر این خطر را نمی‌پذیرفت، حرکت نمی‌کرد، اقدام نمی‌کرد، خونش ریخته نمی‌شد، آن فجایع عظیم برای حرم پیغمبر، دختر امیرالمؤمنین و فرزندان خاندان پیغمبر پیش نمی‌آمد؛ این واقعه در تاریخ نمی‌ماند. این حادثه‌ای که می‌توانست جلو آن انحراف عظیم را بگیرد، باید به همان عظمت آن انحراف در ذهن جامعه و تاریخ، شوک ایجاد می‌کرد و کرد. این فدایکاری امام حسین است.

البته به زبان هم گفتن اینها آسان است. کاری که امام حسین علیه السلام کردن، یک کار فوق العاده‌ای است. یعنی ابعاد آن از آنچه که ما امروز محاسبه می‌کنیم، خیلی بالاتر است. ما جوانبش را، ریزه‌کاری‌هاش را غالباً ندیده می‌گیریم. ... این پاسداری امام حسین علیه السلام است.

سپاه در واقع با این نامگذاری، با لطفت می‌خواهد بگوید که من در این راه قدم می‌گذارم؛ خیلی خوب! مبارک است و خیلی بزرگ و مهم است؛ جا هم دارد. می‌شود آدم‌های عیب‌جو و نکته‌بین و نکته‌سنجد بگویند فلان جا این اشتباه بود؛ فلان جا غلط بود؛ فلان کس این جوری رفتار کرد. بر همه جریان‌ها و واحدها و آدمها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی می‌شود ایراد گرفت؛ اما اگر منصفانه به حرکت سپاه پاسداران نگاه کنیم، از روز اول تا امروز، می‌بینیم انصافاً سپاه به قول خودش عمل کرده؛ حقاً و انصافاً سپاه در این راه ایستاده است. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند؛ اما آن هویت جمعی محفوظ می‌ماند؛ یکسان است.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران ۹۰/۰۴/۱۳

ضرورت اهتمام برای جلوتر بودن نسل‌های آینده سپاه از نسل‌های گذشته

من در آخرین دیداری که با عزیزان سپاهی داشتم، یک نکته‌ای را عرض کردم که آن نکته مهم است؛ فقط اشاره‌ای می‌کنم و آن این است که گفتم: نسل‌های متجدد سپاه، متبدل سپاه، نسل‌های آینده سپاه باید سعی کنند یک قدم جلوتر و بالاتر از نسل‌های گذشته بردارند. یعنی عالم رو به رشد است؛ رو به تکامل است؛ حرکت، حرکت تکاملی است؛ پس جا دارد اگر ما انتظار داشته باشیم، توقع داشته باشیم که جوان وارد شده در سپاه امروز، از لحاظ معرفت، بصیرت، آگاهی، فداکاری، آماده‌به‌کاری، درست کار انجام دادن، بجا کار انجام دادن، به هنگام کار انجام دادن – که اینها خصوصیاتی است که سپاه از خودش در طول این سال‌ها نشان داده است – یک قدم سپاه را از نسل گذشته بالاتر ببرد. به سپاه امروز که انسان نگاه کند، ببیند که کیفیت بالاست. این ممکن هم هست؛ نگویید چطور چنین چیزی ممکن است؛ نه! کاملاً ممکن است. یعنی شما نگاه کنید به شرایطی که آن روز بود: جنگی وجود داشت و حضور دشمن در خاک ما؛ چه قبل از جنگ تحمیلی هشت ساله، حضور ضد انقلاب مسلح، چه بعد هم که جنگ شروع شد؛ خود این یک عامل و انگیزه قوی‌ای بود که آدم‌های بی‌تفاوت را هم حرکت می‌داد و می‌آورد داخل آن صحنه عجیب و پرشور. امروز آن جنگ نیست؛ یک جنگ ظریفتری هست و البته خطرناک‌تری. آگاهی از اعماق این جنگ یک توانایی بیشتر و هوشمندی بیشتری را می‌طلبد. اگر ما دیدیم امروز کسانی وارد این میدان هستند و تلاش می‌کنند و مبارزه می‌کنند و با بصیرت در وسط میدان می‌ایستند، پس جا دارد که بگوییم این از لحاظ انگیزه، از لحاظ عمل، کمتر از او نیست. اگر بهتر عمل کند، بهتر هم هست. در آینده هم همین جور می‌تواند باشد؛ همت را این باید قرار داد.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران ۹۰/۰۴/۱۳

هویت پاسداری به معنای یک مفهوم محافظه کارانه تلقی نشود

امروز من عرض می‌کنم هویت سپاه که هویت پاسداری است، به معنای یک مفهوم محافظه کارانه تلقی نشود. پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن. این حفظ کردن را می‌توان با یک تفسیر محافظه کارانه معنا کرد. یعنی بگوییم وضع موجود انقلاب را حفظ کنیم؛ من این را نمی‌گوییم. حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست؛ چرا؟ چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است؛ آن هم پیشرفت پرشتاب؛ به کجا؟ به سمت هدف‌های ترسیم شده. هدف‌ها عوض نمی‌شوند. این اصول و ارزش‌هایی که بر روی آن باستی ایجادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزش‌هایی هستند که در اهداف، مشخص شده‌اند. هدف نهایی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پایین‌تر از آن، ایجاد جامعه اسلامی است با همه مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند. این اهداف عوض شدنی نیستند؛ یعنی ما نمی‌توانیم بباییم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم. بگوییم خیلی خوب! یک روز می‌خواستیم عدالت برقرار کنیم، حالا می‌گوییم عدالت که نمی‌شود، یک نیمه عدالتی برقرار کنیم! نه! عدالت. این، هدف است. توحید، استقرار شریعت اسلامی به‌طور کامل، اینها اهداف است، اینها تغییرپذیر نیست. لیکن در جهت حرکت به سمت این اهداف، سرعت‌ها قابل کم و زیاد شدن است؛ شیوه‌ها قابل تغییر یافتن است؛ تدبیر ممکن است جور و اجور باشد. در این جهت، انقلاب پیشرونده و پیش‌برنده است. حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیشرونده و پیش‌برنده. پاسداری از انقلاب، به این معناست. اگر ما این جور نگاه کردیم و مفهوم پاسداری را این جور فهمیدیم، آن وقت آن طراوت و شور و هیجانی که در حرکت پاسداری هست، مضاعف خواهد شد. جوان امروز اکتفا نمی‌کند به ظواهری که حالا در جامعه ما به هر حال تا حدود زیادی هست؛ بلکه اعمق را، مغزها را، سیرت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد؛ دنبال آنها حرکت می‌کند. ایمان‌های عمیق، آگاهی‌های بیشتر؛ اینها چیزهایی است که ما باید دنبالش باشیم. پس این پاسداری است به معنای صحیح، به معنای کامل، به معنای درست؛ پاسداری از حرکت انقلابی و پیشرفت انقلابی، بنابراین، پاسداری از انقلاب را به این

معنا بگیریم. به این معنای متحول، متطور، پیشرونده.

بيانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران ۹۰/۰۴/۱۳

ضرورت تحقیق دو حرکت پیشرونده درونی و بیرونی

اگر بخواهیم این کار بشود، [جلوتر بودن نسل‌های آینده از نسل‌های گذشته] دو حرکت در سپاه باید انجام بگیرد: یک حرکت، حرکت درونی سپاه است؛ در درون خود، یعنی خود را تکامل ببخشد. یک حرکت، حرکت به معنای یک جزء پیش‌برنده مجموعه کل نظام و انقلاب است؛ یعنی تأثیرگذاری در بیرون. این دو تا حرکت به موازات هم باید پیش بروند. اگر ما از آن حرکت اول غافل بودیم، در درون مجموعه سپاه و خانواده سپاه آن حرکت پیشرونده و ترقی بخش و تعالی بخش را انجام ندادیم، حرکت دوم، یعنی تأثیر سپاه در پیشبرد مجموعه انقلاب، ناکام خواهد ماند. دست و پایی هم اگر بزند، دست و پای غلطی خواهد بود؛ چون: «ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش» پس دو تا حرکت لازم است: آن حرکت درونی، همانی است که فرمانده محترم سپاه، به ابعادی از آن اشاره کردن، که درست است؛ من تأیید می‌کنم؛ همین کارها باید انجام بگیرد. این حرکت درونی یک بعد مادی و یک بعد معنوی دارد. بعد معنوی همین پرداختن به ارزش‌ها به معنای حقیقی کلمه، یعنی مشخص کردن شاخص‌های ارزشی پاسداری و عرضه کردن خود و دیگران بر این شاخص‌ها به قصد پیشرفت، به قصد صیرورت صحیح و کامل به سمت آن هدف‌هاست. این بعد معنوی اش است؛ بعد مادی اش هم همین کارهای خوبی است که در سپاه دارد انجام می‌گیرد؛ بعد تشکیلات، بعد علمی و تحقیقاتی، بعد ساخت و ساز و تولید، بعد آموزش‌های نظامی و نظامیگری و از این قبیل. اینها همه باید در کنار هم انجام بگیرد. یک مجموعه زنده پرنشاط همیشه‌جوان که فرسودگی و پیری در آن راه ندارد، آن وقت از سپاه به وجود خواهد آمد که خوشبختانه امروز زمینه‌هایش آماده است؛ زیرساخت‌هایش آماده است؛ تجربیاتش موجود است؛ انگیزه‌هایش بحمدالله

هست. این می‌شود حرکت درونی. این مجموعه به عنوان یک مجموعه شاخص، یک خط الگوی روش وجود خواهد داشت. ممکن است کسانی از جوان‌های ما، از مردم ما وارد سپاه هم نشوند، اما این الگو را برای زندگی خودشان انتخاب کنند. ... بعد نوبت به تأثیر این حرکت در حرکت مجموعه انقلاب می‌رسد. این هم به خودی خود حاصل خواهد شد. وقتی یک مجموعه زند، پرنشاط، باطراوت، پیشرونده، بشدت پاییند به مبانی و اصول و ارزش‌ها در نظام وجود دارد و دارد حرکت می‌کند و زنده است و همه جا را می‌بیند و آگاهی دارد و بصیرت دارد و تأثیر می‌گذارد، این قهرآ در پیشبرد مجموعه اثر تعیین کننده خواهد داشت. و ما به این حرکت سازنده و پیشرونده و متکامل احتیاج مبرم داریم. یعنی اسلام، امروز نیازمند به این حرکت است.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران ۱۳/۰۴/۹۰

عوامل سلب آرامش روحی زنان در خانواده

نگاه کنید ببینید عوامل سلب آرامش و سکینه روحی زن در خانواده چه چیزهایی است؟ دنبال این باشد که با قانون، با روش‌های تبلیغی، با روش‌ها و شیوه‌های گوناگون، اینها را ببرطرف کنید. این، اساس قضیه است. زن در خانه مایه آرامش است؛ مایه آرامش مرد و مایه آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی‌تواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمی‌تواند کدبانو باشد؛ نمی‌تواند مدیر خانواده باشد؛ درحالی که زن، مدیر خانواده است. این مسئله اصلی است. این یکی از آن اصلی‌ترین مسائل است، که خب! در محیط زندگی ما - چه محیط‌های قدیمی ما، چه محیط‌های جدید ما - چندان مورد توجه قرار نگرفته است و باید مورد توجه قرار بگیرد. تصوّر از زن در خانه، تصوّر یک موجود درجهٔ دویی [است] که موظّف به خدمتگزاری به دیگران است؛ این تصوّر بین خیلی‌ها هست - حالا بعضی‌ها به زبان می‌آورند، به رو می‌آورند، بعضی‌ها هم به رو نمی‌آورند، اما در دلشان این است - این درست نقطه مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است. من مکرّر عرض کرده‌ام این حدیث معروف را که «المرأة ريحانة وَ لَيْسَتْ بِقَهْرَمَانَة»؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) قهرمان، در تعییرات رایج عربی، به آن کارگزار

می گویند؛ مثل «امر قهرمانه بکذا»؛ مثلاً فلان صاحب ملک و املاک فراوان به قهرمان خودش، یعنی آن کسی که کارگزار امور این املاک است، گفت: به این می گویند «قهرمان». در این حدیث می گوید: خیال نکن زن کارگزار تو داخل خانه است که باید کارهای خانه را [انجام دهد]؛ این جوری نیست. خب! ببینید، این خودش یک فصلی است که از آن چندین فصل گشوده می شود: مسئله احترام کار زن در خانه و عدم الزام او، مجبور نبودن او، قابل خریداری شدن این کار یعنی قابل مبادله با پول؛ این است. اینها چیزهایی است که خب، در اسلام هست، در فقه اسلام هست؛ ... واقعاً فقه ما فقه مترقی و برجسته‌ای است. یک چیزهایی از آن را بعضی می گیرند، یک چیزهایی از آن را فراموش می کنند، یک چیزهایی را هم به خاطر هماهنگی با این افکار هوچیگرانه غربی از این رو به آن رو می کنند؛ این را هم دیده‌ایم ما.

بیانات در دیدار بانوان برگزیده کشور (میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام) ۱۳۹۳/۰۱/۳۰

پاییندی نیروهای مسلح به مبانی اسلام و قوانین الهی

امروز دشمنان ما، جمهوری اسلامی را متهم می کنند به دخالت در اینجا و آنجا، که این خلاف واقع است؛ چنین چیزی وجود ندارد؛ ما در هیچ‌جا دخالت نمی کنیم. ما در آنجایی که مورد تهاجم قرار بگیریم البته دفاع می کنیم، دفاع جانانه! اما دخالت نمی کنیم. ما از کسانی و عواملی که به مردم بی دفاع حمله می کنند، به غیر نظامی‌ها حمله می کنند، کودکان را نابود می کنند، زنان را به قتل می رسانند، خانه‌ها را خراب می کنند، متنفریم، اعلام بیزاری می کنیم، اعلام برائت می کنیم؛ اینها از اسلام چیزی نفهمیده‌اند، از وجود انسانی هم چیزی نفهمیده‌اند. خصوصیت نیروهای مسلح ما این است که به مبانی اسلام و قوانین الهی که در همه‌جا قانون الهی رایج است - حتی در جنگ، یا در صلح - پاییند است. این یکی از خصوصیات نیروهای مسلح ما است. علت اینکه امروز ارتش ما، سپاه ما، نیروهای مسلح ما در بین مردم محبوبیت دارند هم همین است: مردم می بینند اینها مثل خودشان فکر می کنند، مثل خودشان عمل می کنند،

اعتقاداتی مشابه اعتقادات خودشان دارند، برای همان چیزهایی دل می‌سوزانند که مردم دل می‌سوزانند؛ این، ارتباط بین مردم و نیروهای مسلح را افزایش می‌دهد. این یک خصوصیت است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ۱۳۹۴/۰۱/۳۰

بزرگ‌ترین مجاهدت پیروان اهل‌بیت‌الله‌ماجاهدت با نقشه‌های استکبار

امروز به نظر ما مصداق مجاهدت که در مقابل ما مسلمان‌ها، ما پیروان اهل‌بیت قرار دارد، عبارت است از: مبارزه با نقشه‌های استکبار در منطقه اسلامی؛ امروز بزرگ‌ترین مجاهدت این است. با نقشه‌های استکبار باید مبارزه کرد. این نقشه‌ها را باید اوّل شناخت، اوّل باید دست دشمن را بخوانیم، بدانیم چه کار می‌خواهد بکند؛ بعد بشنیئیم برنامه‌ریزی کنیم و با اهداف دشمن مبارزه کنیم. فقط هم حالت دفاع و انفعال نیست. مبارزه اعم است از دفاع و هجوم؛ یکوقت لازم است انسان در مواضع دفاعی قرار بگیرد، یکوقت هم لازم است در مواضع هجومی قرار بگیرد؛ در هردو حالت هدف عبارت است از مبارزه با برنامه‌های استکبار که دشمن اساسی و اصلی است در این منطقه؛ و هم در کل منطقه اسلامی، به خصوص در این منطقه‌ای که غرب آسیاست. این منطقه‌ای که اروپایی‌ها اصرار دارند اسم آن را بگذارند خاورمیانه؛ یعنی خاور را، شرق را به نسبت اروپا می‌سنجدند. یک‌جا شرق دور است، یک‌جا شرق میانه است، یک‌جا شرق نزدیک است؛ این تک‌بُر اروپایی‌ها را ببینید! از اوّل اینجا شده «خاورمیانه»؛ اسم خاورمیانه غلط است؛ اینجا غرب آسیاست. آسیا یک قاره بزرگی است، ما در غرب آسیا قرار داریم. این منطقه منطقه بسیار حساسی است؛ منطقه‌ای است از لحاظ راهبردی مهم، از لحاظ نظامی مهم، از لحاظ منابع زیرزمینی مهم، از لحاظ ارتباط بین سه قاره – آسیا و اروپا و آفریقا – مهم. منطقه مهمی است. روی این منطقه برنامه دارند، نقشه دارند؛ باید این نقشه‌ها را ببینیم چیست و با این مقابله کنیم؛ این شد مجاهدت. قرآن به ما می‌گوید: «جِهَدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادٍ»؛ (حج ۷۸) «در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید.» جهاد فی الله، امروز این است. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت‌الله و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی ۱۳۹۴/۰۵/۲۶

سپاه یکی از مؤلفه های قدرت است

سپاه یکی از مؤلفه های قدرت است؛ سپاه را روزبه روز باید اعتلاء و کیفیت بخشدید. گزارش های برادران را من می بینم و از آنها مطلع می شوم؛ کارهای خوبی دارد انجام می گیرد اما سپاه هنوز خیلی ظرفیت و خیلی میدان برای پیشروی دارد؛ این کار را چه کسی باید بکند؟ شما جوان ها؛ این به عهده هی شما است؛ خودتان را آماده کنید برای پیشبرد سپاه، برای اینکه بتوانید این یک از مؤلفه های قدرت را پیش ببرید.

بیانات در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

فصل نهم :

استحکام خانواده و تربیت فرزندان

انسان بایستی کانون خانوادگی را حفاظت بکند

عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکانتان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندتان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار می شوند که یادشان می رود از وجود همسرانشان و فرزندانشان؛ و این ضایعاتی را درست می کند. یعنی این جور نیست که ما پای تعارف باشد، بگوییم: آقا! خواهش می کنیم بیشتر شما به خودتان برسید، ... این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندانش، خانواده ااش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. «**فُوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ تَارًا وَقُوْدَهَا النَّاسُ وَالْجِجَارَةُ**» خودتان و اهلتان را حفظ کنید.

بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۶

کار باشی جوری تنظیم بشود که انسان بتواند به خانواده پردازد

در طول این سی سال، بنده در جاهای مختلف که بودم - چه در زمان ریاست جمهوری، چه قبل از آن در نیروهای مسلح و جاهای دیگر - از نزدیک کسانی را مشاهده کرده‌ام که واقعاً تعطیلی نمی‌شناسند، استراحت نمی‌شناسند؛ مایلند همه لحظاتشان را صرف همین کاری که بر عهده آنها محوی است، قرار بدهند. البته من همین جا به شما عرض بکنم؛ موافق این جور کار کردن نیستم. بنده معتقد‌ام کار باشی جوری برنامه‌ریزی و تنظیم بشود که انسان بتواند به خانواده خود، به فرزندان خود، به روابط عاطفی پردازد؛ خودش را له نکند. ولی خوب، بعضی هستند؛ حالا واقعاً یا ظرفیت زیادی دارند، به همه چیز در جای خود می‌پردازند و ظرف کار را لبریز می‌کنند، یا اینکه از جاهای دیگر کم می‌گذارند و به کار اضافه می‌کنند.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۸۹/۰۵/۰۱

نقش همسری و مادری زن در خانواده

در مورد خانواده، حرف خیلی زیاد است. مسئله‌ی همسری، مسئله‌ی مادری، اینها همه‌اش باید تفکیک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ این نقش همسری، فوق العاده است؛ ولو اصلاً مادری‌ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است؛ یا مایل نیست به زایمان، یا به هر دلیلی امکان زایمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دست کم گرفت. ما اگر می‌خواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ و الآنمی‌شود.

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب، آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکشش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می‌آمدند خطبه عقدشان را می‌خواندم - آن وقت‌هایی که می‌خواندم؛ حالا که توفیق ندارم - می‌گفتم خیلی از خانم‌ها هستند که شوهرهایشان

را اهل بهشت می‌کنند؛ خیلی خانم‌ها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم می‌کنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم عیناً همین نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم بایستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است.

بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

جنبه قدسی ازدواج

ازدواج یک قدسی دارد از نظر ادیانی که حالا من می‌شناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آماده به کار در این زمینه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسیحی‌ها آن را توی کلیسا انجام می‌دهند، یهودی‌ها آن را در کنائشان انجام می‌دهند؛ مسلمان‌ها هم اگرچه در مسجد انجام نمی‌دهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرف، و الا در ایام متبرک دینی و عمدتاً به وسیله رجال دین، این را انجام می‌دهند. رجل دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین بیان می‌کند. بنابراین، صبغه کاملاً صبغه دینی است. ازدواج یک جنبه قدسی دارد؛ این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رایج شده. این مهریه‌های سنگین به خیال اینکه می‌تواند پشتونه حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین می‌شود؛ در حالی که این جور نیست. حداقل این است که شوهر از دادن امتیاع می‌کند، می‌برندش زندان؛ یک سال، دو سال زندان می‌ماند. در این اقدام، به زن چیزی نمی‌رسد؛ او بهره‌ای نمی‌برد، جز اینکه کانون خانواده‌اش هم متلاشی می‌شود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسین عليه السلام نقل شده که فرمود: ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنّه عقد نکردیم، به خاطر این است؛ و الا می‌توانستند. اگر امام حسین می‌خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می‌توانست؛ لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقيه - مقید به این کار

بشود. آنها می‌توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است؛ این خیلی خوب است.

یا همین تشریفات زاید ازدواج - خرج‌های زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می‌گیرد وقتی می‌شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی می‌خواهد. خانم‌های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، بخصوص صدا و سیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند.

بيانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده ۱۴/۱۰/۱۳۹۰

نقش خانواده در سلامت جامعه

مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است: پایه‌ی اصلی در جامعه است؛ سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت می‌کند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت می‌کند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلول‌های است. اگر ما توانستیم سلول‌ها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله‌ی این قدر اهمیت دارد. جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده سالم، سرزنش و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. بالخصوص در زمینه‌های فرهنگی و البته در زمینه‌های غیر فرهنگی، بدون خانواده‌های خوب، امکان پیشرفت نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما می‌گویید: در غرب خانواده نیست، پیشرفت هم هست. آنچه که امروز در ویرانی بنیاد خانواده در غرب روزبه روز بیشتر دارد نمودارهاییش ظاهر می‌شود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله‌ای نماید داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی این جور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها به تدریج اثر خواهد گذاشت؛ کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این پیشرفت‌ها دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئله‌ی جنسیت با همان رعایت‌های اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم

بعداً در آمریکا این را می‌بیند و مشاهده می‌کند. این مسئله رعایت‌های اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر، مسئله حیا، پرهیز از تهمت، اینها چیزهایی بود که آن روز وجود داشت. این بی‌بندوباری‌ها و اباخیگری‌ها به تدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز یک زمینه‌هایی فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسیار تلخ و سختی را برای آنها رقم می‌زند.

بيانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده ۱۴/۱۰/۱۳۹۰

ضرورت رسیدگی به خانواده

به خانواده‌هایتان هم برسید، یکی از مواردی که همیشه با مسئولین و کارگزاران جمهوری اسلامی اصرار دارم و تکیه می‌کنم، مسئله خانواده‌هاست. به زن و بچه‌هایتان برسید، اگر نرسید لگدش را می‌خورید. صرف یک مسئله عاطفی نیست، اینکه شارع مقدس این همه اصرار می‌کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْجِحَارَةُ» (تحریم ۶) این همه در اسلام به مسئله خانواده تکیه می‌شود فلسفه و حکمت دارد. بین شما و خانواده اگر جدایی افتاد، یکدفعه در درون خانواده یک نهالی رشد می‌کند که در جهتی که شما می‌خواهید پیش نمی‌رود. بچه ما هست و عواطف روی ذهن، عقل، عمل و رفتار ما تأثیر می‌گذارد. سهمی برای خانواده قرار بدهید و نگویید کار داشتم؛ این کار فردا هم هست، فردا هم روز خداست هرچه را که توانستید امروز در وقتی که برای کار معین می‌کنید انجام بدهید و هر چه ماند باشد برای فردا «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَعْسَى إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره ۲۸۶) ایرادی هم ندارد. البته من فداکاری‌ها را می‌ستایم بعضی‌ها را می‌دانم واقعاً فداکاری می‌کنند، انسان قلباً این فداکاری‌ها و آن انگیزه‌ای که موجب می‌شود را می‌ستاید. افرادی هستند که هرچه ممکن است بهره کمتری می‌برند و هر چه ممکن است کار بیشتری تقدیم می‌کنند. این انگیزه‌هایی که این وضع را به وجود می‌آورد، از لحاظ ارزش در عرض است؛ لکن می‌خواهم بگویم کاری کنید که این

انگیزه‌ها با حقوق دیگر که یکی از این حقوق دیگر حقوق خانواده و فرزندان است، منافات پیدا نکند. ان شاء الله خدا کمک کند.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروهای مسلح (۱۳۹۱/۰۱/۱۶) (گزارش خبری)

زن مگو، مردآفرین روزگار

خوشبختانه زنان جامعه ما حقاً و انصافاً نه فقط در انقلاب ما، بلکه از گذشته هم ... زنان متدين ما در میدان‌های گوناگون و در همه قضايا جزو پیشروان بودند. قبل از شروع مبارزات تند مشروطیت، زن‌ها در میدان بودند. در یک برهه‌ای، مبارزات مشروطیت آرام بود؛ بعد شدت پیدا کرد، که همه وارد شدند. آن وقتی که هنوز همه وارد نشده بودند و در واقع فقط یک عده‌ای از علماء و خواص دنبال این قضایا بودند، زن‌ها بلند شدند، یک اجتماعی تشکیل دادند، آمدند اینجا سر راه حاکم و زمامدار وقت را گرفتند؛ او از دست اینها فرار کرد، رفت در کاخش مخفی شد! رفتند آن طرف، فراش‌باشی‌های دستگاه حکومت، اینها را کتک زدند. آن زمان با چادر و چاقچور وارد میدان شده بودند. اکثر قریب به همه شما چاقچور را ندیده‌اید. چادر و چاقچور و روپند، نوع بسته حجاب اسلامی - ایرانی بود. با آن حالت، اینها وارد این میدان شدند. حالا یک عده‌ای خیال می‌کنند زن تا وقتی که بی حجاب نباشد، بی اخلاق نباشد، نمی‌تواند در میدان‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی وارد شود. در همین انقلاب خود ما، در بعضی از نقاط کشور، زن‌ها زودتر از مردها اجتماع راه انداختند، در خیابان‌ها حرکت راه انداختند و مقابله کردند؛ که ما اطلاع قطعی داریم. در دوران انقلاب همین‌جور، در مبارزات گوناگون بعد از پیروزی انقلاب همین‌جور، در جنگ تحمیلی همین‌جور.

بارها من این را گفته‌ام: در زیارت خانواده‌های شهداء، اغلب اوقات مادران شهید را شجاع‌تر و مقاوم‌تر از پدران شهید یافتم. مگر محبت مادر را می‌شود با محبت پدر مقایسه کرد؟ روح لطیف زنانه، آن هم نسبت به جگرگوشه، این را پرورش بدهد، بزرگ کند مثل دسته گل، بعد راضی بشود که او برود میدان جنگ و به شهادت برسد؛ بعد برای اینکه جمهوری اسلامی دشمن شاد نشود، بر جنازه او گریه هم

نکند! که بند مکرر به این خانواده‌های شهدا گفتم گریه کنید؛ چرا گریه نمی‌کنید؟ گریه ابرادی ندارد. گریه نمی‌کردند، می‌گفتند: می‌ترسیم جمهوری اسلامی دشمن شاد شود. (زن مگو، مرد آفرین روزگار). (عمان سامانی، دیوان اشعار) زن‌های ما اینها بیند؛ امتحان خوبی دادند.

بیانات در دیدار جمعی از مدداحان سراسر کشور کشور ۱۳۹۱/۰۲/۲۳

ارزش تداوم کار و نقش استقامت همسران

تداوم کار، خیلی ارزش دارد. بینید؛ این کارهای معنوی و توصلات و دعا و ذکر و اینها هم روایت داریم که کار را تداوم بدهید. در روایت دارد که حداقل مدتی که شما یک عملی را انجام می‌دهید، یک سال باشد. فرض بفرمایید شما بنا می‌گذارید یک نمازی را که مستحب است، هر شب یا در شب معین خودش در هفته، بخوانید. می‌گویند حداقل یک سال این را ادامه دهید، هرچند بهتر این است که انسان تا آخر عمر ادامه بدهد. یعنی تداوم، یک عنصر جدیدی است غیر از خود اصل شروع عمل. «فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ» (شوری ۱۵). استقامت، یعنی همین کار را در همان خط و جهت درست دنبال کردن .الحمد لله شما استقامت کردید. ... این را هم من به شما خانم‌ها- بخصوص همسران- بگوییم؛ بخش عمدۀ از شواب کاری که انجام می‌گیرد، مال شماست؛ چون شما اگر چنانچه همراهی نمی‌کردید، نق می‌زدید، دعوا می‌کردید - این چه وضعی است؟ این چه زندگی‌ای شد؟ شما که اینجا پیدایتان نمی‌شود - مردان شما دیگر طاقت نمی‌آورند. بالاخره هر چه هم آدم انگیزه داشت، دیگر نمی‌توانست. این همراهی شماست که به اینها دل داد، جرأت داد، و رفتن؛ اینها خیلی مهم است.

بیانات در دیدار خانواده مرحوم حاج عبدالله والی ۹۱/۰۳/۲۶ (گزارش خبری)

ضرورت تربیت فرزندان با نگاه بلند همتانه

نکته دیگر، کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان

و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدھیم که با همت بلند نگاه کنند. مسائل گوناگونی وجود دارد که اینها را باید در سطح دنیا دید، در سطح جهانی باید مشاهده کرد، نه در سطح منطقه‌ای، چه برسد به اینکه انسان بخواهد آنها را در سطح کشوری یا در سطح ولایتی و استانی بییند. مسائلی وجود دارد که اینها را باید در آفاق صد ساله و صد و پنجاه ساله دید، نه در یک افق محدود پنج ساله و ده ساله و کمتر. اینها همت بلند لازم دارند؛ نگاه بلند‌همتانه به مسائل گوناگون. این دانش‌آموز یا این دانشجویی که شما امروز دارید تربیت می‌کنند، چند صباح دیگر یک استاد است، یک مدیر فعال است، یک کارشناس برجسته است، یک عنصر مؤثر در حرکت سیاسی جامعه است؛ چند صباح دیگر این وجود مؤثری در جامعه خواهد بود. این را آن‌جوری تربیت کنید که با این همت بلند بار بیاید.

بیانات در دیدار معلمان و اساتید استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

لزوم عادت دادن فرزندان برای کتاب‌خوانی و مراجعه به کتاب خوب

نکته بعد، تن به کار دادن است. یکی از مشکلات ما تنبیلی است. مسئله‌ی مطالعه و کتاب‌خوانی مهم است. در جامعه‌ی ما بی‌اعتنایی به کتاب وجود دارد. گاهی آدم می‌بیند در تلویزیون از این و آن سؤال می‌کنند: آقا شما چند ساعت در شباه‌روز مطالعه می‌کنید، یا چقدر وقت کتاب‌خوانی دارید؟ یکی می‌گوید پنج دقیقه! یکی می‌گوید نیم ساعت! انسان تعجب می‌کند. ما باید جوانان را به کتاب‌خوانی عادت دهیم، کودکان را به کتاب‌خوانی عادت بدیم؛ که این تا آخر عمر همراهشان خواهد بود. ... جوانان شما، کودکان شما هرچه می‌توانند، کتاب بخوانند؛ در فنون مختلف، در راه‌های مختلف، مطلبی یاد بگیرند. البته از هر زه‌گردی در محیط کتاب هم باید پرهیز کرد، متنه‌این مسئله بعدی است؛ مسئله‌ای اول این است که یاد بگیرند، عادت کنند به اینکه اصلاً به کتاب مراجعه کنند، کتاب نگاه کنند. البته باید دستگاه‌ها مراقب باشند، اشخاص موظب باشند، هدایت کنند به کتاب خوب؛ که با کتاب بد، عمر ضایع نشود.

بیانات در دیدار معلمان و اساتید استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

لزوم بردباری و برخورد حلیمانه در تعاملات اجتماعی و سیاسی

یکی از چیزهایی که ما در تعامل اجتماعی احتیاج داریم، روحیه بردباری است؛ حلم. اینکه در اسلام و در اخلاق اسلامی این قدر حلم ذکر شده، به این خاطر است. نبود بردباری، بسیاری از مشکلات را در سطوح پایین و سطوح فردی و سطوح اجتماعی به وجود می آورد. اگر گروههای سیاسی ما هم حلیمانه با هم برخورد کنند، کار بهتر خواهد شد. دستجات مختلف طرفدار این و طرفدار آن، اگر با حلم با هم برخورد کنند، خیلی اوضاع بهتر خواهد شد. با حلم برخورد کردن، به معنای اغماض کردن از بدی‌ها و زشتی‌ها نیست؛ به معنای بی‌اعتنایی کردن به اصالت‌ها و ارزش‌های مورد اعتقادمان نیست؛ نوع برخورد، مورد نظر است؛ «أذْعُ إِلَيْ سَبِيلٍ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْخَسَنَةِ وَجَادِلُهُمْ بِالْتَّيْ هِيَ أَحْسَنُ». (نحل ۱۲۵) مجادله با دیگری هم که بر سر یک اعتقاد است، بر سر یک مسئله مهم اتفاق می‌افتد، آن هم «بِالْتَّيْ هِيَ أَحْسَنُ» باشد.

بیانات در دیدار معلمان و اساتید استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

ضرورت برنامه‌ریزی برای افزایش سطح ایمان، سواد و هوش بانوان

مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است؛ با گفتار است؛ با عاطفه است؛ با نوازش است؛ با لالایی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود.

بیانات در دیدار جمعی از مددحان ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

از مهم‌ترین وظائف و مجاہدت‌های زنان

یکی از مهم‌ترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند؛ بندۀ عقیده ندارم به

اینکه زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه! اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه! خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم، با عدم دقتهایی که از ما سر زده، یک برھه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم می‌بینیم؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است. فرزندآوری، یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظایف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند؛ اوست که رنج‌هایش را می‌برد؛ اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندام‌های جسمانی اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زن‌هاست. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.

بیانات در دیدار جمعی از مددحان ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

اطمینان به وعده‌های الهی در تحقق ازدواج و تشکیل خانواده

مسئله ازدواج جوان‌ها، مسئله‌ی مهمی است. من از این بیم دارم که نگاه بی‌تفاوت نسبت به مسئله ازدواج - که متأسفانه امروز کم و بیش این نگاه بی‌تفاوت وجود دارد - در آینده تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد ... انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی؛ یعنی ازدواج باید تحقق پیدا بکند. اینکه خدای متعال می‌فرماید: «إِن يَكُونُوا فُقَرَاءٍ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، (نور ۳۲) این یک وعده‌اللهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه وعده‌های اللهی که به آن وعده‌ها اطمینان می‌کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است

و موجب نمی‌شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی‌شود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشايش هم ایجاد کند. محیط دانشجویی، محیط خوبی و مناسبی است برای زمینه‌سازی ازدواج. به نظر من بر روی مسئله ازدواج جوان‌ها، خود جوان‌ها، اولیاً خانواده‌هایی که جوان‌ها متعلق به آنها هستند، و مسئلان ذی‌ربط مرتبط با دانشگاه، فکر کنند و تصمیم بگیرند؛ نگذاریم سن ازدواج - که امروز متأسفانه بالا رفته؛ به خصوص در مورد دختران - ادامه پیدا نکند. بعضی از تصورات و سنت‌های غلط در مورد ازدواج وجود دارد که اینها دست‌وپاگیر است، مانع از رواج ازدواج جوان‌ها است؛ این سنت‌ها را باید عملاً نقض کرد. شما که جوان‌اید، مطالبه‌گراید، پرشناطاید، پیشنهادکننده نقض خیلی از عادت‌ها و سنت‌ها هستید. به نظر من، این سنت‌های غلطی را هم که در زمینه ازدواج وجود دارد، بایستی شما نقض کنید؛ این هم یک مسئله است که من تأکید آن را لازم می‌دانم. البته در گذشته معمول بود که برای ازدواج، افراد خیر و مؤمنی پیدا می‌شدند، واسطه‌گری می‌کردند، دخترهای مناسب را، پسرهای مناسب را، معرفی می‌کردند، ازدواج‌ها را راه می‌انداختند؛ این کارها باید انجام بگیرد؛ باید واقعاً در جامعه یک حرکتی در این زمینه به وجود بیاید.

بيانات در دیدار دانشجویان در بیست و پنجمین روز مبارک رمضان ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

ایجاد ازدواج آسان

به پدرها و مادرها تذکر می‌دهم؛ من خواهش می‌کنم و تقاضا می‌کنم از شما که یک خرده امکانات ازدواج را آسان کنید. پدر و مادرها سخت‌گیری می‌کنند؛ هیچ سخت‌گیری لازم نیست. بله، یک مشکلات طبیعی وجود دارد - مسئله مسکن، مسئله شغل و از این مسائل - لکن «إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنِهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛(نور ۳۲) «اگر تنگ‌ستند خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد.» خب! این قرآن است. ممکن است جوان، الآن هم امکانات مالی مناسبی نداشته باشد، اما انشاء الله

بعد از ازدواج خدای متعال گشایش می‌دهد. ازدواج جوان‌ها را متوقف نکنند؛ من خواهش می‌کنم که پدرها و مادرها به این مسئله توجه کنند. البته یکی از مسائل مهم این است که رسم خواستگاری رفتن و وساطت کردن برای ازدواج دخترها، متأسفانه کمنگ شده؛ این چیز لازمی است. افرادی هستند - سابق‌ها همیشه معمول بود، حالا هم با کثرت نسل جوان در جامعه‌ما، باید این رواج داشته باشد - پسرهایی را می‌شناسند، به خانواده دختر معرفی می‌کنند؛ دخترهایی را می‌شناسند، به خانواده پسر معرفی می‌کنند؛ تسهیل می‌کنند و آماده‌سازی می‌کنند ازدواج را؛ این کارها را بکنند. هرچه که ما بتوانیم در جامعه مسئله مشکل جنسی جوان‌ها را حل کنیم، این به نفع دنیا و آخرت جامعه ماست؛ به نفع دنیا و آخرت کشور ماست.

بیانات در دیدار دانشجویان در بیست و چهارمین روز ماه مبارک ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

توفیقات شما فرماندهان؛ بخاطر همراهی همسرانتان است

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، فرماندهان زحمت‌کش و خدوم به معنای واقعی کلمه؛ و باید تبریک عرض بکنیم به همه‌ی شما، به فرمانده محترم ارتش، به فرماندهان نیروها، به مسئولان عالی‌رتبه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران و به یکایک آحاد این ارتش خدوم، روز ارتش را و جلوه‌گری‌های گوناگون ارتش را که بحمدالله در بخش‌های مختلف افتخارآفرین بوده. البته این تبریک، مخصوص شما نیست، تبریک به خانواده‌هایتان هم هست؛ چون آنها هم زحمت می‌کشند در کنار شما، بخصوص همسرانتان که اگر آنها با شما همکاری نمی‌کردند و هم‌دلی نداشتند و با شما همراه نبودند در این کار دشواری که بر عهده‌ی شماها است، شماها نمی‌توانستید این توفیقات را به دست بیاورید و لااقل در بخشی از این کارها، این توانایی‌ها لنگ می‌زدید؛ بخصوص هر چه مسئولیت‌ها بالاتر می‌رود، زحمت خانواده‌ها بیشتر می‌شود. از قول ما به خانم هایتان، به خانواده‌هایتان سلام برسانید، تبریک بگویید، هم روز ارتش را، هم نیمه‌ی شعبان را، هم اعیاد شعبانیه را و هم عید نوروز را.

فصل دهم :

وظیفه معنویت افزایی روحانیون

ضرورت گسترش اخلاق اسلامی در جامعه توسط ائمه جمیع

یکی از کارهای مهم ائمه جمیع، گسترش اخلاق اسلامی در جامعه است.... باید فرهنگ صرفه جویی و قناعت، فرهنگ مسئولیت پذیری، وجودن کاری، روحیه ایثار، روحیه سخت کوشی، فرهنگ تعاون و همکاری، انضباط فردی و اجتماعی، احترام به قانون، الگوی خانواده ایرانی - اسلامی، سنت ازدواج ساده و آسان، ترویج ازدواج به هنگام، ترویج محافل دینی در خانواده ها، و تربیت دینی فرزندان، به عنوان نمونه هایی از فرهنگ غنی اسلامی در میان مردم گسترش یابد.... ارتباط صمیمی و مستمر با مردم، به ویژه اقشار محروم و خانواده های ایثارگران ... و حضور در مساجد و ارتباط با علماء و همچنین إشراف و نظارت بر نزدیکان نیز باید مورد توجه ائمه جمیع باشد. (گزارش خبری در دیدار ائمه جمیع کشور ۱۳۸۷/۷/۲۲)

وظیفه علمای دین، در مبارزه با طاغوت، شرک، کفر و الحاد، فسق و فتنه

علمای دین در اسلام، پیشوavn اصلاح و ترقی و پیشرفت ملتند. این مسئولیت بر عهده‌ی عالمان دین گذاشته شده است. اینکه در خطبه‌ی نهج البلاغه هست که : «و ما كتب الله على العلماء لا يقاروا على كظه ظالم و لا سغب مظلوم»؛(خطبه^(۳)) یعنی عالم دین در مقابل ظلم، بی عدالتی، تجاوز انسان‌ها به یکدیگر نمی‌تواند ساكت و بیطرف بماند. بیطرفی در اینجا معنا ندارد. فقط مسئله این نیست که ما حکم شریعت و مسئله‌ی دینی را برای مردم بیان کنیم . کار علماء کار انبیاء است. «انَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ». انبیاء کارشان مسئله‌گویی فقط نبود. اگر انبیاء فقط به این اکتفا می‌کردند که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، اینکه مشکلی وجود نداشت؛

کسی با اینها در نمی‌افتد. ... ما اگر در کسوت عالم دین قرار گرفتیم، ادعای بزرگی را با خودمان داریم حمل می‌کنیم. ما می‌گوییم «نحن ورثة الانبياء» این وراثت انبياء چیست؟ مبارزه‌ی با همه‌ی آن چیزی است که مظہر آن عبارت است از طاغوت؛ با شرک، با کفر، با الحاد، با فست، با فتنه؛ این وظیفه‌ی ماست.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۱۱

وظیفه علمای دین در مقابله با شبههای روز

امروز، یک خصوصیت، پیشرفت شیوه‌های انتقال فکر است. شما ببینید تلویزیون، رادیو، وسایل الکترونیکی، اینترنت و دیگر وسایل ارتباطاتی، امروز در دنیا در خدمت چه اهدافی قرار دارد. امروز استکبار به این اکتفا نمی‌کند که شمشیر نشان بدهد؛ شمشیر هم نشان می‌دهد، اما در کنار او به ده‌ها شیوه‌ی دیگر متول
می‌شود برای اینکه آن فکر غلط، آن راه خطأ، آن روش ستمگرانه و طغیانگر را بر ملت‌ها تحمیل کند. ... باید با زمان، خودمان را تطبیق بدهیم. شبههای از قبیل شبههای صد سال و دویست سال قبل نیست. شبههایی که در ذهن جوان شما، دانشجوی شما، حتی دانشآموز شما القاء می‌کنند، شبههایی از جنس روز است. در مقابل این کی می‌خواهد بایستد؟ غیر از علمای دین، غیر از مرزداران عقیده چه کسی باید در مقابل این تیرهای مسموم و زهرآگین بایستد و قرار بگیرد.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۸۸/۰۲/۲۳

ضرورت استفاده از فرصت حاکمیت دینی برای ترویج شریعت اسلامی

خصوصیت دیگری که در این روزگار وجود دارد، وجود یک حکومت قرآنی است. امروز یک چنین حکومتی برپاست. دیروز چنین حکومتی نبود؛ امروز هست. ما در تاریخ اسلام، از صدر اسلام به این طرف، از وقتی که خلافت تبدیل شد به سلطنت در دنیای اسلام، تا امروز هیچ حکومتی نداشتیم که بر اساس شریعت حکومت کند ما حکومت دینی نداشتیم؛ امروز داریم. من ادعا نمی‌کنم که این حکومت دینی یک حکومت قرآنی کامل است؛ ابداً اول متقدد دستگاه خود بnde هستم. ما در اجرای شریعت اسلامی در حداقل‌ها داریم حرکت می‌کنیم. متنهای

جهت، جهت درستی است؛ به سمت حداکثر می‌خواهیم حرکت کنیم و پیش برویم. حکومت، حکومت دینی است؛ رسماً، قانوناً، بر طبق قانون اساسی. هر حرکتی، هر قانونی که برخلاف شریعت اسلامی باشد، منسوخ است؛ حکومت، حکومتی است بر اساس دین. این پدیده‌ی فوق العاده مهمی است. یعنی دستگاه سیاسی در کشور به اهل دین اجازه می‌دهد و بلکه از آنها می‌خواهد که در راه ترویج شریعت حرکت کنند. مسئولین نظام اگر با معیارهای دینی تطبیق نکنند، طبق قانون مشروعیت خودشان را از دست می‌دهند. این یک چیز بدیعی است؛ این یک چیز جدیدی است؛ ما نداشتیم. از این فرصت باید استفاده کرد. ... از این خصوصیت حداکثر استفاده را برای ترویج حقایق اسلامی و معارف اسلامی و شریعت اسلامی در این دنیای گرفتار مادیت می‌شود برد.

بيانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کرستان ۲۳/۰۸/۸۸

روحانی این زمان باید با افکار جدید آشنا شود

ما به دل خودمان نگاه می‌کنیم، به دل مردممان نگاه می‌کنیم، رحمت الهی را مشاهده می‌کنیم. ... دست قدرتمند الهی پشت این نظام است و دارد او را به پیش می‌برد؛ دارد هدایت می‌کند. ... اعتماد به خدا، اكتفاء به کفایت الهی، پشتگرمی به رحمت و هدایت خدا، مگر می‌گذارد انسان ناامید شود. به مردم خودمان هم که نگاه می‌کنیم، عین همین را می‌بینیم. ... انسان می‌بیند در اعماق دل مردم نشانه‌ی رحمت الهی پیداست؛ دل‌ها را خدای متعال قرص کرده است. خیلی خوب، خدا حجت را بر ما تمام کرده؛ این امکان، این زمینه، حرکت کنید پیش بروید. روحانی این زمان از این امکان باید حداکثر استفاده را بکند، با افکار جدید آشنا شوند، راه‌ها و شیوه‌های دشمن را بشناسند و به زمان خودشان عالم شوند؛ «العالم بزمانه لاتهجم عليه اللوابس». ... بعضی از ما به طرف دوستانمان آتش می‌کنیم، خیال می‌کنیم به طرف دشمن داریم آتش می‌کنیم! بعضی از ما غفلت می‌کنیم از اینکه ایجاد اختلاف

مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای اینکه ما را مشغول به خودمان کند. غفلت می‌کنیم؛ همه‌ی همت یک شیعه می‌شود کوییدن سنبه، همه‌ی همت یک سنبه می‌شود کوییدن شیعه. خوب، این خیلی تأسف‌آور است. و دشمن این را می‌خواهد.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کرستان ۲۳/۰۲/۸۸

اهمیت حضور روحانیون در دانشگاه‌ها

وجود مجموعه روحانی در دانشگاه‌ها، بسیار مسئله‌ی مهمی است. مثل دیگر مسائل مهم، ما به این پدیده عادت کرده‌ایم و اهمیت آن را درست تقویم و برآورده نمی‌کنیم. شما ملاحظه کنید که: بنای دانشگاه در کشور چگونه بوده؟ جهتی که از آغاز برای دانشگاه ترسیم شده بوده است، چگونه بوده؟ نوع دروسی که از جنبه ارزشی و جهت‌گیری‌های فکری یک معنای خاصی دارند، چگونه تنظیم شده؟ بعد مقایسه کنید دوران پیش از انقلاب را با وضعیتی که امروز به برکت انقلاب اسلامی و به برکت اسلام در دانشگاه‌های ما از لحاظ حضور روحانیون، فضلاً، اهل معرفت و اهل معنا وجود دارد و انسی که اینها با استاد و دانشجو دارند؛ آن وقت می‌بینید چقدر حضور روحانیون معظم و فضلاً محترم در میان دانشجویان و در محیط دانشگاه اهمیت دارد.

وقتی که این اهمیت را ملاحظه کردیم، اولین اثری که باید ایجاد کند، این است که خود ما - یعنی من و شما - که مرتبط با دانشگاه هستیم، این وضع را مغتنم بشمریم، قدر این وضعیت را بدانیم و این نعمت بزرگ را به معنای حقیقی کلمه شکرگزاری کنیم. شکر، شناختن نعمت، از خدا دانستن نعمت و به کار بردن نعمت در آن جایی است که خدا خواسته است؛ این معنای عملی و کامل شکر است. این نعمت را شکر کنید؛ که در این صورت، فهرستی از وظایف و مسئولیت‌ها و تذکرات را متوجه ما می‌کند. ... حالا این را مقایسه کنید با وضعیتی که امروز شما توانید دانشگاه دارید. دسترسی روحانی فاضل جوان - مثل شما - به محیط دانشگاهی، به دانشجو، به استاد؛ این را مقایسه کنید، ببینید چه فرصت عظیم و گرانبهایی است. این فرصت را باید نگه دارید، این فرصت را باید خیلی مغتنم بشمرید؛ نکته اصلی

این است.

اهمیت این حادثه و پدیده از اینجا هم فهمیده می‌شود که انگشت اشاره بسیاری از بدخواهی‌ها و تبلیغات سوء، اتفاقاً به سمت همین محیط دانشگاه است. می‌بینید توی این تبلیغاتی که می‌شود، یکی از چیزهایی که رویش فشار می‌آورند، مسئله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌هاست، که چرا جمهوری اسلامی می‌خواهد دانشگاه‌ها اسلامی بشود؛ که یکی از مظاهر اسلامی شدنش همین است.

بيانات در دیدار مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۰۴/۲۰

باید هیچ وقت تقویت روحیه داخلی را فراموش نکنیم

یکی از مسائل مهم، مسئله تقویت روحیه داخلی است ... این جزو وظایف ماست. تقویت روحیه جزو چیزهایی است که از وظایف اصلی ماست؛ چه به حیث مسئولین، چه به حیث روحانیون و معتمین؛ این جزو چیزهایی است که باید هیچ وقت این را فراموش نکنیم.

بيانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۹/۰۶/۲۵

وظيفة مهم ائمه جموعه در حفاظت از جایگاه نماز جموعه و مراقبت مضاعف از خود

مهمنترین وظایف ائمه جموعه، توجه بیش از پیش به این جایگاه والا، آگاهی از واقعیت‌های روز جامعه، غافل نشدن از طراحی‌های دشمن، ارتباط نزدیک و صمیمی با جوانان و استفاده از ابتکار و توانایی‌های آنان است. ... نماز جموعه همچون نشانه‌های راهنمایی است که هر جموعه در مقابل دیدگان آحاد مردم قرار می‌گیرد و به آنان مسیر صحیح حرکت را نشان می‌دهد. شرایط فقهی اقامه نماز جموعه، جایگزینی خطبه‌های نماز جموعه به جای دو رکعت نماز، نحوه بیان خطبه‌ها به وسیله امام جموعه و مضمون خطبه‌ها از جمله ویژگی‌های نماز جموعه و جایگاه بسیار بر جسته آن [است]. در چنین جایگاهی، قطعاً حرکات، سخنان، اشارات و حتی سکوت امام جموعه می‌تواند الهام‌بخش باشد، بنابراین از جمله وظایف مهم ائمه

جمعه، حفاظت از این جایگاه و مراقبت مضعف از خود است.

بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور ۱۳۸۹/۰۸/۰۶ (گزارش خبری)

ایفاء نقش فضلا و برجستگان حوزه علمیه در آموزش و پرورش

فضلا و برجستگان حوزه علمیه، آن عناصر لایق و توانایی هستند که می‌توانند در مجموعه عظیم آموزش و پرورش نقش ایفاء کنند؛ و هیچ دستگاهی مهم‌تر از آموزش و پرورش نیست. این بدان معناست که برای آموزش و پرورش هرچه سرمایه‌گذاری مادی و معنوی و انسانی بشود، جا دارد. آموزش و پرورش منبع حیات برای جامعه است؛ هم برای امروز جامعه، و هم برای فردای جامعه.

بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۲/۱۴

ایفاء نقش فضلا و برجستگان حوزه علمیه در آموزش و پرورش

فضلا و برجستگان حوزه علمیه، آن عناصر لایق و توانایی هستند که می‌توانند در مجموعه عظیم آموزش و پرورش نقش ایفاء کنند؛ و هیچ دستگاهی مهم‌تر از آموزش و پرورش نیست. این بدان معناست که برای آموزش و پرورش هرچه سرمایه‌گذاری مادی و معنوی و انسانی بشود، جا دارد. آموزش و پرورش منبع حیات برای جامعه است؛ هم برای امروز جامعه، و هم برای فردای جامعه.

ضرورت کار عالمنه و دقیق در مسئله ظهور

بحمدالله امروز کسانی دارند در مسئله انتظار کار عالمنه می‌کنند؛ ... از کار عالمنه و همراه با دقت در مسئله انتظار و مسئله دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عالمنه و جاهلانه بشدت باید پرهیز کرد. از جمله چیزهایی که می‌تواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عالمنه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متکی به سند و مدرک در مسئله مربوط به امام زمان علیه السلام است، که همین زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم می‌کند. کارهای غیرعالمنه، غیرمستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات؛ این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور می‌کند؛ زمینه را برای مدعیان دروغگو و دجال فراهم می‌کند؛ از این بایستی بشدت پرهیز کرد.

در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه اینها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است؛ نمی‌شود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عده‌ای این شعرهای شاه نعمت‌الله ولی را - در طول سال‌های متتمدی و در موارد زیادی - بر آدم‌های مختلفی در قرون مختلف تطبیق کرده‌اند، که بنده دیدم. گفتند: بله! اینی که گفته من فلان کس را فلان جور می‌بینم، این فلان کس است؛ یک شخصی را گفته‌اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کرده‌اند و به او تطبیق کرده‌اند! اینها غلط است؛ اینها کارهای منحرف‌کننده است؛ کارهای غلط‌انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد؛ مشتبه خواهد شد؛ وسیله گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کار عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی بشدت پرهیز کرد. کار عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند، که البته کار اهل فن این کار است؛ این هم کار هر کسی نیست؛ باید اهل فن باشد؛ اهل حدیث باشد؛ اهل رجال باشد؛ سند را بشناسد؛ اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند؛ حقایقی را بشناسد؛ آن وقت می‌تواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هرچه ممکن است، بیشتر باید جدی گرفت تا راه ان شاء‌الله برای مردم باز شود؛ هرچه دل‌ها با مقوله مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.

بيانات در جمع اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت ۹۰/۰۴/۱۸

لزوم شناسایی و معرفی شخصیت‌های برجسته معنوی و عرفانی

تجلیل از مرحوم آقای حاج میرزا علی آقای قاضی، انشاء‌الله یکی از کارهای بسیار مفید و کار بزرگی است. مرحوم آقای قاضی - میرزا علی آقای قاضی - یکی از حسنات دهر است؛ یعنی واقعاً شخصیت برجسته علمی و عملی مرحوم آقای قاضی، حالا اگر نگوییم بینظیر، حقاً در بین بزرگان کمنظیر است.

خب! ایشان علاوه بر مقامات معنوی و عرفانی خودشان، شاگردان زیادی را هم تربیت کردند که این خیلی با ارزش است؛ ... نقلیات موثقی که در مورد عجایب زندگی مرحوم آقای قاضی که به نظر ما عجایب است نقل شده، یکی دو تا نیست؛ موثق هم هست، آدم یقین پیدا میکند از صحّت طُرقی که دارد - لکن اصلاً اینها در زندگی این بزرگوارها اهمیتی ندارد، نقشی ندارد. خود ایشان هم به شاگرد های ایشان میگفتند؛ اگر چنانچه یک حالت مکافته های برایتان دست داد اعتناء نکنید، کارتان را بکنید، ذکرتان را بگویید، آن حالت خشوع را حفظ بکنید؛ یعنی مقامات اینها این است. بالآخره خیلی مهم است که شخصیت‌های اینجوری احیاء بشوند، شناخته بشوند، معرفی بشوند؛ متنهای در معرفی اینها از آدمهای خبره استفاده کنید؛ یعنی کسانی بیایند درباره اینها حرف بزنند که بتوانند مقامات اینها را - لاقل در لفظ، در زبان - برای ما بیان کنند که ما یک استفاده های ببریم، بهره های ببریم؛ والا صرف [بیان] مقامات علمی و فقهی - که در حد اعلی اینها داشتند - کافی نیست برای معرفی امثال شخصیتی مثل مرحوم آقای حاج میرزا علی آقای قاضی.

بيانات در جمع اعضای ستاد بزرگداشت مرحوم قاضی ۱۳۹۱/۰۸/۱۵

وظایف ائمه جمیع و ویژگی خطبه‌ها

سعی شود خطبه‌های نماز جمعه، کوتاه و در عین حال پرمغز و همراه با موعظه و دربر دارنده نیازها و پاسخ دهنده سوالات و گردهای ذهنی مخاطبان بهویژه نسل جوان در زمینه های اعتقادی، عملی و سیاسی باشد. ... باید برآیند خطبه‌های نماز جمعه، امید آفرین و مستحکم کننده رابطه مردم با نظام اسلامی باشد، ائمه جمیع هرچه بیشتر با مردم ارتباط داشته و در مجتمع جوانان، دانشجویان و طلاب حضور

داشته و صحبت‌های آنان را بشنوند.

بیانات در دیدار ائمه جمیع سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۶/۱۸ (گزارش خبری)

وظائف مسئولین حکومت در رساندن مردم به بهشت

گاهی شنیده می‌شود کسانی در گوش و کنار وقتی صحبت از هدایت و راهنمایی و بیان حقایق دینی و مانند اینها می‌شود، می‌گویند: آقا! مگر ما موظفیم مردم را به بهشت برسانیم؟ خب، بله! همین است. فرق حاکم اسلامی با حکام دیگر در همین است: حاکم اسلامی می‌خواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و اخروی و عقبای برسند؛ لذا راه‌هارا باید هموار کند. اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است. فطرت انسان‌ها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم برای مردم؛ تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه ما است ...! جامعه اسلامی جامعه‌ای است که اگر از لحاظ جنبه‌های مادی به اسلام عمل بکند، بدون تردید در قله قرار خواهد گرفت؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت لازم، از لحاظ معیشت، از لحاظ روابط اجتماعی، از لحاظ عزت و شرف دنیایی و عمومی و ملی و بین‌المللی در اوج قرار می‌گیرد؛ اما این همه کارها نیست، همه هدف‌ها نیست. اگر زندگی ما در دنیا زندگی خوبی باشد، اما لحظه مرگ ما لحظه بدپختی و روسياهی ما باشد، چه فایده دارد؟ امام سجاد در دعای صحیفة سجادیه می‌فرماید: «آمننا مُهَتَّدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ»؛ (صحیفة سجادیه، دعای ۴۰) می‌گوید پروردگار! من را درحالی از دنیا ببر و بمیران که هدایت یافته باشم، گمراه نباشم؛ من را درحالی از دنیا و از این نشه ببر که من با طوع و رغبت به آن طرف بروم. چه کسی با طوع و رغبت از این گذرگاه عبور می‌کند؟ آن کسی که به آن طرف خاطر جمع است. دیدید جوان‌های ما - جوان‌های آن روز شما - در میدان‌های جنگ، چگونه بی‌محابا وارد عرصه‌های خطر می‌شوند؛ ... این جوان‌ها کجاها رفتند؟ چه کارها کردند؟! مرگ را تحقیر

کردند! خطر را کوچک شمردند! [چون] دل اینها با حقایق آشنا شده بود. انسان وقتی آن طرف را ببیند، آن نعمت را ببیند، از آن طرف خاطر جمیع باشد، راحت زندگی می‌کند، راحت فدایکاری می‌کند، راحت بر مشکلات صبر می‌کند، راحت قدم در وادی‌های خطر می‌گذارد و پیش می‌رود؛ مسئله اینجا است. ما اگر بخواهیم در مقاصد دنیوی هم پیروز بشویم، بایستی ایمان خودمان را، اعتقاد خودمان را، عمل خودمان را، برای آن‌سوی مرز مردن تقویت کنیم. امیرالمؤمنین می‌فرماید من می‌خواهم مردم را به بهشت برسانم؛ این وظیفه ما است. نهی از منکر باید بکنیم، امر به معروف باید بکنیم، وسائل عمل خیر و حسنات را در کشور فراهم کنیم، وسائل شُرور و آفات را از دسترس‌ها برداریم؛ این وظائف مسئولین حکومت است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به‌ویژه مردم استان ایلام ۱۳۹۳/۰۲/۲۳

زمینه ترویج و اعتلای علوم عقلی

خیلی خوش آمدید آقایان محترم و بزرگان و فضلای عزیز بخش علوم عقلی، و خیلی ممنون و متشکریم از جناب آقای فیاضی که واقعاً ایشان وجود با برکتی هستند و توانستند در قم این مجموعه را تشکیل بدهند و راه بیندازنند که با این تفاصیلی که آقایان فرمودند خیلی با ارزش است. خوشبختانه در دوران جمهوری اسلامی علوم عقلی رونق گرفته. خب، در قبل از انقلاب در قم خبری نبود؛ زمانی که ما بودیم، مثلاً فرض کنید یک درس آقای طباطبائی با یک عده‌ای معدود مثلاً چهل پنجاه نفره بود؛ اما حالا مثلاً جناب آقای جوادی که سال‌ها است در این زمینه فعالند، جناب آقای مصباح، جناب آقای سیحانی و تشکیلاتشان در زمینه‌ی مسائل کلامی، و درسهای متعدد فلسفه‌ای که شنیدم در قم هست، اینها زمینه‌ی ترویج و اعتلای علوم عقلی را به انسان مژده میدهد که چنین زمینه‌ای به وجود آمده. همین کاری که آقای فیاضی و آقایان فرمودند که حرف جدیدی یا تقریر جدیدی یا برهان جدیدی برای یک مطلب اثبات شده مثلاً یا رد جدیدی برای یک حرف غلط مطرح می‌شود و بحث می‌شود، این خیلی با ارزش است، خیلی خوب است؛ اینها

پیشبرنده‌ی علوم عقلی است. از جمله‌ی خصوصیات مرحوم آقا علی مدرس این است که ایشان نقاد ملاصدرا است یعنی به همین اندازه، ایشان فلسفه را پیش برده یعنی حرف‌هایی دارد در نقد ملاصدرا؛ این کار بایستی انجام بگیرد؛ اشاره به نقاد ملاصدرا نمی‌خواهم بکنم، [بلکه] میخواهم عرض بکنم بحث‌نقادی و بحث حرف‌نو به میان آوردن و به‌اصطلاح نوآوری در علوم عقلی، یک مسئله‌ی بسیار مهمی است. گاهی هست که یک مکتبی یا یک فکری، چند تفسیر دارد؛ کما اینکه الان در این کار، غربی‌ها فعالند، چون غربی‌ها در زمینه‌ی تبليغات و روابط عمومی واقعاً با ما قابل مقایسه نیستند، خیلی قوی‌تر و پیشرفته‌تر از ما هستند در این زمینه؛ شما فرض کنید راجع به هگل، من بابِ مثال، تفاسیر متعدد از حرف‌های او و از کتاب‌ها و متونی که او نوشته می‌بینید یعنی برداشت‌های گوناگون را بیان میکنند؛ خود این کمک میکند به پیشرفت فکر و منطق و عقلانیت در حوزه‌ی علوم عقلی. بنابراین [این کار] بسیار کار خوبی است و من امیدوارم که انشاء‌الله این مجموعه‌ای را که جناب آقای فیاضی سرپرستی می‌کنند و جناب آقای جوادی، جناب آقای مصباح و جناب آقای سبحانی هم آن‌طور که فرمودند نظرارت می‌کنند یا هدایت می‌کنند، این را هرچه قوی‌تر پیش ببرند؛ این بسیار کار مهم و لازمی است که باید انجام بگیرد.

بيانات در دیدار دست اندکاران همایش ملی حکیم طهران ۱۳۹۷/۲/۳

وظیفه امروز روحانیون رفتن بین آحاد مردم و بیان مسائل گوناگون است

من الان بین صحبت آقایان که صحبت می‌کردند، به نظرم رسید این بیان‌های خوب، این لحن و ادا و ادبیات مناسبی که الحمد لله طلاب جوان ما دارند، این خیلی امروز مورد احتیاج است. بروید پخش بشوید در سرتاسر کشور؛ حالا هم سنت منبر [هست]. این حرف‌های خوب را، این مطالب عالی را در همین زمینه‌های گوناگون به مردم بزنید؛ مسئله‌ی سبک زندگی، مسئله‌ی حکمرانی اسلامی، مسئله‌ی مبارزه‌ی با طاغوت، مسئله‌ی استقرار توحید به معنای واقعی کلمه در جامعه، و مسئله‌ی

عدالت که جزو اساسی ترین مسائل است؛ بروید بگویید اینها را، معرفت مردم را بالا ببرید، گفتمان های انقلابی در مردم به وجود بیاورید؛ و البته وجود دارد، تقویت کنید. خیلی کار از عهده حوزه بر می آید؛ بخشی مربوط به دستگاه های متصلی این کار در حوزه و در خارج حوزه است، بخشی هم مربوط به خود طلاب است.

فصل یازدهم :

اهتمام به نقش تربیتی قرآن

با خدا باش؛ سپاه زمین و آسمان مال شماست

امام عزیز ما رشحه ای از آن چشممه ی فیاض بود که توانست این بساط عظیم را در دنیا راه بیندازد. امام هم قلبش پر بود از ایمان به راه خود. همان طور که فرمود: «آمن الرسول بما انزل اليه من ربہ والمؤمنون كلّ آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله» خود پیغمبر اول مؤمن بود.

در انقلاب ما خود امام بزرگوار، اول مؤمن به این راه بود و از همه قلبش سرشمارتر بود از ایمان به این راه و این هدف؛ می فهمید، می دانست دارد چه کار می کند؛ عظمت کار را می فهمید، الزامات این کار را هم می فهمید که اولین الزام این کار این بود که با توکل به خدا در این راه محکم بایستد. محکم ایستاد. جوانان این ملت هم با ایستادگی او ایستادگی پیدا کردند؛ آحاد این مردم هم وقتی که این چشممه ی صبر و سکینه لبریز شد و سرازیر شد، آنها را فرا گرفت. آنها هم «هو الذى انزل السكينه فى قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم» شدند. این سکینه وقتی که بر دل انسانها نازل می شود، ایمان انسان زياد می شود. بعد می فرماید: «ولله جنود السموات والأرض» از چه می ترسید؟ سپاه زمین و آسمان مال خداست. با خدا باش، این سپاه زمین و آسمان مال شماست؛ در اختیار شماست. این ستھای الهی است.

و قفه ها در حرکت ما ناشی از بی صبری است

۸۷/۵/۹

صلوٰه یعنی آن ذکر، توجه، خشوع، ارتباط قلبی با خدا، در استحکام صبر تأثیر دارد. ... اگر صبر را - که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقب گرد نکردن است - وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمی‌شود. صبر که تمام نشد، معنایش این است که این سیر انسان به سوی همهٔ قله‌ها هیچ وقفه‌ای پیدا نخواهد کرد. این قله‌ها که می‌گوئیم، قله‌های دنیا و آخرت، هر دو است: قله‌ی علم، قله‌ی ثروت، قله‌ی اقتدار سیاسی، قله‌ی معنویت، قله‌ی تهذیب اخلاق، قله‌ی عروج به سمت عرش عالی انسانیت. هیچ کدام از اینها دیگر توقف پیدا نخواهد کرد؛ چون وقفه‌ها در حرکت‌ما ناشی‌از بی‌صبری است. دو لشکر مادی و قتی در مقابل هم صفت آرائی می‌کنند، آن کسی که زودتر صبرش تمام‌باشد، شکست می‌خورد؛ آن کسی که دیرتر صبر و مقاومتش تمام بشود، پیروز خواهد شد؛ چون با لحظه‌ای مواجه خواهد شد که طرف مقابل صبر خودش را از دست داده.

دیدار با روسای سه قوه و مسئولان نظام ۸۷/۶/۱۹

از طولانی شدن کار واجب ملول و خسته نشوید

صبر بر طاعت یعنی وقتی که یک کار لازم را، یک کار واجب را، یک امر عبادی را، اطاعت خدا را می‌خواهید انجام بدھید، از طولانی شدن آن ملول و خسته نشوید؛ میان راه رها نکنید.

دیدار با روسای سه قوه و مسئولان نظام ۸۷/۶/۱۹

ضرورت همکاری همه دستگاه‌ها برای استفاده از امکانات موجود در مسئله حج

حج، زبان گویا، مؤثر و نافذی است که می‌توان از ظرفیت عظیم آن، به نحوی شایسته بهره‌برداری کرد. همکاری همه دستگاه‌ها برای استفاده بهینه از امکانات موجود در مسئله حج، ضروری است. بررسی دقیق امکانات دستگاه‌ها و ایجاد هماهنگی برای استفاده لازم از این امکانات در برگزاری شایسته ترجح مؤثر خواهد

بود. ... استفاده از قاریان ممتاز ایرانی در حرمین شریفین می‌تواند به جذب دلهای زائران خانه خدا به سمت سرمایه عظیم قرآن کمک کند ... کار عمیق فرهنگی و مناسب با مخاطبان مختلف، گامی مهم و مؤثر در استفاده از ظرفیت عظیم حج است.

دیداریادست‌اندار کاران مراسم حج ۸۷/۱۰/۱۴ (گزارش خبری)

بدانید که وعده‌ی خدا راست است

بدانید که «ما وَدَعْكَ رَبُّكَ وَ ما قَلَى» (صحی^۳) و بدانید که «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرَضَّى» (صحی^۵) انشاء‌الله. با این حال حوادث خونین و فاجعه بار غیر نظامیان فلسطینی، بخصوص کودکان مظلوم و معصوم، دلهای ما را غرق خون کرده است. حوادث ناشی از جنایت‌های غاصبان فلسطین که هر روز چندین بار از همه‌ی کانال‌های تلویزیونی ما پخش می‌شود، ملت ما را ماتمزده و عزدار ساخته است. اعظم الله لَكُمُ الْجَزَاء وَ عَجَلَ لَكُمُ النَّصْر بدانید که وعده‌ی خدا راست است که فرمود: «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَتَصْرُّهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»(حج ۴۰) و فرمود: «وَ مَنْ جاهد فَإِنَّمَا يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ»(عنکبوت ۶).

پیام به آقای اسماعیل هنیه ۸۷/۱۰/۲۶

اگر به وظیفه‌ی خودمان عمل نکردیم، نمی‌توانیم کمک الهی را انتظار داشته باشیم
بدانیم که خدای متعال پشتیبان مردمی است که با ایمان به او حرکت می‌کنند و اقدام و اعمال قدرت انسانی و نیروی خود را در یک هدفی به کار می‌اندازند. خدای متعال یقیناً آن کسانی را که در راه اهداف الهی اقدام کنند، کمک می‌کند. ما آنجاهایی که شکست خوردیم، آنجایی که خدا به ما کمک نکرده است، به خاطر این بوده است که کار درست را انجام ندادیم؛ سهم خودمان را نیاوردیم. اگر سهم خودمان را به میدان بیاوریم، خدای متعال هم کمک خواهد کرد. می‌فرماید: «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم»؛ (بقره ۴۰)

شما به پیمانی که با من دارید، عمل و وفا کنید، من هم به آن پیمان عمل می‌کنم؛ طرفینی است. خدای متعال که مالک جان و واهب همه‌ی موهاب به ماست، با ما

قرارداد دو جانبه بسته است. شما عمل کنید، ما هم عمل می‌کنیم؛ یعنی خدای متعال این وعده را داده است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان عمل نکردیم، نمی‌توانیم کمک الهی را انتظار داشته باشیم.

دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۸۷/۱۱/۲۸

لزوم اهتمام برای نزدیکی معرفتی و عملی به قرآن

سعی بکنیم که بهره‌ی فقط بهره‌ی فی المجلس و بهره‌ی گوش و چشم نباشد؛ دل ما بهره ببرد. قرآن برای عمل کردن است. قرآن برای فهمیدن و اندیشیدن است. این همه در دنیای اسلام گرفتاری برای چیست؟ چرا امت اسلامی با این عظمت ضعیف است؟ چرا؟ چرا برادران مسلمان در سراسر دنیا دل‌هایشان و دست‌هایشان با هم نیست؟ چرا؟ مگر این قرآن نگفته است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران پاسداران ۱۰۳) مگر این قرآن نفرموده است که: «وَلَلَّهِ الْعَزَّةُ وَرَسُولُهُ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؟ (منافقون ۸) چرا امت اسلامی عزتی را که شایسته اوست، امروز در دنیا ندارد؟ چرا؟ چرا ما در علم عقیم؟ در جایگاه سیاست و تدبیر مسائل جهانی، چرا امت اسلامی عقب است؟ علت این است که به قرآن عمل نمی‌کنند؛ علت این است که قرآن - برخلاف ادعاهای ما - معیار و محور معرفت و عمل ما نیست. هر مقداری که به قرآن عمل کنیم، همان قدر اثرش را خواهیم دید. ما در جمهوری اسلامی ایران سعی کردیم به تعالیم قرآن عمل کنیم؛ قدری موفق شدیم. به همان اندازه خدای متعال بالمعاینه به ما اثر این عمل کردن را نشان داد. در کار خدای متعال خلف وعده نیست: «وَمَنْ أَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ قِيلًا». (نساء ۱۲۲) اگر خدای متعال به مؤمنین وعده نصرت می‌دهد، وعده استخلاف در ارض می‌دهد، وعده عزت می‌دهد، این وعده‌ها راست است. علت اینکه ما این وعده‌ها را در عرصه زندگی خودمان نمی‌بینیم، این است که ما به شرایط الهی عمل نمی‌کنیم؛ «وَأُوْفُوا بِعَهْدِكُمْ»؛ (بقره ۴۰) شما با پیمان من، به امر من عمل بکنید، من هم به آن پیمان

عمل می کنم؛ خدای متعال این جوری گفته دیگر. این درس بزرگ ماست. ما از این جلسات قرآنی، از این نشست و برخاستهای قرآنی، از این مسابقات قرآنی، از این دعوت از قرآنیان سراسر کشور، هدفمنان این است که به این مقاصد نزدیک بشویم؛ می خواهیم با قرآن نزدیک بشویم؛ نزدیکی معرفت و نزدیکی عمل؛ همت باید این باشد. امروز دنیای اسلام تثنیه عمل به قرآن است؛ و دشمنان اسلام این را نمی خواهند.

بیانات دردیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۸۸/۰۵/۰۳

تلاشمان این باشد که به همه وظایفمان عمل کنیم

همه به وظایفشان عمل کنند؛ سعی کنید؛ سعی کنید. ما که عرض می‌کنیم همه به وظایفشان عمل کنند، این معنایش این نیست که حالا ما به همه وظایفمان، خودمان عمل می‌کنیم؛ نه! «وَمَا أُبَرِّئُ إِنْفَسِي»؛ (یوسف ۵۳) باید سعی بکنیم دیگر؛ تلاشمان این باشد؛ تقوای این است. تقوای یعنی تلاش و مراقبت برای انجام وظیفه؛ این معنای تقواست. این تلاش را داشته باشیم، یک وقت هم اگر چنانچه لغزشی پیش آمد، آن وقت خدای متعال عفو خواهد کرد؛ خدای متعال آن وقت از لغزش‌های ما خواهد گذشت؛ آن وقتی که ما مراقب باشیم.

بیانات دردیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۸۸/۰۵/۰۳

ضرورت هشیاری در برابر خدوعی دشمنان

بدیهی است که دشمنان اسلام صریحاً نمی‌گویند ما دشمن قرآنیم یا دشمن اسلام «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا»؛ (بقره ۹) آنها با خدا هم خدوع می‌کنند، با بندگان خدا هم خدوع می‌کنند. آنها می‌گویند: ما طرفدار اسلامیم. اما درست به همان نقطه‌ای که اسلام از ما می‌خواهد، به آن نقطه حمله می‌کنند. امروز شما می‌بینید در بعضی از کشورهای اسلامی طرح مسئله‌ی جهاد، جرم است؛ در کتاب درسی نباید مسئله‌ی جهاد مطرح بشود؛ در گفتگوهای کسانی که به نحوی با دستگاه‌های دولتی مرتبطند، اسم جهاد و اسم شهادت نباید مطرح بشود. به این چیزها و به عمل ما حمله می‌کنند. اتحاد اسلامی را ضربه می‌زنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر بدین

می‌کنند، مسئلهٔ سنّی و شیعه، مسئلهٔ فرق گوناگون بین شیعیان، مسئلهٔ فرق گوناگون بین اهل تسنن؛ اینها موضوع کارهای دشمنان اسلام است. نمی‌گوید من با قرآن مخالفم. اما با آنچه که محور تربیت و تعلیم قرآنی است، با او مخالفت می‌کنم؛ که مثالش همین مثال وحدت است. چقدر خیرخواهان زحمت می‌کشند که بین برادران در دنیا اسلام اتحاد ایجاد کنند، یک وقت می‌بینیم از یک جا بمبی منفجر شد - بمبِ ضدَّ وحدت - یا از آن طرف یا از آن طرف؛ فرقی نمی‌کند. این چیزهایست که بایستی ما بیدار باشیم، هشیار باشیم.

بيانات در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین المللی قرآن کریم ۸۸/۰۵/۰۳

همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید؛ همدیگر را تحمل کنید

ما آنچه که می‌گوییم: برای دیگران نیست؛ در درجهٔ اوّل برای خودمان است . خود ما هم باید وحدت را حفظ بکنیم. بیینید همین آیاتی که الآن خواندند : «وَإِذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْذَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحُتُمْ يِنْعَمِمِهِ إِخْرَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَقَاعٍ حُمْرَةً مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مَّنْهَا»؛ (آل عمران ۱۰۳) اسلام شما را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد. اینکه قرآن می‌گوید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا»، یعنی: همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. خوب! این «همه» در سطح واحدی که نیستند؛ بعضی ایمانشان قوی‌تر است، بعضی ایمانشان ضعیف‌تر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسط‌تر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب می‌کند. می‌گوید: اعتصام به حبل الله کردم و دیگری جمیعاً بکنید، با هم بکنید. تو بگویی من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم و دیگری نه؛ او - دیگری - باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم، این طرف نه؛ اینکه نمی‌شود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهایی هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروع، افراد با

همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد. در گفتارمان مراقب باشیم. رد دیگران، طرد دیگران، به طور مطلق در سر مسائل درجه دو، مصلحت نیست. امروز ملت ایران، یک ملت یکپارچه است؛ یک ملت متحده است؛ این اتحاد را باید قدر دانست. ایجاد اختلاف نباید کرد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین المللی قرآن کریم ۸۸/۰۵/۰۳

تلاوت‌های خوب، مقدمه انس با قرآن

این تلاوت‌هایی که در اینجا صورت گرفت ... اینها جزو تلاوت‌های بسیار خوب بود. بعضی حقیقتاً در حد ضابطه، در حد استاندارد، چه از حیث اداء، چه از حیث لحن، از حیث تجوید، از حیث توجه به مضامین و مفاهیم و تنظیم اداء به تناسب مضامین و مفاهیم؛ از این جهات هم جوان‌های ما بحمدالله پیشرفت خوبی کرده‌اند. اینها خوب است. بارها هم عرض شده است که این جلسات و این ترغیب‌ها به تلاوت‌های خوب، مقدمه است برای اینکه جامعه ما انس با قرآن پیدا کند. از بیگانگی با قرآن که سال‌های متمادی و طولانی کشور ما و ملت ما دچار آن بوده است، نجات پیدا کند، به قرآن نزدیک بشود؛ این تدریجیاً دارد پیش می‌رود. البته خیلی هنوز فاصله است تا آنجایی که همه ملت ما، همه جوانان ما، مرد و زن ما، با قرآن انس پیدا کند؛ که وقتی انس با قرآن پیدا شد، آن وقت این مجال به وجود خواهد آمد که انسان از قرآن استفقاء کند، سخن قرآن را در زمینه مسائل گوناگون زندگی بخواهد و بشنود. این در سایه انس با قرآن انجام خواهد گرفت؛ والا این جور نیست که قرآن را هر کسی بدون هیچ انسی، سابقه‌ای، همین طور باز کند، یک مطلبی را از توی او لزوماً پیدا کند؛ نه، خیلی اوقات قرآن دست نمی‌دهد، دل نمی‌تواند خود را به مفاهیم قرآنی و معانی قرآنی نزدیک کند. انس که باشد، چرا؛ این عملی خواهد شد. پس اینها مقدمه است برای انس با قرآن.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۸۸/۰۵/۳۱

قراء، قرآن را به نحوی بخوانند که خشوع در دل ایجاد کند

بنده طبق معمول، به قراء عزیzman توصیه هایی می کنم. یک توصیه دیگری هم که امسال می خواهم عرض بکنم، این است که: این لحن ها و آهنگ ها خوب است؛ اینها چیزهایی است که قرآن را در گوش و دل شیرین می کند و در نفوذ قرآن تأثیر می گذارد؛ متنهای دو جور می شود این آهنگ های گوناگون را با این صدای خوب، اداء کرد: یکی اینکه صرفاً کسی خوانندگی می کند ... یک جور دیگر این است که قرآن را به نحوی بخوانند که خشوع در دل ایجاد کند، دل را به یاد خدا بیندازد: «وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»؛(الفاتح ۲) این، حاصل بشود. انسان را به حالت خشوع و تضرع نزدیک کند ... در همین قراء معروفی که هستند، بعضی شان این جوری اند؛ خواندن، خواندن خشوع است. باید این را رعایت کنند، بخصوص شما جوان ها که بحمدالله هم صدای خوبی دارید، هم تسلط خوبی، هم می فهمم که این آیاتی را که می خوانید با معانی و مفاهیم آن آشنا هستید. قبل ها این جور نبود؛ سال های دهه اول انقلاب این جور نبود؛ صدای خوبی هم بود، می خوانندند، اما توجه به معانی و مفاهیم غالباً نداشتند. بحمدالله حالا این پیشرفت ها جوان ها را پیش آورده. اینها خوب است؛ متنهای این را هم رعایت کنید و در ضوابط تلاوت خودتان بگنجانید، تا این خشوع به وجود بیاید.

بيانات در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۸/۰۵/۳۱

مقابله با قدرت طلبی و رفیق بازی در سایه هدایت قرآن

«رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛(فتح ۲۹) با همدیگر مهریان باشیم، رحیم باشیم، نرم باشیم در مقابل هم. ببینید این دستور قرآن است دیگر! چرا عمل نمی کنیم؟ اشکال کار کجاست؟ اشکال کار همین است. اگر دل هایمان را ظرف پذیرنده باران رحمت قرآن و باران هدایت قرآن قرار بدھیم، اگر دل را به قرآن بسپریم، برایمان راحت می شود. مقاصد شخصی، اغراض شخصی، منافع مادی، قدرت طلبی، پول طلبی، رفیق بازی، اینها موجب نخواهد شد که انسان این توصیه قرآنی و هدایت قرآنی را

فراموش کند؛ از دست بدهد؛ پشت سر بیندازد. ببینید این گشودن قرآن در مقابل و شنیدن قرآن و خواندن قرآن، باید ما را منزل به منزل باشد. این جوری باید باشد.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۸۸/۰۵/۳۱

باید دل را از مفاهیم قرآن متأثر کنیم

وقتی خشوع در مقابل آیات پیدا شد، آن وقت دل از هدایت قرآنی تأثیرپذیر می‌شود. بعضی دل‌ها را شما می‌بینید که انسان هرچه از آیات قرآن و هدایت‌های قرآن بر اینها می‌خواند، متأثر نمی‌شوند؛ تأثیر نمی‌پذیرند؛ بعضی نه، «فَمَنْ يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَ يَسْرِحُ صَدْرَهُ لِلإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدُ أَنْ يُضْلَلَ يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ». (انعام ۱۲۵) باید از خدای متعال بخواهیم دل را جوری کند که در مقابل هدایت قرآنی و انگشت اشاره قرآن، درس بگیرد، تأثیر پذیرد. این همه هم آیات را می‌خوانیم، می‌گوییم، هم تکرار می‌کنیم برای همدیگر، شما برای من می‌گویید، من برای شما می‌گوییم؛ خوب، باید دل را از این مفاهیم متأثر کنیم. فرض بفرمایید مثلًا: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»، (آل عمران ۱۰۳) یک تعلیم قرآنی است دیگر؛ بارها هم تکرار کرده ایم، هی هم می‌خوانیم. وقتی که این آیه شریفه به عنوان الهام الهی، بر دل ما نازل شد - دل جذب کند، هضم کند، بگیرد، دل به شکل این آیه صیروت پیدا کند، دل ما و جان ما در قالب این آیه قرار بگیرد - آن وقت مسئله وحدت برای ما یک مسئله اساسی خواهد شد و برای خاطر اغراض و مقاصد شخصی، وحدت‌های عظیم ملی را به هم نمی‌زنیم.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۸۸/۰۵/۳۱

در همه حال باید در مقابل دشمن، سرسرخ بود

اگر آیات قرآن آنچنان بر دل انسان نازل بشود که دل جذب کند و فهم کند و به شکل آن آیه درباید، آن وقت، وقتی که به ما می‌گویند که: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بِئْنَهُمْ»، (فتح ۲۹) پذیرش آن برایمان راحت می‌شود. با کفار سخت گیر، سخت، اشداء؛ شدید و شدید به معنای سختی است؛ معناش این نیست که حتماً

بایستی دشمن را آدم بکلی پامال کند و سرکوب کند؛ نه، یک وقت اقتضای سرکوبی دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوبی ندارد؛ اما در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود. خاکریزان باید در مقابل دشمن نرم نباشد؛ دشمن نتواند نفوذ کند؛ نتواند تأثیر بگذارد.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۸۸/۰۵/۳۱

باید دائم قرآن را خواند

قرآن مثل کتاب معمولی نیست که آدم یک بار بخواند؛ خیلی خوب! خواندیم و یاد گرفتیم، بعد بیندیم بگذاریم سر جایش؟! نه! این مثل آب آشامیدنی است؛ حیات بخش است؛ همیشه مورد نیاز است؛ تأثیر آن تدریجی است؛ در طول زمان است؛ نهایت ندارد؛ هدایت او آخر ندارد. هرچه شما از قرآن فرا بگیرید، باز یک باب دیگری هست که گشوده بشود؛ گره دیگری هست که باز بشود؛ مجھول دیگری هست که معلوم بشود؛ قرآن این جوری است. لذا باید دائم قرآن را خواند. خوب، این وسیله اش همین است که با قرآن مأتوس بشویم؛ جوانهای ما با صدای خوب، با لحن‌های خوب قرآن را بخوانند و جهات گوناگون را در آن رعایت بکنند؛ همین طور که عرض کردیم، خشوع را هم جزو مجموعه‌ها و عناصر سازنده یک تلاوت خوب قرار بدهند.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۸۸/۰۵/۳۱

ضرورت نمایش حضور بانوان در صحنهٔ قرآن

خدرا شکر می‌کنیم که در کشور ما روزی پیش آمد که این مجموعهٔ عظیم از بانوان کشور با انگیزه‌ای عمیق و منطقی و عالمانه به دنبال قرآن، فهم قرآن، ترویج قرآن، تحقیق در قرآن باشند و این جور فضای قرآنی کشور را رونق بدهند. یقیناً این یک موهبت بزرگی از طرف پروردگار برای کشور ماست. ... اصل توجه بانوان کشور ما به قرآن و حضورشان در صحنهٔ قرآن، پدیده‌ای است که باید به عنوان

توفيق بزرگ نظام جمهوري اسلامي در مقابل چشم بيمندگان و جوييندگان و متقدان و دوستداران و مخالفان قرار بگيرد؛ همه بيمند ... خود ورود بانوان در مسائل تحقيقی و علمی - که اين ديگر مخصوص مباحث قرآنی نیست - قابل توجه است. ... شمار نويسندهان و پژوهشگران زن ... شمار برجسته قابل توجهی است. در علوم حوزوی، در فقه، در فلسفه، در مسائل دانشگاهی، در علوم انسانی، علوم طبیعی، حضور زنان در كشور ما حضور بارز و برجسته‌ای در همه بخش‌های علمی است. دانشگاهها را دختران دانشجوی ما پر کرده‌اند؛ محیط‌های علمی را حضور زنان به شکل شگفت‌آوری واضح و آشکار کرده. این چیست؟ این چه پدیده‌ای است؟ این چه حقیقتی است؟ کی ما در كشور این همه عنصر پژوهشگر و محقق و عالم و باسوان و اهل تبلیغ و اهل ترویج از زنان داشتیم؟ در گذشته تاریخ ما هرگز چنین چیزی وجود نداشته. بله! تک و توکی، دانشمندانی از زنان، برجستگانی بوده‌اند. لیکن نه به معنای حضور چشمگیر و غالب در همه جامعه. این مخصوص دوران جمهوري اسلامی است؛ این به برکت حاكمیت اسلام در این کشور است که زنان در عرصه حضور علمی، این جور خودشان را دارند نشان می‌دهند و این برجستگی‌ها را پیدا می‌کنند. این جزو افتخارات نظام جمهوري اسلامی است. اينی که من مکرر در جمع‌های دانشجویی و در جمع‌های جوان گفتم که در قضیه‌ی زن، ما در مقابل ادعاهای غربی‌ها دفاع نمی‌کنیم، ما حمله می‌کنیم و غرب باید از خود در قضیه‌ی زن دفاع کند، نه اسلام، برای این است.

بيانات در ديدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوهه ۱۳۸۸/۰۷/۲۸

باید تلامیزان این باشد که قرآن در زندگی ما تجسم پیدا کند

در باب قرآن، ما باید اعتراف کنیم که سال‌های متتمدی جامعه‌ ما با قرآن فاصله گرفت. ما در جمهوري اسلامی داریم این فاصله را کم می‌کنیم؛ عقب‌ماندگی‌ها را جبران می‌کنیم، اما این عقب‌ماندگی خیلی زیاد بوده. در دوران حاکمیت‌های طاغوت، قرآن به صورت رسمي در جامعه حضور نداشت؛ گوشه کنار کسانی ممکن

بود با قرآن آشنا باشند - متدیینی در خانه‌ها قرآن می‌خوانند - اما این فقط تلاوت قرآن بود؛ تدبیر در قرآن، بخصوص در سطح جامعه و در منظر عموم خیلی کم بود؛ بسیار کم بود. نتیجه این شده بود که مجموعه‌های روش‌فکری و مجموعه‌های دانشگاهی ما بکلی با قرآن فاصله داشتند؛ یعنی واقعاً در بین تحصیل‌کرده‌های آن زمان، کسی که با قرآن انسی داشته باشد، آشنایی‌ای داشته باشد - نه آشنایی خیلی وسیع و عمیق، بلکه آشنایی محدود - واقعاً به چشم نمی‌خورد؛ مگر کسانی که سابقه طلبگی داشتند و از دوران طلبگی، آیاتی حفظ بودند ... ما از قرآن به خاطر نوع تربیتی که قبل از انقلاب وجود داشت، فاصله گرفته بودیم. ما حالا می‌خواهیم این را جبران بکنیم و برای این، حقاً و انصافاً کار زیادی از اول انقلاب انجام گرفته، که نتیجه‌اش را هم داریم مشاهده می‌کنیم؛ لکن این آغاز کار است؛ آغاز راه است. با قرآن باید عجین شد؛ مفاهیم قرآنی مفاهیمی است برای این زندگی؛ فقط معلومات نیست. گاهی انسان معلومات قرآنی‌اش خوب است، اما از قرآن در زندگی او هیچ اثری نیست! ... ما باید تلاشمن این باشد که قرآن در زندگی ما تجسم پیدا کند. همان طور که از یکی از زوجات مکرمه پیغمبر اکرم وقتی درباره اخلاق پیغمبر پرسیدند، ایشان در جواب گفتند که: «کانَ خُلُقُهُ الْقُرْآن» (فضائل الخمسه ج ۱ ص ۱۱۷) اخلاق او قرآن بود؛ یعنی قرآن مجسم بود. این باید در جامعه ما تحقق پیدا کند. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوهه ۸۸/۰۷/۲۸

باید پاکیزه با قرآن مواجه شد تا نور و تذکر قرآنی در دل ما بگیرد

یک نکته مهم در کارهای پژوهشی قرآنی این است که فردی که می‌خواهد در طریق کار قرآن حرکت بکند، دل را برای مواجهه‌ی با حقیقت ناب قرآنی آماده کند؛ یعنی آن پاکیزگی دل. اگر دل پاکیزه نباشد، آماده‌ی پذیرش حق و حقیقت از زبان قرآن نباشد، دلسته‌ی مبانی غیر اسلامی و غیر الهی باشد، با قرآن مواجه بشود، از قرآن استفاده‌ای نخواهد کرد. اینی که قرآن می‌فرماید که: «يُضْلِلُ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ

کثیراً»،(بقره ۲۶) خوب، اضلال به قرآن چرا؟ حالا هدایت به قرآن معلوم، اما اضلال به قرآن چرا؟ این به خاطر این است که :«وَامَا الْذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ»؛(توبه ۱۲۵) آن کسانی که در دلشان مرض هست، وقتی قرآن را می خوانند، بر آن پلیدی درونی آنها افزوده خواهد شد. این آیه قرآن یا سوره قرآن، پلیدی آنها را افزایش خواهد داد. این پلیدی چیست؟ این «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» چه مرضی است؟ این مرض یعنی همان بیماری های اخلاقی .وقتی دچار حسدیم، وقتی دچار بدخواهی هستیم، وقتی دچار حرصیم، وقتی دچار دنیاطلبی هستیم، وقتی شهوات بر ما غلبه دارد، وقتی قدرت طلبی ها بر ما غلبه دارد، وقتی حق کشی و ندیدن حق، کتمان حق بر روح ما، بر دل ما غلبه دارد، از قرآن استفاده نمی کنیم. ضد آنچه که باید قرآن به ما بدهد، از قرآن ضد آن را دریافت می کنیم. باید به خدا پناه برد. می بینید گاهی بعضی آیه هی قرآن را می خوانند برای کوییدن اسلام! برای کوییدن جمهوری اسلامی! برای نابود کردن فضایلی که جمهوری اسلامی در اختیار ما قرار داده است! باید پاکیزه با قرآن مواجه شد تا نور قرآن و تذکر قرآنی در دل ما بگیرد و بتوانیم انشاء الله از آن استفاده کنیم.

بيانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه ۸۸/۰۷/۲۸

تلاوت قرآن نباید فقط حالت شکلی پیدا کند

یکی از کارهای خوبی که در مجلس از اول پایه گذاری شد، تلاوت قرآن در اول جلسات رسمی مجلس بود. اخیراً هم ... یک سنت خوب دیگری به آن اضافه شد و آن خواندن ترجمة قرآن بود ... که خیلی خوب است. این قرآن نباید فقط حالت شکلی پیدا کند؛ باید گوش کنیم، از کلمات قرآن بهره ببریم. دلمان را بدهیم به قرآن. هر کلمه ای از این کلمات قرآن می تواند یک انقلابی در دل های ما به وجود بیاورد؛ البته برای کسی که مأنس با قرآن باشد. به حسب تجربه، آدمی که مأنس با قرآن نباشد، بهره زیادی هم از قرآن نمی برد. ... اگر انس با قرآن باشد و دل دادن به قرآن باشد، انسان آن وقت می بیند از هر کلمه قرآن یک قطره مصفا و پاکیزه ای نوش جان می کند؛ نوری به دل انسان می تابد. به این قرآن و به این تلاوت توجه بشود؛

بخصوص که حالا برای کسانی که احتیاج به ترجمه دارند، با ترجمه هم همراه است.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۸۸/۰۴/۰۳

رمز ماندگاری نام و کار زینب کبری

یک مقایسه کوتاه بین زینب کبری و همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری را نشان می‌دهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دلیسته آن هدایتی شده بود که موسی عرضه می‌کرد، وقتی در زیر فشار شکنجه فرعونی قرار گرفت؛ که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت. شکنجه جسمانی او، او را به فغان آورد: «إِذْ قَالَتْ رَبُّ ابْنِ لَيْلَى عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجَّنَى مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَّلَهُ»؛ (تحریم ۱۱) از خدای متعال درخواست کرد که پروردگار!! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ می‌کرد؛ می‌خواست که از دنیا برود. «نَجَّنَى مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَّلَهُ»؛ من را از دست فرعون و عمل گمراه‌کننده فرعون نجات بده. در حالی که جناب آسمیه - همسر فرعون - مشکلش، شکنجه‌اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود؛ مثل حضرت زینب، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند. این رنج‌های روحی که برای زینب کبری پیش آمد، اینها برای جناب آسمیه - همسر فرعون - پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند: حسین بن علی علیه السلام - سید الشهداء - را دید، عباس را دید، علی‌اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محنت‌ها را دید: تهاجم دشمن را، هتک احترام را، مسئولیت حفظ کودکان را، زنان را. عظمت این مصیبت‌ها را مگر می‌شود

مقایسه کرد با مصایب جسمانی؟ اما در مقابل همه این مصایب، زینب به پروردگار عالم عرض نکرد: «رَبِّنَجَنِي»؛ نگفت پروردگار! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض کرد: پروردگار! از ما قبول کن. بدن پاره پاره برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض می‌کند: نگفت پروردگار! این قربانی را از ما قبول کن. وقتی از او سؤال می‌شود که چگونه دیدی؟ می‌فرماید: «ما رأيْتُ الْأَجْمِيلَ». (بحار، ج ۴۵، ص ۱۱۶) این همه مصیبت در چشم زینب کبری زیباست؛ چون از سوی خدادست، چون برای اوست، چون در راه اوست، در راه اعلای کلمه اوست. ببینید این مقام، مقام چنین صدری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسمیه نقل می‌کند. این، عظمت مقام زینب را نشان می‌دهد. کار برای خدا این جور است. لذا نام زینب و کار زینب امروز الگوست و در دنیا ماندگار است.

بيانات در ديدار فرمانده و پرسنل نيري هوانئ ارتش ۸۸/۱۹/۱۱

هدف دشمنی در اسلام: ایستادگی در مقابل معارضین عدالت و امنیت

آنچه که در اسلام به عنوان هدف دشمنی معرفی شده است، دقیقاً عبارت است از آن نقاطی که با این خطوط اصلی زندگی بشر در معارضه هستند. کسانی که با عدالت مخالفند، کسانی که با صلح و امنیت و آرامش مخالفند، کسانی که با صفا و روح مصafa و متعالی انسانی مخالفند، اینها نقطه مقابل دعوت پیغمبرند. برای عدالت است که خدای متعال جهاد را بر مسلمانان واجب کرده است. مخصوص اسلام هم نیست؛ جهاد در همه ادیان الهی وجود داشته است. آن کسانی مقابل دعوتند که با آسایش مردم، با آرامش مردم، با آسایش جامعه، با تعالی جامعه مخالفت و معارضه می‌کنند و دشمن منافع انسان‌ها هستند. این همان نقطه‌ای است که اسلام آن را هدف قرار می‌دهد. از اول بعثت هم نبی مکرم اسلام، با آیاتی که وحی الهی به اوست، نقاط روشنی را مشخص کرده است.

در همین سوره مبارکه «اقرأ» که آیات اول آن ظاهرآ اولين آياتي است که بر پیغمبر نازل شده است - آیات بعدی با فاصله نازل شده است، ولی مربوط به همان اوایل

بعثت است - می فرماید: «كَلَّا لَيْنَ لَمْ يَتَّهِ لَسْنَقُّا بِالنَّاصِيَةِ. نَاصِيَةٌ كَادِيَةٌ خَاطِئَةٌ. فَلْيَدْعُ
نَادِيَهُ سَنَدِعُ الزَّبَانِيَّةَ». (علق: ۱۵-۱۸) آن کسانی که در مقابل دعوت رحمت، دعوت
عزت، دعوت آرامش و امنیت ایستاده‌اند، در اولین سوره قرآن مورد تهدید قرار
می‌گیرند.

یا در سوره مبارکه «مدثر» که آن هم جزو اولین سوره‌هایی است که بر پیغمبر نازل شده است، بر روی عنصر معارض با زندگی مردم تکیه می‌شود «ذَرْتُنِي وَمَنْ
خَلْقْتُ وَجِيدًا. وَجَعْلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا. وَبَيْنَنِ شُهُودًا. وَمَهَدَتُ لَهُ تَهْمِيدًا. ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ
أَزِيدَ. كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا. سَأْرَهْفَةٌ صَعْوَدًا». (مدثر ۱۱-۱۷) در مقابل آن کسی که
معارض با پیغمبر است، آن کسی که معارض با منافع جامعه انسان‌هاست، آن کسی
که معارض راه حق است، اشاره می‌شود به ایستادگی این حرکت عظیم و این
معارضه. لذا در اسلام مبارزه هست، جهاد هست؛ منها این جهاد، جنگ در مقابل
معارضان با آرامش زندگی بشر، معارضان با عدالت، معارضان با سعادت بشر است.
... معارضین در مقابل پیدا می‌شوند؛ اسلام این معارضین را از سر راه بر می‌دارد.
اسلام منفعل عمل نمی‌کند. اگر معارضی وجود داشته باشد که معارض سعادت
انسان است، معارض دعوت حق است، اسلام با این معارض پنجه در می‌افکند و در
مقابل او ایستادگی می‌کند. این را مقایسه کنید با آنچه که قدرت‌های متجاوز عالم در
طول تاریخ عمل کرده‌اند، امروز هم عمل می‌کنند؛ جنگ می‌کنند برای توسعه
قدرت، جنگ می‌کنند برای توسعه بی‌عدالتی.

بيانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۸۹/۰۴/۱۹

باید دلمان، جانمان و معرفتمان حقيقةً قرآنی باشد

حقیقت این است که ما هنوز از قرآن خیلی دوریم و خیلی فاصله داریم. دل‌های
ما باید قرآنی بشود. جان ما باید با قرآن انس بگیرد. اگر بتوانیم با قرآن انس بگیریم،
معارف قرآن را در دل و جان خودمان نفوذ بدھیم، زندگی ما و جامعه ما قرآنی

خواهد شد؛ احتیاج به فعالیت و فشار و سیاستگذاری ندارد. اصل این است که دلمان، جانمان و معرفتمان حقیقتاً قرآنی باشد.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

حیات طیبه و لزوم رسیدن به آن

قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فَلَئِنْ خُيِّنَةٌ حَيَاءً طَيِّبَةً». (نحل ۹۷) حیات طیبه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی‌ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد؛ فواید اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن می‌گوید: «فَلَئِنْ خُيِّنَةٌ حَيَاءً طَيِّبَةً»، یعنی همه اینها؛ یعنی آن زندگی‌ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست. ما با اینها فاصله داریم؛ باید به اینها برسیم.

انس با قرآن، آشنایی با قرآن، ما را نزدیک می‌کند. این جلسات قرآنی، این دوره‌های قرآنی، این مسابقات قرآنی، اینی که ما به تربیت قراء و حفاظ دل بستیم، به خاطر این است؛ اینها همه‌اش مقدمه است؛ ولی مقدمات لازمی است.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

با قرآن مجالست کنید

من باز هم به جوانان عزیزان توصیه می‌کنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. «و ما جالس هذا القرآن أحد الأقام عنه بزيادة او نقصان، زيادة في هدى او نقصان من عمى»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته می‌شود؛ یک چشم‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا می‌کند و جاری می‌شود. انس با قرآن، مجالست با قرآن، تفہم قرآن، تدبیر در قرآن، اینها لازم است.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

اهمیت و ضرورت حفظ قرآن

مقدمه‌ی این کار [انس با قرآن] این است که بتوانیم قرآن را بخوانیم، بتوانیم قرآن را حفظ کنیم؛ حفظ قرآن خیلی مؤثر است. جوان‌ها، دوره‌ی جوانی را، قدرت حفظ را قدر بدانند. خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آنها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی بالارزش است. حفظ قرآن این فرصت را به حافظ خواهد داد که با تکرار آیات، در قرآن قدرت تدبیر پیدا کند. این فرصت است، این توفیق است؛ این را از دست ندهید. آنهایی که حافظند، این نعمت بسیار بزرگ الهی را قادر بدانند؛ نگذارند حفظشان ضعیف بشود یا خدای ناکرده از دست برود.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

باید قرآن را از اول تا آخر خواند

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ اینها همه لازم است. اگر اینها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد. بیانات در

دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

لزوم قدر شناسی از حرکتِ رو به جلو قرآنی در کشور

در این سی و یک سال، این حرکتِ رو به جلو [انس با قرآن] وجود داشته. قبل از انقلاب در کشور ما خبری از قرآن نبود. گوشه و کنار، یک عاشقی پیدا می‌شد، یک جلسه قرآنی درست می‌کرد، ده تا، پانزده تا، بیست تا طالب قرآن را دور خودش جمع می‌کرد. دیده بودیم، در همه شهرها بود؛ در تهران بود، در مشهد ما بود. این حرکت عظیم جوان‌ها به سمت قرآن، این خبرها نبود؛ این شوق به خواندن

قرآن و تلاوت قرآن، این تربیت انسوه خوانندگان متبحر در تلاوت قرآن، این حرفها وجود نداشت؛ حفظ وجود نداشت. وقتی این جوان‌ها که حافظ قرآن‌د، می‌آیند قرآن را از حفظ می‌خوانند، بنده از اعمق دل خدا را شکر می‌کنم. اینها به برکت انقلاب بود، به برکت اسلام بود؛ اینها را قادر بدانید.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

آثار نزدیک شدن به قرآن

هرچه ما به قرآن نزدیک‌تر شویم، دو اتفاق می‌افتد: یک اتفاق اینکه ما قوی‌تر می‌شویم؛ اتفاق دوم اینکه دشمنان بین‌المللی ما، علیه ما بیشتر بسیج می‌شوند؛ خوب، بشوند. هرچه به سمت قرآن برویم، هرچه به قرآن نزدیک‌تر شویم، دشمنان بشریت بیشتر خشمگین می‌شوند؛ تهمت می‌زنند، دروغ می‌گویند، شایعه درست می‌کنند، فشار اقتصادی می‌آورند، فشار سیاسی می‌آورند، انواع و اقسام خباثت‌ها و ملعنت‌ها را با ملت ما می‌کنند - کما اینکه می‌بینند دارند می‌کنند - اما در مقابل، توان ما، قدرت تحمل ما، قدرت تأثیرگذاری ما روزبه‌روز بیشتر خواهد شد، مضاعف خواهد شد؛ کما اینکه می‌بینند شده. امروز جبهه مخاصم با جمهوری اسلامی ایران را نگاه کنید: یک جبهه عریض و طویل است؛ همهٔ شیاطین و اشرار عالم در این جبهه جمعند؛ از صهیونیست‌ها تا آمریکایی‌ها، تا خبیث‌ترین دولت‌های غربی، تا وابسته‌ترین و حقیرترین دولت‌های غیرغربی - حالاً دایره را بیشتر محدود نکنیم - همهٔ توی این جبهه هستند؛ هر کاری هم که می‌تواند، دارند می‌کنند. خیال نکنید کاری هست که دشمنان ما می‌توانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام نمی‌دهند؛ نه! هر کار توانستند، تا حالاً کرده‌اند؛ هر کاری هم که بتوانند، می‌کنند. هر کار نمی‌کنند، به خاطر این است که نمی‌توانند. اما ملت ایران، با قدرت، با اعزّت و با سربلندی، در مقابل همهٔ اینها ایستاده است. فرمود: «حبل ممدود من السّماء»؛ (ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۰۶) این قرآن حبل الهی است؛ ریسمان مستحکم الهی است که اگر به آن چنگ زدیم، لغزش و افتادن و گم شدن و اینها دیگر در آن نیست.

بیانات در دیدار قاریان قرآن ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

رابطه‌ی ارزش کار و انگیزه‌ی انجام آن در قرآن

من و شما این حقایق را به یاد داشته باشیم و اینها را در زندگی مان اعمال کنیم. چهار تا آیه در تعقیب نماز صبح ذکر شده - که در کتاب مفاتیح الجنان هم هست - می‌توانید مراجعه کنید و آنها را بخوانید. هر کدام از این آیات هم که ذکر شده، یک نتیجه‌ای دنبالش آمده است: «وَأَفْوَضْ أُمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا». (غافر ۴۴ و ۴۵) «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سَبِّحَنَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَا مِنَ الْعَذَابِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»، (انبیاء ۸۷ و ۸۸) که آیه جناب یونس است. آیه دیگر، همین آیه‌ای است که قبلًا تلاوت کردم: «خَسْبُنَا اللَّهُ وَنَعْمَمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلِ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» (آل عمران ۱۷۳ و ۱۷۴) آیه چهارم هم «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف ۳۹) است که مال آن قضیه دو برادر است. اینها برای ما درس است. وقتی انسان احساس می‌کند که کار بزرگ است، کار بالارزش است، کار دارای تأثیر اجتماعی کلان است، انگیزه‌اش بیشتر می‌شود.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۸۹/۰۵/۰۱

باید با معارف و مفاهیم قرآن آشنا بشویم

اگر بخواهیم از قرآن به معنای حقیقی کلمه بهره ببریم، باید با معارف قرآن و مفاهیم قرآن آشنا بشویم. این تلاوت هم و این حفظ قرآن هم و این انس با قرآن هم به ما در این جهت کمک می‌کند. اگر درس گرفتن از قرآن نمی‌بود، این همه به ما توصیه نمی‌کردند که قرآن را تلاوت کنیم. چون باید توجه داشته باشیم هدف این نیست که این امواج صوتی در فضا به وجود بباید و پراکنده بشود؛ این که هدف نیست. یا هدف این نیست که همچنانی که یک شعری را ممکن است با آهنگ خوشی کسی بخواند و ما لذت ببریم، قرآن را هم حالا با آهنگ خوشی بخواند که ما از صدای خوش آن لذت ببریم؛ اینها که هدف نیست. همه این مقدمات - تلاوت

و آنچه که تلاوت را ترویج می‌کند در جامعه که همین صدای خوش و لحن خوش است و اینها جزو این مؤلفه‌هایی است که تلاوت را رواج می‌دهد در جامعه و دل‌ها را به سمت آن مشتاق می‌کند - برای فهم معارف قرآنی است.

بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

رشد روزافزون علاقه به قرآن در جامعه، بزرگ‌ترین نعمت

بنده واقعاً این نعمت بزرگ را که در واقع نعمت رشد روزافزون علاقه‌ی به قرآن در جامعه ماست، به قدری نعمت بزرگی می‌دانم که شاید هیچ نعمتی با آن معادل نیست. ... قراء محترم، چه اساتید قرائت ... چه جوانان عزیزی که وارد این وادی هستند و انسان احساس می‌کنند؛ استعدادهای خوب، صدای خوب، علاقه‌مندی‌های خوب که آینده بهتری را برای کشور نوید می‌دهد. ... خداوند متعال این نعمت را به ما داده است: «وَلَكِنَ اللَّهُ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفَّرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» (حجرات ۷). این ... خیلی نعمت بزرگی است که خداوند، ایمان را و آنچه که نشانه ایمان هست، برای مردم ما محبوب قرار بدهد و آن را زینت بدهد در دل‌های ما.

بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

دقت و تأمل، لوازم فهم معارف قرآن

فهم معارف قرآنی هم درجهاتی دارد. اولش از همین تأمل در الفاظ قرآن و ترجمه قرآن به دست می‌آید. یعنی وقتی ما می‌گوییم: معارف قرآنی، معنایش این نیست که یک هفت‌تلوی رازآلود رمزگونه‌ای است که دست هیچ کس به او نمی‌رسد. بله! معارف عالیه‌ای وجود دارد که دست امثال ماها به آن ممکن است نرسد، اما معارف بسیاری هم هست که همین ما - ما مردم معمولی و عادی - به شرط اینکه توجه کنیم به این کلام و به این بیان، آن را خواهیم فهمید و از آن استفاده خواهیم کرد. در همین آیات کریمه قرآن فراوان هست؛ اینها درس‌های زندگی ماست. فرض بفرمایید در این آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنَكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُفْسَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ

اللهَ فَسِيُّوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا». (فتح ۱۰) ... این درس واضحی است برای زندگی ما. «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛ اگر قراردادی را که با پیغمبر گذاشتید، با اسلام گذاشتید، بیعتی را که با خدا کردید، به هم زدید، نقض عهد کردید، علیه خودتان کار کردید. «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛ شکستن بیعت خدا و پیغمبر، علیه ماست؛ علیه خدا و پیغمبر نیست. آنها ضرری نمی‌کنند. «وَمَنْ أُوفَى
بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهَ فَسِيُّوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ اما اگر وفا کردیم به این قراردادی که با خدا و پیغمبر گذاشتیم، به نفع خودمان کار کردیم؛ پاداش عظیمی خود ما از خدای متعال خواهیم گرفت. این پاداش! نگفتند که: در آخرت است، نگفتند: بهشت است. بخش عمدۀ اش هم البته در آخرت است، اما این پاداش در دنیا هم هست؛ در دنیا هم این پاداش را به ما خواهند داد. همین آیات سوره مبارکه احزاب را که یکی از برادرها یا جمعی شاید خوانند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى تَحْبَةً وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَظَرِّرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبَدِّيلًا. لِيَجُزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ»؛ (احزاب ۲۳ و ۲۴) این صدق، همین است. «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»؛ یعنی این قراری را که با خدا گذاشتند، این وعده و پیمانی را که با خدا بستند، صادقانه پیمان بستند و پای این پیمان ایستادند و سخن‌های زندگی، جلوه‌های شهوت‌انگیز دنیایی، آنها را از این راه منحرف نکرد. «لِيَجُزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ»؛ خدا به خاطر این راستگویی و ایستادن پای این وعده و پیمان الهی جزا می‌دهد اینها معارفی است که با مراجعه به ظاهر قرآن هم می‌شود اینها را فهمید. اگرچه که در ورای اینها، معارف برتری، بالاتری مسلمان و وجود دارد که اینها را ممکن است خصیصین بفهمند، بندگان صالح و شایسته خدا بفهمند و ما به آنها دسترسی نداشته باشیم، جز از طریق آن بندگان. مسلم چنین چیزهایی است؛ چون فرمودند: قرآن بطونی دارد. روایات متعددی هست که می‌فرماید: قرآن ظاهري دارد، باطنی دارد، اسراری دارد، اعماقی دارد؛ مثل دریایی است که ظاهر دریا هم هست،

وجود دارد، آب است، دریاست، اما فقط همین ظاهر نیست، اعماقی دارد، در آن اعماق هم حقایقی است، چیزهایی است؛ مسلم این هست. اما از همین ظاهر هم ما می‌توانیم استفاده کنیم؛ به شرط چه؟ به شرط دقت! تأمل!

بيانات در ضيافت انس با قرآن در اولين روز ماه رمضان ۱۴۰۹/۰۵/۲۱

ضرورت توجه به معانی آيات برای رسیدن به تلاوت صحیح و قدرت تدبر

اینی که ما مکرر عرض کردیم - چند سال است که این را عرض می‌کنیم و خوشبختانه به نتیجه هم رسیده و انسان اثرش را می‌بیند - باز عرض می‌کنیم؛ شما این آیه‌ای را که تلاوت می‌کنید، به درستی معنايش را درک کنید. همین معنایی که یک عرب‌دان می‌تواند بفهمد، همین معنای ظاهری را درست درک کنید. این که درک شد، آن وقت در تلاوت، فرصت و قدرت تدبر به انسان دست می‌دهد. یعنی انسان می‌تواند آن وقت تدبیر کند و من به شما عرض کنم: وقتی که معنای آیه را بدانیم، آن کسی که اهل صوت و آهنگ و لحن و خواندن هست، خود این فهم معنای آیه، لحن را هدایت می‌کند. اگر ما بدانیم چی داریم می‌خوانیم، هیچ لزومی ندارد که نگاه کنیم ببینیم؛ فلان قاری فرض کنید که معروف، وقتی این آیه را خوانده، کجا را پایین آورده؟ کجا را بالا برد؟ کجا را با رقت خوانده؟ کجا را با شدت خوانده؟ نه! لزومی ندارد. اگر معنا را فهمیدیم، خود این معنا آدمی را که اهل صوت هست و صدای او آهنگ‌پذیر است و انعطاف آهنگ دارد، صدای او را هدایت خواهد کرد؛ خودش آهنگ را به ما خواهدداد؛ مثل حرف زدن معمولی. شما در حرف زدن معمولی و وقتی که حرف می‌زنید، صدای شما یک جایی پایین می‌آید، یک جا اوج می‌گیرد، یک جا آهسته صحبت می‌کنید، یک جا تند صحبت می‌کنید، یک جا شمرده صحبت می‌کنید، روی یک کلمه‌ای تکیه می‌کنید. قبلًا برای اینها هیچ نُت نوشته نشده - نُت نویسی نشده، طبق نُت نیست - و این طبق همین احساس شما و غریزه‌ی شماست. اگر چنانچه معنای آیه قرآن را فهمیدید، همین غریزه به شما کمک می‌کند که: چه کار کنید؟ کجا را آهسته بخوانید؟ کجا را وقف کنید. کجا را وصل کنید. از کجا شروع کنید. تسلط بر آیات قرآن، این هنر را به

انسان می‌دهد. البته بعضی‌ها هم هستند که آیات قرآن را می‌فهمند. چون خودشان عرب‌بند، ترجمۀ آیه را هم خوب می‌دانند - عرب هم هستند - اما آدم می‌بیند که کأنه با توجه به معنا نمی‌خوانند. توی همین قراء معرفه مصری، بعضی هستند که انسان وقتی نگاه می‌کند، مثل این است که: نیک متنه را مأموریت داده باشند که این را بخوان! یک نفری از اول تا آخر می‌خواند و به معنای تفاهم با مخاطب نیست. انسان این را در بعضی از قراء می‌بیند. ولی بعضی هم هستند که نه، قرائشن، تلاوت‌شان، مثل تکلم با مخاطب است؛ حرف زدن با مخاطب است. باید تلاوت شما این جور باشد.

بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

قرآن را جوری بخوانید، کأنه با طرف مقابل دارید با زبان قرآن حرف می‌زنید

متأسفانه اکثر مردم ما از الفاظ آیات کریمه قرآن، مستقیم کمتر استفاده می‌کنند؛ یعنی اکثر عربی نمی‌دانند. خب یکی از محرومیت‌های ماست. لذا در قوانین کشور فraigیری زبان عربی که زبان قرآن است، یکی از جیزه‌های لازم فرض شده که این، به خاطر همین است. اگر ما واقعاً بخواهیم معانی قرآن را بفهمیم، مردم معمولی که عربی هم نخوانده‌اند، می‌توانند مراجعه به تفاسیر و به ترجمه‌ها بکنند. خوشبختانه امروز ترجمه‌های خوب هم هست. در کشور افرادی زحمت کشیده‌اند، ترجمه‌های خوبی کرده‌اند. به هر حال من توصیه‌ام به شما برادران عزیزی که قرآن را با صوت خوش تلاوت می‌کنید، این است که به این نکته توجه کنید: یعنی قرآن را با توجه به معنا بخوانید؛ جوری بخوانید که با طرف مقابل، با مخاطبی که دارد می‌شنود، کأنه دارید با زبان قرآن حرف می‌زنید. این اگر شد، آن وقت شما از خواندن‌تان بهره برده‌اید، مردم هم از شنیدن قرآن و شنیدن تلاوت شما بهره‌مند شده‌اند.

بیانات در ضیافت انس با قرآن در اولین روز ماه رمضان ۱۳۸۹/۰۵/۲۱

لزوم تبیین حرف‌ها و جریان‌های باطل برای اصلاح جامعه

قرآن کریم می‌فرماید: «أَوْلًا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا»؛ (نور، ۱۲) یعنی وقتی افک [تهمت، افتراء، نسبت ناروا] را شنیدید چرا به هم‌دیگر حسن ظن نداشتید؟ یعنی از اول رد کنید افک را. اگر آمدند به یک نفری تهمت زدند، یک چیزی را گفتند - حالا یا با عنوان تهمت یا به عنوان غیبت - چرا قبول می‌کنید؟ بیبینید این کلمه لولای تحریریه در قرآن و در کلام عرب خیلی معنای وسیعی دارد، فقط معناش «چرا» نیست، که ما بگوییم چرا این کار را نکردی. چرای با تأکید است. یعنی آه، وای، چرا؛ معنای «لولا» این است؛ تحریریه است؛ چرا؟ «أَوْلًا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا»؛ یعنی: چرا به هم ظن نیک ندارید؟ چرا به هم حسن ظن ندارید؟ تا فوراً کسی آمد، شما بگویید بله! احتمال درستی اش هم اگر بود، آدم به صورت یقین آن را بداند و نقل بکند؟! این درست نیست؛ این ممنوع است. این چیزی که امروز مورد ابتلاست در جامعه‌ما، از همان چیزهایی است که بایست از همین ادله غیبت بفهمیم که درست نیست؛ این وضعی که وجود دارد درست نیست. البته انتقاد منطقی، گفتن حرف صحیح، این قدر حرف‌های آشکار وجود دارد که انسان اگر ذکر آنها را بکند، اصلاً هم غیبت نیست؛ و می‌تواند انسان نقد بکند. بله مسلم است، امروز یک جریان صحیح و حقی در جامعه‌ما وجود دارد، جریان‌های باطلی هم وجود دارد که به انواع و اقسام طرق می‌خواهند جامعه را خراب کنند، انقلاب را منحرف کنند؛ در این شکی نیست. آدم‌هایی هم در رأس این جریانات هستند؛ چه لزومی دارد که انسان به این آدم‌ها تهمت بزند؟ چه لزومی دارد که غیبت اینها را بکند؟ حرف آشکار این قدر دارند؛ همان حرف‌های آشکار را بیان بکنند، تبیین بکنند، توضیح بدهند، مطلب روشن خواهد شد. هیچ نیازی به غیبت کردن نیست که آدم بگوید حالا ما برای اصلاح مثلاً غیبت می‌کنیم.

بنابراین، به نظر من همین ادله‌ای که در باب غیبت خواندیم، این تمام المراد را به ما نشان می‌دهد؛ یعنی واقعاً همانی که باید بفهمیم از شرع مقدس، همین را انسان

می‌فهمد و تشخیص می‌دهد. باید بر طبق همین هم عمل کرد.

بیانات در درس خارج فقه، حکم غیبت با ابزار قلم و رسانه‌های جدید ۰۷/۱۰/۸۹

اخلاق و رفتار خود را، با دوستان، معارضان و مستکبران طبق برنامه‌ی قرآن

تنظیم کنیم

اسلام پیروان خود را این جور تربیت می‌کند: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أُشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَتَبَعَّونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ آثَرِ السُّجُودِ»؛ (فتح ۲۹) اینها نشانه‌های امت اسلامی است. اینها آن معنویتی است که در آنها وجود دارد؛ آن توکل، آن توجه به خدا، آن تذکر، آن خضوع در مقابل پروردگار. این، خاصیت پرورش انسان مسلمان و مؤمن است. اسلام این جور انسانی پرورش می‌دهد: در مقابل خدای متعال، خاضع؛ با برادران ایمانی، رحیم، مهربان؛ اخوت اسلامی، برقرار؛ اما در مقابل مستکبران، در مقابل ظالمان، مثل کوه استوار می‌ایستند؛ «وَمَنَّهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَّعُ اخْرَجَ شَطَأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوْى عَلَى سُوْقِهِ»؛ (فتح ۲۹) این، همان مراحل رشد امت اسلامی است؛ سر می‌زند، رشد می‌کند، بالندگی پیدا می‌کند، مستحکم می‌شود. این دست قدرت الهی است که این جور انسان‌ها را رشد می‌دهد. «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارُ»؛ (فتح ۲۹) دشمن مستکبر وقتی به این انسان مسلمان تربیت شده بالیده در دامان اسلام نگاه می‌کند، معلوم است که به خشم می‌آید و ناراحت می‌شود. ما باید این جوری عمل کنیم. خود را بسازیم. خود را با قرآن تطبیق دهیم. اخلاق خود را، رفتار خود را، با دوستان، با معارضان و معاندان، با مستکبران، طبق برنامه قرآن تنظیم کنیم. خداوند متعال و عده کرده است که به افرادی که این جور حرکت کنند، پاداش خواهد داد؛ اجر خواهد داد. این اجر، هم در دنیاست، هم در آخرت. در دنیا عزت است، برخورداری از زیبایی‌ها و تمتعات الهی در این عالم است – که برای انسان‌ها فراهم کرده است –

در آخرت هم رضوان الهی و بهشت الهی است.

این راهی است که شما ملت عزیز ایران در پیش گرفته‌اید، دنبال می‌کنید، حرکت می‌کنید و به توفيق الهی، این راه را ادامه خواهید داد؛ و این راهی است که خوشبختانه امروز مشاهده می‌کنیم ملت‌های مسلمان در گوش و کنار جهان اسلام، بتدریج و آرام آرام دارند به این سمت حرکت می‌کنند. خدای متعال فرموده است: «وَالْعَاقِيَةُ لِلْمُتَّقِينَ». (اعراف ۱۲۸) اگر چنانچه این تقوا را ما شیوه عمل خودمان قرار بدھیم، مسلم عاقبت و سرانجام کار، متعلق به امت اسلامی خواهد بود و این آینده به امید خدا چندان دور نیست.

بيانات در دیدار مسئولان نظام درروز میلاد پیامبر ﷺ ۱۳۸۹/۱۲/۰۲

نقش انتخاب انسان در سرنوشت نهایی خود

امیدواریم که سال جدید ان شاء الله برای همه شما و برای ملت ایران سال پربرکت و شیرینی باشد. البته بخشی از این به عهده خود ماست؛ ما هستیم که با رفتار و جهت‌گیری‌های خودمان، زندگی را مبارک می‌کنیم یا نامبارک می‌کنیم. یعنی آنچه که سرنوشت نهایی انسان را تنظیم می‌کند، انتخاب خود انسان است. خدای متعال این توانایی را به ما داده که انتخاب کنیم؛ «وَهَدَيْنَاهُ التَّجَدْدِينِ»؛ (بلد ۱۰) دو راه را به ما نشان داده که انتخاب کنیم. البته گاهی شرایط جوری است که انتخاب برای انسان آسان است؛ گاهی انتخاب سخت است؛ ولی به هر حال باید در همه امور انتخاب کرد.

اینکه در سوره مبارکه حمد، هر روز بارها تکرار می‌کنیم «اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، (فاتحه ۶) نشان‌دهنده این است که صراط مستقیمی که در پیش گرفته‌ایم - فرض این است که مثلاً شناخته‌ایم و در پیش گرفته‌ایم - هر لحظه به دوراهی‌های می‌رسد. یعنی این جور نیست که یک تونلی باشد که وقتی انسان داخل آن رفت، دیگر همین طور تا آخر تضمین شده باشد - مثل خط آهن - نه! دوراهی‌های متعددی، سه راهی‌های متعددی سر راه وجود دارد که باید دید، شناخت، فهمید و قدم در راه درست گذاشت. این «اَهْدِنَا» که هر روز تکرار می‌کنیم، یعنی امروز

هم «‌اهدِنَا»، فردا هم «‌اهدِنَا»، پس فردا هم «‌اهدِنَا»؛ در این قضیه هم «‌اهدِنَا»، در آن قضیه هم «‌اهدِنَا»

کار را هم خیلی نمی‌خواهیم نشدنی و سخت بگیریم؛ نه! خدای متعال بیتات را در مقابل همه قرار داده؛ «‌ذَلِكَ أَن لَمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْفَرَّارِ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ» (انعام ۱۳۱). این جور نیست که اگر ما وسیله هدایت در اختیار نداشته باشیم و احیاناً حرکتمان درست نبود، خدای متعال ما را مؤاخذه کند، یا عذاب کند، یا چه کند؛ نه! وسیله هدایت را هم خدای متعال در اختیار می‌گذارد. البته مواردی هم هست که از این قاعده کلی استثناء است؛ لیکن عادتاً این جور است؛ هدایت الهی هست.

بیانات پس از اقامه نماز در جمع برخی از شخصیت‌های فرهنگی سیاسی ۹۰/۰۱/۲۳
اسلام، تنها عامل نجات و حرکت بشر به سوی کمال

بشریت اگر بیندیشد و انصاف را رعایت کند، تصدیق خواهد کرد که نجات بشر و حرکت بشر به سوی کمال، به برکت اسلام ممکن خواهد شد و لاغیر. ما مسلمان‌ها قدرناشناسی کردیم؛ ما نمک خوردیم و نمکدان را شکستیم؛ ما قدر اسلام را ندانستیم؛ ما پایه‌هایی را که پیغمبر اکرم برای بنای جوامع برگسته و متكامل انسانی بنگذاری کرده بود، در میان خود نگه نداشتیم؛ ما ناشکری و ناسپاسی کردیم و چوش را هم خوردیم. اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحظه مادی و معنوی او را رشد دهد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۹۰/۰۴/۰۹

ضرورت جهاد فی سبیل الله در همه میدان‌ها

پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه‌ی ایمان، پایه‌ی عقلانیت، پایه‌ی مجاهدت، پایه‌ی عزت - پایه‌های اصلی جامعه‌ی اسلامی است. ایمانمان را در دل‌های خود و در عمل خود تقویت کنیم؛ از خرد انسانی، که هدیه‌ی

بزرگ الهی به بشر است، استفاده کنیم؛ جهاد فی سبیل الله را چه در میدان‌های نبرد نظامی، آن وقتی که لازم باشد؛ چه در میدان‌های دیگر، میدان سیاست، میدان اقتصاد و دیگر میدان‌ها - دنبال کنیم و حسن عزت و کرامت انسانی و اسلامی را برای خودمان مغتنم بشماریم.

اینها وقتی در یک جامعه‌ای زنده بشود، این جامعه همان حرکت اسلامی را، همان خط نبی معظم اسلام را یقیناً دنبال خواهد کرد. به برکت پیام اسلام، به برکت ندای امام بزرگوار، ما ملت ایران توانستیم بخشنی از آن را در زندگی خودمان تحقق ببخشیم؛ آثار و ثمراتش را داریم مشاهده می‌کنیم.

بيانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۹۰/۰۴/۰۹

عظمت و رونق تمدن اسلامی

نبی مکرم، آن عنصر شایسته‌ای بود که برای یک چنین حرکت عظیمی، برای طول تاریخ بشریت، خداوند او را آماده کرده بود. لذا توانست در طول بیست و سه سال یک جریانی را به راه بیندازد که این جریان با همه موانع، با همه مشکلات، تا امروز تاریخ را جلو رانده و پیش برده است.

بیست و سه سال، زمان کوتاهی است. سیزده سال از این مدت هم با مبارزات غریبانه گذشت. در مکه اول با پنج نفر و ده نفر و پنجاه نفر شروع شد و جمعیت محدودی در زیر فشارهای طاقت‌فرسای دشمنان متعصب، کور و جاهل توانستند مقاومت کنند. ستون‌های مستحکمی ساخته شد برای اینکه جامعه اسلامی و تمدن اسلامی بر روی این ستون‌ها قرار بگیرد. بعد هم خداوند متعال شرایطی را پیش آورد که پیغمبر توانست به مدینه هجرت کند و این نظام و این جامعه را به وجود بیاورد و این تمدن را پی‌ریزی کند. همه مدتی هم که پیغمبر اکرم این نظام نوپا را پرداخت، ساخت، آماده کرد و پیش راند، ده سال شده است؛ یعنی یک مدت کوتاه. یک چنین حادثی معمولاً در طوفان امواج حوادث دنیا گم می‌شود؛ از بین می‌رود؛ فراموش می‌شود. ده سال خیلی مدت کوتاهی است؛ اما در همین مدت پیغمبر اکرم توانست این نهال را غرس کند؛ آبیاری کند؛ وسیله رشد و نمو آن را فراهم کند؛ یک

حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله‌ی تمدن پسری در دوران مناسب خود قرار گرفت. یعنی در قرن سوم و چهارم هجری، در همه دنیای آن روز، با سابقه تمدن‌ها، با حکومت‌های مقتدر، با میراث‌های گوناگون تاریخی، هیچ تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی مشاهده نشده است؛ این هنر اسلام است. و این در حالی است که از بعد از دوران نبی مکرم اسلام، از بعد از همان دوران ده‌ساله، حوادث گوناگون و تلخی هم برای امت اسلامی به وجود آمد؛ موانع به وجود آمد؛ اختلافات به وجود آمد؛ درگیری‌های داخلی پیدا شد.

با همه اینها، انحرافاتی که در طول زمان به وجود آمد، ناخالصی‌هایی که در جریان اسلام پیدا شد و رشد کرد، پیام پیغمبر اکرم و پیام بعثت در طول سه چهار قرن توانست آن عظمت را به وجود بیاورد که همه دنیا و همه تمدن‌های امروز مدعیون آن تمدن قرن سوم و چهارم هجری مسلمانان است. این یک تجربه است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۹۰/۰۴/۰۹

به قرآن باید با همه وجود و همه دل ایمان آورد

با قرآن بایستی آشنا شد. به قرآن باید با همه وجود، با همه دل ایمان آورده؛ ایمان ظاهری کافی نیست. با همه دل بایستی قرآن را و وعده الهی را باور کرد. امروز هم باورش آسان‌تر از دیروز است. امروز، یعنی در این دوره‌ای که ما داریم، من و شما داریم زندگی می‌کنیم، این قدر آیات و بشایر الهی وجود دارد که دل انسان را آسان می‌کند؛ چون دارد می‌بیند همانی که حضرت ابراهیم عرض کرد: «وَلَكِن لَّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي»، (بقره ۲۶۰) این اطمینان برای انسان پیدا می‌شود. دارد می‌بیند دیگر؛ در مقابل چشم ماست. چه بود ایران؟ ایران طاغوت، ایرانِ آمریکا، ایران پیوسته‌ی با صهیونیست‌های غاصب! او چه بود؟ حالا چیست: قطب قدرتمند مقابله‌ی با استکبار و صهیونیسم؛ سند محکم ملت‌های مسلمان؛ اینها را داریم جلو چشمنان مشاهده

می کنیم. این معجزه دعوت قرآن و خبر قرآن و آگاهی هایی است که قرآن به ما می دهد. این را باید حفظ کنیم.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات قرآن ۱۴/۰۴/۱۳۹۰

به سمت حفظ قرآن بیشتر بروید

آنچه من حالا در این جلسه می خواهم به طور خاص به قرآنی های عزیز کشورمان بگویم، این است که: به سمت حفظ قرآن بیشتر بروید. حفظ، وسیله است البته؛ حفظ وسیله است. حفظ، هدف نیست. حفظ قرآن، وسیله است؛ وسیله است برای اینکه انسان، آسان بخواند، آسان تکرار کند و امکان تدبیر پیدا کند. جوان ها بروند از استعدادشان، از حافظه شان استفاده کنند؛ بچه ها را، جوان ها را بکشانید به سمت حفظ قرآن.

البته امروز با گذشته ما قابل مقایسه نیست؛ خیلی جلو هستیم؛ اما کم است. آنچه که الان در کشور ما وجود دارد، کم است. بروند به سمت حفظ قرآن. وقتی که حفظ شد، حفظ حاصل شد، آن وقت توان و فرصت برای تدبیر بیشتر پیدا خواهد شد و همین تدبیر است که کلید است. کلید اصلی، همین تدبیر در قرآن و فکر کردن در قرآن است.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات قرآن ۱۴/۰۴/۱۳۹۰

قرآن، نشان دهنده راه مبارزه با ظلم، رونق بخشیدن به زندگی و آشنایی با مقام

قرب الهی

قرآن، کتاب حکمت است؛ کتاب علم است؛ کتاب حیات است؛ حیات امت ها و ملت ها در آشنایی با معارف قرآن و عمل به مقتضای این معارف و عمل به احکام قرآنی است. انسان ها، اگر طالب عدالتند و از ظلم بیزارند، راه مبارزه با ظلم را باید از قرآن فرا بگیرند. انسان ها، اگر طالب علمند و به وسیله معرفت و آگاهی و علم می خواهند زندگی را رونق ببخشند و راحت و رفاه را برای خودشان تأمین کنند، راهش به وسیله قرآن نشان داده می شود. انسان ها، اگر در پی ارتباط با خدای متعال و صفاتی معنوی و روحی و آشنایی با مقام قرب الهی هستند، راهش قرآن است.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی ۹۰/۰۵/۱۱

نقش قرآن در اعتلای مادی و معنوی و زوم آشنایی با آن

نقش قرآن این است که ما را از لحاظ ماده و معنا اعتلاء بپنگیم؛ و این کار را قرآن می‌کند. کسانی که با تاریخ آشنا هستند، نمونه‌هایش را در تاریخ دیدند؛ و ما مردم این زمان، در زمان خودمان داریم نمونه‌هایش را مشاهده می‌کنیم. یک نمونه، همین شما ملت عزیز ایران هستید. شما خیال نکنید در دوران رژیم‌های طاغوتی - چه رژیم پهلوی، چه قبل از آنها رژیم قاجار - ملت ایران ذره‌ای اعتبار در محیط بین‌المللی داشت؛ نداشت. این استعداد جوشان و متراکمی که در ملت ما هست، مثل یک گنجینه فراموش شده‌ای، مثل گنجی در ویرانه‌ای مدافون شده بود؛ مگر به صورت تصادفی، یک فردی خودش را نشان بدهد، که نشان نمی‌داد. این همه جوان فعال و پرنشاط و مبتکر و علاقه‌مند به پیشرفت کشور که امروز شما ملاحظه می‌کنید در عرصه‌های مختلف افتخار می‌آفرینند، عزت می‌آفرینند، نام نیک برای ملت‌شان درست می‌کنند؛ خب! جوان‌ها آن روز هم بودند، اما به خاطر غلبه طواغیت، این حرف‌ها دیگر نبود.

به همین اندازه که ما یک قدم به سمت قرآن، به سمت معارف قرآنی برداشتیم - که آنچه که ما به سمت قرآن حرکت کردیم، واقعاً یک قدم هم بیشتر نیست - خدای متعال به ما عزت داده است؛ به ما حیات داده است؛ به ما آگاهی و بصیرت داده است؛ به ما قدرت و قوّت بخشیده است. ملت ما امروز یکی از زنده‌ترین و قوی‌ترین ملت‌های دنیاست، استعداد متراکم و جوشان و آمادگی و مشاهده بی‌دریبی پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف؛ امروز وضع کشور ما این‌جوری است. ملت‌های دیگر هم ملت ما را تحسین می‌کنند.

امروز خوشبختانه در میان امت اسلامی، شعارهای اسلامی که مایه تحرک ملت‌ها شود، در کشورهای متعددی مشاهده شده است؛ و شما می‌بینید و خبرهایش را

می شنود. این حرکت‌ها آنجایی که رونق و طراوت آن بیشتر است، در آن بخشی که کارایی و نفوذ آن بیشتر است، آنجایی که تأثیرپذیری آن از دشمن و از منافقین و معاندین و مزوّرین کمتر است، آنجایی است که در آن، شعار اسلامی است؛ مطالبه اسلامی است؛ خواست اسلامی است؛ این خاصیت معارف قرآنی است. با قرآن باید آشنا شد.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی ۹۰/۰۵/۱۱

ضرورت افزایش روزبهروز شوق به قرآن

امروز با گذشته قابل مقایسه نیست. در گذشته، این همه تلاوت کننده قرآن، این همه حافظ قرآن، این همه آشنای با متن قرآن، این همه عاشق و علاقه‌مند به تلاوت قرآن وجود نداشت؛ در حالی که همین کشور بود، همین ملت بود ... امروز این شوکی را که به قرآن در همه جا هست، باید زیاد کرد؛ این را باید روزبهروز افزایش داد. این تلاوت خوب، صدای خوب، ترتیب مجلس آرایی خوب - که بحمدالله می‌بینم این خوانندگان ما در مجلس آرایی قرآنی تدریجاً ماهر و مسلط شده‌اند - چیزهای بالرزشی است؛ فایده‌اش این است که ما را با قرآن، با معارف قرآنی، با معانی قرآنی آشنا می‌کند.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی ۹۰/۰۵/۱۱

ما باید ده میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشیم

یکی از چیزهایی که می‌تواند تدبیر در قرآن را به ما ارزانی بدارد، حفظ قرآن است. ما حافظ قرآن کم داریم. من قبلًا گفتم که در کشور ما حداقل باید یک میلیون نفر حافظ قرآن باشند - حالا یک میلیون که عدد کمی است نسبت به این جمعیتی که ما داریم - اما حالا چون دوستان الحمد لله یک مقدماتی فراهم کرده‌اند، کارهایی را مشغول شده‌اند و دارند برنامه‌هایی را فراهم می‌کنند، برای اینکه انشاء الله حفظ راه بیفتند، ما هم امیدمان بیشتر شده و به جای یک میلیون، می‌گوییم انشاء الله ما باید ده میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشیم.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی ۹۰/۰۵/۱۱

ضرورت استمرار تلاوت و حفظ قرآن برای افزایش تدبیر بیشتر در آن

توجه داشته باشد که حفظ قرآن قدم اول است. اولاً حفظ را باید نگه داشت. بنابراین، حافظ قرآن باید تلاوت کننده مستمر قرآن باشد؛ یعنی مرتبًا بايستی قرآن را تلاوت کند؛ والا حفظ از دست خواهد رفت. بعد بايستی این حفظ کمک کند به تدبیر، که این جور هم هست؛ حفظ حقیقتاً کمک می‌کند به تدبیر. آنجایی که شما قرآن را تکرار می‌کنید، حافظید و می‌خوانید، فرصت تدبیر و تعمق در آیات قرآن برای شما پیدا می‌شود.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی ۹۰/۰۵/۱۱

لزوم انس با تفاسیر برای رسیدن به شکوفایی قرآنی

انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین می‌کنند، خیلی لازم است. وقتی حفظ باشد و این انس با تفسیر هم باشد و تدبیر باشد، همان‌چیزی که انتظارش در جامعه‌ی ما هست، پیش می‌آید: شکوفایی قرآنی. شما تصور کنید در کشور ما ده میلیون، پانزده میلیون کسانی باشند از مردان و زنان که اینها با معارف قرآن آشنا باشند؛ بینند این چقدر بالرزش است. آموزش‌های قرآنی را، درس‌های قرآنی را، نصایح قرآنی را، انذارهای قرآنی را، بشارت‌های قرآنی را در ذهن داشته باشند؛ آنها را مرور کنند؛ آنها را بر دل خودشان فرا بخوانند؛ اصلاً یک ملت پولادینی به وجود می‌آید. خوشبختانه زمینه‌هایش فراهم است. امروز هم عزم و اراده ملت ما عزم پولادینی است. اما آن ساخت قرآنی جامعه در آن صورت به دست خواهد آمد، که ما امیدواریم ان شاء الله این پیش بیاید.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی ۹۰/۰۵/۱۱

خطای مسلمانان، عامل شکست در جنگ احمد

قرآن کریم در قضیه جنگ احمد می‌فرماید: «أُولَئِنَّا أُصَابُكُمْ مُّصِيَّةٌ قَدْ أُصَبَّتُمْ مُّثْلِيَّهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ». (آل عمران ۱۶۵) در قضیه احمد، آن حادثه

تلخ اتفاق افتاد؛ مسلمان‌ها اول پیروز شدند، بعد یک عده‌ای مأموریت‌ها را فراموش کردند، تنگه را رها کردند، رفتند سراغ غنیمت جمع کردند؛ دشمن هم توانست نیروهای اسلام را دور بزند، بیفتند به جانشان، تعدادی از آنها را بکشد، آنها را منهزم کند؛ به طوری که مسلمان‌ها از ترسیشان مجبور شدند به کوه پناه ببرند. جان مبارک پیغمبر به خطر افتاد؛ به پیغمبر ضربه وارد آمد. بعد مسلمان‌ها گفتند: خب! چرا این جوری شد؟ خدا به ما وعده پیروزی داده بود. خدای متعال می‌فرماید که: ما شما را پیروز کردیم، وعده خدا عملی شد، اما شما خودتان هستید که کار را خراب کردید. اولاً اگر دشمن به شما ضربه زد، شما هم متقابلاً به دشمن ضربه‌ها زدید - «قدَ أصَبْتُمْ مُّنْلَيْهَا» - «تعجب نکنید؛ بالاخره در میدان جنگ، زدن و خوردن، هر دو هست. در عرصه جنگ بزرگ میدان سیاست و اقتصاد جهانی، آدم، هم می‌زند، هم می‌خورد؛ نباید خلاف انتظار باشد. اما «قُلْتُمْ أَنِّي هَذَا»؛ می‌گویید: ما از کجا این ضربه را خوردیم؟ بعد قرآن می‌فرماید: «فُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ»؛ از خود شما بود! خودتان خطا کردید! ما یک جاهایی خطا کردیم، «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران ۱۶۵).

بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

نشانه‌های رحمت الهی و لزوم شکرگزاری خداوند

ماه رمضان امسال با یک نگاه اجمالی که انسان نگاه می‌کند، باز هم بهتر و شیرین‌تر و باصفاتی از ماه رمضان‌های گذشته بود؛ و ما این را بحمدالله هر سال احساس می‌کنیم. جلسات تلاوت قرآن، که گاهی در یک روز شاید هزار نفر یا بیشتر می‌نشینند و تلاوت‌ها را استماع می‌کنند، این نه در یک شهر، نه در دو شهر، در بسیاری از شهرهای کشور تکرار می‌شود. ... اگر در سطح کشور انسان ملاحظه کند، می‌توان گفت این انس با قرآن و تلاوت قرآن در ماه مبارک رمضان، اعداد میلیونی دارد.

همین طور، جلسات دعا. شما تصور بفرمایید که در شب‌های ماه رمضان و سحرهای ماه رمضان، یک جمعیت میلیونی دارند دعای ابو حمزه می‌خوانند؛ چه آنها باید که در

جلسات حضور دارند، چه آنهایی که از طریق تلویزیون و رادیو این دعا را می‌شنوند و داخل منزل حال می‌کنند، صفا می‌کنند، اشک می‌ریزند؛ اینها چیزهای کمی نیست؛ اینها نشانه‌های لطف الهی است.

بعد نوبت می‌رسد به حضور سیاسی مردم در روز قدس. باز انسان دست قدرت الهی را مشاهده می‌کند که اینطور دل‌های مردم را جذب می‌کند و می‌آورد توی آن هوای گرم، با دهان روزه، وسط خیابان‌ها؛ ... بعد نوبت می‌رسد به روز عید فطر و نمازهای عید. این تضرع و دعایی که در روز عید فطر در سرتاسر کشور خوانده می‌شود، ... با حالت توجه، با حالت تضرع، ما کی این چیزها را داشتیم؟ کی در طول تاریخ - تاریخ قرن‌ها، نه تاریخ سال‌ها - کشور ما این جور مشحون به آیات الهی و کلمات تضرع‌آمیز در مقابل پروردگار و دعا و توجه و ذکر بوده؟ کی این همه مردم در این وادی وارد می‌شدند؟ برای کی می‌آیند؟ به کی می‌خواهد خودشان را نشان بدهند؟ جز اخلاص، جز ایمان، جز علاقه و عقیده به مبانی اسلامی، هیچ عامل و انگیزه دیگری در اینجا قابل تصور نیست. خب! اینها همه‌اش موجبات رحمت الهی است؛ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوْجَبَاتِ رَحْمَتِكَ».(مفاتیح الجنان، تعقیب نماز ظهر) اینها همان چیزهایی است که باران فیض الهی را بر سر ما می‌بارد. البته ما اشتباه می‌کنیم؛ گاهی نمی‌فهمیم این تفضل الهی را، نمی‌بینیم دست عطوفت الهی را در قضایای مختلف که بر سر ما گذاشته می‌شود. گاهی هم از این جهت اشتباه می‌کنیم که خیال می‌کنیم ماییم که داریم این کارها را می‌کنیم، در حالی که ما نیستیم؛ «لَوْ أُنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ يَسِينَهُمْ»(انفال ۶۳) «قلب المؤمن بین اصبعی الرَّحْمَن». کی این مؤمنین را می‌کشد می‌آورد توی این میدان‌ها، این جور اینها را متوجه به خدا می‌کند؟ جز دست الهی، جز قدرت الهی، چیز دیگری نیست. اینهاست که ما را امیدوار می‌کند ... من می‌خواهم این استنتاج را بکنم: «هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِأَمْمُؤْمِنِينَ»؛ (انفال ۶۲) خدای متعال

تایید خودش را در کنار نصرت به وسیله مؤمنین می‌گذارد، که علی‌الظاهر مراد در اینجا نصرت‌های معنوی است؛ مثل همان «أَنَّى مُمْدُكُمْ بِالْفِيْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدُفِينَ» (انفال ۹) و امثال اینها. «هُوَ الَّذِي أَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»، مؤمنین هستند که موجب نصرت می‌شوند؛ مؤمنین هستند که نظام را پابرجا نگه می‌دارند؛ مؤمنین هستند که در میدان‌های مختلف، جاده را صاف می‌کنند تا نظام اسلامی بتواند کارهای بزرگی را انجام دهد. ما اینها را «إِنَّمَا أُوتِيَّتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص ۷۸) نباید تصور کنیم؛ خیال نکنیم ما هستیم داریم می‌کنیم؛ اینها را خدا دارد می‌کند.

بیانات در دیدار اعضای شورای خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

خدا را فراموش نکن؛ حسابت را دارد

تصمیم بگیرید بر برداشتن کارهای سنگین، تا بردارید. «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ». خب! زحمت‌هایش چه؟ رنج‌هایش چه؟ محرومیت‌هایش چه؟ جوابش این است که: «وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»؛ خدا را فراموش نکن، خدا حسابت را دارد. در میزان الهی، رنج تو، محرومیت تو، کف‌نفس تو، حرصی که خوردی، زحمتی که کشیدی، کاری که کردی، خون دلی که خوردی، دندانی که روی جگر گذاشتی، اینها هیچ وقت فراموش نمی‌شود؛ «وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا». این، راه ماست. آنجا خشوع را به ما - به عنوان علما - توصیه می‌کند، اینجا «يُبَلَّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» را توصیه می‌کند. خب! «رِسَالَاتِ اللَّهِ»، «رسالاتِ انبیاء اللَّهِ» است دیگر.

بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

مقام ابراهیم علیه السلام

مقام ابراهیم یکی از ... آیات بینات است. جای پای ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه شریف، تنها نمادی از مقام ابراهیم است. مقام ابراهیم علیه السلام، مقام اخلاق و گذشت و ایثار اوست؛ مقام ایستادگی او در برابر خواست نفسانی و عواطف پدرانه و نیز در برابر سیطره کفر و شرک و سلطه نمود زمانه است.

پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۹۰/۸/۵

رفتار زائران ایرانی در حج

یک زائر ایرانی باید مظہر انسانی متدين مؤدب، مرفه، با انصباط، مهربان با دیگران و معتقد به برادری اسلامی باشد و این تبلیغ عملی از هر سخن و بیانی مؤثرتر است. ... برنامه‌ریزی در حج باید به گونه‌ای باشد که یک حاجی از فرصت حضور خود در سرزمین وحی، بیشترین بهره‌برداری معنوی را از قرآن و ادعیه و معارف آن داشته باشد.

پیام تسلیت بهمناسبت درگذشت حجۃ‌الاسلام والمسلمین نورانی ۱۳۹۰/۸/۱۵

گسترش تفکر اسلامی در حج

حج فرصت بزرگ و لطف و نعمت خداوندی [است]. ... شکر کامل این نعمت بزرگ الهی در قارشناصی و استفاده حداکثری از این فرصت بی‌نظیر است که امسال به عنوان نمونه در برگزاری مطلوب و با شکوه دعای کمیل و دعای عرفه تجلی پیدا کرد. ... ظرفیت‌های حج بالاتر و وسیع‌تر از این [است]. ... یکی از فرصت‌های عظیم حج، امکان گسترش تفکر اسلامی بر مبنای «وحدت دیانت و سیاست» و «حضور دین در عرصه‌های مختلف زندگی» است که جا دارد معارف ناب اسلامی به صورت صحیح و متقن در اختیار تشنگان این حقایق قرار گیرد.

پیام تسلیت بهمناسبت درگذشت حجۃ‌الاسلام والمسلمین نورانی ۱۳۹۰/۸/۱۵

عزت واقعی و کامل در جبهه خدایی

در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدایی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه‌ی خدا و جبهه‌ی شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه‌ی خدایی قرار می‌گیرند. این، منطق قرآن است. در سوره فاطر می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا». (فاتر ۱۰) در سوره منافقون می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ

لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ (منافقون ۸) عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافر دلان این را درک نمی‌کنند؛ نمی‌فهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست. در سوره نساء، درباره کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت‌های شیطانی می‌کنند، برای اینکه حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، می‌فرماید: «أَيْتَنَعْوُنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ (نساء ۱۳۹) آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرت‌های مادی پناه می‌برند؟ عزت در نزد خداست. در سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء، گزارشی از مجموعه‌ی چالش‌های پیامبران بزرگ را مطرح می‌فرماید - درباره حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصل درباره‌ی چالش‌های این پیامبران بزرگ بحث می‌کند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می‌رساند. در هر مقطعی که می‌خواهد غلبه‌ی جبهه‌ی نبوت را بر جبهه‌ی کفر بیان بفرماید، می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَرِيزُ الرَّحِيمُ»؛ (شعراء ۱۲۱ و ۱۲۲) یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آنها بود، پول دست آنها بود، سلاح دست آنها بود، اما جبهه‌ی توحید بر آنها پیروز شد؛ در این یک آیتی است از آیات الهی، و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره مبارکه شعراء هی تکرار می‌کند، تکرار می‌کند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَرِيزِ الرَّحِيمِ»؛ (شعراء ۲۱۷) به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده غلبه حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. «الَّذِي يَرَآكَ حِينَ تَقُومُ. وَ تَقْبَلُكَ فِي السَّاجِدِينَ»؛ (شعراء ۲۱۸ و ۲۱۹) او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را می‌بیند؛ «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ (شعراء ۲۲۰). پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد.

بيانات در مراسم گرامیداشت سالگرد رحلت امام خمینی رضوان الله عليه ۱۳۹۱/۰۳/۱۴

اقبال امت اسلامی به اهداف بعثت

امروز بعد از ده‌ها سال تجربه، رویکرد امت اسلام به دین محمدی ﷺ است. بعد از آنکه روشنفکران و نخبگان و پیشروان ملت‌های مسلمان در طول سال‌های متتمادی، مکتب‌ها و داعیه‌ها و ایسم‌های شرقی و غربی را تجربه کردند و ناکامی و عقیم بودن آن تجربه‌ها را دریافتند، امروز توجه و اقبال امت اسلامی به مضمون بعثت و اهداف بعثت پیغمبر است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز بعثت پیامبر

اعظم ﷺ ۱۳۹۱/۳/۲۹

بعاد مهم بعثت و نیاز تام بشریت به آنها

بعثت دارای ابعاد و جهاتی است. رشتۀ‌های نوری که از این حادثه بر بشریت تابیده است، یکی دو تا نیست؛ لیکن امروز بشریت به دو جریان ناشی از بعثت نیاز تام دارد: یکی برانگیخته شدن فکر و اندیشه است، و یکی تهذیب اخلاق. اگر این دو تأمین شد، خواسته‌های دیرین بشریت تأمین خواهد شد؛ عدالت تأمین خواهد شد، سعادت تأمین خواهد شد، رفاه دنیا تأمین خواهد شد. مشکل اساسی در این دو بخش است.

فرمود: «بِعْثَتُ لِأَتَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۹ (یا در قرآن فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَّيْنِ رَسُولًا مُّنْهَمْ يُنْتَلِو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيْهِمْ»). (جمعه ۲) بعد از تزکیه است که می‌فرماید: «وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». (جمعه ۲) (این یک هدف والاست؛ تزکیه نفوس، تطهیر دل‌ها، والاکردن اخلاق بشری، نجات دادن انسان از مزلله گرفتاری‌های اخلاقی و ضعف‌های اخلاقی و شهوت‌های نفسانی. این، یک مقصد و یک هدف.

آن مسئله تفکر هم مسئله اساسی و مهمی است؛ مخصوص پیغمبر ما هم نیست؛ همهٔ پیامبران مبعوث شدند تا در بشر نیروی خرد را، نیروی تفکر را احیاء کنند. امیرالمؤمنین عليه السلام در خطبهٔ نهج البلاغه می‌فرماید: «لِيَسْتَأْدُوهُمْ مِيشَاقَ فِطْرَتِهِ وَ

يُذَكِّرُوْهُمْ مَنْسِيًّا نَعْمَتِهِ ... وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱) پیغمبران مبعوث شدند تا دفینه‌ها و گنجینه‌های خرد را در دل و باطن انسان‌ها برآشوند، آنها را استخراج کنند.

ما آحاد بشر، برای اندیشیدن، استعداد عظیمی در خود نهفته داریم. وقتی فکر نمی‌کنیم، وقتی مطالعه نمی‌کنیم، وقتی در آیات الهی تدبیر نمی‌کنیم، وقتی در تاریخ خود، در گذشته خود، در قضایای گوناگونی که برای بشریت پیش آمده است، در گرفتاری‌های گذشته، در عوامل پیروزی بزرگ برای ملت‌ها، تدبیر نمی‌کنیم، از آن گنجینه‌معنوی که خدا در ما قرار داده است، محروم می‌مانیم؛ «وَيُذَكِّرُهُمْ مَنْسِيًّا نَعْمَتِهِ ... وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ». امروز بشر به این دو، احتیاج دارد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز بعثت پیامبر

اعظم ۱۳۹۱/۰۳/۲۹

اگر اسلام انسان‌های کمربسته نداشت

اگر اسلام انسان‌های کمربسته نداشت، نمی‌توانست بعد از هزار و دویست - سیصد سال تازه زنده شود و بیداری اسلامی به وجود باید؛ باید یواش یواش از بین می‌رفت. اگر اسلام کسانی را نداشت که بعد از پیغمبر این معارف عظیم را در ذهن تاریخ بشری و در تاریخ اسلامی نهادینه کنند، باید از بین می‌رفت؛ تمام می‌شد و اصلاً هیچ چیزی نمی‌ماند؛ اگر هم می‌ماند، از معارف چیزی باقی نمی‌ماند؛ مثل مسیحیت و یهودیتی که حالا از معارف اصلی شان تقریباً هیچ چیز باقی نمانده است. اینکه قرآن سالم بماند، حدیث نبوی بماند، این همه احکام و معارف بماند و معارف اسلامی بعد از هزار سال بتواند در رأس معارف بشری خودش را نشان دهد، کار طبیعی نبود؛ کار غیرطبیعی بود که با مجاهدت انجام گرفت. البته در راه این کار بزرگ، کتک‌خوردن، زندان‌رفتن و کشته شدن هم هست، که اینها برای این بزرگوارها چیزی نبود.

اهمی ما در طول این دویست و پنجاه سال امامت - از روز رحلت نبی مکرم اسلام علیه السلام روز وفات حضرت عسکری، دویست و پنجاه سال است - خیلی زجر

کشیدند، کشته شدند، مظلوم واقع شدند و جا هم دارد برایشان گریه کنیم؛ مظلومیت‌شان دل‌ها و عواطف را به خود متوجه کرده است؛ اما این مظلوم‌ها غلبه کردند؛ هم مقطوعی غلبه کردند، هم در مجموع و در طول زمان بیانات در سالروز شهادت امام علی النقی علیه السلام ۱۳۸۳/۰۵/۳۰

درس‌های حیات‌بخش قرآن برای ملت‌ها

خدا را شکر می‌کنیم که عشق به قرآن را در دل‌های ما و مردم ما قرار داد. خدا را شکر می‌کنیم که توفیق درس قرآن، انس با قرآن و تلاوت قرآن به مردم ما داده شده است. در دوران طاغوت، قرآن در کشور ما مهجور بود؛ هیچ حرکت جمعی در ترویج قرآن انجام نمی‌گرفت؛ هرچه بود، میل شخصی افراد بود. در دوران جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام، یکی از برنامه‌های اصلی برای مسئولین کشور، ترویج قرآن است؛ تلاوت قرآن، انس با قرآن، فهم قرآن، حفظ قرآن، جزو برنامه‌هاست؛ که خب! یکی از مظاهر آن هم همین مسابقات بین‌المللی است. لیکن تلاوت قرآن و قرائت زیبای آیات الهی، مقدمه است برای تدبیر در قرآن. ما نمی‌خواهیم خودمان را مشغول کنیم، سرگرم کنیم به تلاوت و به قرائت قرآن و الحان قرآنی، به عنوان یک موضوع اصلی؛ این مقدمه است، این طریق است. تلاوت قرآن با صوت خوش موجب می‌شود که دل انسان نرم شود، خشوع پیدا کند، آماده بشود برای فهم معارف قرآنی و آیات قرآنی؛ ما به این احتیاج داریم.

امروز دنیای اسلام احتیاج دارد به فهم معارف اسلامی. امروز دنیای اسلام احتیاج دارد به درسی که قرآن به ملت‌ها داده است برای استقامت، ایستادگی، حیات طیبه و عزت اسلامی برای ملت‌ها. درس‌های قرآن در این زمینه، درس‌های حیات‌بخشی است؛ ما به این درس‌ها احتیاج داریم. همین اندازه که شعاع مفاهیم اصلی قرآن در کشورهای اسلامی پرت‌توافکن شده است، شما می‌بینید جهت حرکت‌های مردمی، جهت اسلامی است.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

پیروزی و شکست در قرآن

قرآن به ما آموخته است که: اگر شما صبر کنید، ایستادگی کنید، جای خودتان را تغییر ندهید، جهت خودتان را تغییر ندهید، شما پیروزید! این درس قرآن است. قرآن به ما می‌گوید: اگر به این راه و به این هدفها ایمان داشته باشید و در راه این ایمان حرکت کنید، بدون شک شما پیروز هستید؛ این درس قرآن است؛ این را باید ملت‌های مسلمان یاد بگیرند، این را باید ملت‌های مسلمان باور کنند؛ اگر باور کردند، بر پیچیده‌ترین تجهیزات نظامی و اطلاعاتی دشمن پیروز خواهند شد! اگر سستی کنند، اگر احساس ضعف کنند، اگر توکلشان به خدای متعال ضعیف شود، اگر به لبخند دشمن، به ترفند دشمن اعتماد کردند، یقیناً شکست خواهند خورد!

بیانات در دیدار شرکت کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

زمینه‌ساز تدبیر در معارف قرآنی

فقط به خواندن، فقط به لفاظی، فقط به الحان گوناگون نبایستی اكتفاء کرد؛ اینها را باید به چشم وسیله نگاه کرد. لحن زیبا و صدای زیبا برای قرآن لازم است، اما برای اینکه دل‌ها خشوع پیدا کنند، نرم بشوند و به معانی قرآن برسند. این جور نیست که ما خیال کنیم این یک امر استقلالی است؛ نه! اینها مقدمه است؛ این مقدمه را باید به قصد آن ذی‌المقدمه انجام داد؛ و البته بدون این مقدمه هم مشکل است. اینکه ما اصرار داریم بر حفظ قرآن، بر تلاوت قرآن، بر گسترش جلسات قرآنی در سطح کشور، بر آموزش علوم قرآنی و فنون قرآنی - از تلاوت و کتابت و بقیه‌ی مسائل گوناگونی که اطراف قرآن هست - به خاطر این است که آشنایی با اینها و وقت گذاشتن در این رشته‌ها، فضای کشور را فضای قرآنی می‌کند. ما به این فضا احتیاج داریم. وقتی فضا قرآنی شد، انس با قرآن افزایش پیدا خواهد کرد، عمومیت پیدا خواهد کرد؛ و انس با قرآن، موجب تدبیر در قرآن و معارف قرآنی می‌شود. امروز دنیای اسلام به این تدبیر احتیاج دارد. ما ملت ایران هم به این تدبیر احتیاج داریم.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

با قرآن بیشتر مأنوس شوید

توصیه این است که: هرچه می توانید، با قرآن بیشتر مأنوس شوید؛ با قرآن بیشتر سروکار داشته باشید؛ از قرآن بیشتر بیاموزید؛ در قرآن بیشتر تدبیر کنید و قرآن را برای زندگی و مشای خودتان درس قرار بدهید.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

زن، در نگاه اسلام و غرب

یک مطلب اساسی، در مورد نگاه اسلام به جنس زن است. این نگاه، درست نقطه مقابل نگاهی است که فرهنگ غربی به جنس زن دارد. نگاه فرهنگ غربی به زن یک نگاه اهانت‌آمیز است. اسم آن را آزادی می‌گذارند، لکن در حقیقت آزادی نیست. غربی‌ها در طول دو سه قرن اخیر، بر روی همه جنایات خود نام‌های زیبا گذاشتند. اگر قتل کردند، اگر غارت کردند، اگر به بردگی کشیدند، اگر ثروت‌های ملت‌ها را مصادره کردند، اگر جنگ‌های تحمیلی میان ملت‌ها به وجود آوردن و دیگر جنایاتی که کردند، بر روی همه اینها خوش ظاهر و فریب‌نده گذاشتند؛ نام آزادی طلبی، نام حقوق بشر، نام دموکراسی و امثال اینها. نام آزادی بر آنچه که جهت‌گیری فرهنگ غربی نسبت به زنان است، یک نام دروغین است؛ این، آزادی نیست. اساس فرهنگ غرب این است که زن را به عنوان یک کالا، به عنوان یک وسیله تمنع برای مرد در جامعه عرضه بکند. تشویق و تحریض بر عریان‌گرایی به این جهت است. در غرب، زن‌آزاری در طول صد سال و دویست سال گذشته افزایش پیدا کرده است؛ کاهش پیدا نکرده است. آزادی جنسی و بی‌بند و باری جنسی در غرب موجب نشده است که دیگ شهوتِ بشری که غریزی و طبیعی است، از جوشش بیفتند. قبل این جور تبلیغ می‌کردند؛ می‌گفتند: بگذارید زن و مرد در جامعه روابط آزاد داشته باشند تا حرص شهوت جنسی کم بشود. عملاً معلوم شد که قضیه به عکس است؛ هر چه آزادی روابط زن و مرد در جامعه بیشتر بشود، با وضعی که به وجود آوردن،

حرص شهوانی بشر بیشتر می‌شود.

امروز غربی‌ها خجالت نمی‌کشند و مسئله همجنس‌بازی را به عنوان یک ارزش مطرح می‌کنند. انسان با کرامت، عرق شرم بر پیشانی اش می‌نشیند، اما آنها خجالت نمی‌کشند. نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط. نگاه اسلام به زن، نگاهی است عزت‌بخش، کرامت‌بخش، رشدآفرین، استقلال‌دهنده به هویت و شخصیت زن؛ این ادعای ماست. ما این ادعا را با محکم‌ترین ادله می‌توانیم اثبات کنیم. ... اسلام با نظر کرامت به زن نگاه می‌کند. همه خصوصیات انسانی میان زن و مرد مشترک است. یک انسان قبل از آنی که اتصاف پیدا کند به زن بودن، یا مرد بودن، متصف است به انسان بودن. در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند. نگاه اسلام این است. خصوصیات جسمی‌ای خدای متعال در دو جنس قرار داده است که هر کدام نقشی در ادامه آفرینش، در رشد و تعالی انسان، در حرکت تاریخ بر عهده دارند؛ و نقش زن مهم‌تر است. مهم‌ترین کار انسان، تداوم بخشیدن به نسل بشری است؛ یعنی تولید مثل؛ نقش زن در این کار قابل مقایسه با نقش مرد نیست. خانه از این جهت مهم است، خانواده از این جهت مهم است، محدودیت‌های اعمال غراییز جنسی از این جهت مهم است؛ با این دید باید به مسائل اسلام و به احکام شریعت اسلامی نگاه کرد. غرب گمراه، اسم اینها را می‌گذارد محدودیت. اسم آن اسارت گمراه‌کننده را می‌گذارد آزادی! این جزو فریب‌های غربی است.

بيانات در ديدار شركت‌کنندگان در اجلاس جهاني «زنان و بيداري اسلامي» ۹۱/۰۴/۲۱

ضرورت بر جسته نمودن نقش زن از دیدگاه اسلام

زن در محیط اسلامی رشد علمی می‌کند، رشد شخصیتی می‌کند، رشد اخلاقی می‌کند، رشد سیاسی می‌کند، در اساسی‌ترین مسائل اجتماعی در صفواف مقدم قرار می‌گیرد، در عین حال زن باقی می‌ماند. زن بودن، برای زن یک نقطه امتیاز است، یک نقطه افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از

خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی، خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست؛ افزایش فرزندان بی‌هویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی به مرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت. ... شما بانوان نجبه، دختران نجبه، جوانان نجبه، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌هایتان امروز این است که نقش زن را از دیدگاه اسلام ترسیم کنید، برجسته کنید، روشن کنید؛ تربیت انسانی زن بزرگ‌ترین خدمت به جوامع انسانی و اسلامی است؛ این حرکت باید راه بیفتد. البته راه افتاده است، باید تشدید بشود، باید فراگیر بشود، باید پیش برود و شما در این حرکت، بدون تردید پیروز خواهید شد. یک کار اساسی این است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زن و بی‌داری اسلامی» ۹۱/۰۴/۲۱

نقش عجین شدن محبت با عقیده به قرآن در عرصه زندگی

خدای متعال را از اعماق دل و همه زوابایی جان سپاسگزاریم که توفیق انس با قرآن و لذت از تلاوت قرآن را به ما، به ملت ما، به مردم ما عنایت کرده است. بیقیناً هر یک از این جلساتی که برای قرآن و تلاوت قرآن تشکیل می‌شود و عندلیبان قرآنی در آن نغمه‌سرایی می‌کنند، تأثیر بسزایی در تعمیق ایمان و عشق و محبت ما به قرآن دارد؛ و همه چیز در گرو همین است. اگر ملتی عقیده به حق را، عقیده به قرآن و معارف اسلامی را همراه کرد با محبت، رنگ و بوی لطیف گل محبت است که می‌تواند اعتقادات عمیق را در عرصه زندگی انسان بارور کند. اگر این عقاید، این پاییندی‌های عقلانی، با محبت و با عواطف عجین و همراه شد، آن وقت عرصه، عرصه عمل قرآنی خواهد شد؛ توفیقات، روزافزون خواهد شد؛ پی‌درپی خواهد شد؛

ما دنبال این هستیم، اگر این محافل قرآنی بتواند دل‌های ما را فراتر از جنبه عقلاتی، از جنبه عاطفی و علقة عشق و محبت، به قرآن نزدیک کند، مشکلاتی که بر سر راه جامعه اسلامی است، بر طرف خواهد شد؛ این اعتقاد ماست. البته ما به احساسات و عواطف تنها مطلقاً اکتفاء نمی‌کنیم، اما این را لازم می‌دانیم. و خوشبختانه در جامعه ما، در معارف اسلامی‌ای که ما از طریق اهل بیت علیهم السلام گرفته‌ایم، این معنا وجود دارد؛ عقل و عاطفه، هر دو همراه یکدیگر.

بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۰۴/۳۱

چگونگی تلاوت و انس با قرآن

وقتی انس با قرآن پیدا شد، مجال تدبیر و تأمل و تفکر در معارف قرآن به دست خواهد آمد. قرآن را نمی‌شود سرسری خواند و گذشت؛ قرآن احتیاج دارد به تدبیر، تکیه بر روی هر کلمه‌ای از کلمات و هر ترکیبی از ترکیب‌های کلامی و لفظی. انسان هرچه بیشتر تدبیر کند، تأمل کند، انس بیشتری پیدا کند، بهره‌ی بیشتری خواهد بردا؛ قرآن این جور است.

بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۰۴/۳۱

برکات حفظ قرآن

بحمدالله در جامعه ما، در کشور ما، نهضت انس با قرآن، نهضت خوبی شده است. این مسئله حفظ قرآن که ما قبلاً سفارش کردیم، بحمدالله دارد در میان جوان‌های ما انتشار پیدا می‌کند؛ باید هم انتشار پیدا کند؛ باید هم با قرآن آشنا شویم، مأнос شویم. وقتی قرآن را حفظ کردید، می‌توانید معانی قرآن را درست بفهمید؛ انسان وقتی معنای قرآن را فهمید، می‌تواند در آن تدبیر کند؛ وقتی تدبیر کرد، می‌تواند به معارف عالی دست پیدا کند و رشد پیدا کند. انسان با انس با قرآن، در درون رشد پیدا می‌کند.

بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۱/۰۴/۳۱

فتح معنوی از طریق رابطه با قرآن

من به جوان‌ها غالباً در مورد قرآن سفارش می‌کنم. سعی کنید رابطه‌تان را با

قرآن قطع نکنید. هر روز، ولو نصف صفحه، قرآن بخوانید؛ اینها همه‌اش مقرب انسان است؛ صفاتی روح و گشایش و فتوح معنوی را همین‌ها برای انسان به وجود می‌آورد. آن آرامش، آن صبر و سکینه مورد نیاز انسان – که «فَإِنَّ اللَّهَ سَكِينَةً عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى»؛ (فتح ۲۶) این نعمتی است که خدای متعال آن را به رخ مؤمنین می‌کشد، که ما سکینه و صبر و آرامش و طمأنینه را از سوی خودمان به پیغمبر دادیم، به مؤمنین دادیم – با همین چیزی که عرض کردیم، حاصل می‌شود؛ در درجه اول با تلاش برای دور شدن از گناهان است. اینکه می‌گوییم دوری از گناهان، معناش این نیست که اول باید به کلی همه گناهان را ترک کنید تا بتوانید وارد مرحله دوم شوید؛ نه! اینها با هم توأم است. باید همت این باشد، باید تلاش این باشد که گناه از ما سر نزند. تقوا هم به همین معناست. التزام به توجه در نماز و در تلاوت قرآن و اینها چیزهایی است که معنویات و صفاتی روح را برای ما به ارمغان می‌آورد؛ آن آرامش و طمأنینه و سکینه لازم را به ما می‌دهد؛ نیازی نیست به رفتن در خانه عرفان‌های کاذب، دروغی، مادی، توهمی و تخیلی، که هیچ واقعیتی پشت سرش نیست. هم دانشجوها را، هم جوانان دیبرستان را توجه بدھید به همین جنبه‌های دیانت و تدین. تدین را یک عنصر اساسی برای مخاطب خودتان قرار بدھید و بدانید انشاء‌الله خدای متعال هم کمک خواهد کرد.

بیانات در دیدار معلمان و اساتید استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۰

ویژگی‌های انحصاری فریضه حج

ویژگی شعائر حج، در آمیختگی دنیا و آخرت و آمیختگی فرد و اجتماع است. کعبه بپیرایه و پرشکوه، طوف جسم‌ها و دل‌ها بر گرد یک محور استوار و ابدی، سعی و تلاش مداوم و منظم میان یک مبدأ و منتها، کوچ همگانی به عرصه‌های رستاخیزی عرفات و مشعر و حال و حضوری که دل‌ها را در این محشر عظیم صفا

و طراوت می‌بخشد، هجوم همگانی برای مقابله با نماد شیطان، و آنگاه همگامی همه، از همه جا و همه رنگ و همه گون، در همه این مراسم پررمزوراز و لبریز از معنی و نشانه‌های هدایت ... ویژگی‌های انحصاری این فریضه پرمعنی و پرمضمون است.

پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۹۱/۰۷/۳۰

حدود تکریم زن در قرآن کریم

خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. آن که این جاده را برایش درست کرده‌اند، انسان است؛ نه مرد یا زن. خدای متعال در تاریخ، زنی مثل فاطمه زهراء^{علیها السلام} آفریند که امام عسکری یا امام هادی علیه السلام - طبق حدیثی که از آنها نقل شده - می‌فرمایند: «نحن حجاج الله على خلقه و فاطمة حجّة الله علينا». فاطمه زهراء^{علیها السلام} حجّت حجّت خداست، امام ائمه است؛ شخصیت، دیگر از این بالاتر؟ آن حضرت دارای مقام عصمت است. یک چنین انسانی، زن است. زنان بزرگ عالم: مریم، سارا، آسمیه و دیگران و دیگران - بزرگانی که بودند - برجسته‌های عالم خلقت‌اند. در این جاده تکامل و تعالی، آن که حرکت می‌کند، انسان است. در حقوق اجتماعی، فرقی بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. در چند مسئله اختصاصی شخصی امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسئله امتیازاتی به مرد داده شده؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد؛ این اسلام است؛ متین‌ترین، منطقی‌ترین، عملی‌ترین قوانین و حدود و مرزهایی که ممکن است انسان در زمینه مسئله جنسیت فرض کند.

باید دنبال این راه رفت؛ یکی از اساسی‌ترینش تشكیل خانواده است، یکی از اساسی‌ترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است؛ که این به عهده کدبانوی خانه است.

بیانات در دیدار جمعی از مدارhan ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

لزوم مراقبت از اخلاق و رفتار

یک اصل مسلمی وجود دارد، عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید؛ از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما - چه در مدخلتان، چه در مصیبتتان - دل‌هایشان تکان می‌خورد و اشک می‌ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه می‌کنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همه آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای ناکرده به عکس شد: مردم نشانه تزلزل اخلاقی، نشانه عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای ناکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی‌هایی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید. همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران؛ گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران؛ نامداران عرصه دین و تقوای بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین‌طور. شما کسانی که در عرصه دین و معرفت و امور الهی دارید کار می‌کنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان، پاکی دامان، پاکی دل، پاکی دست.

بیانات در دیدار جمعی از مددahan ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

نگاه درست به جایگاه، هویت و شخصیت زن

جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن، یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است؛ از بعضی جهات از مردها بالاتر است. در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند؛ از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیاتِ کیان طبیعی‌شان که خدای متعال خلق کرده، یک امتیازاتی جانب زنانه دارد، یک امتیازاتی جانب مردانه دارد؛ خدای متعال یک مقدار خصوصیاتی را به این جنس داده، یک مقدار خصوصیاتی را به آن جنس داده؛ یک برجستگی‌ها و ارزش‌هایی این دارد، یک برجستگی‌ها و ارزش‌هایی آن دارد؛ لذاست که با هم‌دیگر از لحاظ آنچه که مربوط

به انسانیت است هیچ فرقی ندارند؛ هیچ تفاوتی ندارند؛ در آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار می‌دهد - از لحاظ حقوق انسانی، از لحاظ حقوق اجتماعی، از لحاظ ارزش‌های معنوی و سیر تکامل معنوی - هیچ فرقی ندارند؛ یعنی یک مردی مثل علی بن ابی طالب می‌شود، یک زنی مثل فاطمه زهرا می‌شود؛ یک مردی مثل عیسی می‌شود، یک زنی مثل مریم می‌شود؛ تفاوتی ندارند با هم‌دیگر. پس این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش - همان‌جور که هست، زن واقعی، مؤنث واقعی - بشناسیم و ببینیم چه ارزش‌هایی می‌تواند این فرد متعلق به این جنس را، یا این جامعه این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است.

بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی ۱۳۹۲/۰۲/۲۱

لزوم رعایت انصاف

یک مسئله دیگر هم «اصاف» است. ... انصاف را باید رعایت کرد؛ انصاف در مقابل آن دوستی که در مجلس همکار شما است، انصاف در مقابل آن کسی که بیرون مجلس است، انصاف در مقابل دولت، انصاف در مقابل قوه قضائیه. انصاف را باید رعایت کنید؛ «ولا يَجْرِمَكُمْ شَنَآنُّ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَا تَعْدِلُوا». (مائده ۸) گاهی ما با کسی بدیم، از کسی بدمان می‌آید؛ خب! این کار می‌تواند موجه باشد؛ بالاخره یک دلیلی داریم، از کسی خوشمان نمی‌آید؛ اما نسبت به همین کسی هم که از او خوشمان نمی‌آید و استدلال هم داریم برای اینکه از او خوشمان نیاید، باید انسان انصاف به خرج دهد. کسی یک نقطه خوبی دارد؛ آن را تحت تأثیر نقطه بدی که از او در ذهن ما هست، قرار ندهیم؛ این خیلی چیز مهمی است. بیانصافی و رفتار نامتناسب، منجر می‌شود به عکسالعمل مشابه در طرف مقابل. ما آدم‌های ضعیفی هستیم دیگر؛ شما اگر چنانچه مثلاً نسبت به این حقیر یک وقی بیانصافی کردید، این حقیر آن مقدار قدرت و توانایی و ضبط نفس ندارم که بگوییم خیلی خوب، حالا او بیانصافی کرده، بکند؛ من هم وادر می‌شوم به بیانصافی. این جوری در جامعه، تبادل بیانصافیها، به جای تبادل انصاف، به جای تبادل محبت، رائق می‌شود. ببینید!

چون شما نماینده مجلس اید، این تأثیر وجود دارد؛ والاً اگر چنانچه شما جزو افراد معمولی جامعه بودید، تأثیر داشت، اما نه به این اندازه. وقتی ما در روی سکویی قرار گرفتیم و مردم به ما نگاه می کنند، رفتار ما یک معنا دارد؛ وقتی که نه، در جمعیت مردم، در سواد مردم گم هستیم، همان رفتار یک معنای دیگری دارد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۲/۰۳/۰۸

لزوم دعوت به اسلام و ایستادگی در مقابل دشمنیها

دعوت اسلام را باید با صراحة، با شجاعت، با صداقت، همراه با رکن اصلی دعوت اسلام - یعنی عدالت - در دنیا منتشر کرد. فرمود: «وَتَمَّتْ كَيْمَتُ رِيَّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا»؛ (انعام ۱۱۵) این دو تا، خصوصیات دعوت الهی است؛ خصوصیات کلمه ربوبی است: «صدق و عدل»؛ «صدق و عدالت». مسلمان‌ها این را باید در دنیا از خودشان نشان دهند. این، دل‌ها را متوجه خواهد کرد؛ پیام اسلام را به دل‌ها خواهد رساند. البته دشمنی‌ها هم وجود دارد و ادامه پیدا خواهد کرد. باید در مقابل دشمنی‌ها ایستاد؛ همچنان که پیغمبر ایستاد؛ همچنان که مؤمنان به اسلام و مؤمنان به حقیقت و عدالت در طول تاریخ ایستادند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفراي کشورهای اسلامی در سالروز بعثت

حضرت رسول اعظم ﷺ ۱۳۹۲/۰۳/۱۷

توجه دل‌ها به سوی اسلام

معارضه‌ها به شکل‌های گوناگون هست، امروز هم معارضه وجود دارد. امروز بعد از آنکه دعوت‌های غیرالهی و مادی، چه دعوت مارکسیزم، که یک روزی دنیا را به خود متوجه کرده بود، چه دعوت مکاتب بهاصطلاح انسان‌گرایانه و لیبرالیزم، که تمدن را در بسیاری از مناطق عالم در قبضة خود گرفته است، نشان دادند که نمی‌توانند سعادت بشر را تأمین کنند، دل‌ها به سوی اسلام متوجه است. هر جا صدای عدالت و عدالت‌خواهی بلند می‌شود، این صدای اسلام است، ولو

آن کسانی که این فریاد را سر می‌دهند، ندانند این از کجاست؛ هر جا ندای کرامت انسان بلند می‌شود، این ندای اسلام است، ندای ادیان است؛ و البته کانون این همه، مرکز اسلام و مرکز ایمان و هر جایی است که در آن، قرآن مورد اعتقاد و ایمان قرار داشته باشد؛ طبعاً دشمنی دشمنان اسلام و قرآن هم با آنجا بیشتر است. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز بعثت

حضرت رسول اعظم ﷺ ۱۷/۰۳/۱۳۹۲

برکات انس با قرآن

اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علوّ معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز می‌کند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز می‌کند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز می‌کند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است. و امروز ... دنیای اسلام تشنۀ و محتاج حقایق قرآن است. ... امروز در دنیای اسلام، از شرق اسلام تا غرب اسلام، اگر کسانی بخواهند شعار عدالت بدهند، شعار آزادی و استقلال بدهند، شعار عزت بدهند، قرآن را سر دست می‌گیرند؛ این خیلی بالرزش است؛ و درست هم همین است. به قرآن باید نزدیک شویم، با قرآن انس پیدا کنیم. البته حرف زدن، آسان است؛ عمل کردن، سخت است؛ مجاهدت لازم دارد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۸/۰۳/۱۳۹۲

معیار رد و قبول در سبک زندگی

جامعه مسلمان ما تا قبل از سال‌های پیروزی انقلاب، با اینکه علاقه‌مند به قرآن بود، عاشق قرآن بود، اما مأнос با قرآن نبود. این هم از برکات انقلاب است که جوان‌های ما، صحابان صوت و ذوق و هنر تلاوت و استعداد و آمادگی برای فراغیری، بحمدالله در این میدان وارد شدند و پیشرفت کردند. ولی اینها مقدمه

است؛ مقدمه برای فهم قرآن و تحلق به اخلاق قرآن. یک مسئله، مسئله احترام ظاهري و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات قرآنی؛ اين در جای خود چيز محترم و مهمی است. مسئله بالاتر، تحلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن. يكى از عيوب ما و جوامع ما در طول زمان اين بوده است که: گاهي فرهنگ خود را متأثر می کردیم از فرهنگ ييگانگان! کسانی اين را در میان جامعه ما و کشور ما به عمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جانشان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنيا امروز این جوری است! در حالی که قرآن به ما می آموزد: «وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضْلُلُوكُمْ عَنْ سِبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَبَعُونَ إِلَّا الضَّلَالُ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ». (انعام ۱۱۶) آنچه که انسان جا دارد آن را فرا بگيرد و اگر لازم بود، از آن تقليید کند، عبارت است از طریق هدایت؛ «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»؛ (حمد ۷) از خدای متعال می خواهیم که ما را هدایت کند به راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نایل شده‌اند؛ این است که باید از آن تبعیت و پیروی کرد. اما اینکه حالا اکثریت مردم دنيا اين جور حرف می زنند، اين جور حرکت می کنند، اين جور رفتار می کنند، ما باید عقل خودمان را، دین خودمان را، هدایت الهی را معيار قرار دهیم برای رد و قبول. امت مؤمن و مسلم آن امت و ملتی است که معيار را از قرآن می گيرد، از هدایت الهی می گيرد؛ اين می شود معيار.

بيانات در محفل انس با قرآن اول ماه مبارک رمضان ۱۴۹۲/۰۴/۱۹

حاکم کردن هدایت قرآن و کلمات اهل بیت ﷺ در زندگی

يکى از چيزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است؛ اين هم قرآنی است. يعني پیروی از آنچه که عقل سليم به

آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است؛ اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده خدا، معصومین عندالله به ما یاد دادند، این می‌شود معیار؛ معیار اینهاست. اینکه حالا مردم کشورهای غربی، مردم مادی، مردم فلان بخشن از دنیا، در رفتارشان، در اعمالشان، در مسائل زندگی شان، در ارتباطاتشان، در تشکیل خانواده، این جور عمل می‌کنند، ما هم باید این جور عمل کنیم؟ این خطاست!

هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت ﷺ را داریم؛ که «إِنَّى تَارِكٌ فِيْكُمُ التَّقْلِيْنِ» یا «إِنَّى تَارِكٌ فِيْكُمُ التَّقْلِيْنِ»؛ (بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۶) دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ماست؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم. این جلسه قرآن، این آموزش قرآن، این تجوید قرآن، این حُسن تلاوت قرآن با نعمه‌های خوب، با صدای خوب، همه مقدمه برای این است. این را به چشم ذی‌المقدمه نگاه نکنیم، این مقدمه است؛ از اینجا باید وارد شد و با قرآن انس گرفت.

بيانات در محفل انس با قرآن اول ماه مبارک رمضان ۱۴۹۲/۰۴/۱۹

لزوم تدبیر در قرآن برای رسیدن به حقایق نورانی

بحمدالله امروز جامعه ما با قرآن مأتوس شده‌اند. البته ما به این قانع نیستیم؛ ما معتقدیم همه آحاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبیر کنند. آنچه که ما را به حقایق نورانی می‌رساند، تدبیر در قرآن است؛ و این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوان‌ها، در بین جوان‌های کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، یک مقدمه خوبی است برای تدبیر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب می‌شود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند.

امیدواریم خداوند متعال جامعه قرآنی کشور را روزبه روز پیشرفته‌تر کند، موفق‌تر

کند و به اساتید عزیز قرآن ان شاء الله توفیق دهد که بتوانند جوانان بیشتری را تربیت کنند؛ و کشور ما و ملت ما را با قرآن زنده بدارد.

بیانات در محفل انس با قرآن اول ماه مبارک رمضان ۱۴۹۲/۰۴/۱۹

نتیجه توسل و تضرع و معنای صبر و توکل

به نظر ما، توسل و تضرع، در همه عرصه‌های حیات، به عمل می‌انجامد. اگر این توجه به خدا باشد، رکود، سکون، نامیدی، بازگشت به عقب و توقف در عرصه‌های گوناگون حیات وجود ندارد. لازمه عمل هم «صبر» و «توکل» است. شما مسئولان کشور هستید در بخش‌های مختلف؛ کارهای زیادی بر عهده شماست؛ کارهای شما، هم کار دنیاست، هم کار آخرت؛ یعنی وقتی به انجام وظيفة خود می‌پردازید، هم دارید دنیا را آباد می‌کنید، زندگی را آباد می‌کنید، هم دارید باطن و درون خودتان را آباد می‌کنید. این عمل - که هم عمل دنیابی است، هم عمل اخروی است - احتیاج دارد به دو عنصر: صبر و توکل. آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «نَعَمْ أَجْرُ الْعَالَمِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ». (عنکبوت ۵۸ و ۵۹) صبر یعنی پافشاری، پایداری، مقاومت، ایستادگی، هدف را فراموش نکردن. فرمود: «إنِّي كُنْ مَنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مَيَّتَنِ»؛ (انفال ۶۵) در میدان نبرد، در میدان رویارویی با دشمن، اگر صبر داشته باشید، می‌توانید با این نسبت بر دشمن غلبه پیدا کنید. مکرر عرض کرده‌ایم؛ در عرصه‌های گوناگون جهانی، در گیری‌ها غالباً جنگ اراده‌هاست؛ هر طرفی که اراده‌اش زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد. صبر یعنی این عزم را، این اراده را نگه داشتن، حفظ کردن. توکل هم یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن. گمان نشود - که البته در فضای دینی امروز گمان هم نمی‌شود؛ در گذشته چرا، تبلیغ می‌شد، این جور توهّم می‌شد - که توکل یعنی بنشین تا خدا برساند، بنشین تا خدا درست کند، بنشین تا خدا گره را باز کند؛ نه! توکل یعنی کار را انجام بده، نتیجه را از خدا بخواه؛ منتظر نتیجه از سوی

پروردگار باش. بنابراین، در موضوع توکل - به قول ما طلبه‌ها - «کار» اخذ شده است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۲/۰۴/۳۰

«حج» وسیله اقتدار سیاسی، فرهنگی و معنوی امت اسلامی

آنچه مهم است، این است که ما بدانیم حج یکی از نقاط قوت آیین مقدس اسلام است؛ گرچه نقاط قوت در مجموعه‌ی شریعت اسلامی یکی دو تا نیست، کم نیست، اما حج به خاطر این خصوصیاتی که در آن هست - که کمایش همه با این خصوصیات آشنا هستیم - یک برجستگی‌ای دارد؛ در واقع می‌شود گفت که: حج مایه اقتدار جامعه اسلامی است، مایه اقتدار امت اسلامی است. آن روزی که ما مسلمان‌ها در کشورهای مختلف، از مذاهب مختلف این توفيق را پیدا کنیم، این بلوغ فکری را پیدا کنیم که در واقع و به معنای حقیقی کلمه «امت اسلامی» را تشکیل بدھیم - که متأسفانه تا حالا ما مسلمان‌ها این توفيق را پیدا نکرده‌ایم و به این بلوغ سیاسی و فکری و اخلاقی نرسیده‌ایم - و بتوانیم مجموعه‌ی مسلمان‌ها از اقصای شرق عالم تا متهای غرب عالم اسلامی یک امت باشیم، ولو با دولت‌های مختلف، آن روز خواهیم فهمید که حج چگونه مایه اقتدار و استحکام و اعتلا و آبرومندی این امت است. امروز هم نظام جمهوری اسلامی با این چشم باید به حج نگاه کند: وسیله اقتدار؛ چه جور اقتداری؟ آیا مراد ما از این اقتدار، شبیه اقتدارهای مادی و سیاسی و نظامی، یا حتی از قبیل اقتدارهای نرم‌افزاری، مثل اقتدار فرهنگی [و] اقتدار زبان است؟ نه! خیلی بالاتر از این است. حج علاوه بر اینکه اقتدار سیاسی دارد، علاوه بر اینکه اقتدار فرهنگی نظام اسلامی را به دنیا نشان می‌دهد، اقتدار معنوی دارد؛ یعنی انسان‌ها را از درون می‌سازد، آماده عبور از موانع دشوار می‌کند، چشم آنها را به حقایقی باز می‌کند که بدون حضور در عرصه‌ی حج این حقایق دیدنی نیست، لمس کردنی نیست؛ آنجاست که انسان می‌فهمد برخی از حقایق معنوی اسلام را، حقایق تربیتی اسلام را؛ یک چنین چیزی است حج.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۲/۰۶/۲۰

کیمیای معجزه‌گر تکرار در سایر

فرا رسیدن موسم حج را باید عید بزرگ امت اسلامی به شمار آورد. فرست مغتنمی که این روزهای گرانبها در همه سال‌ها برای مسلمانان جهان پدید می‌آورد، کیمیای معجزه‌گری است که اگر قدر آن شناخته و چنانکه شایسته است به کار گرفته شود، بسیاری از آسیب‌ها و آسیب‌پذیری‌های دنیا اسلام، علاج خواهد شد.

پیام به مناسبت کنگره عظیم حج و برائت از مشرکین ۱۳۹۲/۰۷/۱۹

جایگاه صدق در ایجاد صبر اولیای الهی

یکی از عوامل موّلّد این روحیّه و این صبر در زینب کبری علیها السلام و در دیگر اولیاء‌اللهی که این جور حرکت کردند، صدق است؛ صادقانه با پیمان خدای متعال برخورد کردن، دل را صادقانه به راه خدا سپردن؛ این خیلی مهم است. در قرآن کریم این صدق را، هم برای انبیای عظام الهی لازم می‌شمرد: «وَإِذْ أَخَذَنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرِيمَ وَأَخَذَنَا مِنْهُمْ مِيقَةً غَلِيقَةً» لیسَئَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ؛ (احزان، ۷ و ۸) ای پیامبر ما از تو پیمان گرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پیمان گرفتیم - از همه پیغمبران پیمان گرفتیم - و این پیمان، پیمان بسیار محکم و غلیظی است - در «لیسَئَلَ»، «لام» به تعییر ما طلب‌ها «لام» عاقبت است - و نتیجه این پیمان این است که این پیغمبران بزرگ مورد سؤال قرار می‌گیرند از صدقی که در قبال این پیمان نشان دادند و به خرج دادند؛ یعنی پیغمبر ما و پیغمبران بزرگ الهی باید در پیشگاه پروردگار عرضه کنند میزان صداقتی را که در مقام اعمال این میثاق الهی به کار بردن؛ این مال پیغمبران؛ در مورد مردم معمولی و مؤمنین [هم می‌فرماید]: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَظَرِّرُ وَمَا يَدْلُو تَبْدِيلًا» *لِيَجِزِي اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ (احزان، ۲۳ و ۲۴) در مورد پیغمبران بزرگ، نقطه مقابل صادق را کافر قرار داد: «وَأَعَدَ لِلْكُفَّارِ عَذَابًا

آلیما». (احزاب، ۸) در مورد این مؤمنین، نقطه مقابل صادقین را منافقین قرار داد، که در اینها نکته‌هایی هست.

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

هدف نهایی فهم قرآن و عمل به آن

زبان ما قاصر است از شکر نعمت اقبال به قرآن در کشور؛ بنده هروقت در خبرها یا در تلویزیون مشاهده می‌کنم که جوانان ما در سراسر کشور به قرآن اقبال دارند، از ته دل خدای متعال را شکرگزاری می‌کنم. نعمت بزرگی است؛ ما این نعمت را و عظمت آن را درک می‌کنیم. در دورانی دیدیم که در کشور ما حفظ قرآن و تلاوت قرآن رونقی نداشت؛ در دوران رژیم طاغوت، علاقه‌مندان به قرآن همه‌جا بودند، اما رونق و عمومیت و شیوع اقبال به قرآن در کشور وجود نداشت. امروز که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم به برکت جمهوری اسلامی، جوان‌های ما، مردان ما، زنان ما، نوجوانان ما به قرآن علاقه و گرایش نشان می‌دهند؛ قرآن را فرا می‌گیرند، تلاوت قرآن را می‌آزمایند، قرآن را حفظ می‌کنند. اینها البته هدف‌های برتر و نهایی نیست، هدف نهایی، فهم قرآن و عمل به قرآن است؛ اما اینها قدم‌های لازم ابتدایی است.

بیانات در دیدار اساتید، قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در سی و یکمین دوره

مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ۱۳۹۳/۰۳/۱۳

انس با قرآن بزرگ‌ترین نعمت الهی

اگر قرآن در جامعه رواج پیدا کند، رونق پیدا کند، حفظ قرآن رایج بشود، انس با قرآن در بین اقشار مختلف جامعه رواج پیدا بکند، جامعه برای عمل به قرآن نزدیک می‌شود؛ ما این را می‌خواهیم. قرآن نور است، قرآن هدایت است، قرآن بیان است، تبیان است؛ قرآن با انسان حرف می‌زند، با دل انسان حرف می‌زند، با باطن انسان حرف می‌زند. با قرآن باید مأнос شد، به قرآن باید نزدیک شد، اوّلین بھره را دل آماده و مستعد انسان می‌برد؛ اگر دیدید دلتان به قرآن نزدیک است، خدا را شکر کنید؛ اگر دیدید معارف قرآنی را به آسانی قبول می‌کنید و در دل می‌پذیرید و تحمل

می کنید، بدانید که خدای متعال اراده کرده است شما را هدایت کند؛ «فَمَنْ يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَ يَشْرَحْ صَدْرَةَ لِلإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدُ أَنْ يُضْلِلَ يَجْعَلْ صَدْرَةً ضَيْقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ». (انعام ۱۲۵) خاصیت قرآن این است: اگر دل شما به قرآن نزدیک شد، اگر انس با قرآن پیدا کردید، بدانید خدای متعال اراده کرده شما را هدایت کند و این بزرگترین نعمت الهی است.

بیانات در دیدار اساتید، قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در سی و یکمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم ۱۳۹۳/۰۳/۱۳

آثار و برکات انس با قرآن

به شما جوانان عزیز توصیه می کنم: انسان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند؛ آن کسانی که با تلاوت قرآن مأنس اند، این رشتہ مبارک را از دست ندهند، رها نکنند؛ آن کسانی که با قرآن مرتبطاند، تدبیر در قرآن را، تدبیر در معانی قرآن را، تعمق در مفاهیم قرآنی را، هدف خودشان قرار بدهند؛ اینها چیزهایی است که ما را قدم به قدم به قرآن نزدیک می کند. اگر با قرآن مأنس شدیم، به قرآن نزدیک شدیم، مفاهیم قرآنی در دل ما توانست اثر بگذارد، آنوقت می توانیم امیدوار باشیم که امت اسلام عزّت و عده داده شده از سوی خدای متعال را [به] دست خواهد آورد]: «وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ (منافقون ۸) این عزّت را آنوقت خدا به امت اسلامی خواهد داد. اگر با قرآن مأنس شدیم، آثار و برکات آن اینهاست.

بیانات در دیدار اساتید، قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در سی و یکمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم ۱۳۹۳/۰۳/۱۳

تحقیق وعده های کوچک برای اطمینان به تحقیق وعده های بزرگ

به نظر من [آیات قصص ۷ و ۱۳] آیات جالب و مهمی است. یک نکته‌ای در این آیات آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد - وجود دارد : «وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنَّ أَرْضَعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَالْأَقِيَهُ فِي الْيَمِّ ... إِنَّا رَأَدْوَهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ (قصص ۷) [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده «جاعلوه من المرسلين» است؛ یعنی آن وعده عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل متظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خدا است و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده دوّم را هم داد: «جاعلوه من المرسلين». یعنی این را ما از طرف خودمان می‌فرستیم، و او را همان مُرسَلی قرار می‌دهیم که بنا است آن وعده بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد. این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده نقد و نزدیک بود و آن، «إِنَّا رَأَدْوَهُ إِلَيْكِ» بود. در آیات بعدی ... می‌فرماید: «فَرَدَنَهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ (قصص ۱۳) اینکه ما بچه را به مادر برگردانیدیم، خب بله: «تَقَرَّ عَيْنُهَا» دارد، «وَ لَا تَحْزَنَ» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که: «وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم و گفتیم منجی را می‌فرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بنا است جامعه بنی‌اسرائیل را در مصر از استضعف خارج کند - وعده درستی است؛ دلش مطمئن بشود و خاطرجمع بشود. یعنی یک وعده کوچک از سوی پروردگار تحقیق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبیری از تحقق این وعده کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده بزرگ تحقیق پیدا خواهد کرد. آنچه از موقیت‌ها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمی‌برید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق

افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان در بین نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ کس تصوّر آن را نمی‌کرد! چه کسی خیال می‌کرد در این منطقه بسیار حسناًس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله با آن رژیم به شدت حمایت‌شونده از سوی قدرت‌های بین‌المللی، یک حکومتی به وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصوّری می‌کرد؟ هیچ کس. اگر کسی بگوید من می‌دانستم این جوری می‌شود، مگر از طرق غبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمی‌داد، اما این اتفاق افتاد. بدایم آن وعده اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد داشت. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد داشت.

بيانات در دیدار رئیس، مسئولان، اساتید، پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث» ۱۳۹۳/۰۳/۲۱

اندیشه‌ورزی در مفاهیم قرآنی کلید حل مشکلات جامعه اسلامی و بشر

در بارهٔ بعثت پیامبر سخنان گوناگونی قابل بررسی کردن و گفتن است؛ آنچه امروز برای ما مردم و برای دنیا اسلام لازم است و باید به آن توجه شود، دو سه نقطه اصلی است: یکی آن نقطه‌ای است که امیرالمؤمنین علیه الصَّلَاةُ و السَّلَامُ در خطبهٔ نهج البلاغه به آن اشاره فرمود که علّت بعثت پیامبر و پیامبران بزرگ الهی را این‌گونه معروفی کرده است: «لِيُسْتَأْذُو هُمْ مِيثاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذَكَّرُو هُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ ... وَ يُثِيرُوا أَهْمَمَ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»؛ (نهج البلاغه، خطبهٔ ۱) انسان‌ها را به فطرت انسانی و سرشت انسانیت که همراه با شرف و کرامت است برگرداند؛ نعمت‌های فراموش شده الهی را به یاد آنها بیاورند و خیر‌دهای دفن شده را مبعوث کنند.

انسان‌ها به برکت خیر است که می‌توانند پیام پیامبران را درک کنند؛ از مشکلات و دشواری‌های راه نورانی پیغمبران نهراستند و آنها را بتوانند پشت سر بگذارند. به برکت عقل و اندیشه و خیر است که بشریت می‌تواند از مفاهیم قرآن به درستی

استفاده کند. اگر جامعه اسلامی به همین یک دستور عمل کند، یعنی نیروی فکر را، به کارگیری اندیشه و خرد را در میان خود یک امر رایج و عمومی قرار بدهد، عمدۀ مشکلات بشر حل خواهد شد؛ عمدۀ مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد شد. امروز شما نگاه کنید، به نام اسلام در یک نقطه‌ای با انسان‌های بی‌گناه رفتار ظالمانه می‌کنند، در یک نقطه‌ای به خاطر اسلام مسلمانان را قتل عام می‌کنند. در آفریقا در یک مرکزی، در یک کشوری، کسی به خاطر مسلمان بودن مورد قتل و تجاوز و ظلم قرار می‌گیرد. در نقطه‌ای دیگری کسانی به نام اسلام دخترهای مردم را می‌دزدند و فرار می‌کنند؛ اینها به خاطر این است که پیام اسلام برای مسلمانان جا نیافتاده است. ما مسلمان‌ها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خرد خودمان و با راهنمایی اندیشه بشري و اسلامي، به اعماق تعاليم پیامبر اسلام و اين پیام‌ها برسیم. وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم، که قرآن کریم فرمود: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي أَتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْءَانَ مَهْجُورًا» (فرقان ۳۰) وقتی قرآن را مهجور کردیم، به مفاهیم قرآن درست نگاه نکردیم، آنوقت لغتش پیدا می‌کنیم، و نیروی خرد ما هم نمی‌تواند فهم درستی از مفاهیم قرآنی پیدا کند.

بيانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز بعثت پیامبر

اعلامیه
۱۳۹۳/۰۳/۰۶

نزدیک کردن جامعه اسلامی به فهم و انس با قرآن

کاری که قرآنی‌ها امروز در کشور ما می‌کنند، به نظر من یک کار راهبردی و مهم است. درست است که انس با قرآن برای خود تلاوت‌کننده قرآن و مأнос با قرآن مایه ارتفاع درجات و تعمیق معارف است - این به جای خود محفوظ؛ یعنی فیضی که خود شما خواننده قرآن و تالی قرآن می‌برید، این در جای خود دستاورده مهمی است - اما در ورای این یک دستاورده دیگری وجود دارد که دایره آن وسیع‌تر است، و آن عبارت است از نزدیک کردن جامعه اسلامی به فهم قرآن و به انس با قرآن، و نزدیک شدن به قرآن؛ این خیلی مهم است. امروز جامعه قرآنی ما، قاریان

و حافظان و ترتیل کنندگان و بقیه کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، در واقع این حرکت راهبردی را دارند انجام می‌دهند و این بسیار مهم است؛ این را باید قدر دانست.

بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

فواید و منافع انس با قرآن

نظام اسلامی و جامعه اسلامی با انس روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا می‌کند؛ و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راههای مطلوب خودشان و بهسوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود؛ این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل می‌شود. انس با قرآن ایمان را تقویت می‌کند، توکل به خدا را زیاد می‌کند، اعتماد به وعده الهی را زیاد می‌کند، ترس و خوف از مشکلات مادی را در انسان کم می‌کند، انسان‌ها را تقویت روحی می‌کند، اعتماد به نفس می‌دهد، راههای تقرب به خدا را برای انسان روشن می‌کند. فواید و منافع انس با قرآن در این بخش اینها است .

بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

مطلوب ما برای آحاد مردم درک مفاهیم و انس با قرآن

حقیقت این است که بحمدالله در این چند سال، جامعه قرآنی پیشرفت بسیار زیادی کرده است. ما این جلسه سالی یکبار را سال‌های متمادی است که داریم، و من پیشرفت محسوس انس با قرآن، تلاوت قرآن را در بین مردمان، جوانانمان و علاقه‌مندان و گسترش روزافزون این معنا را می‌بینم؛ بحمدالله این جای شکرگزاری دارد؛ ولی فاصله ما با آنچه مطلوب است، فاصله زیادی است. ... لکن در سطح عمومی جامعه نه، ما در حد مطلوب نیستیم و فاصله‌مان زیاد است. باید در کشور ما و در میان جامعه ما ترتیبی اتخاذ بشود که همه آحاد مردم به نحوی با قرآن

انس داشته باشند و مفاهیم قرآنی برای اینها مفهوم باشد و معانی قرآن را درک کنند، به قرآن مراجعه کنند؛ ولو به طور اجمال از مفاهیم قرآنی سر دربیاورند. باید به اینجا برسیم. در کشورهایی که زبانشان عربی است، این مرحله را آسان‌تر طی می‌کنند؛ در کشور ما که زبان ما عربی نیست، به این مرحله دشوارتر می‌رسیم، ولی خوشبختانه ... کلمات قرآنی، کلمات آشنایی برای ما است؛ فهمیدن معانی آنها برای مردم ما دشوار نیست و قدری انس و ممارست می‌تواند این چیزی را که مطلوب ما است، ان شاء الله در جامعه به وجود بیاورد.

بيانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

رسالت جوانان قرآنی

شما جوان‌های قرآنی و کسانی که در راه قرآن عمر خود را، سال‌های خود را، جوانی خود را، نیروی خود را مصرف می‌کنید، از خدای متعال شاکر باشید؛ این توفیق بزرگی است که خدای متعال جوانان را، نوجوانان را توفیق بدهد که اینها انس پیدا کنند با قرآن؛ راه قرآن را انتخاب بکنند. چنین چیزی در دوران‌های گذشته نبود؛ قرآن در بین جوانان رواج نداشت، ترویج نمی‌شد؛ امروز بحمدالله در بین جوان‌ها ترویج می‌شود؛ و شما جزو عوامل و تأثیرگذاران این ترویج هستید؛ این را قدر بدانید. و سعی کنند برادرانی که در زمینه قرآن فعالیت می‌کنند، در عمل هم: «کونوا دُعَاءُ النَّاسِ بِغَيْرِ أَسْتِنَتُكُمْ» (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹) [باشند]؛ نشان بدهنند که از لحاظ پاییندی به مقررات دینی، به ضوابط دینی جزو افراد برجسته هستند؛ این را نشان بدهنند تا تأثیر قرآن در عمل آنها خودش را نشان بدند؛ در مشایع عمومی، در سلوک، در بواطن، در ظواهر، ظواهر اسلامی؛ کیفیت برخورده، کیفیت اسلامی؛ اینها را مراعات بکنند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرَ اللَّهُ وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلَيَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُمْ زَادُتْهُمْ إِيمَانًا»؛ (الفلاح ۲) یک نشانی از این خصوصیات را برادرانی که با قرآن بیشتر مأнос هستند، نشان بدهنند. آنچه شما انجام می‌دهید - که امروز بحمدالله نشانه قرآنی، یک نشانه پر افتخاری است - برای جوان‌ها و برای نوجوان‌ها و برای مستمعین شما می‌تواند یک الگویی باشد؛ از شما یاد بگیرند.

سعی کنید چیزهایی را از شما یاد بگیرند که موجب نزدیکی آنها به خدا باشد.
بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

ماه رمضان، ماه تقابل رفتارهای شیطانی و رحمانی

در ادبیات مذهبی ما، ماه رمضان، ماه تقابل شیطان و رفتارهای شیطانی از یک سو، و رفتارهای رحمانی و اطاعت و عبودیت از سوی دیگر است. گفته می‌شود که شیطان در ماه رمضان لگام‌زده است - این از یک طرف - و گفته می‌شود که ماه رمضان، ماه اطاعت و عبودیت است، که کوتاه‌ترین کلمه و پرمغزترین کلمه، کلمه تقول است: «**كُبَّةٌ عَلَيْكُمُ الصَّيَّامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُّونَ**».(بقره ۱۸۳) مسئله، مسئله تقابل شیطان و تقابل تقول است. کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه شما - شیطان این است دیگر - نقطه مقابل، کارکرد تقول است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند . کار تقول نقطه مقابل است: «**إِن تَتَّقُّوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا**»،(انفال ۲۹) تقول به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را می‌دهد. در آیه شریفه دیگر [می‌فرماید]: «**وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمُكُمُ اللَّهُ**»؛ (بقره ۲۸۲) تقول موجب این است که خدای متعال دریچه‌های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

درس‌های ماه رمضان

خودباوری را فراموش نکنیم؛ ایمان را فراموش نکنیم؛ عمل را فراموش نکنیم؛ تسلیم تنبیلی و سهل‌انگاری و ملالت و دل‌زدگی نشدن را فراموش نکنیم؛ اینها درس‌های ماه رمضان است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

تهدید و تطمیع راه نفوذ شیطان در دستگاه محاسبه ما

کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه‌ی شما ... سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. ... تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه‌ی ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را می‌ترساند: آیه شریفه قرآن در سوره مبارکة آل عمران [می‌فرماید]: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أُولَيَاءَ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُتُمْ مُؤْمِنِينَ». (آل عمران ۱۷۵) در قضیه غزوه‌ای که بعد از أحد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدرتان درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ أحد زخمی شدند، همان‌ها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدام‌تان هم نیاید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم راه افتاد، کسانی که آن روز در أحد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه افتادند. رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند، به صورت غافلگیر کننده، تارومار کردند و برگشتنند: «فَانْقَبُوا بِنَعْمَةِ مَنَّ اللَّهُ وَفَضْلِ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءً»؛ (آل عمران ۱۷۴) بعد می‌فرماید که: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أُولَيَاءَ». (آل عمران ۱۷۵) (یکی از کارهای شیطان ترساندن است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»؛ (بقره ۲۶۸) شما را از فقر می‌ترساند - بنابر یک احتمال در معنای این آیه شریفه - این تهدید بود، از طرف دیگر تطمیع است؛ از سوی دیگر وعده می‌دهد شیطان، وعده‌های فربینده؛ اینجا هم آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «يَعِلَّهُمْ وَيَمْنَّهُمْ وَمَا يَعِلَّهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»؛ (نساء ۱۲۰) وعده می‌دهد، آرزوها را در دل آنها بیدار می‌کند، زنده می‌کند، یک آینده رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود می‌گذارد: «وَمَا يَعِلَّهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»؛ (نساء ۱۲۰) اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرت‌های استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید می‌کنند، از یک طرف تطمیع می‌کنند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛

تطمیع‌های کلی: «چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم»؛ بعد هم نمی‌کنند، دروغ می‌گویند؛ کار شیطان این است.

همه‌ی این کارهایی که شیطان انجام می‌دهد - این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبه غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب می‌شود .محاسبه غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرها است؛ گاهی حیات انسان را تهدید می‌کند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید می‌کند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سرینجه‌ی اراده‌ی او است، و اراده انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است: اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده انسان تصمیمی می‌گیرد و در جهتی می‌رود که خطای است؛ آنوقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطای کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

تفو، منشأ اثر در همه زمینه‌ها

خود را و همه‌ی ملت ایران را توصیه می‌کنیم به رعایت تقوای الهی. در همه‌ی زمینه‌ها این تقوا منشأ اثر است؛ از جمله در زمینه‌ی قضاؤت و عمل در مسائل مهم اجتماعی و بین‌المللی و مسائل مربوط به جهان اسلام و مسائل مربوط به انسانیت.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۹۳/۰۵/۰۷

توسعه سبک زندگی اسلامی

برادران عزیز، خواهران عزیز! هر کدام از این اعمالی که در ماه رمضان انجام دادید، یک عمل صالح و یک قطعه‌ای از بهشت بود. اینکه در دعای ماه مبارک رمضان از خدای متعال می‌خواهید که شما را فائز به جنت کند، معنای آن همین است که این اعمالی را که تجسم اخروی آن، بهشت موعود الهی است، نصیب شما بشود؛[اللَّهُمَّ ... هَذَا شَهْرُ الْعِقْدِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزُ بِالْجَنَّةِ].اقبالالاعمال، ج ۱، ص ۲۵]

و بحمدالله شد. قدر آنچه را که در ماه رمضان آموختید بدانید، و آن را برای خودتان نگه بدارید. آنچه انسان در این ماه رمضان، در میان این اعمال شخصی و عمومی و مردمی و اجتماعی مشاهده می‌کرد، اطعام مردم به صورت عمومی و به صورت افطاری ساده و همگانی در بین مردم ما بود که بحمدالله رایج شده است. سال گذشته از مردم عزیزان خواهش شد که تشریفات افطار را کم کنند، کمیت ضیافت‌شوندگان در افطار را افزایش بدهند؛ امسال در مراکز عمومی، در مراکز مقدس، در خیابان‌ها، در حسینیه‌ها، در جای جای کشور، خبرهایی که به ما رسید، نشان‌دهنده این بود که مردم همت کرده‌اند و این کار را توسعه داده‌اند. توصیه‌ی این حقیر این است که این جور چیزها را - که در شکل دادن به سبک زندگی اسلامی تأثیر می‌گذارد - هرچه بیشتر توسعه بدهید.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۹۳/۰۵/۰۷

فرصت عظیم، حج برای دل‌های آگاه و هوشیار

مسئله‌ی حج، مسئله‌ی مهمی است؛ غیر از آنچه در باب معنویات حج و آثار سازنده‌ی حج وجود دارد، خود این سفر معنوی، یک فرصتی است مثل بقیه‌ی فرصت‌های بزرگ. یک ملت، هوشیاری خود را باید این جور اثبات کند که از فرصت‌ها به نحو کامل استفاده کند و بهره‌مند شود. حج، یک فرصت است. نظام اسلامی، جامعه اسلامی، مردم مسلمان باید این فرصت را مغتنم بشمرند که برای اصلاح امور دینی و معنوی آنها، برای روشن کردن دل غافل همه‌ ما، و توجه دادن بیشتر جامعه اسلامی به الطاف الهی از یکسو، و برای اصلاح بسیاری از امور مهمه‌ امت اسلامی از سوی دیگر، این فرصت می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. از معنویت حج باید استفاده کرد؛ جایگاه انس با خدای متعال، ذکر خدای متعال، در احساس حضور در محضر الهی بیش از همیشه در مناسک حج فراهم است. در حرمين شریفین، در منی، در عرفات، در مشعر، در همین لیک گفتنهای، در احرام بستن، اینکه انسان احساس می‌کند که دارد به دعوت الهی لیک می‌گوید و پاسخ می‌دهد، خود یک فرصت عظیمی است برای دل‌های آگاه و هوشیار که رابطه

خودشان را با خدای متعال مستحکم‌تر کنند. دل‌های خودمان را با خدا آشناز کنیم؛ این یک فرصت بسیار مهمی است.

بیانات در دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران حج ۱۴۹۳/۰۶/۱۶

پیام به بیست و سومین اجلاس سراسری نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

سالیان درازی است که همت و انگیزه‌ای مبارک، همه ساله، دل‌ها و ذهن‌ها را در سراسر کشور با این اجلاس، به اندیشیدن درباره نماز بر می‌انگیزد و نکته‌ها و یادآوری‌ها و هشدارهایی درباره این فریضه بی‌همتای اسلامی و این استوانه استوار دین و دینداری، در فضای جامعه می‌پراکند. این، توفیقی بزرگ برای شما برگزارکنندگان و موهبتی از سوی خداوند برای ما شنوندگان و نیوشنندگان است. اکنون نوبت آن است که محصول این تلاش ارزشمند، در ترازوی نگاهی واقع‌بین، سنجیده شود؛ چه در رفتار مخاطبان که به گزاردن نماز و سبک نشمردن آن فراخوانده شده‌اند، به ویژه جوانان و نو رسیدگان؛ و چه در مواظیت بر کیفیت نماز و خشوع و حضوری که روح و جوهر این عمل صالح رحمانی به شمار می‌رود؛ و چه در مسئولیت‌شناسی کسانی که به وظائفی در این راه موظف گشته‌اند، همچون ساختن و پرداختن مساجد، یا ترتیب دادن نماز در مدارس و دانشگاه‌ها، یا فراهم آوردن فرصت برای نمازگزار در سفرهای زمینی و هوایی، یا در بهره‌گیری از شیوه‌های هنری در ترویج نماز در رسانه‌های تصویری و صوتی، یا در تولید مقاله و کتاب در تبیین زیبایی‌های این عمل کوتاه و پر مغز...؛ و چه در زمینه‌های دیگری که وظائفی در آنها بر عهده مسئولانی نهاده شده است.

اجلاس نماز، اقدامی مبارک و کارساز و بی‌شک، مأجور است. لیکن برای اینکه این کار ارزشمند، هر چه بیشتر به نقطه کمال کارایی نزدیک شود، باید به این سنجش و محاسبه واقع‌بین و خردمندانه، همت گماشت و پیگیری نتائج را بخش مهمی از

این ابتکار دانست.

توفیق همه شما به ویژه روحانی عزیز و گرانقدر حجت‌الاسلام جناب آقای قرائتی
رااز خداوند بزرگ مسالت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای

۹ دی ۱۳۹۳

ضرورت شناخت دین اسلام به طور مستقیم و بدون واسطه

جوانان در اروپا و آمریکای شمالی ... خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین [اسلام] به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لاقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد؟ من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید. بلکه می‌گوییم: اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اوّل آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن اللهم آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم: آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام صلوات الله عليه و آله و سلم آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که: همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متتمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهنه و سخيف، بین شما و واقعیت، سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچکس

به صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، اما هر یک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است، اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنگکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزردگی کمتر و وجودانی آسوده‌تر به نگارش درآورند. نامه‌هبری به جوانان اروپا و آمریکای شمالی در پی حادث اخیر فرانسه ۱۳۹۳/۱۱/۰۱

ضرورت دریافت و رساندن پیام شهیدان

در مورد شهید خدای متعال می‌فرماید که اینها زنده‌اند: «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فَى سَيْلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ».(بقره ۱۵۴) «وَ لَا تَحْسَنَ الَّذِينَ قُتُلُوا فِي سَيْلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا إِلَّا حَيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» فَرِحِينٌ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.(آل عمران ۱۶۹ - ۱۷۰) اینها آیات قرآن است؛ اینها صریح در یک معارفی است که از این معارف هیچ مسلمانی نمی‌تواند چشم بپوشد. هر کسی به اسلام و به قرآن اعتقاد دارد، این معارف بایستی جلوی چشمش باشد. این آیه شریفه قرآن می‌گوید اینها زنده‌اند؛ حیات اینها یک حیات واقعی است، یک حیات معنوی است و نزد خدای متعال مرزوقداند؛ یعنی دائم تفضلات الهی دارد به اینها می‌رسد؛ فَرِحِينٌ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.(آل عمران ۱۷۰) آن طرف مرز زندگی و مرگ، چه خبر است؟ انسان‌ها از آن عالم و نشئه مجھول، چه می‌دانند؟ در مورد شهدا می‌دانیم که اینها خرسندند، خوشحال‌اند، مسرورند؛ فَرِحِينٌ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. بعد از این بالاتر: «وَ يَسْتَبَشِرونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ»؛(آل عمران ۱۷۰) یعنی با ما دارند حرف می‌زنند، خطاب می‌کنند به ما:

«الا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُون». (آل عمران ۱۷۰) خیلی مهم است؛ این گوشی که بتواند ندای ملکوتی شهدا را بشنود، این گوش را باید در خودمان به وجود بیاوریم. آنها دارند به ما بشارت می‌دهند، مژده می‌دهند، خوف و حزن را نفی می‌کنند: «الا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُون». ما بر اثر ضعف‌های خودمان، دچار خوف می‌شویم، دچار حزن می‌شویم؛ اینها به ما می‌گویند که: شما خوف ندارید، حزن ندارید یا در مورد خودشان می‌گویند: یا در مورد ما – بنابر اختلافی که حالا در تفسیر این آیه شریفه ممکن است مطرح بشود – خوف و حزن را برمی‌دارند؛ چه در این نشه، چه در آن نشه. برای یک ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد، دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند؛ این پیام شهداست به ما؛ که باید این پیام را شنید.

شما با این جلسات، با این اجتماعاتی که تشکیل می‌دهید، موظف‌اید این پیام را به گوش‌ها برسانید. ... وقتی جلسه‌ای تشکیل می‌شود در بزرگداشت شهیدان، آنها یعنی که شرکت می‌کنند در این جلسه، هرچه دارای ارج و مقام باشند، بیش از آنچه آنها به آن جلسه برکت و فایده و عظمت بدهند، آن جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت می‌دهد؛ واقع قضیه این است. کاری کنید که این جلسات، این برکات را داشته باشد؛ اینها را گسترش بدهد، این فرهنگ را در جامعه گسترش بدهد.

بيانات در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجو» و «کنگره شهدای هنرمند» ۱۳۹۳/۱۱/۲۷

حقیقت نظام اسلامی

نظام اسلامی که ما مدعی آن هستیم و دنبال آن هستیم – حالا نظام اسلامی به معنای مجموعه ظرفیت‌هایی است در کشور که حرکت عمومی مردم را و مسئولین را شکل می‌دهد؛ به این می‌گوییم نظام؛ همه ظرفیت‌هایی که موجب حرکت عمومی مردم و مسئولین می‌شود، مجموع اینها، نظام اسلامی است – وقتی این نظام واقعاً اسلامی است که در آن همه اجزای اسلام محفوظ باشد و صورت و سیرت اسلام در آن

حفظ بشود. صورت اسلام، همین حرف‌های ما و اظهارات ما و کارهایی که می‌کنیم و این ظواهر امر است؛ سیرت اسلام، این است که ما یک هدفی را، یک آرمانی را، یک سرمنزلی را در نظر بگیریم و تعریف کنیم و برای رسیدن به آن سرمنزل، برنامه‌ریزی کامل کنیم، و در این راه عمل کنیم، حرکت کنیم، با همه وجود راه بیفتیم؛ آنوقت در آن صورت، سیرت اسلامی هم، هم، محفوظ خواهد ماند، هم رو به کمال خواهد رفت؛ یعنی در یک حد هم متوقف نمی‌ماند؛ خب! این برنامه‌ای است که ما برای رسیدن به آن اهداف، به آن احتیاج داریم.

بيانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

دین حدائقی از منظر اسلام

دین حدائقی و اكتفای به حدائق‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به عنوان دین حدائقی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعددی اكتفای به بعضی از تعالیم دینی دون(منهای) بعضی، مذمت شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ»(حجر ۹۱) همانا که قرآن را جزء کردند، به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند. یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُؤمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكَفِّرُ بِبَعْضٍ»(نساء ۱۵) «وَمَیْگُویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم.» که مربوط به منافقین است، اشاره به همین است. حتی برخی از بخش‌های دین که خیلی برجسته است - مثل اقامه قسط - هم کافی نیست که انسان دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه قسطیم و اقامه قسط خواهیم کرد، پس اسلام تحقق پیدا کرد؛ نه! این نیست. بله مسلمًا اقامه قسط در جامعه، یک قلم مهم است. از این آیه شریفه در سوره مبارکه حديد، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا إِلَيْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»(حديد ۲۵) «براستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برسانند.» این جور به نظر می‌رسد در بادی(ابتدا) امر، که هدف از ارسال رسول و انزال کتب

و معارف الهی، اقامه قسط است که حالا این جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هرجور معنا کنیم - چه به این معنا بگیریم که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی «لِيَقِيمَ النَّاسُ الْقِسْطَ» که مثلاً «باء تعديه» بگیریم، که این وظیفه مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه قسط کنند؛ یا نه! «باء تسبیب» که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِسَبَبِ الْقِسْطِ»، یعنی با قسط با مردم [رفتار کنیم]؛ هرکدام از این دو معنای احتمالی دیگری که وجود دارد، اگر در نظر گرفته بشود - اهمیت اقامه قسط را در جامعه روشن می‌کند. لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدس از ما قبول می‌کند که ما مثلاً اکتفا کنیم به اقامه قسط و همه همت خودمان را بگذاریم برای اینکه اقامه قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام - مثلاً - مورد بی توجّهی قرار بگیرد؛ نه! آیه شریفه می‌فرماید که: «أَلَّذِينَ إِنْ مَكَّنُوهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكُوْةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَا عَنِ الْمُنْكَرِ». (حج ۴۱) همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند. یعنی انتظاری که خدای متعال از ممکنین در ارض دارد، اینها است که اوّلش: «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، بعد: «وَآتُوا الزَّكُوْةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج ۴۱) ... و فرجام همه کارها از آن خدا است» [است]. این جور نیست که اگر ما به قسط توجه می‌کنیم، حق داشته باشیم که از اقامه صلات و اهمیت دادن به صلات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم، بلکه «أَنِ اعْبَلُوا اللَّهَ وَاجْتَبَلُوا الطَّاغُوتَ» (نحل ۳۶) «خدا را پیرستید و از طاغوت بپرهیزید» - که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیتی که خدای متعال در آن آیه شریفه سوره شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیه کرده است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينُ»؛ (شوری ۱۳) «دین را برپا دارید». آنکه مورد نظر است، اقامه دین است؛ یعنی همه دین را باید اقامه کرد؛ «وَلَا تَنْفَرُوا فِيهِ كَبَرَ عَلَى المُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَعْلَمُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ»؛ (شوری ۱۳)

«و در آن تفرقه اندازی نکنید. بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرامی خوانی، گران می‌آید. خدا هرکه را بخواهد، به سوی خود برمی‌گزیند، و هرکه را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می‌نماید.» یعنی همه دین – همه اجزا و همه ارکان دین – مورد توجه است، و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد – یعنی اقامه دین به‌تمامه، به‌جمعیع اجزاء، به‌کله – عبارتد از قدرهای عالم، مستکبران عالم؛ «كَبَرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»؛ (شوری ۱۳) آنچه تو به آن دعوت می‌کنی، برای مشرکین [گران است]؛ یا در آیه شریفه در اول سوره مبارکه احزاب؛ «يَا يَهُوَ النَّبِيُّ أَتَقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعُ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»؛ (احزاب ۱) «ای پیامبر، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر، که خدا همواره دانای حکیم است.» یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطه علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات، و هم حکیم است؛ با حکمت، راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی . «وَ أَتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ مِنْ رِبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا * وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَ كِيلًا»؛ (احزاب ۲ و ۳) «و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه می‌کنید، آگاه است. و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهبان [تو] است.» در مقابله با این حرکت تو، دشمنی وجود خواهد داشت. ... چیزی که گاهی از آن در برخی از گفتہ‌ها و نوشته‌ها تعبیر می‌شود به دین حدائقی؛ یعنی کاستن از آرمان‌ها که به معنای نابودی سیرت دین است. این دین حدائقی یعنی در واقع دین را حذف کردن.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

وظیفه‌ی ما تحقیق اسلام کامل

در همه کارهایی که ما داریم، در همه تلاش‌هایی که می‌کنیم، چه تصمیم‌هایی که در مسائل اقتصادی می‌گیریم، چه در مسائل فرهنگی، ... ما باید این اصل را از یاد

نبریم که وظیفه ما تحقیق بخشیدن به اسلام به کامله است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم. این جور نباشد که از آرمان اسلام بکاهیم به خاطر اینکه مثلاً در فلان قضیه موفق بشویم؛ نه! موفقیت ما، پیشرفت ما وابسته به این است که انساء الله بتوانیم [اسلام کامل را محقق کنیم]. اگر این جور شد، خدای متعال هم کمک خواهد کرد، و نصرت الهی قطعاً و یقیناً و بدون هیچ تردیدی متوقف به این است که ما دین خدا را نصرت کنیم.

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ»؛(محمد ۷) «اگر خدا را یاری کنید، یاری تان می کند». دیگر صریح‌تر از این و واضح‌تر از این، حرفی وجود ندارد؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» یعنی دین خدا را نصرت کنید؛ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يَبْشِّرُ أَقْدَامَكُمْ»؛(محمد ۷) «وَ گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»، «وَ لَيَنْصُرُنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُه»؛(حج ۴۰) «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد.» اینها دیگر چیز‌های مؤکدی است که وعده‌های الهی است؛ باید به این وعده‌های الهی بی‌توجه بود؛ «أَلَّا ظَانَّ

بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ»؛(فتح ۶) «به خدا گمان بد برده‌اند.» اینکه واقعاً انسان وعده خدا را غیر قابل تحقیق بداند، بدترین سوء‌ظن به خدای متعال است که خدای متعال در سوره مبارکه آنافت‌حن، آن کسانی را که این جور حرکت می‌کنند، مورد غضب خود دانسته است. (فتح ۶) «و [تا] مردان و زنان نفاق پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، بد زمانه بر آنان باد و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و چه بد سرانجامی است» امیدواریم خداوند متعال به شما و به ما توفیق بدهد که بتوانیم آنچه را وظیفه ماست در این زمینه، انجام بدھیم و برکات الهی را که ناشی از این جور حرکت کردن است، انساء الله شامل حال خودمان، کشورمان، ملتمنان قرار بدھیم.

بيانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

ضرورت پرهیز از انحراف و خرافه‌گویی

پرهیز از انحراف، پرهیز از خرافه‌گرایی، پرهیز از مشکل تراشی در عقاید جوان‌ها؛ گاهی ما یک کلمه‌ای می‌گوییم که یک گرهی در ذهن جوان مخاطب ما به وجود

می آید؛ این گره را چه کسی می خواهد باز کند؟ این گرهی را که ما با بیان ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی توجهی و بی مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان به وجود می آوریم و عقیده او را دچار مشکل می کنیم، این گره چگونه باز خواهد شد؟ اینها مسئولیت است. اینکه ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهداء ﷺ را - که عظمت او به خاطر شهادت است، عظمت او به خاطر فداکاری در راه خدا است، عظمت او به خاطر گذشت است؛ گذشت از همه چیز، از همه خواسته‌ها، از همه مطلوب‌ها - تبدیل کنیم به یک نقطه سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟ این صدای خوش نعمت است؛ این توانایی اداره مجلس نعمت است؛ اینها چیزهایی است که خدا به همه نداده است، به شما داده؛ باید این نعمت‌ها را شکر بگزارید. بنابراین من جامعه مذاх را از ته دل دوست می دارم؛ برایتان دعا می کنم؛ خداوند ان شاء الله به شما توفیق بدهد، به شما کمک کند؛ اما این را هم عرض می کنم که انتظارات از جامعه مذاخ، امروز در جامعه ایرانی و در کل نگاه منطقه‌ای، انتظار بالایی است.

بيانات در دیدار جمعی از مذاhan اهل بیت ﷺ ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

چهار شاخص نظام‌سازی اجتماعی اسلام

بحث را با یک تأمل قرآنی آغاز می کنم. خداوند متعال برای آن کسانی که وعده نصرت داده است، شرطی مقرر فرموده است: «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»؛ (حج ۳۹) «وَالْبَتَّهُ خَدَا بِرِّ پِرْزِي آنَانِ سُخْتَ تُوانَا اسْتُ». «الَّذِينَ إِنْ مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكُوَةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». (حج ۴۱) «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند، و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امیدارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و فرجام همه کارها از آن خدا است.» خداوند متعال، چهار شاخص را در این آیه

شریفه برای آن مؤمنانی که قدرت در اختیار آنها قرار می‌گیرد و از زیر سلطه قدرتمدان جائز خارج می‌شوند، معین کرده و وعده کرده است که: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ أَقْدَيْرُ»؛ خدای متعال قادر است که یک چنین ملتی را نصرت کند و یقیناً هم نصرت خواهد کرد. از این چهار شرط، یکی نماز است، یکی زکات است، یکی امر به معروف است و دیگری نهی از منکر. هر کدام این چهار خصوصیت و چهار شاخص، یک جنبهٔ فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبهٔ اجتماعی و تأثیر در نظامسازی اجتماعی [هم] دارند.

۱- نماز با آن همه راز و رمزی که در حقیقت نماز نهفته است که معراج هر مؤمن است، «فَرَبَانُ كُلَّ تَقْيَى» (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۰)؛ «نماز تقرّب هر پرهیزکار است». است، وسیلهٔ فوز و سعادت است، از همه اعمال برتر و بالاتر است، حتی نماز دارای جنبهٔ اجتماعی هم هست. جنبهٔ اجتماعی نماز این است که یکایک مسلمانان به وسیلهٔ نماز با یک مرکز واحدی در تماس می‌شوند. در آن واحد در وقت نماز، همه مسلمانان در همه نقاطی که دنیا اسلام گستردۀ است، دل را به یک مرکز واحدی متصل می‌کنند؛ این اتصال همه دل‌ها به یک مرکز واحد، یک مسئلهٔ اجتماعی است، یک مسئلهٔ نظامساز است، معین‌کنندهٔ و شکل‌دهندهٔ هندسه نظام اسلامی است.

۲- زکات که دارای جنبه‌های فردی است و گذشت و اعطای «ما يحب» را به انسان می‌آموزد که خود این یک تجربه و آزمون بسیار مهم است، اما یک ترجمان اجتماعی دارد؛ زکات در استعمالات قرآنی، به معنی مطلق انفاقات است اعم از زکات مصطلحی است که در آیهٔ شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه ۱۰۳) از اموال آنان صدقه‌ای بگیر. به آن اشاره شده است؛ زکات یعنی مطلق انفاقات مالی، [اما] جنبهٔ اجتماعی و ترجمان اجتماعی نظامساز زکات این است که انسانی که در محیط اسلامی و جامعهٔ اسلامی، برخوردار از مال دنیوی است، خود را متعهد می‌داند، مديون می‌داند، طلبکار نمی‌داند، خود را بدھکار جامعهٔ اسلامی می‌داند؛ هم در مقابل فقرا و ضعفا، هم در مقابل سبیل الله؛ بنابراین، زکات با این نگاه، یک حکم

و شاخص نظامساز است.

۳۰۴- و اما امر به معروف و نهی از منکر که در واقع به نوعی زیربنای همه حرکات اجتماعی اسلام است که: «بِهَا تُفَاضِّلُ الْفَرَائِضُ»؛(کافی، ج ۵ ، ص ۵۶)؛ «بَا آن همۀ فرائض و واجبات برپا می شود.» امر به معروف یعنی همه مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظف‌اند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه کارهای نیکو حرکت دهند؛ و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتهای دور بدارند. هر کدام از این چهار شاخص، به‌نحوی ترجمان ساخت و هندسه نظام اسلامی است.

در حاشیه عرض بکنیم که این معنای مهم امر به معروف و نهی از منکر را باید به مسائل زیر نصاب اهمیت منحصر کرد؛ بعضی تصوّر می‌کنند: امر به معروف و نهی از منکر منحصر می‌شود به اینکه انسان به فلاں زن یا فلاں مردی که یک فرع دینی را رعایت نمی‌کند، تذکر بدهد؛ البته اینها امر به معروف و نهی از منکر است اما مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر نیست. مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از امر به بزرگ‌ترین معروف‌ها و نهی از بزرگ‌ترین منکرهای بزرگ‌ترین معروف‌ها در درجه اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف است؛ حفظ عزّت و آبروی ملت ایران، بزرگ‌ترین معروف است. معروف‌ها اینها هستند: اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی؛ مهم‌ترین معروف‌ها

اینها است و همه موظف‌اند در راه این معروف‌ها تلاش کنند؛ امر کنند. نقطه مقابل اینها هم عبارت است از :منکرها. ابتدا اخلاقی منکر است، کمک به دشمنان اسلام منکر است، تضعیف نظام اسلامی منکر است، تضعیف فرهنگ اسلامی منکر است، تضعیف اقتصاد جامعه و تضعیف علم و فناوری منکر است؛ از این منکرها باید نهی کرد. اوّلین آمر به معروف هم خود ذات مقدس پروردگار است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»؛ (نحل ۹۰) «در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد.» خدا آمر به معروف و ناهی از منکر است؛ معروف‌ها هم مشخص شده است، منکرها هم معلوم شده است. وجود مقدس پیامبر معظم اسلام ﷺ از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است؛ آیه قرآن [می‌فرماید] «يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ (اعراف ۱۵۷) «همان پیامبری که】 آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد.» ائمه علیهم السلام بزرگ‌ترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند؛ در زیارت می‌خوانید: «أَشَهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقْمَتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَوةَ وَأَمْرَتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ (کافی، ج ۴ ، ص ۵۷۰) «شهادت می‌دهم که نماز را به پا کردنی و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر کردی.» مؤمنین و مؤمنات در هر نقطه‌ای از جهان اسلام آمران به معروف‌اند که فرمود: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمُ أَولَيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكُوَةَ»؛ (توبه ۷۱) «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بربا می‌کنند و زکات می‌دهند.» اینها، چهار پایه اصلی برای نظام‌سازی است که از هرکدام از اینها، شاخه‌هایی منشعب می‌شود. نظام اسلامی متکی است به اقامه صلات، ایتاء زکات، امر به معروف، و نهی از منکر؛ یعنی انسجام و ارتباط اجتماعی و قلبی میان آحاد مردم در نظام اسلامی.

بیانات در حرم مطهر رضوی در اوّلین روز سال ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

ضرورت انس با قرآن و فراگیری معارف قرآنی

این اجتماع قرآنی هرساله ما، بحمدالله اجتماع موققی است. به تدریج قرآن در جامعه ما حیات مجدد خودش را پیدا کرده است. علاقه‌مندان به قرآن، متمنکین به قرآن، کسانی که با قرآن خود را مأнос می‌کنند، روزبه روز بحمدالله در جامعه ما گسترش پیدا می‌کنند. اینکه می‌بینید ما اصرار می‌ورزیم بر حفظ قرآن، بر تلاوت قرآن، ایراد نکنند که اینها اصل نیست؛ ما هم می‌دانیم اصل نیست اما اینها وسیله است؛ بدون این وسائل نمی‌شود به قرآن نزدیک شد. کسی که با معارف قرآن آشنا نیست، در قرآن تدبیر نمی‌کند، با قرآن مأнос نیست، چطور می‌تواند در یک جامعه‌ای که می‌خواهد براساس قرآن حرکت کند، راهنمایی بدهد؟ روشنفکرهای ما باید با قرآن آشنا بشوند، جوانان ما باید با قرآن آشنا بشوند، انس با قرآن را زیاد کنند. وقتی این ذهن، ظرف معارف قرآن شد، آنوقت «از کوزه، برون همان تراوید که در اوست». وقتی ذهن غنی شد از معارف قرآنی، اثر خودش را در زبان، در عمل، در تصمیم‌گیری، در رفتار نشان خواهد داد؛ این آن هدفی است که باید ما دنبال بکنیم. مسئولین کشور به مسئله قرآن همچنان با جدیت بپردازند؛ این مسئله را کوچک نگیرید. شما جوان‌های عزیزی که در صراط آموختن قرآن و تلاوت قرآن و انس با قرآن هستید، این راه را به‌طور جلدی پی بگیرید و دنبال کنید. قرآن، آینده را برای ما روشن می‌کند؛ قرآن، راه مستقیم و صراط مستقیم را برای ما آشکار می‌کند، ما را سعادتمند می‌کند.

بيانات در دیدار شرکت‌کنندگان درسی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن

کریم ۱۳۹۴/۰۳/۰۲

درس‌های همیشگی بعثت

بعثت، عیدی برای همگان است و نه فقط برای مسلمانان. جشن بعثت و بزرگداشت روز بعثت در واقع عمدتاً برای این است که مضمون بعثت را

بازخوانی کنیم و از آن درس بگیریم؛ هدف این است. ما به درس‌های بعثت برای همیشه نیازمندیم؛ بعثت فقط یک حادثه تاریخی برای یک برهه معینی از زمان نبود؛ برای همه دوران تاریخ است.

آنچه من امروز به طور کوتاه از این مجموعه عظیم درس‌های بعثت می‌خواهم انتخاب و عرض بکنم، این است که بعثت، برای مقابله با «جاهلیت» آمد. جاهلیت در ادبیات اسلامی، دوران قبل از طلوع نبوت پیامبر مکرم است. نباید تصوّر کرد که این جاهلیت، مخصوص جزیره العرب و عرب‌های مکه و حجاز و بقیه نقاط بود؛ نه! آن جاهلیت، عمومیت داشت؛ ایران آن روز هم غرق در جاهلیت بود، امپراتوری روم آن روز هم غرق در جاهلیت بود؛ اسلام و بعثت پیامبر برای مقابله با همه این جاهلیت پدید آمد. جاهلیت فقط به معنای فقدان علم نیست؛ در تعبیرات اسلامی و در ادبیات اسلامی، جاهلیت معنای بسیار وسیع تری دارد؛ بخشی از جاهلیت، فقدان علم و نداشتن علم است اماً جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این می‌شود جاهلیت. جاهلیت یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تمایلات شهوي و غضبي عمدتاً فرمانروایان خود به شکلی دربیايد که فضائل در آن گم بشود و رذائل حاکم بشود؛ این می‌شود جاهلیت.

یک عرصه وسیعی از گمراهی در زندگی مردم جاهلی وجود داشت: از یک طرف مهارگسیختگی شهوت نفسانی، شهوت جنسی و امثال آن – حالاً شما همین محیط جزیره‌العرب را نگاه کنید؛ بقیه محیط‌ها هم همین جور بود؛ به شکل مهارگسیخته‌ای غرق در شهوت بودند و هر کسی می‌توانست، شهوت رانی می‌کرد – و از آن طرف، همین انسان‌های تابع شهوت خود، در مقام قساوت و ویرانگری و خون‌ریزی، باز تا نهایت حدّمرزی که قابل تصور است می‌رفتند، یعنی کودکان خودشان را می‌کشتند؛ «قد خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ»(انعام ۱۴۰) – کسانی که اولاد خود را به قتل می‌رسانند – «سَفَهَّا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛(انعام ۱۴۰) این از روی سفاهت است؛ این سفاهت همان جاهلیت است. قساوت تا اینجا می‌رسد که کودک مردم که هیچ، زن و بچه

بی‌گناه دیگران که هیچ، بر فرزند خود هم ترجم نمی‌کند! این می‌شود جاهلیت. از آن طرف شهوت، از این طرف غضب؛ آنوقت محیط زندگی، اسیر این دو احساس سرکشی بی‌مهر قرار می‌گیرد. اسلام آمد این وضعیت را دگرگون کند. البته عیناً همین در دربارهای ایران ساسانی هم بود، در دربارهای امپراتوری روم هم بود، در بقیه جاهایی هم که امپراتوری‌ها و دربارها و حکمرانی‌های ظالمانه و طاغوتی بود، وجود داشت. اسلام در مقابل همه این واقعیت رشت قد برافراشت: «للعلَّمِينَ نَذِيرًا»؛ (فرقان ۱) همه جهان را مخاطب هشدار خود قرار داد؛ این پیام اسلام است. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت

سالروز بعثت پیامبر اکرم ﷺ ۱۳۹۴/۰۲/۲۶

عزم قرآنی، راه نجات از چنبره جاهلیت

نگذاریم جاهلیت، خود را بر جوامع ما و بر زندگی ما تحمیل کند؛ که کرده است. امروز دنیای اسلام در چنبره فشار نظام‌های جاهلی رنج می‌برد و درد می‌کشد. امروز دنیای اسلام دچار ضعف است، دچار فقر است، دچار اختلاف است، دچار جنگ‌های داخلی است، دچار مصرف کردن منابع و نیروهای عظیم درونی خود علیه خود است. این را بر دنیای اسلام تحمیل کرده‌اند؛ قرآن می‌خواهد ما را از فشار این تحمیل‌ها خارج کند؛ باید به اینجا برسیم. قرآن را فرا بگیریم، با قرآن اُنس بگیریم، در مقابل قرآن تسلیم باشیم، برای حرکت به سمت اهداف قرآنی عزم و اراده به خرج بدھیم؛ آنوقت می‌توانیم. اگر یک قدم جلو برویم، خدای متعال به ما نیروی مضاعف می‌بخشد. این آن چیزی است که امروز ملت‌های مسلمان باید این را بفهمند؛ باید این را درک کنند؛ یک قدم برداریم، تجربه کنیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان درسی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن

کریم ۱۳۹۴/۰۳/۰۲

آداب و شرایط تلاوت قرآن

این همه تأکید بر اینکه قرآن را با صوت خوش بخوانند و با آداب بخوانند و با الحان مطلوب بخوانند، برای این است که مفاهیم قرآن در دلها اثر کند، با قرآن انس بگیریم، به رنگ قرآن و به خلق قرآن و به شکل قرآن در بیاییم. اگر این مقصود است، پس یک شرایطی دارد، یک آدابی دارد.

۱- [توجه به مفاهیم قرآن]: اولین ادب، این است که خواننده قرآن و تلاوتگر قرآن، با اذعان به قرآن، با باور مفاهیم قرآن، باور آن مفاهیمی که دارد تلاوت می کند، تلاوت کند. اگر ندانیم چه داریم می خوانیم، مفهوم را درک نکنیم، در عمق جانمان اثر نداشته باشد، آن وقت تأثیر تلاوتمن بر روی دیگران و بر روی خودمان کم خواهد بود؛ این شرط اول است.

من خواهشم از قراء محترم و اساتید و خوانندگان قرآن، این است که به این نکته توجه کنند؛ آن آیاتی را که می خواهند تلاوت بکنند، این آیات را در ذهنشان مرسور کنند، در آنها تدبیر کنند، اعماق این مفاهیم را به درستی در دل خود و در باور خود ثبت کنند؛ با این روحیه، با این زمینه، با این آمادگی تلاوت کنند؛ این تلاوت تا اعماق جان مخاطب اثر خواهد کرد... .

۲- همراهی با اصوات خوش ذات ایرانی]: شما می خواهید با تلاوتتان، مفاهیم قرآنی را به مستمع القاء کنید. درست است که غالب مستمعین شما عربی و زبان قرآن را نمی دانند، اما معجزه قرآن این است که اگر با همین وضعیت هم - در حالی که آنها نمی دانند - این آیات را با عمق جان و با شرایط القاء کنید.

مفاهیم ولو به نحو اجمال به ذهن ها منتقل خواهد شد. خب! این طبعاً شرایطی دارد. بعضی از اصوات شما انصافاً اصوات خوش ذات، خوش جنس و دارای شرایط خوب یک صدای برجسته است که این را باید همراه کرد با شرایط تلاوت.

۳- [تکیه بر کلمات خاص]: ... از شرایط تلاوت این است که این آیه قرآن را که تلاوت می کنید، بر روی نکاتی که در حال عادی اگر بخواهید آن را تفهیم کنید، روی آن تکیه می کنید، بر روی این نقاط حتماً تکیه کنید. اگر بخواهم تشییه بکنم، به این آقایان مدائی که شعر فارسی را می خوانند، می بینید هر کلمه‌ای را، هر

مقصودی را که از یک جمله‌ای یا از یک کلمه‌ای یا از یک فقره‌ای مطلوب است، جوری ادا می‌کند که آن مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند. در حرف زدن عادی هم همین جور است. به شکل عادی هم که شما صحبت می‌کنید، آن کلماتی را که مفاهیم آنها از نظر شما یک برجستگی دارد – کلمات حامل آن مفاهیم را – با تکیه خاص ادا می‌کنید؛ قرآن را این جوری باید بخوانید؛ بر روی کلمات خاص تکیه کنید؛ جملات و فقرات را آنچنان که مضمون و معنای آن در ذهن مخاطب بنشیند ادا کنید؛ تعبیر خوب، ادای خوب. گاهی لازم است برای اینکه مطلب در ذهن مخاطب مستقر بشود، آن جمله تکرار بشود؛ این تکرار را بکنید. ... یک جاها یعنی تکرار لازم است، حتی است با یک بار خواندن، معنا منعکس نمی‌شود و باید آن را تکرار کرد؛ دو بار، سه بار، گاهی آیه را باید تکرار کرد، گاهی دو آیه و سه آیه را باید تکرار کرد. مقصودم این نیست که در این زمینه افراط انجام بگیرد. ... اما تکرار به قدری که این مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند، لازم است. گاهی اوقات انسان احساس می‌کند که قاری مثل اینکه همین طور یک کتابی را گرفته و دارد می‌خواند، عبارت را می‌خواند و دنبال می‌کند؛ این خوب نیست؛ مطلوب نیست. شما باید مفهوم را منتقل کنید و منعکس کنید به ذهن مخاطب؛ این گاهی با تکرار است، گاهی با تکیه است، گاهی با تکیه بر روی یک جمله است، گاهی تکیه یک کلمه است؛ این کار باید انجام بگیرد.

۴- رعایت موازین لحن: البته این الحان عربی، الحان قرآنی برای مردم ما و خوانندگان ما بیگانه است، اینها الحان مأنوسی نیست.

لذا شما می‌بینید شعر فارسی را که می‌خواند، با آهنگ مناسب خودش می‌خواند؛ اگر همین آدم بخواهد یک شعر عربی را یا یک جمله عربی را بخواند، ممکن است نتواند آهنگ مناسب را انتخاب بکند؛ چون این الحان بیگانه است برای ما؛ الحان آشنا و مأنوسی نیست؛ مثل الحان فارسی و آهنگ‌های فارسی نیست. لکن الحان

قرآنی به خاطر تکرار در بین اهل قرآن و اهل تلاوت یواش یواش مأتوس شده و مردم آشنا شدند؛ این الحان را درست باید ادا کرد. بنده گاهی می‌شنوم خواننده‌ای تلاوت‌هایی را با صدای خوش، با صدای بسیار خوب، صدایی که هم جنس خوبی دارد، هم قوّت خوبی دارد، هم کشش و قدرت تحریر خوبی دارد، یک آیه‌ای را می‌خواند متنها لحن را رعایت نمی‌کند؛ رعایت لحن کلام، یعنی آن نظم آهنگ، آن چیزی که تلاوت شما بر اساس آن است، لازم است؛ قرآن را به طور معمولی نمی‌خوانید، با آهنگ می‌خوانید. شاید در همه ادیان – حالا تا آنجایی که بنده در بعضی ادیان توحیدی و حتی ادیان غیرتوحیدی دیدم – متون مقدس را با آهنگ می‌خواند؛ این را ما از نزدیک مشاهده کردیم. پس تلاوت را با آهنگ می‌خوانید، این آهنگ بایستی درست ادا بشود.

لحن بایستی با موازین خودش ادا بشود، والا اگر رعایت نشد، مطمئناً آن اثر مطلوب را نخواهد بخشید؛ گاهی اثر عکس می‌بخشد.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان درسی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن
کریم ۱۳۹۴/۰۳/۰۲

لزوم شکل‌گیری جامعه قرآنی

امیدواریم که خداوند ما را اهل قرآن قرار بدهد. باید اهل قرآن شد؛ تلاوت قرآن مقدمه است، هدف نیست؛ هدف، تخلق به اخلاق قرآن است. از زوجات مکرّمه پیغمبر نقل شده است که در باره اخلاق پیغمبر این جور گفته‌اند: «کانَ خُلُقُهُ الْقُرْآن»؛ (شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۴۰) اخلاق پیغمبر، قرآن بود؛ یعنی پیغمبر، قرآن مجسم بود. رفتار ما، اخلاق ما، تخلق شخصی ما بربطی قرآن باشد؛ این لازم است. تلاوت مقدمه این است؛ فقط هم این نیست؛ علاوه بر شکل‌گیری شخصی بربطی قرآن، جامعه ما و محیط زندگی ما هم باید قرآنی بشود.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان درسی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن
کریم ۱۳۹۴/۰۳/۰۲

مقدمه نفوذ مفاهیم در دل‌ها

تلاوت قرآن با صوت خوش و با لحن خوب و با آداب و رسوم تلاوت، مقدمه‌ای است برای نفوذ مفاهیم قرآن در دل‌ها. اگر این فایده را از آن بگیریم و به تلاوت قرآن به عنوان یک خوش صدایی و یک آوازه‌خوانی فقط نگاه کنیم، مطمئناً از این رتبه والا سقوط خواهد کرد. این‌همه تأکید بر اینکه قرآن را با صوت خوش بخوانند و با آداب بخوانند و با الحان مطلوب بخوانند، برای این است که مفاهیم قرآن در دل‌ها اثر کنند، با قرآن انس بگیریم، به رنگ قرآن و به خُلق قرآن و به شکل قرآن در بیاییم.

بیانات در محفل انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴/۰۳/۲۸

لزوم توجه به خصوصیات حج

حج متعلق به ما ایرانی‌ها فقط نیست؛ حج متعلق به اسلام است، متعلق به امت اسلامی است، ضامن تداوم اسلام است. احترام ماههای حج - که خدای متعال برای آشهر حج احترام قائل شده است؛ حتی زمان، احترام دارد؛ مکان، احترام دارد - نشان می‌دهد که چقدر این عملیات عظیم است، مؤثّر است؛ اینها نشان‌دهنده این است که این فریضه، از یک خصوصیاتی نسبت به امت اسلامی برخوردار است که هیچ فریضه دیگری دارای این خصوصیات نیست؛ این را باید توجه داشت

بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج ۱۳۹۴/۰۵/۳۱

در بعثت پیامبر دلهای آحاد بشر به سمت معنویات میل و گرایش پیدا کرد

تبریک عرض میکنم عید بزرگ و بی نظیر بعثت پیامبر اکرم را به همه‌ی حضار محترم، میهمانان عزیزی که در جمهوری اسلامی هستند و سفرای محترم کشورهای اسلامی و همه‌ی ملت ایران و همه‌ی مسلمانان عالم و به همه‌ی آزادگان جهان. بعثت حادثه‌ی یگانه و بی نظیری است که حقیقتاً هیچ حادثه‌ی دیگری در تاریخ بشر به اهمیّت و عظمت بعثت پیغمبر وجود ندارد. بعثت پیغمبر، اوج رحمت پروردگار بر بنی بشر و انسانیّت بود. فرستادن پیامبران، ارسال پیغمبران برای هدایت

انسان، برای رساندن انسان به نقطه‌ی اوج، بزرگ‌ترین رحمت پروردگار در حق بشر است و اوج این حرکت در بعثت پیغمبر اکرم بود. راهی بر روی بشر گشوده شد که این راه تا آخر دنیا، این قدرت را و ظرفیت را دارد که بشر را پیش ببرد، همچنان که از آن روز تا زمان حاضر، انسانیت پیش رفته است؛ فکر انسان، ذهن انسان، بسیاری از حقایقی که ادیان متفکل بیان آن بودند، جزو عرف جامعه‌ی بشری شده است و بحمدالله دلهای آحاد بشر به سمت معنویات میل و گرایش پیدا کرده است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

با مبارزه با ستمگران می‌توان حق را پیش برد

در بعثت آنچه لب مطلب است عبارت است از توحید؛ توحید یعنی عبودیت خدای متعال به صورت انحصاری؛ یعنی هواها، هوس‌ها، شهوت‌ها، غضب‌ها بر زندگی انسان حاکم نباشد؛ یعنی دیکتاتوری‌ها، استبدادها، منیت‌ها اداره کننده‌ی زندگی انسان نباشند؛ منشأ مدیریت زندگی انسان عبارت باشد از علم الهی و قدرت الهی و رحمت الهی و فیض الهی و هدایت الهی؛ این معنای توحید است. در درجه اول همه‌ی آن کسانی که با منیت خود، با تکبیر خود، با استبداد خود، با ظلم خود میخواهند بر امور جامعه‌ی بشری و جوامع بشری تسلط پیدا کنند، با شعار توحید عقب زده میشوند، لذا دشمنی میکنند. وَكَذِلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَذُولًا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمُ إِلَى بَعْضٍ رُّخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ همه‌ی پیغمبران با صاحبان زر و زور، با مستبدان عالم، با زور گویان عالم، با فراعنه‌ی عالم روبه رو شدند، مواجه شدند و با آنها مبارزه کردند. بدون مبارزه‌ی حق، باطل مجبور به عقب نشینی نمی‌شود. اینکه بشریت روزبه روز از اول تاریخ بشر تا امروز به معارف الهی نزدیک شده و نزدیک تر شده است، به خاطر مبارزه است؛ چون حق باید مبارزه کند .الَّذِينَ آمَنُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ؛ بدون مبارزه‌ی با مستبدان و زور گویان و بدخواهان بشر و ظالمین و ستمگران نمی‌شود حق را پیش برد؛ مبارزه لازم است و پیغمبران این کار را کردند؛

و توحید، متنضمّن کلیات و اصول و خطوط اصلی این مبارزه است.
بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

امّت اسلامی باید از بُن دندان به توحید برگردد

«الله أَلَّا إِلَهَ» صرفاً یک مسئلهٔ اعتقادی و ذهنی محض نیست؛ «الله أَلَّا إِلَهَ» منشأ اثر است، منشأ عمل است. همین دولت اسلامی‌ای که آقای رئیس جمهور اشاره کردند که در مدینه به وجود آمد، ناشی از «الله أَلَّا إِلَهَ» است؛ یعنی حکومت جز به دست خدای متعال و مبعوثین خدا، در ادیان الهی معنی ندارد؛ برای همین هم به مجرّدی که پیغمبر فرمود: قولوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْلِحُوا، صاحبان زر و زور در همان محیط محدود و کوچک مکه در مقابل او صفات آرایی کردند؛ بعد در مدینه که دولت اسلامی تشکیل شد، باز حکومت‌ها و امپراتوری‌ها و قدرت‌های جهانی در مقابل اسلام صفات آرایی کردند؛ این صفات آرایی از روز اوّل تا امروز وجود داشته‌است و از روز اوّل تا امروز، عقب نشینی در این مصاف، سرنوشت باطل بوده است و پیش روی، سرنوشت حق بوده است. همان جمعیّت محدودی که در مکه با آن فشار زندگی می‌کردند، امروز یک جامعهٔ عظیم بشری است با افتخارات فراوان، با امکانات فراوان و با امید فراوان و با آیندهٔ روشن. این را باید فهمید: امّت اسلامی باید از بُن دندان به توحید برگردد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

امروز ما به قرآن احتیاج داریم

مسئلهٔ قرآن، مسئلهٔ بسیار مهم‌ما است؛ مسئلهٔ همیشهٔ دنیای اسلام و امّت اسلام است. ما باید به قرآن تمسّک کنیم. امّت اسلامی اگر از قرآن استفاده نکند و اعراض کند کما اینکه متأسّفانه در بُرهه‌های زیادی از تاریخ ما این اتفاق افتاده است ضربه خواهد خورد، سیلی خواهد خورد؛ همچنان‌که خورد. امروز ما به قرآن احتیاج داریم؛ راه صحیح زندگی جوامع اسلامی و امّت اسلامی،

عمل به قرآن است؛ در یک روایتی می فرماید: إنَّ هَذَا الْقُرْآنَ حَبْلُ اللَّهِ -اینکه در قرآن دارد که «واعتصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ این حبل الله، همین قرآن است- وَهُوَ النُّورُ الْمُبِينُ؛ خاصیت نور چیست؟ نور فضا را روشن می کند، راه را به انسان نشان می دهد، انسان قدرت بینایی پیدا می کند، بصیرت پیدا می کند؛ نور که نبود، چشم هم به کار نمی آید و فایده‌ای ندارد، چون جایی را نمی بیند. ما دارای عقل هستیم، دارای توانایی‌های گوناگون هستیم، دارای قدرت فکری هستیم، اما اگر نور نباشد، اینها نمی تواند به ما کمک کند؛ نور لازم است. این نور، قرآن است؛ و الشفاعة النافع؛ [ما] مریضیم، بیماری داریم. عقب ماندگی کشورهای اسلامی را ببینید؛ تسلط کفار بر بسیاری از کشورهای اسلامی را ملاحظه کنید؛ اینکه رئیس جمهور آمریکا با کمال وقارت می ایستد آنجا و می گوید اگر ما نباشیم، بعضی از این کشورهای عربی یک هفته هم نمی توانند خودشان را حفظ کنند، این تذلیل مسلمان‌ها است؛ این به خاطر این است که این بیماری است، از این بیماری ذلت هیچ بیماری‌ای بالاتر و بدتر نیست.

این ذلت است، این به خاطر عدم تمسک به قرآن است، به خاطر این است که ما این شفا را از دست داده‌ایم، این درمان را از دست داده‌ایم. «عِصْمَةٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ وَنَجَاهٌ لِمَنْ تَبَعَهُ» واقعیت است؛ قرآن این است. ما امروز [به قرآن] احتیاج داریم؛ هم در زندگی شخصی مان به قرآن احتیاج داریم، هم در زندگی اجتماعی، هم در سیاست‌مان، هم در سلوک حکومتی خودمان. قرآن به ما درس می دهد؛ [مثل] همین آیاتی که اینجا امروز تلاوت شد: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أُشْدِاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَتَعَوَّنَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَنْبَرِ السُّجُودِ؛ اینها خصوصیات مؤمن است، قرآن می‌گوید این جوری باید باشد. اوّلش «أُشْدِاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» است؛ در مقابل کفار سخت ایستادن، مثل خاکریزهای نرمی که قابل نفوذ است نبودن، مثل سد مستحکمی در مقابل کفار ایستادن. مسلمان‌ها باید در مقابل استکبار بایستند؛ مسلمان‌ها باید در مقابل زور گویی آمریکا و بقیه‌ی زور گوهای عالم بایستند؛ اگر این را رعایت نکنند، اگر این مرزها را توجه

نکنند، ذلیل خواهند شد، دچار فساد خواهند شد، دچار عقب ماندگی خواهند شد که الان این متأسفانه اتفاق افتاده. در آیات آخر سوره‌ی مبارک انفال، آنجایی که بحث ولایت مؤمنین با یکدیگر است [می‌فرماید]: **أُولٰئِكَ بَعْضُهُمُ أُولِيَاءُ بَعْضٍ، [این] راجع به مؤمنین؛ در مورد کفار در آیه‌ی بعد می‌فرماید که آنها هم «بعضُهُمْ أُولِيَاءُ بَعْضٍ»؛ هم مؤمنین اولیای یکدیگرند و با همدیگر پیوند ولایتی دارند، هم کفار با یکدیگر پیوند ولایتی دارند. پس این تکلیف است به زبان اخبار، اما در واقع انشاء است و معناش این است که مؤمن با مؤمن باستی پیوند ولایتی داشته باشد، مال هرجای دنیای اسلام که هست باشد؛ این وحدتی که ما می‌گوییم این است. در مقابل، بایستی در جبهه‌ی مقابل، کفار را که ملاحظه می‌کند با آنها پیوند نداشته باشد، با آنها ولایت نداشته باشد. ولایت کفار، مسلمان‌ها را بدربخت می‌کند؛ [مثل] این ولایتی که امروز مشاهده می‌کنید و بعضی از کشورها با رژیم صهیونیستی بنا می‌کنند به مبادله‌ی کلمات محبت‌آمیز و ارتباطات گوناگون سیاسی و اقتصادی و غیره. بعد می‌فرماید: **إِلَّا تَعْلُوُهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ**؛ اگر چنانچه این ولایت بین مؤمنین و قطع ولایت بین مؤمنین و کفار رعایت نشود در زمین، فتنه و فساد کبیر به وجود می‌آید. امروز این اتفاق افتاده؛ امروز در منطقه‌ی اسلامی ما جنگ هست، جنگ داخلی هست، خونریزی هست، فشارهای فراوان هست؛ دولت‌های بی‌عقل و عقب‌مانده بعضی از کشورها علیه کشورهای دیگر وارد جنگ می‌شوند، وارد جنایت کاری می‌شوند. شما ملاحظه کنید، امروز مردم یمن دچار چه مصیبی‌اند! عروسی‌شان عزا می‌شود؛ بمباران شان می‌کنند، مردم کوچه و بازار و مسجد و مانند اینها را نابود می‌کنند؛ در افغانستان یک‌جور دیگر، در پاکستان یک‌جور دیگر، در سوریه به یک نحو دیگر؛ این به خاطر این است که ما مسلمان‌ها ولایت بین مؤمنین را فراموش کردی‌ایم! یعنی به قرآن عمل نمی‌کنیم؛ این عمل نکردن به قرآن است. اگر به قرآن عمل بکنیم، عزت پیدا می‌کنیم؛ این راهی است**

که مسلمان‌ها را خوشبخت می‌کند.

دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۷/۰۲/۰۶

بکارگیری قرآن توسط جوانان در تمامی امور (شخصی و حکومتی)

ما در جمهوری اسلامی قریب چهل سال است که توانسته ایم در مقابل زورگویی استکبار بایستیم و پیشرفت هم بکنیم. به کوری چشم آنهایی که می‌خواستند جمهوری اسلامی را از بین ببرند، ما ریشه‌دارتر شدیم، توانایی مان بیشتر شد، قادرت مان بیشتر شد، پیشرفت بیشتری کردیم؛ به کوری چشم دشمن! این خواندن قرآن و تلاوت قرآن و لحن قرآن و تجوید قرآن و مانند اینها همه مقدمه است؛ حفظ قرآن مقدمه است، خواندن قرآن در این جلسات مقدمه است؛ مقدمه‌ی فهمیدن است و فهمیدن مقدمه‌ی عمل کردن است. شما جوان‌های عزیز، شما اغلب جوان هستید با قرآن با این چشم، با این احساس رو به رو بشوید که بایستی معارف قرآن را برای زندگی خود تان (زندگی شخصی تان، زندگی اجتماعی تان و زندگی حکومتی تان) فرا بگیرید و آنها را به منصه‌ی عمل در بیاورید؛ [به این] مقید بشوید. اگر با این نگاه، با این احساس با قرآن رو به رو شدید، فردای دنیای اسلام بمراتب از امروز بهتر خواهد بود؛ دیگر آمریکا جرئت نمی‌کند علیه کشورهای اسلامی و علیه امت اسلامی این جور خطوشنان بکشد، تهدید بکند. اگر به قرآن تکیه کردیم، از قرآن فرا گرفتیم، به قرآن تمسک کردیم، این تمسک به حبل الله است و تمسک به حبل الله موجب می‌شود که انسان بتواند مستحکم بایستد. وقتی شما از یک مسیری دارید عبور می‌کنید و یک دستاویزی هست که محکم به آن می‌چسید، دیگر خطر سقوط وجود ندارد؛ حبل الله این است، اگر تمسک کردید، خطر سقوط از بین خواهد رفت؛ امیدواریم ان شاء الله که روزبه روز دنیای اسلام به این نزدیک‌تر بشود. بنده مجلداً از دست اندکاران این همایش و حضار همایش و مهمانان همایش تشکر می‌کنم.

دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۷/۰۲/۰۶

تدبر در قرآن را فراموش نکنید

شما جوان های عزیز، انس با قرآن را و تدبیر در قرآن را روز بروز بیشتر کنید؛ تلاوت قرآن را فراموش نکنید، تدبیر در قرآن را فراموش نکنید. در این خطبه‌ای که از امیر المؤمنین علیه السلام در اینجا خوانده شد، فرمود: ما جالس‌آخه‌های قرآن إلا قام عنّه بزياده آو نُقصان زياد فی هدای و نُقصان عن عَمَى؛ وقتی پای قرآن نشستیم و از کنار قرآن بعد از بهره‌گیری از آن برخاستیم، باید هدایت ما افزایش پیدا کرده باشد و کوردلی ما کاهش پیدا کرده باشد؛ معرفت ما باید بیشتر بشود، انس ما با معارف حقه بیشتر بشود، قُرب ما به خدای متعال بیشتر بشود، شوق ما به عبادت افزون‌تر بشود.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

خیلی خوب است اینکه امام جمعه [حتی] روضه را هم روضه‌ی قرآنی می‌خواند

خیلی متشرکریم از بیانات امام جمعه‌ی محترم و سردار مکرم از قزوین، این فرمایشات آقای امام جمعه، مشحون به آیات کریمه‌ی قرآن بود؛ خیلی خوب است اینکه از اول تا آخر، [حتی] روضه را هم شما روضه‌ی قرآنی می‌خوانید؛ این از جمله‌ی چیزهای بسیار خوب است، این روش را رها نکنید. البته آن آیه‌ی شریفه‌ی «الذین استَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الظَّرَحَ» مال شهدا نیست، مال جانبازها است یعنی آنهایی که بعد از جنگ اُحد زخمی شدند، بعد [علده‌ای] آمدند گفتند: الذين قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله وَيَعْمَلُ الوكيلُ * فانقلبوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللهِ وَفَضْلِهِ لَمْ يَمْسِسُهُمْ سوءٌ؛ مال آنها است که با اینکه زخمی بودند، [وقتی] حضرت فرمود که آنهایی که زخم خورده‌اند، بیایند در این حرکت، بلند شدند رفتند و جواب دشمن را دادند و برگشتند. به‌حال خیلی متشرکریم از بیاناتتان و همچنین بیانات آقای استاندار.

بیانات در دیدار اعضای کنگره‌ی بزرگداشت شهدای استان قزوین ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

فلاح و رستگاری در گرو تبعیت از قرآن است

تبریک عرض می کنم سالروز میلاد مبارک نبی رحمت، حضرت خاتم الانبیا محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم سالروز ولادت باسعادت حضرت جعفر بن محمد الصادق امام ع بزرگوار را به همه شما حضار محترم، به میهمانان عزیز کنفرانس وحدت اسلامی و سفرایی که در جلسه حضور دارند؛ و همچنین تبریک می گوییم به همه ملت ایران، به همه مسلمانان عالم بلکه به همه آزادگان عالم از مسلمان و غیرمسلمان - ولادت پیامبر اکرم را؛ خورشید فروزانی که در دوران جهل و فریب جاهلیت، طلوع کرد و جهان را روشن کرد؛ به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ): وَ الدُّنْيَا كَاسِفَةُ النُّورِ ظَاهِرَةُ الْغُرُورِ؛ حقیقت قضیه همین است؛ دنیا، در تاریکی جهل و فریب فرو رفته بود، در آن دورانی که پروردگار عالم این نور را به بشریت اهدا فرمود و عطا فرمود. امروز جسم مبارک پیغمبر در میان ما نیست لکن «أَرْسَلَ اللَّهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ»؛ دین او، هدایت او همراه ما است. اگر از این نور تبعیت کنیم، اگر مشمول این تعبیر قرآنی باشیم که «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ»، آن وقت نتیجه اش این است که «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ تبعیت از هدایت الهی و نوری که او آورد - که این نور، قرآن است و قرآن کتاب هدایت و کتاب نور است - تبعیت از این هدیه الهی به وسیله‌ی پیغمبر اکرم به بشریت، موجب این است که فلاخ و رستگاری به بشر عطا بشود و عنایت بشود.

بيانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۷/۰۹/۰۴

وعده‌ی الهی (پیروزی بر دشمنان) تحقق پیدا خواهد کرد

مقاومت هم جز در سایه‌ی ایمان بالله و اتکاء بالله و اعتماد به وعده‌ی الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده است، با تأکید فرموده است: وَلَيَصُرَّنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ با تأکید، وعده‌ی نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کیم، به وعده‌ی الهی با چشم حُسن ظن نگاه کیم نه با سوء ظن، پیروز خواهیم شد. سوء ظن به وعده‌ی الهی مال کفار است؛ الظَّانِينَ بِاللَّهِ ظَلَّنَ السَّوءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَهُ السَّوءِ وَغَضِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ؛ این کسانی که به وعده‌ی الهی سوء ظن دارند، معلوم است که از وعده‌ی الهی سود نخواهند برد. ملت ایران

حسن ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله‌ی نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! امروز این شجره‌ی طبیه شجره‌ی طبیه‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران- شجره‌ی طبیه‌ای است که «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرَغُهَا فِي السَّمَاء». روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است. رحمت خدا بر امام بزرگوار ما که او این راه را جلوی پای ما باز کرد، و رحمت خدا بر شهیدان عزیز ما که آنها بودند که جان خودشان را در این راه گذاشتند و توفیقات را برای ملت ایران به وجود آوردن؛ ان شاء الله در آینده هم همین خواهد بود. [اگر] برادران مسلمان، وحدت را، اتحاد را، یک‌بانی را، یکدلی را در همه‌ی منطقه‌ی اسلامی در نظر بگیرند، بر همه‌ی این توطئه‌ها ان شاء الله غالب خواهند شد به فضل الهی.

بيانات در دیدار مشولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۷/۰۹/۰۴

سمت و سوی برانگیختن عبارت است از عبودیت خدا

در مسئله‌ی مبعث یک نکته‌ای وجود دارد و آن، این است که از ارسال رسول، فرستادن پیامبران -که برای هدایت بشر است- در قرآن مکرر در مکرر تعبیر شده است به بعثت، برانگیختن؛ ارسال رسول را در قرآن تعبیر می‌کند به «بعث»؛ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا؛ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأَمَمِينَ رَسُولًا؛ وَلَقَدْ بَعَثْتَنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا؛ نکته‌ی مهمی است: «بعث» است، برانگیختن است، یک حرکت معمولی درس آموز نیست. پیغمبری که در جامعه‌ای ظهور می‌کند، فقط این نیست که آمده تا یک چیزهایی را به مردم یاد بدهد؛ بله، «يُعَلَّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةُ» هست، «يُزَكِّيْهِم» هست اما همه‌ی اینها در قالب یک بعثت است، در قالب یک حرکت عظیم است. بعثت یعنی برانگیختگی. جهت این برانگیختگی چیست؟ سمت

و سوی این برانگیختگی چیست؟ سمت و سو عبارت است از همان که در خود قرآن باز مکرر ذکر شده است: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَبِبُوا الطَّاغُوتَ؛ اوًّلاً عبودیت خدا، یعنی چهارچوب حیات را در خدمت امراللهی و نواحی اللهی قرار دادن؛ و [ثانیاً] اجتناب از طاغوت. طاغوت کیست؟ همهی ظالمان، همهی پادشاهان خبیث، در مثل امروزی همهی رؤسای جمهور مثل اینهای که امروز در آمریکا و در بعضی از کشورهای دیگر هستند -اینها همان طواغیتند- معنای اجتناب از طواغیت این نیست که دامت را از آنها دور کن تا آلوده نشوی؛ معنایش این است که یک خطی در مقابل خط توحید و خط عبودیت اللهی وجود دارد و آن، خط طاغوت است. کفر به طاغوت، همراه و ملازم با ایمان بالله است؛ این، جهت بعثت انبیا است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۸/۰۱/۱۴

تلاوت قرآن مقدمه‌ی فهم قرآن و به دست آوردن معرفت قرآنی است

آنچه مهم است، این است که ما قدر قرآن را بدانیم. قرآن فقط برای تلاوت کردن نیست؛ تلاوت قرآن مقدمه‌ی فهم قرآن و به دست آوردن معرفت قرآنی است؛ این را بایستی برای خودمان تأمین کنیم. اگر تلاوت، تلاوت درست و بهجایی باشد، دو فایده‌ی مهم را باید به ما بدهد: یکی اینکه معنویت ما را، روح معنوی ما را تعمیق کند، عمق ببخشد. ما غرق در امور مادی هستیم؛ انسان‌ها احتیاج دارند به توجهه معنوی، به روح معنویت و این با تلاوت قرآن -اگر خوب تلاوت کنیم قرآن را- حاصل می‌شود. و دوم اینکه به فکر خودمان و اندیشه‌ی خودمان مدد برسانیم و آن را از معرفت قرآنی تغذیه کنیم؛ یعنی قرآن، هم در دل ما اثر می‌گذارد، هم در ذهن ما اثر می‌گذارد. اگر با قرآن مأнос بشویم، خیلی از مفاهیم حیات و زندگی برای ما روشن خواهد شد. کچ رؤی‌ها، بدفهمی‌ها، یأس‌ها، خیانت‌های انسان‌ها به یکدیگر، دشمنی‌های انسان‌ها با یکدیگر، ذلیل کردن انسان خود را در مقابل طواغیت عالم و امثال اینها، همه ناشی از دوری از قرآن است. قرآن، هم به ما معنویت می‌دهد، هم به ما معرفت می‌دهد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است

قرآن کتاب سعادت بشر است بلاشک سعادت دنیا و آخرت. قرآن فقط برای سعادت آخرت نیست؛ سعادت دنیا را هم قرآن تأمین می‌کند. سعادت دنیا یعنی برخورداری از نعم الهی در این نشئه؛ این را با قرآن می‌شود تأمین کرد. می‌شود ملت‌ها با قرآن، با عمل به قرآن عزّت پیدا کنند، رفاه پیدا کنند، دانش پیدا کنند، قدرت پیدا کنند، وحدت و انسجام پیدا کنند، سبک زندگی شیرین پیدا کنند؛ اینها همه امور دنیوی است. آخرت هم که حیات معنوی و حقیقی و مستمر و ابدی است، با قرآن حاصل می‌شود. پس قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است، به شرط آنکه ما به قرآن عمل بکنیم؛ ببینیم قرآن چه می‌گوید.

ببینید! موارد عمل نکردن به قرآن در بین ما امت اسلامی یکی دو مورد نیست و گرفتاری‌های ما هم ناشی از همین‌ها است. مثلاً فرض بفرمایید قرآن درباره‌ی پیروان پیغمبر می‌فرماید: **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَتَعَوَّنُونَ** فضلًا من الله و رضوانا؛ پس «**أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ**». بعضی از ما «**أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ**» را فراموش می‌کنیم، می‌گذاریم کنار. مثل چه کسانی؟ مثل همین‌های که در کشورهای اسلامی با آمریکا ساختند، با صهیونیست‌ها ساختند، خون فلسطینی‌ها را لگد کردند، حق فلسطینی‌ها را ضایع کردند؛ اینها «**أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ**» را فراموش کردند و شدند نوکر کفار، شدند دنباله‌رو کفار، امربر کفار. الان بسیاری از سران کشورهای عربی از این قبیلند؛ اینها یک دسته‌اند. یک دسته‌ی دیگر هم «**رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ**» را فراموش کرده‌اند، اختلافات بین مسلمان‌ها را [به وجود می‌آورند]. و **الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ**؛ این را قرآن می‌گوید.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

عواقب در ک نکردن قرآن

آن وقت اینها می‌آیند مؤمن بالله را، مؤمن بالقرآن را، مؤمن بالکعبه را، مؤمن بالقبله را تکفیر می‌کنند، می‌گویند کافر است؛ این «رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» فراموش می‌شود. وقتی «رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» نبود، جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی راه می‌افتد؛ سوریه را ببینید، یمن را ببینید؛ الان بیش از چهار سال است که یمن دارد بمباران می‌شود؛ آن بمباران کننده کیست؟ کافر است؟ نه، یک مسلمانی است؛ بظاهر او هم مسلمان است اما به مسلمان رحم نمی‌کند. معنای «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِصْبَيْنِ» این است که به یک قسمت از قرآن [عمل می‌کنند]؛ أَفَقُوْمٌ مِنْهُمْ بِعَيْنِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ حالت خیلی از اینها که به هیچ چیز قرآن اعتقاد ندارند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

تلاوت قرآن مقدمه‌ی عمل است

پس تلاوت قرآن مقدمه‌ی عمل است، مقدمه‌ی معرفت است، مقدمه‌ی آشنایی است. ما به سهم خودمان ببینیم در این عرصه‌ی عمل چه کار می‌توانیم بکنیم. اوّلش این است که یاد خدا را فراموش نکنیم؛ بعد، این است که تقوای الهی را معیار کار خودمان قرار بدھیم؛ اینها کارهای آسان است، اینها کارهای ممکن است، اینها کارهای نشدنی نیست که بگوییم «چه جوری؟». به یاد خدا باشید :يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ ءامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا؛ هر کاری انسان می‌خواهد بکن، به این فکر باشد که آیا این کار موافق رضای الهی است یا نیست؛ اگر احراز نکرد که مخالف رضای الهی است اشکالی ندارد، لکن مواطن باشد که مخالف رضای الهی نباشد؛ این ذکر الهی است. ذکر فقط به زبان نیست؛ توجه به این معنا، ذکر الهی است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

آنچه من تأکید می‌کنم این است که با قرآن بیشتر انس بگیرید

عزیزان من! با قرآن بیشتر انس بگیرید. آنچه من تأکید می‌کنم و توصیه می‌کنم، این است که با قرآن بیشتر انس بگیرید. این ذکر الهی و تقوایی که عرض کردیم،

اگر برای ما حاصل بشود، آن وقت هدایت قرآنی هم برای ما آسان‌تر می‌شود؛ [چون] «هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ»؛ تقوا که بود، هدایتِ حتمی است؛ چون این قرآن، «هادی» بعضی و بعضی را «مُضْلِّ» [است]؛ پُضْلِّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ؛ این جوری است که بعضی‌ها را از آن طرف می‌برد، بعضی‌ها را هدایت می‌کند. هدایت مال متّقین است. هر چه تقوا بالاتر باشد، هدایت روشن‌تر و بالاتر است؛ باید این را دنبال بکنیم.

خدا را شکر می‌کنیم که بحمد الله ملت ما به هدایت قرآنی اقبال کرده؛ یک روزی این جور نبود. در دوران طاغوت در کشور ما این خبرها نبود؛ این انس با قرآن، این لذت بردن از تلاوت قرآن، این سعی برای حفظ قرآن، این سعی برای فهمیدن مطالب قرآن، نبود. گاهی یک قاری‌ای هم آن وقت داشتیم که مثلاً فرض کنید قرآن را می‌خواند [اما] نمی‌فهمید؛ امروز الحمد لله جوان‌های ما قرآن را می‌خوانند با فهم؛ می‌فهمند چه دارند می‌خوانند. این را روزبه‌روز باید تقویت کنیم، این حالت را روزبه‌روز باید تشدید کنیم.

بيانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

تمسک به قرآن، مایه‌ی سعادت ما است

بدانید که آنچه امروز دشمنان علیه جمهوری اسلامی به یک صورت، و علیه امت اسلامی به یک صورت -متها ظهور دشمنی‌ها نسبت به جمهوری اسلامی بیشتر است -انجام می‌دهند، نفّس‌های آخر دشمنی دشمن نسبت به جمهوری اسلامی است. هر چه آنها سخت‌تر بگیرند، اراده‌ی ما قوی‌تر خواهد شد؛ هر چه آنها شدتِ عمل به خرج بدهنند، ما قوی‌تر خواهیم شد. هر چه آنها نسبت به پاییندی ما به مفاهیم قرآنی و معارف قرآنی بیشتر عصبانی بشوند، به توفیق الهی تمسک ما به قرآن بیشتر خواهد شد. تمسک به قرآن، مایه‌ی سعادت ما است، مایه‌ی قوت ما است، مایه‌ی عزّت ما است؛ و از خداوند متعال می‌خواهیم که این تمسک را

روزبه روز در ما بیشتر کند و ما را به آن اهدافی که قرآن برای ما معین کرده است
برساند.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

از جمله‌ی برکات ماه مبارک رمضان؛ محافل قرآنی است

از جمله‌ی برکات این ماه، محافل قرآنی ای [است] که روزافزون است؛ در همه
جای کشور تقریباً محافل جزو خوانی قرآن وجود دارد که بسیار مغتنم و بسیار کار
مفیدی است. و اراده‌ی آحاد مردم در این ماه، در راه خدا تقویت می‌شود و به
سمت تقویای الهی حرکت می‌کنند؛ بخصوص در شب‌های قدر که این اجتماعات
عظیم شب‌های قدر حقیقتاً عبرت انگیز است؛ افراد مختلف، قشرهای مختلف
اجتماعی با لباس‌ها و شیوه‌ها و رفتارهای گوناگون همه در زیر یک سقف، در یک
مجمع جمع می‌شوند، متوصّل می‌شوند، اشک‌هایشان جاری می‌شود؛ اینها را باید
قدر دانست. ماه رمضان، ماه جربان رحمت الهی است؛ این ذخیره‌ای است برای
کشور ما و ملت ما و امیدواریم خداوند کمک کند و توفیق بدهد این ذخیره را
ان شاء الله تا ماه رمضان دیگر حفظ کنید که بتوانید بار دیگر این باب رحمت الهی را
به روی خودتان بگشايد.

جهت تعجیل در امر فرج امام زمان(عج) و طول عمر نایب برق ایشان صلوات

